

الأذكار من كلام سيد الأبرار

ترجمه‌ی فارسی

تألیف:

الإمام الحافظ شيخ الإسلام محي الدين
أبي زكريا يحيى بن شرف النووي الدمشقي الشافعي

ترجمه و شرح:

شيخ محمد علي خالدي

(سلطان العلماء)

این کتاب از سایت کتابخانه‌ی عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.shabnam.cc

www.kalemeh.tv

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.zekr.tv

www.mowahedin.com

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.nourtv.net

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
فصل فی الأمر بالإخلاص وحسن النیات فی جمیع الأعمال الظاهرات والخفیات در امر به اخلاص و حسن نیت و خیراندیشی در همه ی اقوال و اعمال پیدا و ناپیدا.....	۱۳
«باب مختصر فی أحرف مما جاء فی فضل الذکر غیر مقید بوقت» بابی است مختصر در بیان چند سخن از آنچه در فضیلت ذکر خدا آمده بدون این که مقید به وقت معین باشد	۱۸
«باب ما یقول إذا استیقظ من النوم» بابی است در بیان زکری که موقع بیدارشدن از خواب می گوید.....	۲۶
«باب ما یقول إذا لبس ثوبه» بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس می گوید.....	۲۷
«باب ما یقول إذا لبس ثوباً جدیداً أو نعلین وما أشبهه» بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس، کفش نو و مانند آنها می گوید.....	۲۸
«باب ما یقول لصاحبه إذا رأى علیه ثوباً جدیداً» بابی است در بیان آنچه به دوستش می گوید، وقتی که دید لباس نوی پوشیده است	۲۹
«باب کیفیة لبس الثوب والنعل وخلعهما» بابی است در بیان چگونگی پوشیدن لباس، کفش و بیرون آوردن آنها.....	۲۹

«باب ما يقول إذا خلع ثوبه لغسل أو نوم أو نحوهما» بابی است در بیان آنچه به هنگام بیرون آوردن لباسش برای شستن یا خوابیدن یا مانند آنها می گوید ۳۰

«باب ما يقول حال خروجه من بيته» بابی است در بیان آنچه هنگام خروجش از خانه می گوید ۳۰

«باب ما يقول إذا دخل بيته» بابی است در بیان آنچه وقتی که داخل خانه اش می شود، می گوید ۳۱

«باب ما يقول إذا استيقظ في الليل وخرج من بيته» بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در شب از خواب بیدار شود و از خانه بیرون برود ۳۳

«باب ما يقول إذا أراد دخول الخلاء» بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مستراح می گوید ۳۶

«باب النهي عن الذكر والكلام على الخلاء» بابی است در بیان نهی از ذکر خدا و سخن گفتن به هنگام قضای حاجت ۳۷

«باب النهي عن السلام على الجالس لقضاء الحاجة» بابی است در بیان نهی از سلام کردن بر کسی که برای قضای حاجت نشسته است ۳۷

«باب ما يقول إذا خرج من الخلاء» بابی است در بیان آنچه موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می گوید ۳۸

«باب ما يقول على وضوءه» بابی است در بیان آنچه در حال وضو می گوید ۳۸

«باب ما يقوله على اغتساله» بابی است در بیان آنچه که موقع بدن شستن می گوید ۴۱

«باب ما يقول على تيممه» بابی است در بیان آنچه به وقت تیمم می گوید ۴۱

- «باب ما يقول إذا توجه إلى المسجد» بابی است در بیان آنچه موقع رفتن به مسجد می‌گوید..... ۴۲
- «باب ما يقول عند دخول المسجد والخروج منه» بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از آن می‌گوید..... ۴۳
- «باب ما يقول في المسجد» بابی است در بیان آنچه در مسجد می‌گوید..... ۴۴
- «باب انكاره ودعائه على من ينشد ضالة في المسجد او يبيع فيه» بابی است در بیان انكار و نفرین کردن بر کسی که در مسجد به دنبال گمشده اش می‌گردد یا خرید و فروش می‌کند..... ۴۵
- «باب ما يقول إذا رأى من ينشد في المسجد شعراً ليس فيه مدح الإسلام ولا ترغيب إلى مكارم الأخلاق» بابی است در بیان آنچه می‌گوید هرگاه کسی را دید که در مسجد شعری می‌خواند که در آن مدح اسلام و تشویق به مکارم اخلاق نیست..... ۴۵
- «باب فضيلة الأذان» بابی است در بیان فضیلت اذان..... ۴۶
- «باب صفة الأذان» بابی است در بیان چگونگی اذان..... ۴۶
- «باب ما يقول من سمع المؤذن والمقيم» بابی است در بیان آنچه که شنونده‌ی اذان و اقامه می‌گوید..... ۴۸
- «باب الدعاء بعد الأذان» بابی است در بیان این که دعا بین اذان و اقامه مستجاب می‌شود..... ۵۱
- «باب ما يقول بعد ركعتي الصبح» بابی است در بیان آنچه بعد از دو رکعت سنت قبلیه‌ی صبح می‌گوید..... ۵۲
- «باب ما يقول إذا انتهى إلى الصف» بابی است در بیان آنچه وقتی به صف نماز جماعت رسید، می‌گوید..... ۵۲
- «باب ما يقوله عند أرادته القيام إلى الصلاة» بابی است در بیان آنچه به هنگام برخاستن برای نماز می‌گوید..... ۵۳

- «باب الدعاء عند الإقامة» بابی است در بیان دعایی که موقع اقامه‌ی نماز فرض گفته می‌شود ۵۳
- «باب ما یقوله إذا دخل الصلاة» بابی است در بیان دعایی که موقع نماز بستن می‌گوید ۵۴
- «باب تکبیرة الإحرام» بابی است در بیان الله اکبر که با آن نماز را آغاز می‌کنیم ۵۴
- «باب ما یقوله بعد تکبیرة الإحرام» بابی است در بیان آنچه بعد از تکبیرة الإحرام می‌گوید ۵۵
- «باب التعوذ بعد دعاء الاستفتاح» بابی است در بیان أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بعد از دعای استفتاح ۵۷
- «باب القراءة بعد التعوذ» بابی است در بیان خواندن سوره‌ی فاتحه بعد از گفتن أعوذ بالله من الشیطان الرجیم ۵۸
- «باب أذکار الركوع» بابی است در بیان أذکار رکوع ۶۲
- «باب ما یقوله فی رفع رأسه من الركوع وفی اعتداله» بابی است در بیان آنچه در حال سر بالا آوردن از رکوع و در حال اعتدال می‌گوید ۶۴
- «باب أذکار السجود» بابی است در بیان أذکار سجود ۶۵
- «باب ما یقول فی رفع رأسه من السجود وفی الجلوس بین السجدةین» بابی است در بیان آنچه وقتی که سر از سجود اول برداشت و آنچه در نشستن میان دو سجود می‌گوید ۶۸
- «باب أذکار الركعة الثانية» بابی است در بیان اذکار رکعت دوم ۶۸
- «باب القنوت فی الصبح» بابی است در بیان خواندن قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح ۶۹
- «باب التشهد فی الصلاة» بابی است در بیان تشهد در نماز ۷۴

- «باب الصلاة على النبي ﷺ بعد التشهد» بابی است در بیان درودفرستادن بر رسول الله ﷺ بعد از تشهد اخیر..... ۷۶
- «باب الدعاء بعد التشهد الأخير» بابی است در بیان مستحب بودن دعا بعد از تشهد آخر..... ۷۷
- «باب السلام للتحلل من الصلاة» بابی است در بیان سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز..... ۷۹
- «باب ما يقوله الرجل إذا كلمه إنسان وهو في الصلاة» بابی است در بیان آنچه شخص می گوید وقتی که در حال نماز است و دیگری با او سخن می گوید..... ۸۰
- «باب الأذكار بعد الصلاة» بابی است در بیان اذکاری که بعد از نماز خوانده می شود..... ۸۰
- «باب الحث على ذكر الله تعالى بعد صلاة الصبح» بابی است در باره ی تشویق به ذکر خداوند متعال پس از نماز صبح..... ۸۶
- «باب ما يقال عند الصباح وعند المساء» بابی است در بیان اذکاری که در بامدادان و شامگاهان گفته می شوند..... ۸۸
- «باب ما يقال في صبيحة يوم الجمعة» بابی است در بیان آنچه در صبح روز جمعه گفته می شود..... ۱۰۴
- «باب ما يقول إذا طلعت الشمس» بابی است در بیان آنچه موقع طلوع آفتاب می گوید..... ۱۰۴
- «باب ما يقول إذا استقلت الشمس» بابی است در بیان آنچه که وقت بالآمدن آفتاب می گوید..... ۱۰۵
- «باب ما يقول زوال الشمس إلى العصر» بابی است در بیان آنچه که بعد از زوال آفتاب تا عصر می گوید..... ۱۰۶
- «باب ما يقول بعد العصر إلى غروب الشمس» بابی است در بیان آنچه بعد از عصر تا غروب آفتاب می گوید..... ۱۰۶

- «باب ما يقول إذا سمع أذان المغرب» بابی است در بیان آنچه می‌گوید،
موقعی که اذان مغرب را می‌شنود..... ۱۰۸
- «باب ما يقول بعد الصلاة المغرب» بابی است در بیان آنچه بعد از نماز
مغرب می‌گوید..... ۱۰۸
- «باب ما يقرأه في صلاة الوتر وما يقوله بعدها» بابی است در بیان آنچه در
نماز وتر می‌خواند و آنچه بعد از نماز وتر می‌گوید..... ۱۰۹
- «باب ما يقول إذا أراد النوم واضطجع على فراشه» بابی است در بیان آنچه
می‌گوید وقتی که قصد خوابیدن نمود و به پهلو بر بسترش دراز کشید... ۱۱۱
- «باب كراهة النوم من غير ذكر الله تعالى» بابی است در بیان کراهیت
خوابیدن بدون ذکر خداوند متعال..... ۱۲۳
- «باب ما يقول إذا استيقظ في الليل وأراد النوم بعده» بابی است در بیان
آنچه می‌گوید وقتی که در شب بیدار شد و خواست بعد از آن بخوابد..... ۱۲۴
- «باب ما يقول إذا قلق في فراشه فلم يَنَمْ» بابی است در بیان آنچه می‌گوید
وقتی که در بستر خوابش ناآرام شد و به خواب نرفت..... ۱۲۶
- «باب ما يقول إذا كان يفزع في منامه» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی
که در خواب می‌ترسد..... ۱۲۷
- «باب ما يقول إذا رأى في منامه ما يحب أو يكره منه» بابی است در بیان
آنچه می‌گوید وقتی که در خواب دید آنچه را که دوست می‌دارد یا دید آنچه
را که دوست نمی‌دارد..... ۱۲۸
- «باب ما يقول إذا قُصَّتْ عليه رؤيا» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی
که دیگری خواب خود را برای او حکایت نمود..... ۱۲۹
- «باب الحث على الدعاء والاستغفار في النصف الثاني من كل ليلة» بابی است
در بیان تشویق و ترغیب به دعا و استغفار در نیمه‌ی دوم هر شب..... ۱۳۰
- «باب الدعاء في جميع ساعات الليل كل ليلة رجاء أن يصادف الإجابة» بابی

- است در بیان این که هر شب تمام لحظه‌های آن موقع دعاست، به امید این که
 با لحظه‌های اجابت دعا مصادف شود ۱۳۱
- «باب أسماء الله الحُسنى» بابی است در بیان نام‌های نیک خدا ۱۳۱
- «کتاب تلاوة القرآن» کتابی است در بیان تلاوت قرآن ۱۳۳
- «کتاب حمد الله تعالى» کتابی است در بیان ستایش خدای تعالی گفتن ۱۴۵
- «کتاب الصلاة على رسول الله ﷺ» کتابی است در بیان صلوات و
 سلام فرستادن بر رسول الله ﷺ ۱۴۸
- «باب أمر من ذكرَ عنده النبي ﷺ بالصلاة عليه والتسليم» بابی است در بیان
 این که هرکسی که نام پیغمبر ﷺ نزد او برده شد امر شده به او که صلوات
 و سلام بر رسول الله ﷺ بفرستد ۱۵۰
- «باب صفة الصلاة على رسول الله ﷺ» بابی است در بیان چگونگی
 درود فرستادن بر رسول الله ﷺ ۱۵۱
- «باب استفتاح الدعاء بالحمد لله والصلاة على النبي ﷺ» بابی است در بیان
 این که آغاز دعا را به حمد و ستایش خدای متعال و درود و سلام بر
 پیامبر ﷺ بگشاید ۱۵۲
- «باب الصلاة على الأنبياء وآلهم تبعاً لهم صلى الله عليهم وسلم» بابی است
 در بیان درود فرستادن بر پیغمبران و بر آل‌شان به تبعیت از ایشان درود و
 سلام خدا برایشان باد ۱۵۳
- «کتاب الأذکار والدعوات للأمور العارضات» کتابی است در بیان اذکار و
 ادعیه‌ی مربوط به امور عارضی ۱۵۵
- «باب دعاء الإستخارة» بابی است در بیان دعای استخاره ۱۵۵
- «أبواب الأذکار التي تُقال في أوقات الشدة وعلى العاهات» باب‌های در بیان
 اذکاری که در اوقات سختی و مصیبت گفته می‌شود ۱۵۷

- «باب دعاء الكرب والدعاء عند الأمور المهمّة» بابی است در بیان دعا به هنگام اندوه و کارهای مهم ۱۵۷
- «باب ما یقولُهُ إذا راعَهُ شَیْءٌ أَوْ فَرَعَ» بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که چیزی او را ترسانیده باشد یا دچار ناراحتی شده باشد ۱۶۰
- «باب ما یقولُهُ إذا أصابه هَمٌّ أَوْ حَزَنٌ» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که به او دلتنگی یا حزن و اندوهی رسید ۱۶۱
- «باب ما یقولُهُ إذا وقع فی هَلَكَةٍ» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در هلاکتی واقع شد ۱۶۲
- «باب ما یقول إذا خاف قوماً» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از گروهی بترسد ۱۶۲
- «باب ما یقول إذا خاف سلطاناً» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از سلطان یا حاکم بترسد ۱۶۳
- «باب ما یقول إذا نظر إلى عدوه» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که نظر به دشمن نمود ۱۶۳
- «باب ما یقول إذا عرض له شیطان أو خافه» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که شیطان متعرض او شد یا از شیطان ترسید ۱۶۴
- «باب ما یقول إذا غلبه أمر» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که کاری بر او چیره شد ۱۶۵
- «باب ما یقول إذا استصعب علیه أمر» بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که کاری بر او دشوار شد ۱۶۷
- «باب ما یقول إذا تَعَسَّرَتْ علیه معیشتُهُ» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که زندگی بر او دشوار شد ۱۶۷
- «باب ما یقول لدفع الآفات» بابی است در بیان آنچه می‌گوید برای دفع آفات و بلاها ۱۶۸

- «باب ما يقول إذا أصابته نكبة قليلة أو كثيرة» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که مصیبتی اندک یا بسیار به او برسد..... ۱۶۸
- «باب ما يقول إذا كان عليه دينٌ عجزَ عنه» بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که بدهی دارد و از پرداخت آن ناتوان مانده است..... ۱۶۹
- «باب ما يقوله من بلى بالوحشة» بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که دچار وحشت‌زدگی شد..... ۱۷۰
- «باب ما يقول مَنْ بُلِيَ بالسوسة» بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که مبتلا به وسواس شد..... ۱۷۰
- «باب ما يقرأ على المَعْتُوهِ والمَلْدُوغِ» بابی است در بیان آنچه خوانده می‌شود بر دیوانه و بر گزیده شده..... ۱۷۲
- «باب ما يعوذ به الصبيان وغيرهم» بابی است در بیان تعویذی که بر کودکان و غیر از آنان خوانده می‌شود..... ۱۷۶

مقدمه

الحمد لله الواحد القهَّار، العزيز الغفَّار، مُقدِّر الأقدار، مُصَرِّف الأمور مَكُور الليل على النهار، تبصرة لأولى القلوب والأبصار، الذي أيقظ من خلقه من اصطفاه فأدخله في جملة الأخيار. ووفق من اجتبه من عبیده فجعله من المقربين الأبرار، وبصر من أحبه فزهدهم في هذه الدار، فاجتهدوا في مرضاته والتأهب لدار القرار واجتناب ما يسخطه والحذر من عذاب النار، وأخذوا أنفسهم بالجد في طاعته وملازمة ذكره بالعشى والأبكار وعند تغير الأحوال وجميع آناء الليل والنهار، فاستنارت قلوبهم بلوا مع الأنوار. أحمده أبلغ الحمد على جميع نعمه وأسأله المزيد من فضله وكرمه، وأشهد أن لا إله إلا الله العظيم، الواحد الصمد العزيز الحكيم، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، وصفيه وحبيبه وخليله، أفضل المخلوقين، وأكرم السابقين واللاحقين، صلوات الله وسلامه عليه وعلى سائر النبيين وآل كل وسائر الصالحين.

اما بعد: كتاب «الأذكار من كلام سيد الأبرار» از بهترین تألیفات الإمام العالم العلامة سيد الحفاظ في عصره والجامع بين المنقول والمعقول في دهره، نسیج وحده وفريد عصره، أبي زكرياء يحيى بن شرف النووي تغمده الله برحمته وأسكنه الفردوس الأعلى من جنته، می باشد، روى این اصل با اندکی تلخیص به ترجمه و شرح این کتاب برخاستم تا برای مبتدئين امثال خودم نافع و سودمند باشد، و این کتاب را به سه قسمت تقسیم نمودم تا هر قسمتی جداگانه چاپ شود، و در اجتناب تطویل و ملازمت اختصار مایهی پسند دانش پژوهان قرار گیرد. کتابی که از قدیم در باره‌ی آن گفته شده: «بِع الدارَ واشْتَرِ الأذکار» «خانه را بفروش و اذکار را بخر».

معلوم است که تا چه حد مقبول نظر علما و صلحا می باشد، و ما با این شرح مختصر و مفید در جمله‌ی خادمان این کتاب قرار گرفتیم، امید ما به دریای رحمت پروردگار این است که کتاب و شرح آن را مقبول خاص و عام قرار بدهد و نفعش به عموم برساند. إنه سمیع مجیب، والحمد لله أولاً و آخراً و صلی الله و سلم علی خیر خلقه و آله و صحبه و أتباعه دائماً سرمداً.

فصل

فی الأمر بالإخلاص وحسن النيات فی جميع الأعمال الظاهرات والخفيات

در امر به اخلاص و حسن نیت و خیراندیشی در همه ی اقوال و اعمال پیدا و ناپیدا

قال الله تعالى:

﴿وَمَا أَمْرُو إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ [البينة: ٥].

«و فرمان نیافتند جز آن که خدا را در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته‌اند با پاکدلی
(دین‌ورزی به دین ابراهیمی) بپرستند».

وقال تعالى:

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ﴾ [الحج: ٣٧].

«نمی‌رسد به خدای متعال گوشت‌های قربانی و نه خون‌های آنها و لیکن به خدا می‌رسد
پرهیزگاری و خیراندیشی شما».

«قال رسول الله ﷺ: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَىٰ، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ
إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا
فَهِجْرَتُهُ إِلَىٰ مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ». [مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ]. «صحت کارها به حسب نیت آنهاست و به هرکس داده
می‌شود از ثواب به حسب نیت او. پس هرکس هجرت او برای خدا و فرستاده‌ی او باشد، پس هجرت او
برای خدا و فرستاده‌ی اوست، و کسی که هجرتش برای دنیا یا برای زنی است که با او ازدواج می‌کند، پس
هجرتش برای چیزی است که برای آن هجرت کرده است».

از این رو هرکاری که می‌خواهی انجام بدهی باید به قصد به دست آوردن رضای خدا و آسایش خلق خدا انجام دهی تا کارت مقبول و ثواب آن برایت محفوظ باشد.

صالحان گفته‌اند: هر شخص به قدر نیتش نگهداری می‌شود و هرکس به حساب قصد و نیتش ثواب می‌یابد، و هرکاری که برای رضای مردم انجام داده شود آن شرک است، و هر کاری که به خاطر مردم ترک شود ریا است، و اخلاص عبادت از این است که خدا تو را از شرک و ریا ننگه دارد و برای به دست آوردن رضای خدا موفق فرماید.

(فصل) شایسته برای هرکس آن است که هروقت دانست که کاری دارای ثواب است به حسب توانایی خود انجام دهد و اگرچه در عمری یک بار باشد، اگر به او رسید که نماز تسبیح ثواب بسیار دارد آن را اقلأ در عمری یک بار انجام دهد، اگر شنید که عمره در رمضان ثواب حج همراه رسول الله ﷺ را دارد، اقلأ یک بار در عمر انجام دهد، اگر شنید از اهل علم که نماز ضحی و یا آواین میان مغرب و عشا ثواب بسیار دارد، اقلأ یک بار انجام بدهد و اگر بتواند هیچکدام را از دست ندهد.

(فصل) دانشمندان گفته‌اند که جایز و مستحب است که در فضایل اعمال به حدیث ضعیف عمل نموده تا وقتی که حدیث موضوع نباشد، اما در احکام مثل حلال و حرام عمل کردن جز به حدیث صحیح و یا حسن درست نیست، مگر این که از باب احتیاط باشد، چنانکه اگر حدیثی وارد باشد بر مکروه بودن بعضی از انواع بیع یا بعضی از انواع نکاح که در این صورت مستحب است آن نوع بیع و نکاح را ترک نمود.

(فصل) ذکر و یاد خدا ممکن است به دل یا به زبان باشد، و بهتر است که یاد خدا به دل و زبان هر دو باشد، اگر بخواهد بر یکی از آن دو اکتفا نماید ذکر که به قلب باشد از ذکر که به زبان باشد و دل با آن نباشد بهتر است. و هیچگاه نباید ذکر به قلب و لسان را باهم به خاطر این که ممکن است گمان ریا به او ببرند از دست بدهد، برای این که اگر کسی این راه را بر خود بگشاید که هرچه گمان ریا در آن برود از دست بدهد خیر عظیم را از دست می‌دهد، و هیچگاه طریق صالحان چنین نیست.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است که رسول الله ﷺ فرمود که آیهی: ﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُتْ بِهَا﴾ [الإسراء: ۱۱۰]. در باره‌ی دعا نازل شده است که دعای خود را نه زیاد بلند بگو و نه زیاد آهسته، بلکه حد وسط را ننگه دار.

(فصل) بدان که ذکر و یاد خدا منحصر در تسبیح و تحلیل و تحمید و تکبیر نیست، بلکه هر عملی است که به آن رضای خدا به دست می‌آید، واعظی که وعظ می‌گوید ذکر خدا و یاد خدا

حساب می‌شود، جاهایی که انسان در آن جاها احکام حلال و حرام را می‌آموزد که چگونه بیع را انجام دهد و چگونه نماز بخواند و چگونه روزه برود و چگونه نکاح نماید و چگونه طلاق بدهد و چگونه حج برود که صحیح باشند؟ این جاها محل ذکر و یاد خدا است. طالب علم که درس خود را تکرار می‌کند تا در راه علم نافع پیش برود، استادی که درس می‌دهد تا شاگردانش از علم سودمند بهره‌مند شوند، کاسبی که کار حلال انجام می‌دهد تا نفقه‌ی زن و فرزند از حلال بدهد، پاسبانی که شب بیدار می‌ماند تا جان و مال مردم را از دستبرد جنایتکاران حفظ کند، سربازی که در مرز کشور می‌نشیند تا کشور را از تعدی دشمن نگه دارد، مادری که خواب راحت را از چشم خود دور می‌نماید تا کودکش آسوده بخوابد، همی اینها وقتی که به قصد به دست آوردن رضای خدا و آسایش خلق باشد همه طاعت و یاد خدا است. و این که گفته شده عبادت به جز خدمت خلق نیست، به همین معناست که خدمت به خلق به قصد به دست آوردن رضای خدا در حکم یادکردن خدا و طاعت اوست.

(فصل) قال الله تعالى:

﴿وَالذَّكِرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ۳۵].

«و مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند، خدا آماده فرمود برایشان آمرزش و ثواب بس بزرگ».

«قال رسول الله ﷺ: سَبَقَ الْمُفَرِّدُونَ، قَالُوا وَمَا الْمُفَرِّدُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتُ». رواه مسلم عن أبي هريرة ؓ. «رسول الله ﷺ فرمود: مُفَرِّدُونَ سبقت گرفتند، گفتند: مفردون چه کسانی هستند یا رسول الله! فرمود: مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند».

ابن عباس فرمود: مقصود از این آیه کسانی هستند که بعد از نمازهای فرض و بامدادان و شامگاهان یاد خدا می‌کنند. عطاء گفت: کسی که نمازهای فرض پنجگانه را با حقوق آنها به جا آورد در این آیه داخل است، یعنی جزو بسیار یادکنندگان خدا است. ابن الصلاح گفت: کسی که اذکار ثابت را در صبح و شام و در حالات مختلف از شب و روز به جا آورد از بسیار یاد خداکنندگان شمرده می‌شود.

الحاصل: مسلمان باید وقتی که از خواب بیدار می‌شود و وقتی که به بستر خواب می‌رود و وقتی که از خانه بیرون می‌رود و وقتی که به خانه می‌آید و بعد از نمازها و هنگام خوراک خوردن و آب‌آشامیدن و لباس پوشیدن نام خدا و یاد خدا بر دل و زبان او باشد تا دل و زبان او به یاد خدا

عادت کند و از یاد خدا و سپاس او و شکر نعمت‌های او غفلت نورزد. کلمه‌ی توحید: «لا إله إلا الله» بهترین کلمه‌ای است که باید همیشه بر دل و زبان باشد.

(فصل) علما اتفاق دارند که یاد خداکردن به دل و زبان جایز است برای کسانی که بی‌وضو و یا جنب و یا حائض و یا نفساء هستند، اینان می‌توانند تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر را به زبان بگویند و به دل بیاورند. اما قراءت قرآن برایشان روا نیست و اگرچه قراءت بخشی از یک آیه باشد، و درست است برایشان بر دل جاری کردن قرآن، بدون این که به زبان بیاورند، و درست است برایشان گفتن نظر در قرآن و جاری کردن آن بر دل بدون این که به زبان بیاورند، و درست است برایشان گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» موقع غذاخوردن و آب‌آشامیدن و موقع دخول و خروج خانه، و گفتن «إنا لله وإنا إليه راجعون» در وقت مصیبت و گفتن ﴿سُبْحَنَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ﴾ [الزخرف: ۱۳]. وقتی که در کشتی، ماشین و هواپیما و یا بر حیوان سواری می‌نشیند. و اگر جنب باشد و آب نیابد و تیمم نماید به جای غسل، می‌تواند با این تیمم نماز بخواند و قرآن بخواند، و اگر جنب نه آب بیابد برای غسل و نه خاک بیابد برای تیمم، او در وقت مشخص نماز فرض را بخواند برای حرمت وقت و فاتحه را نیز در آن بخواند، والله سبحانه وتعالى أعلم و صلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) شایسته است برای کسی که خدا را یاد می‌کند و اذکار وارده را می‌خواند این که در بهترین حالت باشد از لباس پاک و جای پاک و باوضو باشد؛ و اگر نشسته است رو به قبله بنشیند، اگر این حالت را رعایت نکند یاد خداکردنش درست است، اما بهترین حالت را از دست داده است، و دلیل آن آیه‌ی ۱۹۱ سوره‌ی آل عمران است: ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ﴾ [آل عمران: ۱۹۱]. «مردمی که خدا را یاد می‌کنند ایستاده و نشسته و به پهلو خود خوابیده». در حدیث صحیح آمده: «كَانَ ﷺ يَذْكُرُ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ أَحْيَانِهِ». «رسول الله ﷺ خدا را یاد می‌فرمود در همه‌ی حالاتش»، در راه رفتن و نشسته و ایستاده و به پهلو افتاده و باوضو و بی‌وضو و در حال جنابت. یاد خدا در همه احوال جایز است، والله سبحانه وتعالى أعلم و صلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) بدان که یاد خداکردن در همه‌ی حالات انسان خوب و پسندیده است، مگر در حالاتی که شرع یاد خداکردن را در آن حالات منع نموده است. بنابراین، ذکر در حال نشستن برای قضای

حاجت و در حال جماع و در وقتی که باید گوش به سخن خطیب بدهد و در قیام نماز که محل قراءت فاتحه و سوره است، و در حال چرت زدن و غلبه‌ی خواب که در این احوال یاد خدا کردن مکروه است، اما در کوچه و خیابان موقع راه رفتن و در حمام یاد خدا کردن مکروه نیست، والله سبحانه و تعالی أعلم و صلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) مقصود از ذکر و یاد خدا کردن حضور قلب است. بنابراین، باید ذکرکننده در حال حضور قلب باشد و بکوشد که در حال ذکر خدا دل او حاضر باشد و عظمت خدا را به خاطر داشته باشد، و بداند که این توفیق بزرگی است که او توانسته است از یاد خدا دل خود را به نور ایمان روشن نماید، و آنچه به زبان می‌آورد معنی آن را بداند و مثلاً کلمه‌ی «لا إله إلا الله» مد آن را به جا آورد که در این مدفهم معنای آن به دست می‌آید.

(فصل) شایسته این است کسی که وردی از ذکر دارد بر آن مداومت نماید، و اگر وقتی از او فوت شد آن را تدارک ببیند تا عادت به ترک ذکر ننماید، چنانکه در حدیث صحیح مسلم است به روایت عمر بن الخطاب رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ فِيمَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَصَلَاةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ». «کسی که عادت داشت حزبی از قرآن را در شب بخواند یا قسمتی از حزب، و به خواب رفت و آن حزب را میان نماز صبح و نماز ظهر خواند، ثواب آن برایش نوشته می‌شود چنانکه گویا در شب خوانده است».

(فصل) در بیان حالاتی که بر خواننده‌ی ورد عارض می‌شود که مستحب است ترک ذکر نماید و آن حالت که رفع شد به سوی ذکر خود برگردد، چنانکه اگر کسی در حضور او عطسه کرد قراءت خود را قطع کند و به او بگوید: «یرحمک الله» و برگردد به سوی قراءت خود، و همچنین کسی که سلام نمود بر او جواب سلام بگوید و برگردد به سوی قراءت خود، و همچنین اگر اذان شنید جواب مؤذن را بگوید به کلمات اذان، و اگر اقامه شنید کلمات اقامه را بگوید و بعد از جواب مؤذن برگردد به سوی قراءت خود، و اگر منکری دید منع نماید، و اگر کسی سؤالی دارد ارشاد او نماید و سپس برگردد به سوی قراءت خویش، و اگر چرت و خواب آمد بخوابد و بعد برگردد به قراءت خود.

(فصل) بدان که هر ذکر مشروع و هر قراءتی در نماز و یا غیر آن واجب باشد یا سنت، اعتباری ندارد مگر وقتی که به زبان آورد و خودش آن را بشنود وقتی که شنوایی اش سالم باشد.

(فصل) بدان که در اوراد و اذکاری که در شب و روز گفته می‌شود، دانشمندان ما کتاب‌های گرانبهای تصنیف فرموده اند که یکی از بهترین آنها کتاب: «عمل الیوم واللیلة» تألیف امام احمد بن

محمد بن اسحاق السنی است، و بهتر از آن کتاب: «أذکار» تألیف امام نووی است که آن را از کتاب‌های معتمد مثل صحیح بخاری و صحیح مسلم و موطاء امام مالک و سنن ترمذی و ابوداود و نسایی و مسند امام احمد و ابی عوانه و سنن ابن ماجه و دارقطنی و بیهقی و غیر از آنها نقل نموده و همه‌ی آنها به اسناد خود تا مؤلفین آنها روایت دارد، و کتاب «أذکار» در خوبی ضرب المثل است تا جایی که گفته‌اند: «بِعَ الدَّارِ وَاشْتَرَى الْأَذْكَارَ» «خانه را بفروش و کتاب اذکار امام نووی را بخر». کتاب اذکار امام نووی از بهترین کتاب‌های تألیف شده در این زمینه است، و از بهترین کتاب‌های امام نووی. و این کتاب مختصر الاذکار که به تألیف آن مبادرت نمودم همه‌ی مطالب آن از کتاب اذکار گرفته شده و به زبان فارسی ترجمه شده است، و الله سبحانه و تعالی أعلم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم.

(فصل) بدان که در این مختصر آنچه آورده می‌شود همه از اذکار امام نووی رحمته الله گرفته شده است.

«باب مختصر فی أحرف مما جاء فی فضل الذکر غیر مقید بوقت» بابی است مختصر در بیان چند سخن از آنچه در فضیلت ذکر خدا آمده بدون این که مقید به وقت معین باشد

قال الله تعالى: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾ [البقرة: ۱۵۲]. «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم». چه نعمتی از این بالاتر که وقتی بنده خدا را یاد کند، خدا او را یاد کند، آیا نباید همیشه مؤمن خدا را یاد کند تا خدا او را یاد کند. کسی که خدا او را یاد کند به بهترین نعمت‌ها رسیده است، برای این که خدا یاد بنده‌ای می‌نماید که او را دوست می‌دارد.

«قال رسول الله ﷺ: أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». «بهترین یاد خدا در گفتن لا إله إلا الله می‌باشد: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا». -الله سبحانه و تعالی- رواه الترمذی وابن ماجه.

«قال رسول الله ﷺ: كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». رواه بخاری.

«دو کلمه هستند که گفتن‌شان بر زبان سبک است و وزن ثواب آن در ترازوی حسنات سنگین است، و این دو کلمه محبوب هستند نزد خدای بسیار بخشاینده‌ی بسیار مهربان: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». یعنی: پاک و منزّه است خداوند و به ستایش او مشغولم. پاک و منزّه است خداوند بزرگ».

و در صحیح مسلم به روایت از ابوذر رضی الله عنه آمده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَحَبِّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ إِنَّ أَحَبَّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ». و در روایتی: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَيُّ الْكَلَامِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: مَا اصْطَفَى اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ أَوْ لِعِبَادِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ». «رسول الله صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: آیا تو را باخبر نکنم از محبوب ترین سخن نزد خدای تعالی؟ محبوب ترین سخن نزد خدا: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ است» یعنی تسبیح و تنزیه خدا می گویم و به ستایش او مشغولم. خدا را از هر عیب و نقصی مبرا می دانم و او را شایسته ی حمد و ثنا می دانم. و از رسول الله صلی الله علیه و آله سوال شد: بهترین سخن کدام است؟ فرمود: آن سخنی است که خدا برای فرشتگانش یا برای بندگاناش برگزید. «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ».

و در صحیح مسلم از سمره بن جندب رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَحَبُّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ أَرْبَعُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. لَا يَضُرُّكَ بَأَيُّهِنَّ بَدَأْتَ». «محبوب ترین سخن نزد خدای تعالی چهار کلمه است: سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر. زبانی برایت ندارد به هر کدام ابتدا نمایی». سبحان الله: خدا را پاک و منزّه می دانم از هر عیب و نقصی. والحمد لله: ستایش ها همه برای خدای یکتاست. ولا إله إلا الله: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا. والله أكبر: خدا بزرگ تر است. هرکس و هرچه به خاطرت آید، خدا از او بزرگتر است، یعنی در برابر بزرگی و عظمت خدا همه ی کاینات خرد و حقیر هستند.

و در صحیح مسلم از ابومالک اشعری رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ. وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأَانِ - أَوْ تَمْلَأُ - مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ».

و در صحیح مسلم است که رسول الله صلی الله علیه و آله به جویریّه همسر گرامی اش که هسته ی خرما جمع کرده بود و با آنها تسبیح و تهلیل را می شمرد، فرمود: از وقتی که من از نزد تو رفته ام تا حال که آمده ام همین کار شمردن تعداد تسبیح و تهلیل به هسته ی خرما را انجام داده ای؟ جویریّه گفت: آری، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: من وقتی که از این جا رفتم چهار کلمه گفته ام که اگر با گفته ی تو مقایسه شود، از گفته های تو برتر آید. آن چهار کلمه عبارتند از سه بار: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ». «سبحان الله و بحمده به شماره ی مخلوقات خدا،

برابر رضای او، و هموزن عرش او و به اندازه‌ی مرکب معلومات خدا».

تسبیح و تحمیدی که از زبان رسول الله ﷺ باشد و با این اوصاف هیچ تسبیح و تحمید دیگری با آن برابر نخواهد شد، و باید به همین کلمات باشد تا ثواب عظیم آن فراهم آید.

و در صحیح مسلم به روایت ابوهریره رضی الله عنه آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «لَأَنْ أَقُولَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ». «آنکه بگویم: سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر، محبوب‌تر است نزد من از همه‌ی آنچه آفتاب بر آنها طلوع کرده است». یعنی این چهار جمله گفتن از دنیا و ما فیها بهتر است، برای این که دنیا فانی است و ثواب این جملات می‌ماند.

و در صحیح بخاری و مسلم به روایت ابویوب انصاری رضی الله عنه آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: کسی که ده بار بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ثواب آن مانند ثواب کسی است که چهار برده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است به روایت ابوهریره رضی الله عنه که رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که در روز صد بار آن را بگوید ثواب آن برابر است با ثواب ده برده آزادکردن، و نوشته می‌شود برای او یکصد حسنه و محو می‌شود از او یکصد سیئه و در تمام آن روز نگه داشته می‌شود از شیطان تا شامگاهان، و در آن روز کسی بهتر از او گفتاری نیاورده است، مگر کسی که بیش از او آن را گفته باشد.

و فرمود: «مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ. فِي يَوْمٍ مِائَةً مَرَّةً حُطَّتْ خَطَايَاهُ، وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که در روز صد بار بگوید: سبحانه الله و بحمده، گناهان او محو می‌شود و اگرچه مانند کف دریا باشد». کف دریا: همان سفیدی است که روی موج دریا ظاهر می‌شود.

ترمذی و ابن ماجه از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده اند که جابر گفت: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». قال الترمذی: حدیث حسن. «رسول الله ﷺ فرمود: «بهترین ذکر و یاد خدا گفتن لا إله إلا الله است با عمل به مضمون آن».

امام بخاری رحمته الله از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت نمود و ابو موسی از رسول الله ﷺ روایت کرد که فرمود: «مِثْلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ وَالَّذِي لَا يَذْكُرُ مِثْلَ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ». رسول الله ﷺ فرمود: «مثال کسی که یاد خدا می‌کند و کسی که یاد خدا نمی‌کند مثال زنده و مرده است». آن کسی که یاد خدا

می‌کند زنده است، و آن کسی که یاد خدا نمی‌کند در حکم مرده است. برای این که کسی که از یاد خدا در غفلت است از مردگان شمرده می‌شود.

در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص روایت می‌نماید که سعد رضی الله عنه گفت: اعرابی به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: سخنی به من بیاموز که من آن را بگویم. «قَالَ: قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ، قَالَ فَهَؤُلَاءِ لِرَبِّي فَمَا لِي؟ قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي وَارْزُقْنِي.» «رسول الله صلی الله علیه و آله به آن اعرابی فرمود: «بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا، الله که یکتا است، و هیچ شریکی ندارد. وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا: خدای یکتا بزرگتر است از آنچه در خاطر انسان آید. بزرگی و عظمت او را شایسته است. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا: و همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست، حمد و ستایش بسیار و بی‌شمار. وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: پاک و منزّه است الله که پروردگار جهانیان است، هرچه هست پرورده‌ی نعمت‌های اوست. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ: نه توانایی و قدرتی است برای پایداری بر طاعت خدا، و نه توان و قدرتی است برای دوری از گناه، مگر به کمک خدای یکتای پر عزت پر حکمت». وقتی که رسول الله صلی الله علیه و آله این کلمات را به اعرابی آموخت، اعرابی گفت: اینها همه برای پروردگارم می‌باشد، پس برای خودم چیست؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بگو خدایا بیامرز مرا و مرا مورد رحمت قرار ده و مرا به راه راست برسان و مرا روزی ده».

و در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت شده که سعد گفت: ما خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله بودیم، آنگاه فرمود: «آیا یکی از شما ناتوان است از این که هر روزی هزار حسنه به دست آورد؟» یکی از کسانی که خدمت پیغمبر بودند، پرسید: چگونه هزار حسنه را به دست می‌آورد؟ «بکصد بار سبحان الله می‌گوید و برای او هزار حسنه نوشته می‌شود یا این که هزار خطیئه از او محو می‌شود». لفظ حدیث: «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ أَيْعِزُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَكْسِبَ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ؟ فَسَأَلَهُ سَائِلٌ مِنْ جُلَسَائِهِ كَيْفَ يَكْسِبُ أَحَدُنَا أَلْفَ حَسَنَةٍ؟ قَالَ: يُسَبِّحُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ فَيُكْتَبُ لَهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ أَوْ تُحْطَ عَنْهُ أَلْفُ خَطِيئَةٍ». قال الإمام الحافظ أبو عبد الله الحميدي: كذا هو في كتاب مسلم في جميع الروايات: أَوْ تُحْطَ، قال البرقاني: ورواه شعبة وابوعوانة ويحيى القطان عن موسى الذي رواه مسلم من جهته فقالوا: وَتُحْطَ، بغير ألف».

یعنی به حسب روایت اینان: کسی که یکصد بار سبحان الله گفت، هزار حسنه برای او نوشته می شود و هزار خطیئه و گناه از او محو می شود.

و در صحیح مسلم از ابوذر رضی الله عنه روایت نمود که ابوذر گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بُصِّحُ عَلَى كُلِّ سُلَامَى مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ قَالَ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَيُجْزَى مِنْ ذَلِكَ رَكْعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الضُّحَى». «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بامداد هر روز بر هر عضوی از اعضای بدنتان صدقه ای است هریک بار که سبحان الله می گوید برای او صدقه ای است، و هر باری که الحمد لله می گوید برای او صدقه ای است، و هر باری که لا اله الا الله می گوید برای او صدقه ای است، و هر باری که الله اکبر می گوید برای او صدقه ای است، و هر امر به معروفی که می کند صدقه ای است، و هر نهی از منکری که می کند صدقه ای است و جای همه ی اینها را می گیرد دو رکعت نماز سنت ضحی که آن را می خواند». اقل نماز ضحی دو رکعت است و اکمل آن هشت رکعت است و وقت آن بعد از گذشتن شانزده دقیقه از طلوع آفتاب است تا اذان ظهر، و بهترین وقت آن در ربع النهار است که چهار یک روز گذشته باشد، سلامی به معنی عضوی از اعضای بدن، جمع آن سلامیات است.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است که ابوموسی اشعری رضی الله عنه گفت: «قال لي رسول الله صلی الله علیه و آله: أَلَا أَذْلَكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، فَقُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: قُلْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». «ابوموسی اشعری رضی الله عنه گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: «آیا تو را راهنمایی نکنم به گنجی از گنجینه های بهشت؟» گفتم: بلی یا رسول الله، فرمود: «کلمه ی لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مثل گنجی است از گنجینه های بهشت». لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، یعنی: نه توانایی دارم بر پایداری بر طاعت خدا و نه می توانم دوری از نافرمانی خدا، مگر به کمک خدای یکتا که هر طاعتی انجام بدهم از مددکاری اوست، و هر معصیتی را ترک نمایم از نگاهداری اوست. اعتماد بر خدا در توفیق بر طاعت و در نگاهداری از معصیت مانند گنجی از گنجینه های بهشتی است که به انسان داده شده باشد.

و در سنن ابوداود و ترمذی آمده است که سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه گفت که همراه رسول الله صلی الله علیه و آله نزد زنی رفتیم که جلو او هسته های خرما و سنگریزه بود و گفتن سبحان الله را با آنها می شمرد، رسول الله صلی الله علیه و آله به آن زن فرمود:

«أَلَا أَخْبِرُكَ بِمَا هُوَ أَيْسَرُ عَلَيْكَ مِنْ هَذَا أَوْ أَفْضَلُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي السَّمَاءِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا

هُوَ خَالِقُ وَاللَّهِ أَكْبَرُ مِثْلَ ذَلِكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ». «آیا تو را خبر ندهم به چیزی که بر تو آسانتر باشد از آن یا هم آسانتر و هم فضل آن بیشتر باشد؟ آنگاه فرمود: سبحان الله به شمارهی آنچه خدا آنها را در آسمان آفرید و سبحان الله به شمارهی آنچه خدا آنها را در زمین آفرید و سبحان الله به شمارهی آنچه خدا آنها را می آفریند و الله اکبر مانند آنها، یعنی به شمارهی آنها وَاللَّهُ أَكْبَرُ مانند آنها وَالْحَمْدُ لِلَّهِ به همان اندازه و لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مانند آنها، یعنی به همان شماره و لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ به همان شماره». ترمذی بعد از روایت این حدیث گفته است: حدیث حسن.

و نووی رحمته الله در کتاب اذکار فرمود: ما روایت داریم در سنن ابوداود و ترمذی به اسناد حسن از یُسَیْرَةَ رضی الله عنه که زنی از صحابه و از مهاجران است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به زنان دستور داد که «أَنْ يُرَاعِينَ بِالْكَبِيرِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّهْلِيلِ وَأَنْ يَعْقِدْنَ بِالْأَمَلِ فَإِنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ مُسْتَنْطَقَاتٌ». «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به زنان امر فرمود که «در موقع تکبیر و تقدیس و تهلیل، یعنی موقع گفتن الله اکبر و موقع گفتن سبحان الله و موقع گفتن لا اله الا الله، دل خود را حاضر کنند و به انگشتان خود آن را بشمارند، برای این که انگشتان در روز قیامت پرسیده می شوند و به سخن می آیند».

و در اذکار فرموده که روایت داریم از سنن ابی داود و ترمذی و سنن نسائی به اسناد حسن از عبدالله بن عمر رضی الله عنه که گفت: دیدم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را که موقع گفتن سبحان الله به انگشتان خود آنها را می شمرد، و در روایتی به انگشتان دست راست خود آنها را می شمرد.

و در اذکار فرمود: روایت داریم در سنن ابوداود از ابوسعید خدری رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ قَالَ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ». «کسی که گفت: راضی و خشنودم به خدای یکتا، «الله» در پروردگارش و راضی هستم به اسلام در دینداری و راضی و خشنودم به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در پیغمبریش، یعنی کسی که به دل و زبان به پروردگاری خدا و دینداری اسلام و رسالت خاتم انبیا راضی باشد و از ایشان پیروی و اطاعت نماید، بهشت برای او ثابت است».

نووی فرمود: روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن بُسر رضی الله عنه که مردی به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت که شرایع اسلام بر من بسیار شد، یعنی احکام در اسلام بسیار است و من از عهدهی همهی آنها برنمی آیم، مرا خبر ده به کاری که به آن تمسک بجویم. فرمود: «لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى». «همیشه زبانت به یاد خدا تر باشد». یعنی همیشه خدا را یاد کن،

زیرا وقتی زبانت همیشه به یاد خدا مشغول شد، غیبت و خبرچینی و دروغ و زشت‌گفتاری از تو سر نمی‌زند و یاد خدا به صورت همیشگی زبانت را از بدی باز می‌دارد و عملت را از زشتی ننگه می‌دارد.

نووی فرمود: و در سنن ترمذی روایت داریم از ابوسعید خدری رضی الله عنه که از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیده شد: چه عبادتی درجه اش در روز قیامت نزد خدای متعال بالاتر است؟ «قَالَ: الدَّائِرُونَ اللَّهُ كَثِيرًا. قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمِنْ الْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَلَّى؟ قَالَ: لَوْ ضَرَبَ بِسَيْفِهِ فِي الْكُفَّارِ وَالْمُشْرِكِينَ حَتَّى يَنْكَسِرَ وَيَخْتَضِبَ دَمًا لَكَانَ الدَّائِرُونَ اللَّهُ كَثِيرًا أَفْضَلَ مِنْهُ دَرَجَةً». فرمود: «درجه‌ی کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند، بالاترین درجه است». ابوسعید خدری می‌گوید: گفتم: آیا درجه‌ی عبادت ایشان از کسانی که جهاد در راه خدا می‌کنند بیشتر است؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اگر غازی، یعنی مجاهد فی سبیل الله با شمشیر خود کافران و مشرکان را بزند تا جایی که شمشیرش شکسته شود و به خون آغشته شود بازهم کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند بر او برتری دارند».

نووی فرموده: و روایت داریم در کتاب ابن ماجه از ابودرداء رضی الله عنه که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَلَا أُنبِئُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِكِكُمْ وَأَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الذَّهَبِ وَالْوَرَقِ وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ وَيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ؟ قَالُوا بَلَى. قَالَ: ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى». «ابودرداء رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت نمود که فرمود: «آیا خبر ندهم شما را به کاری که بهترین اعمال‌تان و پاکیزه‌ترین رفتار‌تان و بالاترین درجه در اعمال‌تان باشد و بهتر باشد برای شما از انفاق طلا و نقره و بهتر باشد برایتان از این که با دشمن رو در رو شوید و گردن آنها را بزنید؟ گفتیم: بله، فرمود: «یادکردن خدای متعال». حاکم ابوعبدالله در کتاب خود «المستدرک» گفت: این حدیث صحیح الاسناد است.

در حقیقت ادیان همه آمده اند تا مردم را به خدا نزدیک کنند و مردم را به طاعت خدا وادارند و کسی که همیشه زبانش به یاد خداست و دلش در فرمان خداست او خود را برای همه انواع طاعت آماده نموده و خود را از هرنوع گناه و عصیان ننگه داشته است، از این رو او دارای بالاترین درجه عبادت و ثواب است.

نووی فرمود: روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «در شب اسراء و معراج ابراهیم را ملاقات نمودم، گفت: «يَا مُحَمَّدُ، أَفَرَأَيْتَ أُمَّتَكَ مِنِّي السَّلَامَ وَأَخْبَرَهُمْ أَنَّ الْجَنَّةَ طَيِّبَةُ التُّرْبَةِ عَذْبَةُ الْمَاءِ وَأَنَّهَا قِيَعَانُ وَأَنَّ غِرَاسَهَا سُبْحَانَ اللَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ». قال الترمذي: حديث حسن. «رسول الله ﷺ فرمود: در شب اسراء و معراج ابراهیم عليه السلام را ملاقات نمودم، گفت: سلام امت را برسان و به ایشان خبر ده که بهشت خاکش پاک و آماده‌ی بهره‌برداری است و همه دشت هموار است و آب آن شیرین است و زراعت و کاشتن درختان در آن به گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» به دست می‌آید». یعنی امت بکوشند هرچه بیشتر این کلمات را بگویند تا هرچه بیشتر از زمین بهشت استفاده کنند، خوشا به حال امت محمد که انبیاء هم به فکر راهنمایی و فایده‌رسانی به ایشان هستند.

نووی فرمود که در کتاب ترمذی روایت داریم از جابر بن عبدالله انصاری و او از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمود: «مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ. غُرِسَتْ لَهُ خَلَّةٌ فِي الْجَنَّةِ». قال الترمذي: حديث حسن. «کسی که بگوید سبحان الله و بحمده، با هر باری که مسلمان این کلمه را بگوید درخت نخلی در بهشت برای او کاشته می‌شود».

باید دانست که مردم از غفلت خود و نگفتن این کلمه‌ی عظیم چقدر نعمت از دست می‌دهند و با مشغول شدن به سخنان بیهوده عمر خود را ضایع می‌کنند و به جای ثواب بار گناه خود را سنگین می‌کنند. نووی فرمود که در کتاب ترمذی روایت داریم از ابوذر رضی الله عنه که گفت: گفتم: یا رسول الله، کدام سخن محبوب‌تر است نزد خدای متعال؟ فرمود: «مَا اصْطَفَى اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَأَتْكَ سُبْحَانَ رَبِّي وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ رَبِّي وَبِحَمْدِهِ». قال الترمذي: حديث حسن صحيح. «رسول الله ﷺ فرمود: بهترین سخن سخنی است که خدای تعالی آن را برای فرشتگانش برگزید: سُبْحَانَ رَبِّي وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ رَبِّي وَبِحَمْدِهِ «منزه و پاک می‌دانم پروردگارم را از هر عیب و نقصی و به ستایش او مشغولم»». پس از این که صاحب کتاب اذکار ذکرهای غیر مقید را یاد کرد، می‌پردازد به ذکرهایی که در مناسبت‌ها گفته می‌شود و آغاز نمود به ذکرى که مسلمان موقع بیدار شدن از خواب می‌گوید.

«باب ما یقول إذا استیقظ من النوم» بابی است در بیان ذکرى که موقع بیدارشدن از خواب می گوید

در صحیحین به روایت از ابوهریره آمده است که رسول الله ﷺ فرمود:

«يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلَاثَ عُقَدٍ، يَضْرِبُ كُلُّ عُقْدَةٍ عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ، فَإِنْ اسْتَيْقَظَ فَذَكَرَ اللَّهَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنْ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنْ صَلَّى انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ، وَإِلَّا أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ كَسَلَانَ».

«رسول الله ﷺ فرمود: وقتی که یکی از شما به خواب رفت، شیطان پشت سر او سه گره می زند و در هر گره می گوید شب درازی در پیش داری به خواب، چنانچه بیدار شد و نام خدا را یاد کرد، گرهی گشوده می شود، و چنانچه بلند شد و وضو گرفت گره دیگری گشوده می شود و چنانچه نماز خواند گره ها همه گشوده می شود و بامداد که از بستر برمی خیزد خوشدل و بانشاط برمی خیزد، و چنانچه خدا را یاد نکرد و وضو نگرفت و نماز نخواند بامداد که از بستر خواب بلند می شود بددل و گرفته دل و بی نشاط و سست برمی خیزد». و معلوم است که کسی که همه ی شب به خواب غفلت فرو رفت، نه خدا را یاد کرد، نه وضو گرفت و نه دو رکعت نماز خواند، سستی و بی حالی نصیب او می شود. مسلمان همیشه با یاد خدا و طهارت وضو و نماز به خدا نزدیک می شود، و از روزی که تلویزیون در خانه ها راه یافته و کوچک و بزرگ چشم به آن دوخته اند و خسته و بی حال به بستر خواب می روند نشاط عبادت در شب از دست داده اند، و خوشی قلب نمی یابند.

و در صحیح بخاری از حذیفه بن الیمان و ابوذر رضی الله عنهما روایت نمود که رسول الله ﷺ وقتی که

بر بستر خواب می نشست می فرمود:

«بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَمُوتُ وَأَحْيَا. وَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا،

وَالِإِلَهِ النُّشُورُ». «رسول الله ﷺ قبل از خواب می فرمود: «خدایا به نام تو زنده می مانم و می میرم». و بعد از خواب که بیدار می شد می فرمود: «حمد و ستایش ها برای خدای یکتاست که ما را با بیداری زنده فرمود، بعد از این که ما را با خواب از مردگان ساخته بود و بازگشت به سوی اوست».

و در کتاب ابن السنی به اسناد صحیح آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «إِذَا اسْتَيْقَظَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي، وَعَافَانِي فِي جَسَدِي، وَأَذِنَ لِي بِذِكْرِهِ». «موقعی که یکی از شما از

خواب بیدار می شود بگوید: همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که روح مرا برگرداند و تندرستی به من عطا فرمود و به من اجازه داد تا او را یاد کنم».

و در همین کتاب آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى رُوحَهُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ، وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». «هر بنده‌ای که موقع بیدارشدنش بگوید: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» خدا می آمرزد گناهانش را و اگرچه مانند کف دریا باشد». زَبَدِ الْبَحْرِ: کف دریا، همان سفیدی روی موج دریاست.

و در همان کتاب آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْتَبِهُ مِنْ نَوْمِهِ فَيَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْمَ وَالْيَقَظَةَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي سَالِمًا سَوِيًّا أَشْهَدُ أَنْ اللَّهَ يُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَّا قَالَ اللَّهُ: صَدَقَ عَبْدِي». «هر بنده‌ای که از خواب بیدار شود و بگوید: همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست که خواب و بیداری هردو را آفرید - تا خواب مایه‌ی آسایش بندگان باشد و بیداری برای کار و کسب باشد - همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست که مرا به حال تندرستی و سلامت اعضا بیدار فرمود، گواهی می‌دهم که خداوند مردگان را زنده می‌گرداند و او بر هر چیزی تواناست، خدا می‌فرماید: بنده ام راست گفت، یعنی خدا این گفتار را از او پذیرفت و ثواب او را عطا فرمود».

«باب ما يقول إذا لبس ثوبه»

بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس می‌گوید

مستحب است گفتن بسم الله، و همچنین مستحب است بسم الله الرحمن الرحيم گفتن در آغاز همه‌ی کارها. در کتاب ابن السنی «عمل اليوم والليلة» از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت نمود که رسول الله ﷺ هرگاه لباسی می‌پوشید خواه جامه خواه لنگ دوش خواه عمامه، هر لباسی که می‌پوشید می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا هُوَ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا هُوَ لَهُ». «خدایا از تو می‌خواهم از خوشی این لباس و خوشی آنچه این لباس برای آن ساخته شد، و پناه می‌برم به تو از شر این لباس و شر آنچه این لباس برای آن ساخته شد».

و در همین کتاب روایت داریم از معاذ بن انس رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من لبس ثوباً جديداً فقال: الحمد لله الذي كساني هذا، ورزقنيه من غير حولٍ مني ولا قوة، غفر الله له ما تقدم من ذنبه». «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر مسلمانی که جامه‌ی نوی پوشید و گفت حمد و ستایش‌ها برای خدای یکتاست که این جامه‌ی نوراً به من پوشانید و آن را روزی من فرمود بدون این که حول و قوه‌ی من آن را برایم فراهم کرده باشد، خدا گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد».

«باب ما يقول إذا لبس ثوباً جديداً أو نعلين وما أشبهه» بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس، کفش نو و مانند آنها می‌گوید

ابوداود، ترمذی و نسائی در سنن‌شان به روایت از ابوسعید خدری رضی الله عنه آورده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه لباس نوی به دست می‌آورد خواه جامه یا عمامه یا لنگ دوش بود برای آن نامی می‌گذاشت آنگاه می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا صُنِعَ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ». حدیث صحیح. «خدایا برای توست حمد و ستایش‌ها، تو آن را به من پوشانیدی از تو می‌خواهم خیر و خوشی آن و خیر و خوشی هرچه این لباس برای آن ساخته شده و پناه می‌برم به تو از شر این لباس و شر آنچه این لباس برای آن ساخته شده است». یعنی خیر و خوشی لباس و خیر و خوشی بدنی که لباس برای آن ساخته شده را از تو می‌خواهم، لباس دارای خیر و خوشی باشد و بدنی که آن لباس را می‌پوشد هم در حال خیر و خوشی باشد، والله اعلم.

و در کتاب ترمذی روایت داریم از عمر رضی الله عنه که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا جَدِيدًا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي حَيَاتِي ثُمَّ عَمَدَ إِلَى الثَّوْبِ الَّذِي أَخْلَقَ فَتَصَدَّقَ بِهِ كَأَن فِي كَنَفِ اللَّهِ وَفِي حِفْظِ اللَّهِ وَفِي سِتْرِ اللَّهِ حَيًّا وَمَيِّتًا». «کسی که لباس نوی پوشید و گفت حمد و ستایش برای خدای یکتاست که مرا لباسی پوشانید که به وسیله‌ی آن عورت خود را بپوشانم و به وسیله‌ی آن در زندگی ام زیبایی و تجمل بیابم، آنگاه لباسی را که کهنه کرده بود صدقه کرد و به فقیر داد او در نگهداری خدا و در حمایت خدای عزوجل می‌باشد و در راه خداست در زندگی و پس از مرگ».

«باب ما يقول لصاحبه إذا رأى عليه ثوباً جديداً»

بابی است در بیان آنچه به دوستش می‌گوید، وقتی که دید لباس نوی پوشیده است

روایت داریم در صحیح بخاری از ام خالد، دختر خالد بن الولید رضی الله عنه که گفت: لباس‌هایی برای رسول الله صلی الله علیه و آله آورده بودند و در میان آنها چارقد سیاهی بود، رو به حاضران نمود و فرمود: «مَنْ تَرَوْنَ نَكْسُوهَا هَذِهِ الْحَمِيصَةُ؟ فَأُسْكِتَ الْقَوْمُ. قَالَ: «اَتُتَوْنِي بِأَمِّ خَالِدٍ» فَأَتَى بِي النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فَأَلْبَسَنِيهَا بِيَدِهِ وَقَالَ: أَبْلِي وَأَخْلِقِي مَرَّتَيْنِ». «به نظر شما این چارقد را به چه کسی بیوشانیم؟ حاضران سکوت نمودند، آنگاه فرمود: تا مرا به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله بیاورند، وقتی که آمدم به دست مبارک خود آن را بر من پوشانید و فرمود: این لباس را بیوش تا آن را فرسوده نمایی، دوبار». ام خالد آن وقت دختری خردسال بود.

و روایت داریم در کتاب «عمل اليوم والليلة» تألیف ابن السنی به روایت از عبدالله بن عمر رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله لباس تازه‌ای بر عمر دید و پرسید: لباس نو است یا شسته شده؟ عمر عرض کرد شسته شده است، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «الْبَسْ جَدِيدًا، وَعِشْ حَمِيدًا، وَمُتْ شَهِيدًا سَعِيدًا». «بپوش لباس نو، و زندگی کن زندگی پسندیده و بمیر به حال شهادت و نیکبختی».

«باب كيفية لبس الثوب والنعل وخلعهما»

بابی است در بیان چگونگی پوشیدن لباس، کفش و بیرون آوردن آنها

هنگام پوشیدن لباس، کفش، شلوار و مانند آنها از راست شروع کند و در هنگام بیرون آوردن از چپ شروع کند و نیز سرمه به چشم کشیدن و مسواک زدن و چیدن ناخن و کوتاه کردن سبیل و اصلاح سر و تراشیدن موی زیر بغل و سلام نماز دادن و داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از مستراح و وضو گرفتن و غسل کردن و خوردن و آشامیدن و مصافحه کردن و دست کشیدن به حجرالأسود و گرفتن چیزی از کسی و چیزی را به دست کسی دادن، در همه‌ی اینها مستحب است از راست شروع کند و ضد آنها از چپ.

و در اذکار از صحیحین روایت شده که عائشه صدیقه رضی الله عنها گفت: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ فِي شَأْنِهِ كُلِّهِ فِي طُهُورِهِ وَتَرْجُلِهِ وَتَنْعُلِهِ». «پیامبر صلی الله علیه و آله دوست می داشت همه ی کارهای خوب خود را با دست راست و از سمت راست انجام دهد، در طهارت و شانه کردن مو و پوشیدن کفشش». و در اذکار از سنن ابی داود روایت شده که عایشه رضی الله عنها گفت: «كَانَتْ يَدُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الْيُمْنَى لِطُهُورِهِ وَطَعَامِهِ وَشَرَابِهِ وَكَانَتْ يَدُهُ الْيُسْرَى لِحَلَائِهِ وَمَا كَانَ مِنْ أَدَى». «دست راست پیامبر صلی الله علیه و آله برای طهارت، خوردن، نوشیدن، و دست چپش برای قضای حاجت و آنچه که از ناپاکی بود، اختصاص داشت».

«باب ما يقول إذا خلع ثوبه لغسل أو نوم أو نحوهما» بابی است در بیان آنچه به هنگام بیرون آوردن لباسش برای شستن یا خوابیدن یا مانند آنها می گوید

روایت داریم در کتاب ابن سنی از انس رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:
«سَتَرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجَنِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ الْمُسْلِمُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَطْرَحَ ثِيَابَهُ: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ». «پوشش میان چشمان جن و عورت های بنی آدم آن است که فرد مسلمان هرگاه بخواهد لباسش را بیرون آورد بگوید: به نام خدایی که نیست معبودی مگر او».

«باب ما يقول حال خروجه من بيته» بابی است در بیان آنچه هنگام خروجش از خانه می گوید

ابوداود، ترمذی، نسایی و ابن ماجه از ام سلمه رضی الله عنها که همسر رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد و نام او هند است روایت نمودند که رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه از خانه اش بیرون می رفت می فرمود:
«بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَزِلَّ أَوْ نُضَلَّ أَوْ نُظْلِمَ أَوْ نُظْلَمَ أَوْ نَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيْنَا». [حدیث صحیح وقال الترمذی: حدیث حسن صحیح].

«به نام خدا و توکل نمودم بر خدا، یعنی به نام خدا از خانه بیرون می روم و بر خدای یکتا اعتماد می نمایم، خدایا به تو پناه می برم از این که گمراه شوم و یا این که گمراه کرده شوم و پناه می برم به خدا از این

که خوار شوم یا خوار کرده شوم و از این که ستم به کسی نمایم و یا این که کسی به من ستم نماید و از این که راه نادانی بگیرم و یا این که کسی با من نادانی نماید».

رسول الله ﷺ در تعلیم این امت چنین بیان فرمود که در بیرون رفتن از خانه نام خدا را یاد کنند یا کسی ایشان را خوار نماید، نه خود راه گمراهی بگیرند و نه کسی ایشان را گمراه کند، نه خود به کسی ستم کنند و نه کسی به ایشان ستم نماید و نه خود راه نادانی بگیرند و نه کسی راه نادانی با ایشان بگیرد. کسی که در بیرون از خانه به پشتیبانی نام خدا و توکل بر خدا از گمراهی و خواری و ستم و نادانی نگه‌داری شود، خیر دنیا و آخرت برای او جمع شده است.

و در روایت ابی داود و ترمذی و نسایی و غیر از ایشان از انس رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله ﷺ فرمود:

«مَنْ قَالَ - يَغْنَى إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ - بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. يُقَالُ لَهُ كُفَيْتَ وَوُقِيَتْ وَهُدِيَتْ. وَتَنَجَّى عَنْهُ الشَّيْطَانُ». «رسول الله ﷺ فرمود: «هرکس موقعی که از خانه بیرون رفت گفت: بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. به نام خدا از خانه بیرون آمده‌ام و بر خدای یکتا اعتماد کرده‌ام و نیست چاره‌ای در پایداری بر طاعت خدا و نه توانی برای دوری از معاصی مگر به کمک خدای یکتا، کسی که این را گفت به او گفته می‌شود: تو را کفایت کرده‌اند و نگه داشته‌اند و راهنمایی کرده‌اند به سوی راه راست و شیطان از او دور شد».

«باب ما يقول إذا دخل بيته»

بابی است در بیان آنچه وقتی که داخل خانه اش می‌شود، می‌گوید

مستحب است که موقع داخل شدن به خانه بگوید: بسم الله، و یاد خدا بسیار نماید و سلام کند، خواه کسی در خانه باشد و یا نباشد، اگر در خانه کسی است می‌گوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. و اگر در خانه کسی نیست می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ». خدای متعال فرمود:

﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَرَكََةً طَيِّبَةً﴾ [النور: ۶۱].

«وقتی داخل به خانه‌هایتان می‌شوید بر اهل خانه سلام کنید که این گرامی‌داشتنی است پاک و پربرکت که از نزد خدا می‌یابند».

ترمذی از انس رضی الله عنه روایت نمود که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود:

«يَا بُنَيَّ إِذَا دَخَلْتَ عَلَى أَهْلِكَ فَسَلِّمْ يَكُونُ بَرَكَهٌ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ». [قال

الترمذی: حدیث حسن صحیح]. «وقتی که داخل به خانه‌ات شدی بر خانواده‌ات سلام کن بگو:

السلام علیکم که همین سلام کردند برکتی است بر خودت و بر خانواده‌ات».

و در سنن ابی داود روایت داریم از ابومالک اشعری رضی الله عنه (نام ابومالک: حارث است و گفته شده:

نام او عبید و گفته شده نام او کعب و گفته شده نام او عمرو است، یعنی نظر به این که شهرت او به

ابومالک است در نام او اختلاف است، اگرچه معتمد همان حارث است).

ابومالک گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا وَلَجَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَلْيُقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ

الْمَوْلِجِ وَخَيْرِ الْمَخْرَجِ، بِاسْمِ اللَّهِ وَلَجْنَا، وَبِاسْمِ اللَّهِ خَرَجْنَا، وَعَلَى اللَّهِ رَبَّنَا تَوَكَّلْنَا، ثُمَّ يُسَلِّمُ

عَلَى أَهْلِهِ». «وقتی که شخص داخل خانه اش شد بگوید: خدایا از تو می‌خواهم خیر داخل شدن به خانه،

و از تو می‌خواهم خیر بیرون آمدن از خانه، به نام خدا به خانه داخل شدیم و به نام خدا از خانه بیرون

می‌رویم و بر خدای یکتا که پروردگار ما می‌باشد توکل نمودیم، آنگاه سلام بر اهل خانه‌اش نماید».

ابوداود پس از روایت این حدیث آن را ضعیف ندانست.

و ابوداود به اسناد حسن روایت نمود از ابو امامه باهلی که نام او صُدّی بن عجلان است از رسول

الله صلی الله علیه و آله که فرمود:

«ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ رَجُلٌ خَرَجَ غَارِيًّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ حَتَّى

يَتَوَفَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يُرَدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ وَغَنِيمَةٍ وَرَجُلٌ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَهُوَ ضَامِنٌ

عَلَى اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَتَوَفَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يُرَدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ وَغَنِيمَةٍ وَرَجُلٌ دَخَلَ بَيْتَهُ

بِسَلَامٍ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى». حدیث حسن. «سه کسانند که در ضمان و رعایت

خدای عزوجل هستند: مردی که به جهاد فی سبیل الله رفت او در رعایت خدای تعالی می‌باشد تا این که خدا

او را وفات دهد و به بهشت داخل گرداند، یا این که او را به خانه‌اش برگرداند با آنچه از اجر و غنیمت به

دست آورده است. و مردی که به مسجد رفت (برای طاعت خدا) او زیر نظر و رعایت خداست تا این که

خدا او را وفات دهد و او را داخل بهشت سازد، یا این که او را زنده برگرداند با آنچه از ثواب و غنیمت عمر

به دست آورده است. و کسی که داخل به خانه می‌شود با سلام بر اهل خانه او در ضمان و رعایت خداوند

پاک و بلندمرتبه است».

و در صحیح مسلم به روایت از جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه آمده است که جابر گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود:

«إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عَشَاءَ. وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ. وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ». «وقتی که شخص داخل خانه شد و نام خدا را یاد کرد وقت آمدن به خانه و خوراک خوردن، شیطان به همراهانش می‌گوید اینجا نه محلی برای خوابیدن دارید و نه خوراکی برای خوردن، و چنانچه وقت داخل شدن به خانه نام خدا را یاد نکرد، شیطان به همراهان خود می‌گوید اینجا جای خوابیدن یافتید، و وقتی که هنگام غذا خوردن نام خدا را یاد نکرد، شیطان به همراهان خود می‌گوید شما در این خانه هم جای ماندن یافتید و هم غذا برای خوردن».

و امام مالک در موطا فرمود: کسی که داخل به خانه‌ای شد که کسی در آن نیست، بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

«باب ما يقول إذا استيقظ في الليل وخرج من بيته»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب از خواب بیدار شود و از خانه بیرون برود

مستحب است وقتی که در شب از خواب بیدار شد و از خانه بیرون رفت نظر به سوی آسمان نماید و از آیه ۱۹۰ تا آخر سوره‌ی آل عمران را بخواند:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَعَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسْلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ

أَوْ أَنْتُمْ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ ۖ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِن دِيَرِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِ
وَقَتْلُوا وَقُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دُخْلَتْهُمْ جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾ لَا يَغُرَّتْكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا
فِي الْبِلَادِ ﴿١٩٦﴾ مَتَّعَ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٩٧﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ
لَهُمْ جَنَّتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ
خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ ﴿١٩٨﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ
إِلَيْهِمْ خَشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩٩﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٠٠﴾ [آل عمران: ١٩٠-٢٠٠].

«حقا که در آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و از پی یکدیگر آمدن شب و روز نشانه‌های قدرت پروردگار است برای خردمندان. آن مردمی که خدا را یاد می‌کنند ایستاده و نشسته و بر پهلو افتاده و می‌اندیشند در آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و می‌گویند: ای پروردگار ما! نیافریدی این همه کاینات پر عظمت را به باطل، منزّه هستی از هر عیب و نقصی، پاکی از هر عیب، پس نگاه‌دار ما را از عذاب دوزخ. پروردگارا! به حقیقت هرکسی را به دوزخ فرستادی حقا که او را رسوا کرده‌ای و نیست ستمگران را هیچ یاری‌دهنده. پروردگارا! به حقیقت که ما شنیدیم دعوت‌کننده که به سوی ایمان دعوت می‌کرد و می‌گفت ایمان بیاورید به پروردگارتان و ما قبول دعوت‌شان کردیم و ایمان آوردیم. پروردگارا! بیامرز ما را و گناهان ما را آمرزیده ساز و بیوشان از ما بدی‌هایمان و وفات و مرگ ما را همراه نکوکاران قرار ده که در وقت وفات از نکوکاران باشیم. پروردگارا! بده ما را آنچه را که بر زبان پیغمبرانت نوید آن را به ما دادی و ما را رسوا مگردان در روز قیامت به حقیقت که تو هیچگاه خلاف وعده نخواهی فرمود. پروردگارشان دعایشان را به اجابت رسانید و فرمود: ضایع نمی‌گردانم عمل هر عمل خیرکننده از شما از مرد یا زن، بعضی از شما از بعضی دیگرند (شما همه از همدیگر هستید و ایمان و عمل صالح میان شما جمع نموده) پس مردمی که هجرت کردند از دیار کفر و بیرون شدند از شهر و خانه‌هایشان و شکنجه و اذیت دیدند از کافران در راه ایمان آوردن به من و جنگیدند با کافران و کشته شدند در این راه، می‌پوشانم از ایشان بدی‌هایشان و ایشان را داخل می‌سازیم به بهشت‌هایی که روان است زیر آنها رودها، این همه احسان که به ایشان برسد پاداشی است از نزد خدا و خداست که پاداش نیکو نزد اوست. نفریبت تو را رفت و آمد کافران در شهرها، خوشی اندکی است پس از آن جایگاه‌شان دوزخ است و چه بد آرامگاهی است برایشان (که به

جای آرامش در دوزخ می‌سوزند). و لیکن مردمی که از خدا ترسیدند برای ایشان است بهشت‌هایی که روان است زیر آنها روده‌ها در حالی که در آن بهشت‌ها و خوشی‌ها جاویدان می‌مانند و این مهمانی است از نزد خدا برایشان و آنچه نزد خداست بهتر است برای نکوکاران. و به حقیقت از اهل کتاب: از یهود و نصاری مردمی هستند که ایمان می‌آورند به خدای یکتا و آنچه نازل شد بر شما و آنچه نازل شد بر خودشان، فروتنی کنندگانند برای خدا، نمی‌خرند در مقابل آیات خدا بهای اندکی، آنانند که برایشان است ثواب‌شان نزد پروردگارشان، حقا که خدا خیلی زود به حساب بندگان برسد. (حساب این همه خلایق در مدت کوتاهی انجام می‌دهد: آنچه مؤمن هستند حساب اعمال‌شان به قدر فاصله‌ی میان دو نماز انجام می‌شود و به خوشی جاویدان می‌رسند و آنچه کافرنند روز سختی در پیش دارند، همه رسوایی و بدبختی و دست آخر به آتش سوختن) ای مردمی که ایمان آورده‌اید! ای مؤمنان صبر و شکیبایی پیشه کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و بترسید از خدای متعال تا رستگار شوید».

در صحیح بخاری و مسلم به ثبوت رسیده است که رسول الله ﷺ وقتی که در شب بیدار می‌شد و از خانه بیرون می‌رفت آن آیات را می‌خواند، و نظر کردن پیامبر به آسمان و خواندن آن آیات در صحیح بخاری آمده است، و در مسلم نیامده است. و در صحیح بخاری و مسلم از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت نموده اند که رسول الله ﷺ موقعی که برای نماز تهجد از خواب برمی‌خاست می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيِّمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ، لَكَ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ، وَمُحَمَّدٌ ﷺ حَقٌّ، وَالسَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنَبِّتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَاعْفُ رُحْمَتِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». زَادَ بَعْضُ الرُّوَاةِ: «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

«خدایا ستایش‌ها همه برای توست، تو نگهدار آسمان و زمین و همه‌ی آنچه در آن دو می‌باشد، هستی. و ستایش‌ها برای توست، مالکیت آسمان‌ها و زمین‌ها و آنچه در آن دو می‌باشد برای توست، و ستایش‌ها برای توست. تو روشن‌فرمای آسمان و زمین‌ها و آنچه در آنهاست، می‌باشی. و همه ستایش‌ها برای توست. تو حق هستی و وعده‌ی تو همه حق است و دیدار تو در آخرت برای مؤمنان حق است و گفتار تو حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است و رسالت محمد برحق است و قیامت حق است. خدایا خود را تسلیم

فرمان تو نمودم و به فرمان تو مسلمان شدم و به تو ایمان آوردم و کارهایم را همه به تو واگذاشتم (تا سعی و کوشش را به ثمر برسانی) و به سوی تو رجوع و انابت نمودم (تا همیشه روی دلم متوجه درگاهت باشد و انجام‌دهنده فرمانت باشد) و برای تو با دشمنانت دشمنی نمودم، و برای داوری روی به سوی تو نمودم، پس پیامرز برایم گناهان پیش از این و بعد از این و آنچه از گناهان که نهانی انجام دادم و آنچه از گناهان که آشکار نمودم، تو به جلو می‌اندازی کسی را که بخواهی و به دنبال می‌اندازی کسی را که بخواهی، نیست معبودی به حق مگر تو». و بعضی از روایان این کلمه را افزوده‌اند: «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» نیست نیرویی مرا در پایداری بر طاعتت و نه توانی برای دوری از نافرمانیت مگر به کمک تو و به کمک توست که راه پایداری بر طاعت و دوری از معصیت را به دست می‌آوریم».

«باب ما يقول إذا أراد دخول الخلاء»

بابی است در بیان آنچه موقع داخل‌شدن به مستراح می‌گوید

و در صحیح بخاری و مسلم به ثبوت رسیده است که انس رضی الله عنه گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم موقع داخل‌شدن به مستراح می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ». «خدا! پناه می‌برم به تو از شر دیوهای نر و دیوهای ماده».

و در سنن ترمذی به روایت از علی رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «سَتَرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنَّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ إِذَا دَخَلَ الْكَنِيفَ أَنْ يَقُولَ: بِاسْمِ اللَّهِ». «چیزی که عورت بنی آدم را موقعی که به مستراح داخل می‌شود از چشم جن می‌پوشاند گفتن بسم الله می‌باشد».

بنابراین، چه در مستراح و چه در صحرا قبل از نشستن برای قضای حاجت بگوید: «بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ». «خدا! نام تو را یاد می‌کنم و به تو پناه می‌برم از شر دیوهای نر و دیوهای ماده».

و در روایت ابن السنی و طبرانی از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه به مستراح داخل می‌شد، می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْحَبِيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». «خدا! پناه می‌برم به تو از شر پلید ناپاک، خبیث بدعمل، شیطان رانده‌شد».

«باب النهی عن الذکر والكلام علی الخلاء»

بابی است در بیان نهی از ذکر خدا و سخن گفتن به هنگام قضای حاجت

موقعی که برای قضای حاجت نشسته است مکروه است یاد خدا و سخن گفتن، خواه در صحرا باشد یا در ساختمان، و هر نوع اذکار و سخن یکسان است، و سخن نگوید مگر برای ضرورت، حتی اگر کسی عطسه نماید، نگوید: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ». و اگر خودش عطسه کند، نگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ». و اگر کسی بر او سلام گفت، جواب سلامش ندهد. و اگر صدای مؤذن بشنود جواب آن را ندهد و مانند مؤذن نگوید. و اگر اذان شنید و جواب اذان به دل بگوید و به زبان نیاورد مانعی ندارد. همچنین اگر در حال جماع بود به دل جواب مؤذن بگوید و بر زبان نیاورد.

و در صحیح مسلم آمده است موقعی که رسول الله ﷺ بول می کرد مردی که عبور می کرد سلام نمود و رسول الله ﷺ جواب سلامش نداد.

و در سنن ابوداود و نسایی و ابن ماجه به اسناد صحیح از مهاجر بن قنفذ روایت نمود که مهاجر گفت: «أَتَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ وَهُوَ يَبُولُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيَّ حَتَّى تَوَضَّأْتُ ثُمَّ اعْتَذَرَ إِلَيَّ وَقَالَ: «إِنِّي كَرِهْتُ أَنْ أَذْكُرَ اللَّهَ ﷻ إِلَّا عَلَى طَهْرٍ». «مهاجر گفت: نزد رسول الله ﷺ آمدم و سلام بر او نمودم و وقتی که مشغول بول بود، جواب سلامم نگفت تا این که وضو گرفت و معذرت خواست و فرمود: مکروه دانستم نام خدا را یاد نمایم وقتی که بر طهارت نیستم».

«باب النهی عن السلام علی الجالس لقضاء الحاجة»

بابی است در بیان نهی از سلام کردن بر کسی که برای قضای حاجت نشسته است

اگر کسی بر او سلام نمود حق جواب سلام ندارد و دلیل آن حدیث روایت ابن عمر و مهاجر است در باب قبلی یاد شد.

«باب ما يقول إذا خرج من الخلاء»

بابی است در بیان آنچه بیرون آمدن از محل قضای حاجت می‌گوید

می‌گوید: «غُفِرَ أَنْكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى، وَعَافَانِي». «خدایا، در برابر وقتی که به غفلت گذراندم از تو آمرزش می‌خواهم، ستایش‌ها همه برای خدای یکتایی است که پلیدی را از من دور کرد و مرا تندرستی عطا فرمود».

در حدیث صحیح در سنن ابوداود و ترمذی آمده است که رسول الله ﷺ وقتی که از محل قضای حاجت بیرون می‌آمد، می‌فرمود: «غُفِرَ أَنْكَ». «از تو آمرزش می‌خواهم» و در سنن نسایی و ابن ماجه ادامه‌ی آن آمده است، یعنی می‌فرمود: «غُفِرَ أَنْكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى، وَعَافَانِي» و ابن السنی و طبرانی از ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده‌اند که رسول الله ﷺ موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می‌فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْأَقَنِي لَذَّتِهِ وَأَبْقَى فِي قُوَّتِهِ وَأَذْهَبَ عَنِّي أَذَاهُ». «همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که لذت خوراک را به من چشانید و نیروی حاصل از خوراک را در وجود من باقی گذاشت و آزار و اذیت آن را از من دفع کرد».

«باب ما يقول على وضوئه»

بابی است در بیان آنچه در حال وضو می‌گوید

مستحب است که در اول وضو بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم، اگر فقط بسم الله بگوید هم کفایت می‌کند، علمای ما گفته‌اند: اگر بسم الله در اول وضو نگفت در میانه‌ی وضو بگوید. اگر بسم الله نگفت تا این که از وضو فارغ شد وقت بسم الله گفتن گذشته است و با این که آن را نگفته وضوی او صحیح است. و در خصوص بسم الله گفتن احادیثی آمده که همه ضعیف است. امام احمد فرمود: در باره‌ی بسمله حدیث صحیحی نیافته‌ام، از آن جمله است حدیثی که در سنن ابی داود آمده است از رسول الله ﷺ که فرمود:

«لَا وَضُوءَ لِمَنْ لَمْ يَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ». «وضو ندارد کسی که نام خدا را بر وضو یاد نکرد».

امام نووی فرمود: روایت داریم از سعید بن زید و ابی سعید خدری و عایشه و انس بن مالک و سهل بن سعد رضی الله عنهم، روایت همه در سنن بیهقی آمده است، و بیهقی و غیر او همه آن احادیث را ضعیف دانسته‌اند.

و با این که احادیث بسمله در وضو ضعیف است، باز هم عمل به حدیث ضعیف در اینگونه موارد جایز است.

(فصل) ابوالفتح نصر مقدسی زاهد گفته است که مستحب است برای وضوگیرنده که بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در اول وضو بگوید:
«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

و این سخن که ابوالفتح مقدسی گفته است گرچه مانعی ندارد، اما اصلی در سنت ندارد و از علما مذهب مان و غیر از ایشان کسی آن را نگفته است.

(فصل) بعد از فارغ شدن از وضو بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ». گواهی می‌دهم که نیست معبودی بحق مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی برای او نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی برحق خداست. خدایا! بگردان مرا از توبه‌کنندگان که در مقابل هر غفلی توبه نمایم، و بگردان مرا از پاکیزگان که گرد هیچ آلودگی نگردم، خدایا منزّه و پاک هستی از هر عیب و نقص، تسبیح تو می‌گویم و به حمد و ستایش تو می‌پردازم، و گواهی می‌دهم که نیست معبودی بحق مگر تو، طلب آمرزش می‌نمایم از تو و به سوی تو روی می‌آورم».

نووی فرمود: و روایت داریم از عمر بن الخطاب رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ تَوَضَّأَ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، فَتَحَّتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ». رواه مسلم في صحيحة.

«کسی که وضو بگیرد و موقع فارغ شدن از وضو بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، هشت در بهشت برای او گشوده می‌شود تا از هریک از آن درها که بخواهد داخل به بهشت شود».

و روایت ضعیفی هم هست در سه بار تکرار کردن أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تا آخر.

شیخ نصر مقدسی گفته است بعد از گفتن این اذکار که یاد شد بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ».

علمای مذهب ما گفته اند اذکار یاد شده موقع فراغت از وضو و رو به قبله بگوید.

(فصل) امام نووی فرمود: دعاهایی که موقع شستن اعضای وضو گفته می شود از رسول الله ﷺ به

ثبوت نرسیده است.

شیخ الإسلام زکریای انصاری فرمود: در خصوص آن دعاها روایاتی هستند که از مجموع آنها

دانسته می شود گفتن آنها مستحب است.

امام نووی فرمود: فقها گفته اند مستحب است دعاهایی که از سلف آمده و حاصل آن دعاها

چنین است که بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحیم، بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ

طَهُورًا». «حمد و ستایش ها برای خدا یکتایی است که آب را پاک کننده قرار داد». و موقع مضمضه و

آب به دهن گردانیدن بگوید: «اللَّهُمَّ اسْقِنِي مِنْ حَوْضِ نَبِيِّكَ ﷺ كَأْسًا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا».

«خدایا از حوض پیغمبرت - کوثر - در صحرای قیامت مرا لبوانی آب ده، به طوری که بعد از آن هرگز تشنه

نشوم». و موقع استنشاق و آب به بینی بردن بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْ نِي رَائِحَةَ نَعِيمِكَ وَجَنَّتِكَ».

«خدایا مرا محروم مفرما از بوی خوش بهشت هایت و خوشی آنها». و موقع شستن روی بگوید: «اللَّهُمَّ

بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ وُجُوهُ وَتَسْوَدُ وُجُوهُ».

«خدایا مرا روسفید گردان در روز قیامت که روهای سفید و روهای سیاه می شود». و موقع شستن دست راست بگوید: «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي».

«خدایا نامه ای اعمالم را به دست راستم برسان». و موقع شستن دست چپ بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي

كِتَابِي بِشِمَالِي».

«خدایا نامه ای اعمالم را در دست چپم قرار مده». و موقع مسح سر بگوید: «اللَّهُمَّ

حَرِّمْ شَعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ».

«خدایا مو و پوستم را بر دوزخ حرام گردان». تا آتش دوزخ به هیچ جای بدنم نرسد، یعنی مرا از رفتن به دوزخ حفظ فرما. و موقع مسح دو گوش بگوید: «اللَّهُمَّ

اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ».

«خدایا! بگردان مرا از جمله کسانی که گفتار را می شنوند و پیروی می کنند از بهترین گفتار». و موقع شستن دو پایش بگوید: «اللَّهُمَّ تَبَّتْ

قَدَمِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ».

«خدایا! دو پای مرا بر پل صراط پایدار بدار، روزی که پاهایی ثابت می ماند و پاهایی می لغزد».

و نسائی و دوستش ابن السنی در دو کتابشان «عمل الیوم واللیلة» به اسناد صحیح از ابوموسی اشعری روایت کرده اند که ابوموسی گفت: آب وضوی رسول الله ﷺ، رسول الله ﷺ مشغول وضوگرفتن شد و شنیدم که در اثنای وضو دعا می کرد و می گفت: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي». «خدایا بیامرز برای من گناهم و فراخ بساز برایم خانه ام و در روزیم برکت قرار ده». گفتیم: یا رسول الله! شنیدم که چنین دعایی می کردی: خدایا! گناهم بیامرز و خانه ام گشاده و پرخیر بساز و در روزیم برکت بینداز. رسول الله ﷺ فرمود: این دعا از حوائج انسانی چیزی باقی گذاشتند؟ یعنی این سه کلمه: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي». همه ی خیرات دنیا و آخرت را دربر دارد.

ابن السنی گفت: این دعا را در اثنای وضو بگویند. و نسائی گفت: این دعا را بعد از فراغت از وضو بگویند: احتمال هردو وجود دارد. در اثنای وضو بگویند خوب است و بعد از فراغت هم بگویند خوب است. والله سبحانه وتعالی أعلم.

«باب ما یقوله علی اغتساله»

بابی است در بیان آنچه که موقع بدن شستن می گوید

مستحب است موقع بدن شستن، گفتن آنچه موقع وضوگرفتن مستحب است، و فرقی نیست در این که بدون شوینده جنب یا حائض باشد. غسل فرض باشد یا غسل سنت، و بسم الله الرحمن الرحیم را اول غسل بگویند. چنانچه جنب یا حائض باشد آن را به قصد قرآن نگویند، بلکه به عنوان این که از اذکار وضو و اغتسال است بگویند. والله سبحانه وتعالی أعلم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه وسلم.

«باب ما یقول علی تیممه»

بابی است در بیان آنچه به وقت تیمم می گوید

مستحب است که اول تیمم بسم الله الرحمن الرحیم را بگویند و اگر جنب و یا حائض باشد آن را به قصد قرآن نگویند، بلکه به عنوان آنچه از اذکار تیمم است بگویند، و در اثنای تیمم و بعد از تیمم

آنچه در وضو مستحب بود در تیمم هم مستحب است، برای این که تیمم هم طهارتی است مانند وضو. والله سبحانه وتعالى أعلم وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

«باب ما يقول إذا توجه إلى المسجد» بابی است در بیان آنچه موقع رفتن به مسجد می گوید

قبلاً گفتیم که وقتی از خانه بیرون آمد به هر جا که می رود چه بگوید. بنابراین، وقتی که به مسجد می رود اضافه بر آن بگوید آنچه در صحیح مسلم از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت شده از آن حدیث طولانی که ابن عباس شبی در منزل خاله اش میمونه خوابید و در آن حدیث راجع به نماز تهجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم صحبت نمود، تا این که وقت نماز صبح شد و مؤذن اذان صبح گفت. و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برای نماز صبح از خانه بیرون آمد و می فرمود:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي لِسَانِي نُورًا وَاجْعَلْ فِي بَصَرِي نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ خَلْفِي نُورًا وَمِنْ أَمَامِي نُورًا وَاجْعَلْ مِنْ فَوْقِي نُورًا وَمِنْ تَحْتِي نُورًا. اللَّهُمَّ أَعْظِنِي نُورًا». «خدایا در دلم نور قرار ده و در زبانم نور قرار بده و در شنوایی ام نور قرار ده و در بینایی ام نور قرار ده و از پشت سرم نور قرار ده و از رو به رویم نور قرار ده و از بالای سرم نور قرار ده و از زیر پایم نور قرار ده، خدایا نور به من بده». مسلمان از خدا می خواهد که در دل و زبانش و در گوش و چشمش و از پشت سر و جلو رویش و از بالا و زیر و از همه طرف او نور خدا باشد و خدا به او نور عطا فرماید تا در همه حال و همه کارش نور باشد. چه دعایی از این بهتر که مسلمان در اعضایش نور خدا باشد و نور خدا به او احاطه نموده باشد و خدا به او نور عطا فرماید تا همیشه مثل خورشید پرفروغ و نوررسان باشد.

و در کتاب ابن السنی روایت داریم از بلال رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که به قصد نماز از خانه بیرون می آمد می فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّ مُخْرَجِي هَذَا فَإِنِّي لَمْ أَخْرُجْهُ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً خَرَجْتُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَاتِّقَاءَ سَخَطِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُعِيدَنِي مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ». قال النووي رحمته الله:

حدیث ضعیف، أحد رواه: الوازع بن نافع العُقيلي وهو متفق علي ضعفه وإنه منكر الحديث. وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ عَنْهُ مِنْ رِوَايَةِ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنْ

رسول الله ﷺ وعطية أيضاً ضعيف. «به نام خدا از خانه بیرون آمدم و ایمان آوردم به خدا و توکل نمودم بر خدا و کارهایم را به خدا واگذاشتم و نیست توانایی بر طاعت خدا و نه چاره‌ای برای دوری از گناه، مگر به کمک الله سبحانه وتعالی، خدایا به حق سؤال‌کنندگان و خواهش‌کنندگان از تو و به حق بیرون‌آمدنم از خانه برای رفتن به مسجد که من بیرون نیامدم به قصد تکبر و بی‌اعتنایی به حق و نه به قصد شهرت، بلکه بیرون آمدم از خانه به قصد خواستن خشنودی‌ات و پرهیز از خشم، از تو می‌خواهم مرا پناه دهی از دوزخ و مرا از آتش دوزخ دور نگاه‌داری و مرا داخل نمایی به بهشت».

نووی فرمود که این حدیث ضعیف است، روایت آن به همین لفظ یکی از روایت‌کنندگانش وازع بن نافع است که معروف است به ضعف در روایت حدیث و نامقبول بودن روایت او. و روایت به معنی این حدیث بازهم به روایت عطیه عوفی است که او هم ضعیف است. و گویی امام نووی که آن را در کتاب اذکار خود آورد، از این جهت باشد که عمل به حدیث در فضایل جایز است. والله سبحانه وتعالی أعلم.

«باب ما یقول عند دخول المسجد والخروج منه»

بابی است در بیان آنچه موقع داخل‌شدن به مسجد و بیرون‌آمدن از آن می‌گوید

موقع داخل‌شدن به مسجد می‌گوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ». «پناه می‌برم به خدای بزرگ و به ذات بزرگوار او و به سلطان و قدرت قدیم او از شیطان رانده‌شده. همه‌ی ستایش برای خدای یکتاست. خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد، خدایا بیامرز گناهانم را و بگشای درهای رحمت».

و موقع بیرون‌آمدن از مسجد همین را بگوید و به جای «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ». بگوید: «وَأَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ».

و اگر موقع داخل‌شدن به مسجد بگوید: «السَّلَامَ عَلَى النَّبِيِّ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ». و موقع بیرون‌آمدن از مسجد بگوید: «السَّلَامَ عَلَى النَّبِيِّ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ». هم خوب است.

و در حدیث صحیح است که موقعی که نمازگزار از مسجد بیرون می‌آید لشکریان ابلیس بر او جمع می‌شوند. بنابراین، بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ». «خدایا! پناه می‌برم به تواز ابلیس و لشکریانش». این را که بگوید ضرری به او نمی‌رساند.

«باب ما یقول فی المسجد» بابی است در بیان آنچه در مسجد می‌گوید

مستحب است بسیار یاد خدا کردن در مسجد با گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ» و ذکرهای دیگر. و مستحب است بسیار خواندن قرآن در مسجد. و از جمله مستحبات مسجد، خواندن حدیث رسول الله ﷺ و علم فقه و دیگر علوم است. خدای متعال فرمود:

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُو يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ [النور: ۳۶-۳۷].

«در خانه‌هایی (در مساجد) که خدا اجازه داد بالا بردن و یاد کردن نام او، در همین مساجد صبح و پسین مردانی به تسبیح و تنزیه خدا مشغولند».

و رسول الله ﷺ فرمود: «إِنَّمَا هِيَ لِذِكْرِ اللَّهِ ﷻ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ». [رواه مسلم]. «این مساجد تنها ساخته شده برای یاد خدا کردن و تلاوت قرآن».

(فصل) شایسته است برای کسی که در مسجد نشسته است این که نیت اعتکاف کند: «نَوَيْتُ الْإِعْتِكَافَ». برای این که نزد ما نیت اعتکاف جایز است، اگرچه برای یک لحظه هم باشد، حتی اگر از مسجد عبور می‌کند هم لحظه‌ای بایستد و نیت اعتکاف نماید و بعد عبور کند. و مکروه است که در مسجد فارغ و بدون یاد خدا بنشیند، برای این که کسی در مسجد است خوب است خود را به طاعتی مشغول دارد از قبیل نماز، تلاوت قرآن، ذکر خدا، درس علم. و کسی که در مسجد است امر به معروف و نهی از منکر نماید. و هر بار که به مسجد داخل می‌شود دو رکعت تحیت مسجد بخواند، اگر برایش مقدور نباشد چهار بار بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

«باب انکاره ودعائه علی من ینشد ضالّة فی المسجد او یبیع فیہ»
بابی است در بیان انکار و نفرین کردن بر کسی که در مسجد به
دنبال گمشده اش می‌گردد یا خرید و فروش می‌کند

اگر دید که کسی در مسجد می‌خواهد به خرید و فروش پردازد یا سؤال گمشده نماید، منع نماید. چنانکه در حدیث صحیح مسلم آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنْشُدُ ضَالَّةً فِي الْمَسْجِدِ فَلْيَقُلْ لَا رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيْكَ فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لَمْ تُبْنَ لِهَذَا». «کسی که شنید که مردی سؤال گمشده اش در مسجد می‌کند، بگوید: خدا گمشده‌ات را برنگرداند، برای این که مساجد برای این چیزها ساخته نشده است».

و در کتاب ترمذی آمده است: «إِذَا رَأَيْتُمْ مَنْ يَبِيعُ أَوْ يَبْتَاعُ فِي الْمَسْجِدِ فَقُولُوا لَا أَرْبَحَ اللَّهُ تِجَارَتَكَ». «هرگاه دیدید کسی را که در مسجد می‌فروشد یا می‌خرد، به او بگویید خدا تجارت را سودمند نگرداند».

«باب ما یقول إذا رأى من ینشد فی المسجد شعراً لیس فیہ مدح
الإسلام ولا ترغیب إلى مکارم الأخلاق»
بابی است در بیان آنچه می‌گوید هرگاه کسی را دید که در مسجد
شعری می‌خواند که در آن مدح اسلام و تشویق به مکارم اخلاق
نیست

روایت داریم از ابن سنی از ثوبان رضی الله عنه که رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ رَأَى تَمُوهُ يَنْشُدُ شِعْرًا فِي الْمَسْجِدِ، فَقُولُوا لَهُ: فَضَّ اللَّهُ فَآكَ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». «کسی را که دیدید در مسجد شعری می‌خواند، به او بگویید خداوند دهانت را پاره کند، سه بار».

«باب فضيلة الأذان» بابی است در بیان فضیلت اذان

«قال رسول الله ﷺ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَاسْتَهْمُوا». رواه البخاري ومسلم في صحيحيهما عن أبي هريرة رضي الله عنه. «رسول الله ﷺ فرمود: «اگر مردم می دانستند که در اذان و صف اول نماز با جماعت چقدر ثواب است و آنگاه اذان و صف اول به دست نمی آمد مگر به قرعه انداختن، راضی می شدند که بر آن قرعه بیندازند».

«قال رسول الله ﷺ: الْمُؤَذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ». رواه مسلم. «رسول الله ﷺ فرمود: مؤذنان مساجد روز قیامت گردن شان از گردن مردم درازتر است». یعنی در روز قیامت مؤذنان از سرفرازترین مردم هستند، برای این که وقت نماز را اعلام می کنند و مردم را دعوت به سوی نماز و طاعت خدا می کنند.

«يقول رسول الله ﷺ: لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جَنٌّْ وَلَا إِنْسٌ وَلَا شَيْءٌ إِلَّا شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [رواه البخاري]. «هرکس و هرچیز که آواز مؤذن بشنود در وقت اذان گفتنش، خواه جن و یا انس و یا هرچیز دیگر باشد، در روز قیامت گواهی برای مؤذن می دهد».

علمای مذهب ما شافعیان در خصوص این که امامت نماز بیشتر فضیلت دارد و یا اذان گفتن، بر چهار قول اختلاف نظر دارند. معتمد این است که اذان افضل است. قول دوم امامت افضل است. قول سوم امامت و اذان در فضیلت یکسانند. قول چهارم اگر می داند که حقوق امامت را می گزارد و شروط آن در وجود او جمع است امامت بهتر است و گر نه اذان افضل است.

«باب صفة الأذان» بابی است در بیان چگونگی اذان

بدان که ترجیح در اذان سنت است و ترجیح، یعنی بعد از این که چهار بار الله اکبر بلند گفت، آهسته به طوری که خودش و کسی که نزدیک اوست بشنود دوبار بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَدُو بَار نِيز آهسته بگوید: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، و بعد از این که دو بار شهادتین را آهسته

گفت، دو بار أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، را بلند بگویند و دو بار نِزْ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ را بلند بگویند. و تثویب سنت است؛ و تثویب عبارت از این است که دو بار حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و دو بار حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ را که در اذان صبح گفت، دوبار بگویند: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ.

الفاظ اذان: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

و کسی که اذان می شنود هر چه که از مؤذن می شنود تکرار کند، مگر این که با شنیدن حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ می گویند: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. و موقعی مؤذن در نماز صبح می گویند: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ. شنونده می گویند: صَدَقْتَ وَبَرَرْتَ: راست گفتی و نیوکار شدی. گفته شده بگویند: صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ. و مستحب است که مؤذن خوش آواز و امین و محل اعتماد و باخبر از اوقات نماز باشد. و مستحب است که در اذان و اقامه با وضو باشد، و بدون وضو اذان و اقامه مکروه است، و رو به قبله اذان بگویند، و اذان و اقامه را ایستاده بگویند، اذان کافر و کودک غیر ممیز وزن روا نیست.

اگر در اذان ترجیع و تثویب نگویند، اذانش صحیح است و ترک افضل نموده است، اذان و اقامه اختصاص به نمازهای فرض شبانه روزی دارد، خواه به تنهایی خوانده شود یا با جماعت، برای حاضر باشد یا مسافر، برای نماز ادا باشد یا نماز قضا. اگر چند نماز فرض باهم می خواند برای نماز اولی اذان و اقامه هردو بگویند، برای باقی فقط اقامه بگویند. اذان و اقامه بنابر قول معتمد هردو سنت هستند، چه برای نماز جمعه. و اذان و اقامه اختصاص به نمازهای فرض دارد، مثل نماز پنجگانه‌ی شبانه روزی و نماز جمعه.

و در نماز عید و کسوف و خسوف و استسقاء گفته می شود: «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ». و در سنن نوافل دیگر گفته نمی شود، و در تراویح بنابر اصح اقوال «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ». گفته می شود.

و شرط است در اذان که بعد از دخول وقت نماز گفته شود، و برای نماز صبح درست است بعد از نیمه‌ی شب اذان صبح گفته شود، و معمولاً اذان اول نماز صبح یک ساعت قبل از دخول وقت گفته می شود تا کسانی که نماز تهجد می خوانند بعد از اذان اول بخوانند، برای این که مردم سست شده و مثل قبل همت ندارند بیش از نصف شب به نماز تهجد بپردازند، و اقامه‌ی نماز باید موقع آغاز به نماز گفته شود.

الفاظ اذان: الله أَكْبَرُ، الله أَكْبَرُ، الله أَكْبَرُ، الله أَكْبَرُ. و ترجیع دو بار أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ و دو بار أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ که آهسته گفته می شود، سپس دو بار أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ و دو بار أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ به آواز بلند می گوید، سپس دو بار حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و دو بار حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ می گوید و در نماز صبح پس از آن دو بار الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ می گوید، و سپس دو بار اللهُ أَكْبَرُ و پس از آن یک بار لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ می گوید. بنابراین، الفاظ اذان بدون ترجیع و تثویب پانزده کلمه است و با ترجیع نوزده کلمه و با ترجیع و تثویب بیست و یک کلمه است.

«باب ما يقول من سمع المؤذن والمقيم»

بابی است در بیان آنچه که شنونده ی اذان و اقامه می گوید

مستحب است که اذان و اقامه را می شنود مانند مؤذن بگوید، اما در حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و موقعی که مؤذن می گوید: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، بگوید: «صَدَقْتَ وَبَرَرْتَ» و گفته شده، بگوید: «صَدَقَ رَسُولُ اللهِ ﷺ» و موقعی که مقيم می گوید: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» بگوید: «أَقَامَهَا اللهُ وَأَدَامَهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَجَعَلَنِي مِنْ صَالِحِي أَهْلِهَا». آیا این که مؤذن که اذان می گوید خودش هم مثل باقی شنندگان اذان بگوید، به نظر امام الحافظ العلامة ابن حجر هیثمی خودش مثل الفاظ اذان بگوید و بعد از «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید.

رسول الله ﷺ موقعی که مؤذن أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ می گفت، می فرموده است: «وَأَنَا أَشْهَدُ». یعنی من گواهی می دهم که رسول الله هستم. و موقعی که مؤذن می گوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ». شنونده بگوید: «رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا». و همچنین موقعی که مؤذن گفت: «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ»، شنونده بگوید: «رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا». و موقعی که شنید مؤذن می گوید: «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ». بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مُفْلِحِينَ».

وقتی که شنونده‌ی اذان و اقامه از گفتن مانند گفته‌ی مؤذن فارغ شد، بگوید: «اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ الثَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتُهُ». پس از آن دعا نماید به آنچه می‌خواهد از امور دنیا و آخرت، ترجمه‌ی دعا: «خدایا! صاحب این دعوت کامل و صاحب این نمازی که اکنون برپا می‌شود، بده به محمد وسیله و فضیله که دو منزلت در بهشتند و او را برسان به مقام محمود که وعده اش فرمودی». پس از دعا صلوات بر رسول الله و آل و اصحابش بفرستد.

روی البخاری و مسلم: «عن أبي سعيد الخدري رضی اللہ عنہ، قال: قال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم: إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ الْمُؤَذِّنُ». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: وقتی شنیدید که مؤذن اذان می‌گوید، مانند او بگویید».

«و روي مسلم عن عبد الله بن عمرو بن العاص رضی اللہ عنہ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صلی اللہ علیہ وسلم يَقُولُ: إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: وقتی که اذان را شنیدید شما مانند مؤذن بگویید، پس از آن بر من درود فرستید که هرکسی که یک بار درود بر من فرستد خدا ده بار بر او درود فرستد، آنگاه طلب وسیله نمایید برای من که وسیله منزلتی است در بهشت برای یکی از بندگان خدا و امیدوارم آن بنده‌ای که خدا منزلت و وسیله به او عطا فرموده است من باشم».

«و روي مسلم عن عمر بن الخطاب رضی اللہ عنہ، قال: قال رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم: إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ فَقَالَ أَحَدُكُمْ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. قَالَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ. قَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ. قَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ، دَخَلَ الْجَنَّةَ». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «وقتی که مؤذن گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، و یکی از شما که اذان می‌شنود گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. پس از آن مؤذن گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، یکی از شما که اذان می‌شنود گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. پس از آن مؤذن گفت: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، و شنونده گفت: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. پس از آن مؤذن گفت: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، و شنونده

گفت: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. پس از آن مؤذن گفت: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، و شنونده گفت: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. پس از آن مؤذن گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، و شنونده گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. پس از آن مؤذن گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و شنونده گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. و همه این کلمات را از دل گفت، به بهشت رسیده است. حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ: یعنی بشتابید به سوی نماز. حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ: یعنی بشتابید به سوی رستگاری. شنونده می‌گوید: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، یعنی نیست چاره‌ای برای دور شدن از گناه و نه نیرویی برای انجام دادن طاعت جز به کمک خدای عزوجل. مؤذن می‌گوید: بشتابید به سوی نماز. شنونده می‌گوید: ما به کمک خدای عزوجل می‌شتابیم به سوی نماز، یعنی اگر کمک خدا نباشد نه دوری از گناه می‌توانیم، نه پایداری بر طاعت.

«وروی مسلم عن سعد بن أبي وقاص رضی الله عنه عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا. غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ». «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که موقعی که صدای مؤذن می‌شنود، بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا. گناهش بخشوده شده است». یعنی موقع شنیدن أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و همچنین موقع شنیدن أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا. گناهش آمرزیده شده است.

(فصل) اگر موقع اذان شنونده در نماز است، مانند مؤذن نگوید، بلکه وقتی که از نماز فارغ شد مؤذن را اجابت نماید. اگر در نماز مانند مؤذن گفت، گفتش مکروه است و نمازش باطل نمی‌شود. و اگر موقع اذان در حال قضای حاجت است، جواب مؤذن نگوید که بر زبان آوردن کلمات اذان در آن حالت حرام است. اما اگر مشغول تلاوت قرآن یا درس علم یا مشغول تسبیح و تهلیل است، همه‌ای اینها را قطع کند و جواب مؤذن بدهد.

«باب الدعاء بعد الأذان»

بابی است در بیان این که دعا بین اذان و اقامه مستجاب می شود

«رَوَيْنَا عَنْ أَنَسٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم:

لَا يُرَدُّ الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ». رواه أبو داود والترمذي والنسائي وابن السني وغيرهم. قال الترمذي: حديث حسن صحيح، وزاد الترمذي في روايته: قالوا: فماذا نقول يا رسول الله؟ قَالَ: سَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «دعای میان اذان و اقامه مستجاب است، گفتند: یا رسول الله چه دعایی بکنیم؟ فرمود: از خدا بخواهید عافیت دنیا و آخرت». کلمه‌ی عافیت به معنی دوری از ناملازمات است، طلب عافیت کردن به معنی دوری از بیماری، دوری از زشتکاری، دوری از آنچه دنیا و یا آخرت انسان را به باد می دهد، یعنی طلب عاقبت خیر در همه‌ی امور».

«وَرَوَيْنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عمرو بن العاص رضی اللہ عنہما أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الْمُؤَذِّنِينَ يَفْضُلُونَنَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم: قُلْ كَمَا يَقُولُونَ فَإِذَا انْتَهَيْتَ فَسَلْ تُعْطَهُ». رواه أبو داود ولم يضعفه. «مردی گفت: یا رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم! مؤذنان بر ما برتری یافته اند. رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: هرچه مؤذن می گوید، بگو و وقتی که از جواب مؤذن فارغ شدی هرچه می خواهی از خدا بخواه که آن را به تو می دهند».

«وَرَوَيْنَا فِي سنن أبي داود أيضاً في كتاب الجهاد بإسناد صحيح عن سهل بن سعد رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم: ثِنْتَانِ لَا تُرَدَّانِ أَوْ قَالَ تُرَدَّانِ: الدُّعَاءُ عِنْدَ التَّذَاتِ وَعِنْدَ الْبَاسِ حِينَ يُلْجِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا». کلمه‌ی يُلْجِمُ در بعضی از روایات به حاء است، و در بعضی روایات يُلْجِمُ به جیم است و معنی تفاوت نمی کند.

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «دو دعای مستجاب هستند که برگشت ندارند: دعا موقعی که مؤذن اذان می گوید و دعا موقعی که مجاهدین در جهاد فی سبیل الله به جنگ تن به تن مشغولند».

«باب ما يقول بعد ركعتي الصبح»

بابی است در بیان آنچه بعد از دو رکعت سنت قبلیهی صبح می‌گوید

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ عَنْ أَبِي الْمَلِيحِ وَاسْمُهُ عَامِرُ بْنُ أَسَامَةَ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّهُ صَلَّى رَكَعَتَيِ الْفَجْرِ وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله صَلَّى قَرِيباً مِنْهُ رَكَعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ ثُمَّ سَمِعَهُ يَقُولُ وَهُوَ جَالِسٌ: اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَمُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ! ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». «ابوالمليح عامر بن اسماه از پدرش اسامه روایت نمود که اسامه دو رکعت سنت قبلیهی صبح خواند و رسول الله صلى الله عليه وآله دو رکعت قبلیهی صبح نزدیک اسامه خواند، دو رکعت سبک. بعد از این که رسول الله صلى الله عليه وآله دو رکعت قبلیهی صبح را به پایان برد، اسامه شنید که رسول الله صلى الله عليه وآله می‌فرماید: «خدایا ای پروردگار جبرئیل و اسرافیل و میکائیل و محمد پیغمبر صلى الله عليه وآله پناه می‌برم به تو از دوزخ». و این را سه بار فرمود».

«باب ما يقول إذا انتهى إلى الصف»

بابی است در بیان آنچه وقتی به صف نماز جماعت رسید، می‌گوید

«رَوَيْنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رضي الله عنه، أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى الصَّلَاةِ وَرَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُصَلِّي، فَقَالَ حِينَ انْتَهَى إِلَى الصَّفِّ: اللَّهُمَّ آتِنِي أَفْضَلَ مَا تُؤْتِي عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ. فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الصَّلَاةَ، قَالَ: مَنِ الْمُتَكَلِّمُ آنِفًا؟ قَالَ الرَّجُلُ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِذَنْ يُعَقَّرَ جَوَادُكَ، وَتَسْتَشْهَدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». رواه النسائي وابن السني ورواه البخاري في تاريخه في ترجمة بن مسلم بن عائذ. «مردی آمد برای نماز جماعت در مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله با جماعت نماز می‌خواند، آن مرد وقتی که به صف نماز رسید گفت: خدایا به من بده بهترین چیزی که به بندگان صالح و شایسته‌کار خودت می‌دهی. رسول الله صلى الله عليه وآله وقتی که سلام نماز گفت فرمود: «چه کسی الآن سخن گفت؟» آن مرد گفت: من بودم یا رسول الله، رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: بنابراین، اسبت پی می‌شود و خود در جهاد فی سبیل الله شهید می‌شوی». یعنی بهترین چیزی که خدا به صالحان می‌دهد شهادت فی سبیل الله است.

«باب ما یقوله عند أرائته القيام إلى الصلاة»

بابی است در بیان آنچه به هنگام برخاستن برای نماز می‌گوید

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ أَنَّهَا قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ذُلَّنِي عَنْ عَمَلٍ يَأْجُرُنِي اللَّهُ ﷻ عَلَيْهِ. قَالَ: «يَا أُمَّ رَافِعٍ، إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَسَبِّحِي اللَّهَ تَعَالَى عَشْرًا وَهَلِّلِيهِ عَشْرًا وَاحْمَدِيهِ عَشْرًا وَكَبِّرِيهِ عَشْرًا وَاسْتَغْفِرِيهِ عَشْرًا فَإِنَّكَ إِذَا سَبَّحْتَ قَالَ: هَذَا لِي وَإِذَا هَلَّلْتَ قَالَ: هَذَا لِي وَإِذَا حَمَدْتَ قَالَ: هَذَا لِي وَإِذَا كَبَّرْتَ قَالَ: هَذَا لِي وَإِذَا اسْتَغْفَرْتَ قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ». «ام رافع رحمته الله عرض کرد: یا رسول الله! مرا راهنمایی فرما به سوی عملی که خدا بر آن عمل مرا ثواب دهد. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی که خواستی برای نماز برخیزی، ده بار سبحان الله و ده بار لا إله إلا الله و ده بار الله اکبر و ده بار استغفر الله بگو، برای این که وقتی سبحان الله گفتی، خدا می‌فرماید: برای من تسبیح گفت و وقتی که لا إله إلا الله گفتی، خدا می‌فرماید: برای من تهلیل گفت، و وقتی که الله اکبر گفتی، خدا می‌فرماید: برای من تکبیر گفت، و وقتی که استغفر الله گفتی، خدا می‌فرماید: مغفرت و آمرزشت را انجام دادم».

«باب الدعاء عند الإقامة»

بابی است در بیان دعایی که موقع اقامه‌ی نماز فرض گفته می‌شود

«رَوَى الْإِمَامُ الشَّافِعِيُّ بِإِسْنَادِهِ فِي الْأُمِّ حَدِيثًا مُرْسَلًا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أُطْلُبُوا اسْتِجَابَةَ الدَّعَاءِ عِنْدَ التَّقَاةِ الْجَيُوشِ وَإِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَنُزُولِ الْغَيْثِ! وَقَالَ الشَّافِعِيُّ وَقَدْ حَفِظْتُ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ طَلَبَ الْإِجَابَةِ عِنْدَ نَزُولِ الْغَيْثِ وَإِقَامَةِ الصَّلَاةِ». «امام شافعی رحمته الله به اسناد خود در کتاب عظیم «ام» حدیث مرسلی روایت نمود که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «طلب اجابت دعا نمایید موقعی که مجاهدین اسلام با دشمنان‌شان در جهاد فی سبیل الله به هم می‌رسند و موقع اقامه‌ی نماز فرض و موقع آمدن باران». امام شافعی رحمته الله فرمود: از بسیاری از علما روایت دارم طلب اجابت دعا موقع آمدن باران و موقع اقامه‌ی نماز فرض».

«باب ما یقوله إذا دخل الصلاة»

بابی است در بیان دعایی که موقع نماز بستن می‌گوید

امام نووی رحمته الله علیه فرمود: این بابی است بسیار وسیع و در آن احادیث بسیار در انواع متعدد آمده است و فرع‌های بسیاری از آن در کتب فقه آمده است، و من در اینجا اصول و مقاصد این باب را بدون ذکر دلایل آن می‌آورم برای این که این کتاب برای ذکر دلایل نیست، بلکه برای بیان مطالبی است که به آن عمل شود.

«باب تکبیرة الإحرام»

بابی است در بیان الله اکبر که با آن نماز را آغاز می‌کنیم

بدان که نماز صحیح نمی‌شود مگر به تکبیرة الإحرام، چه نماز فرض باشد و چه نماز سنت. و تکبیرة الإحرام نزد امام شافعی و بیشتر علما جزئی از نماز و رکنی از ارکان نماز است. و نزد امام ابوحنیفه شرطی از شروط نماز است و از خود نماز نیست. و بدان که لفظ تکبیر به الله اکبر یا الله اکبر حاصل می‌شود. نزد امام شافعی و امام ابوحنیفه و نزد امام مالک رحمهم الله به الله الأکبر بسته نمی‌شود. بنابراین احتیاط واجب، گفتن الله اکبر است، چنانچه بگوید: «الله العظیم یا الله المتعال اکبر یا الله أعظم یا الله أعلم یا الله أعزُّ»، نمازش به این کلمات و امثال آنها نزد امام شافعی و بیشتر علما بسته نمی‌شود. اما نزد ابوحنیفه رحمته الله به گفتن الله أعلم یا امثال آن نماز بسته می‌شود و نمازش صحیح است.

بدان که نه تکبیر و نه غیر آن صحیح نمی‌شود مگر موقعی که آن را بر زبان بیاورد، به طوری که خودش بنشود اگر عارضی نباشد که مانع از شنیدن شود. و اگر زبانش گنگ است و قراءت نمی‌تواند، زبان خود را حرکت دهد به قدر توانایی اش و نمازش صحیح می‌شود. و بدان که قول معتمد در مذهب این است که تکبیرة الإحرام مد داده نمی‌شود، بلکه سریع آن را می‌گوید، اما باقی تکبیرات نماز مد می‌دهد تا برسد به رکن بعدی آن. اگر تکبیرة الإحرام را مد داد نمازش باطل نمی‌شود، لکن فضیلت جماعت را از دست می‌دهد، و بدان که محل مد بعد از لام الله است.

(فصل) بدان که سنت این است که امام تکبیرات نماز را بلند بگوید تا مأموم آن را بشنود، و اگر نماز به تنهایی می خواند به قدری بلند بگوید که خودش آن را بشنود، اگر مأموم تکبیر را بلند گفت یا امام تکبیر را آهسته گفت خلل به نماز نمی رساند، و باید کوشید که تکبیرة الإحرام را درست بگوید، چنانکه در غیر محل مد، مد داد به طوری که اکبر را اکبار گفت، نمازش صحیح نمی شود.

(فصل) و بدان که نمازی که دو رکعت است در آن یازده تکبیر است و نماز سه رکعتی هفده تکبیر دارد و نماز چهار رکعتی بیست و دو تکبیر دارد. و بدان که همه ی این تکبیرات سنت است، اگر به عمد ترک آنها نمود یا به سهو، نمازش باطل نمی شود، مگر تکبیرة الإحرام که باید گفته شود و بدون آن نمازش بسته نمی گردد.

«باب ما یقوله بعد تکبیرة الإحرام» بابی است در بیان آنچه بعد از تکبیرة الإحرام می گوید

بدان که در دعای افتتاح نماز که بعد از تکبیرة الإحرام خوانده می شود، احادیث بسیاری آمده است که مجموع آن احادیث مقتضی است که این کلمات را بعد از این که تکبیرة الإحرام گفت، بر زبان آورد: «اللَّهُ أَكْبَرُ كَثِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا». «خدا بزرگتر است از همه چیز و همه بزرگی به او سزاوار است و بس، و حمد و ستایش برای خداست، حمد و ستایش بی شمار بامداد و پسین».

﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [۷۸]
[الأنعام: ۷۹]. ﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [۱۱۲] لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿۱۶۳﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳].

«روی خود و ذات وجودم را متوجه درگاه کسی ساختم که آسمان ها و زمین را آفرید و من به راه استقامت و راستی و دین اسلام هستم و من از مشرکان نیستم. یقیناً نمازم و عبادتم و زندگی و مرگم همه در راه طاعت خدایی است که پروردگار جهانیان است، شریکی ندارد و من به پیروی اسلام و توحید مأمور شده ام و از مسلمانانم».

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي، وَأَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، فَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا، وَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، وَاهْدِنِي لأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ، لَا

يَهْدِي لِأَحْسَنَهَا إِلَّا أَنْتَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا، لَا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ». «خدایا تو پادشاهی، نیست معبودی بحق مگر تو. تو پروردگارم هستی و من بندهات هستم، ستم به خود نمودم و اقرار کردم به گناهانم، پس بیامرز برایم همه‌ی گناهانم، برای این که نمی‌آمرزد گناهان را مگر تو. و برسان مرا به بهترین اخلاق که نمی‌رساند به بهترین اخلاق مگر تو. و دور بدار از من اخلاق بد را که دور نمی‌دارد از من اخلاق بد را مگر تو».

«أَبَيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، وَإِنَّا بِكَ وَالْإِيكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ». «من اجابت فرمانت می‌کنم باری بعد از بار دیگر و سعادت همه در اختیار توست و خیر و خوشی همه در دست توست و شر سوی تو راه ندارد، من از تو ام و به سوی تو می‌آیم، پر شد برکت و بالاتر آمد مرتبه‌ات از این که کسی آن را ادراک کند، از تو آمرزش می‌خواهم و رجوع می‌کنم به سوی درگاهت».

«اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ، كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ، كَمَا يُنَقِّي السَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنْ خَطَايَايَ بِالسَّلْجِ، وَالْمَاءِ، وَالْبَرْدِ». «خدایا دور بگردان میان من و گناهانم، چنانکه دور گردانیدی میان مشرق و مغرب، خدایا مرا پاک بساز از گناهانم، چنانکه جامه‌ی سفید به شستن پاک می‌شود از چرک و کثافت. خدایا بشوی مرا از گناهانم به برف و آب و تگرگ».

همه‌ی اینها که یاد شد در حدیث صحیح از رسول الله ﷺ ثابت شده است، و شخص می‌تواند همه‌ی اینها را در افتتاح نماز بخواند و می‌تواند هر وقتی قسمتی از آنها را بخواند.

و در حدیث به روایت عایشه رضی الله عنها آمده است: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ قَالَ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ». رواه الترمذي وأبو داود وابن ماجه بأسانيد ضعيفة. «رسول الله ﷺ موقعی که بعد از تکبیرة الإحرام نماز را افتتاح می‌نمود می‌فرمود: «تنزیه می‌گویم ای خدا که تو پاکی از هر عیب و نقص و من به حمد و ستایش مشغولم، پر شد برکت نام مقدست و برتر آمد عظمت و نیست معبودی بحق مگر تو». و این حدیث از رسول الله ﷺ به ثبوت نرسیده و به گفته‌ی بیهقی به روایت از عمر رضی الله عنه از گفته‌ی او به ثبوت رسیده است.

و کلمه‌ی: «وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ». مذهب اهل حق از محدثین و فقها و متکلمین از صحابه و تابعین و بعدشان از علمای مسلمین این است که خیر آنها و شر آنها و نفع آنها و ضرر آنها همه از خداست و به اراده و تقدیر اوست. بنابراین، به تأویل این حدیث پرداخته‌اند، نصر بن شمیل گفته است که معنی

«وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ». این است که نمی‌توان با شر به درگاهت تقرب جست و شر انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند، و دوم این که شر به درگاهت راه ندارد: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ». خوبی‌ها به درگاه او بالا می‌رود، اما شر به درگاهش راه ندارد. سوم این که نسبت شر از جهت ادب به خداوند داده نمی‌شود و گفته نمی‌شود یا خالق الشر و گفته نمی‌شود یا خالق الخنازیر اگرچه مخلوق او هستند. چهارم این که شر به نسبت حکمت شر نیست، مثل ابلیس که خلقت شده تا ناشایسته‌ها را به آن لعین نسبت دهند. والله أعلم وصلي الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

(فصل) آنچه از افتتاحیه نماز یاد شد از دعا و توحید جمع بین آنها برای کسی که به تنهایی نماز می‌خواند مستحب است، و برای امام در صورتی مستحب است که همه‌ی جماعت راضی باشند به طولانی شدن نماز، اما اگر راضی نبودند، نمی‌تواند طول بدهد و باید بعضی از آنها را بخواند و خوب است اکتفا کردن بر: «وَجْهَتْ وَجْهِي... تا وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ». و این دعای افتتاح در نماز فرض و سنت هر دو مستحب است، اگر در آغاز رکعت اول بخواند در رکعات بعدی نمی‌خواند، برای این که محل آن آغاز رکعت اولی است، اگر دعای افتتاح بخواند و شروع به أعوذ بالله و قراءت فاتحه نمود دعای افتتاح نمی‌خواند و اگر خواند مکروه است و نمازش باطل نمی‌شود. اگر به نماز جماعت در رکوع یا اعتدال یا سجود یا تشهد رسید دعای افتتاح بخواند، و شخص مسبوق در قیام می‌تواند دعای افتتاح را بخواند به شرط آن که به خواندن فاتحه برسد و چنانچه بداند که اگر دعای افتتاح را بخواند امام به رکوع می‌رود و به فاتحه نمی‌رسد آن را بخواند، خواندن دعای افتتاح در تمام نمازها سنت است و اگر بخواند سجود سهو ندارد، فقط در نماز جنازه دعای افتتاح سنت نیست، برای این که مبنای نماز جنازه بر تخفیف است. والله أعلم. و دعای افتتاح آهسته خوانده می‌شود.

«باب التعوذ بعد دعاء الاستفتاح»

بابی است در بیان أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بعد از

دعای افتتاح

بدان که بعد از خواندن دعای افتتاح، سنت است أعوذ بالله من الشیطان الرجیم را گفتن، و این أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن سنت است نزد جمهور علما. بنابراین، قول خداوند متعال:

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ [النحل: ۹۸].

معنای آن نزد جمهور علما: «إِذَا أَرَدْتَ الْقِرَاءَةَ فَاسْتَعِذْ» «وقتی که قصد قرائت قرآن نمودی به خدا پناه ببر از شر شیطان لعنت شده».

«وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَابْنِ مَاجَهٍ وَغَيْرِهَا: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ مِنْ نَفْخِهِ وَنَفْثِهِ وَهَمْزِهِ». «رسول الله ﷺ قبل از خواندن سوره‌ی فاتحه فرمود: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، پناه می‌برم به خدا از شر شیطان لعنت شده، از شر جنون آوردنش و تکبر آوردنش و شعر نامناسب بر زبان آوردنش». نفخه: جنون آوردنش. نفثه: تکبر آوردنش. همزه: شعر نامناسب آوردنش.

(فصل) بدان که گفتن أعوذ بالله تا آخر مستحب است و واجب نیست؛ اگر نگفت گنهکار نمی‌شود و نمازش باطل نمی‌شود و سجود سهو نمی‌خواهد. اعوذ بالله گفتن در همه‌ی نمازها مستحب است، حتی در نماز جنازه هم گفتنش مستحب است، و سنت بودن أعوذ بالله من الشیطان الرجیم قبل از قرائت قرآن در نماز و در خارج از نماز به اجماع علما ثابت است.

(فصل) أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن در رکعت اولی به اتفاق علما مستحب است، و همچنین در رکعات باقی مستحب است، اگر در رکعت اولی أعوذ بالله نگفت در رکعت بعدی بگوید. بنابراین، أعوذ بالله تا آخر در همه رکعت‌های نماز مستحب است، و در رکعت اولی مؤکدتر است، و أعوذ بالله من الشیطان الرجیم آهسته بگوید و اگرچه نماز جهریه باشد. ابوهریره رضی الله عنه أعوذ بالله را بلند می‌خواند. و ابن عمر رضی الله عنهما أعوذ بالله را آهسته می‌خواند و معتمد همین است.

«باب القراءة بعد التعوذ»

بابی است در بیان خواندن سوره‌ی فاتحه بعد از گفتن أعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بدان که قرائت در نماز واجب است به اجماع و دلایل آن بسیار است، و مذهب ما و جمهور علما این است که قرائت سوره‌ی فاتحه در نماز واجب است و چیزی جز آن جایش را نمی‌گیرد، اگر توانایی بر قرائت فاتحه داشته باشد، به دلیل حدیث صحیح:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: لَا تُجْزِيءُ صَلَاةٌ لَا يُقْرَأُ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ». رواه ابن خزيمة

و ابن حبان في صحيحيهما بالإسناد الصحيح وحكما بصحته. «کفایت نمی‌کند نمازی که در آن

سورهی فاتحه خوانده نشود».

وفي الصحيحين «عن رسول الله ﷺ: لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب». در صحيح بخاری و مسلم است که رسول الله ﷺ فرمود: «نماز صحيح نمی شود مگر به خواندن سورهی فاتحه در آن».

و واجب است خواندن بسم الله الرحمن الرحيم و آن آیهی کاملی است در اول سورهی فاتحه. و واجب است رعایت تشدیدهای فاتحه و آن چهارده تشدید است، سه تا در بسم الله الرحمن الرحيم و باقی در بقیه‌ی سوره که اگر تشدید را رعایت نکند نمازش صحيح نمی شود و باید آیه‌های سورهی فاتحه را به ترتیب بخواند و معذور دانسته می شود، در سکوت کردن در اثنای فاتحه که به قدر نفس کشیدن باشد، و به ترتیب و موالات خواندن آیه‌های سوره فاتحه واجب است، اگر مأموم در اثنای قراءت فاتحه بود که امام به سجود تلاوت رفت و مأموم هم با امام به سجود تلاوت رفت، بعد که از سجود تلاوت فارغ شد فاتحه را تکمیل نماید و فاصله‌ای که در میان آمده اشکالی ندارد.

(فصل) اگر در قراءت لحن آمد، چنانکه لحنی است که معنی را تغییر می دهد آن لحن مبطل نماز است، مثلاً می گوید: «صراط الَّذِينَ أُنْعِمْتُ عَلَيْهِمْ بضم» تاء یا بکسر تاء، این لحن نماز را باطل می کند و همچنین: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» به کسر کاف نماز را باطل می کند.

اما اگر لحنی است که معنی را تغییر نمی دهد، مثل: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بضم باء رب یا «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» به کسر نون که معنی را تغییر نمی دهد، نماز را باطل نمی کند و اگر به جای «وَلَا الضَّالِّينَ» گفت: «وَلَا الظَّالِمِينَ» نمازش باطل می شود، مگر در صورتی که زبانش تلفظ صحيح ضاد نمی تواند که قراءتش برای خودش صحيح است، اما حق امامت ندارد.

(فصل) اگر کسی فاتحه را نمی داند از آیات دیگر قرآن به قدر سورهی فاتحه بخواند، و یادگرفتن خواندن صحيح سورهی فاتحه بر او واجب است، و اگر از قرآن چیزی نمی داند از اذکار، مثل تسبیح و تهلیل به قدر آیات فاتحه بخواند و یادگرفتن قراءت فاتحه بر او واجب است و نمی تواند فاتحه را به عجمی بخواند و باید به جای فاتحه از آیات دیگر و در صورت عجز از آیات دیگر از اذکار به قدر فاتحه بخواند و یادگرفتن سورهی فاتحه بر او واجب است و اگر می توانسته است فاتحه را بیاموزد و نیاموخته است، وقتی که فاتحه را آموخت نمازهایی که بدون فاتحه خوانده است اعاده می نماید. کسی که گنگ است اگر زبان را حرکت بدهد برای او کافی است، علی کل حال نماز را باید خواند.

(فصل) بعد از فاتحه سنت است خواندن سوره‌ای یا بعضی از سوره و این خواندن سوره بعد از فاتحه سنت است، اگر نخواند نمازش صحیح است و سجود سهو نمی‌خواهد، و خواندن یک سوره‌ی کوچک بهتر است از خواندن چند آیه به قدر سوره‌ی کوچک. بعد از فاتحه در همه‌ی نمازهای فرض و سنت سوره خوانده می‌شود، اما در نماز جنازه خواندن سوره بعد از فاتحه سنت نیست، برای این بنای نماز جنازه بر تخفیف است، و سوره‌های قرآن باید به ترتیبی که در قرآن است خوانده شود نه این که سوره‌ی بعد، قبل خوانده شود و سوره‌ی قبل، بعد خوانده شود. و سنت است در نماز صبح و ظهر خواندن طوال مفصل که از سوره‌ی حجرات تا عمّ می‌باشد و در نماز عصر و عشاء، اوساط مفصل که از عمّ تا والضحی می‌باشد. و در نماز مغرب قصار مفصل که از والضحی تا آخر قرآن است. و سنت است در نماز صبح و روز جمعه خواندن سوره‌ی سجده و انسان. و در نماز جمعه، سوره‌ی جمعه و منافقین و یا اعلی و غاشیه. و در نماز عید و نماز استسقاء سوره‌ی ق و قمر و یا اعلی و غاشیه و در نماز مغرب شب جمعه، کافرون و إخلاص. و در نماز وتر در رکعت اولی اعلی و رکعت دومی کافرون و در رکت سومی إخلاص و فلق و ناس سنت است، و همه‌ی این سوره‌ها کامل خواندن آنها سنت است، نه خواندن بعضی از آنها. و در دو رکعت قبله‌ی نماز صبح در رکعت اولی آیه‌ی: ﴿قُولُوا ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا...﴾ [البقرة: ۱۳۶]. و در رکعت دومی آیه‌ی: ﴿قُلْ يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ تَعَالَوْا۟ اِلٰی کَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنِنَا وَبَيْنَکُمْ...﴾ [آل عمران: ۶۴]. و یا سوره‌ی کافرون در رکعت اولی و سوره‌ی إخلاص در رکعت دومی سنت است، و بعضی گفته‌اند: در رکعت اولی سوره‌ی شرح و در دومی سوره‌ی فیل. والله أعلم.

(فصل) اگر سوره‌ی جمعه در رکعت اولی نماز فراموش کرد سوره‌ی جمعه و منافقین هردو را در رکعت دوم بخواند، و همچنین در نماز عید و نماز وتر و غیره. و اگر در رکعت اولی نماز جمعه سوره‌ی منافقون خواند در رکعت دوم سوره‌ی جمعه بخواند و سوره‌ی منافقون تکرار نکند. دلایل همه‌ی اینها را امام نووی رحمته الله علیه در کتاب مجموع شرح مذهب آورده است.

(فصل) در صحیح بخاری و مسلم ثابت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رکعت اولی را طولانی‌تر از رکعت دوم می‌خوانده‌اند، و سنت همین است که رکعت اولی طولانی‌تر از رکعت دومی باشد.

(فصل) اجماع علما بر این است که دو رکعت نماز صبح و دو رکعت اولی نماز مغرب و عشا و دو رکعت نماز جمعه و نماز عیدین و نماز تراویح و نماز استسقاء و نماز خسوف ماه همه‌ی اینها به جهر خوانده می‌شود، و نماز ظهر و عصر و دو رکعت آخری نماز عشا و یک رکعت آخری نماز

مغرب و نماز کسوف آفتاب همه‌ی اینها آهسته خوانده می‌شود، و در نمازی که آهسته خوانده می‌شود حتماً باید خودش خواندن آن را بشنود، و اگر نماز روز در شب قضا نمود و نماز شب در روز قضا کرد معتبر در آن، وقت قضای آن است. و نماز سنت شب، مثل تهجد میان جهر و اسرار (نه بلند و نه آهسته) خوانده می‌شود.

(فصل) علمای مذهب ما گفته اند که برای امام در نماز چهار سکوت مستحب است: میان تکبیرة الإحرام و دعای استفتاح، و میان فاتحه و سوره، و میان آخر فاتحه و گفتن آمین. بعد از آمین امام سکوت طولانی می‌کند تا ماموم فاتحه را کاملاً بخواند، و میان سوره و رکوع.

(فصل) وقتی که از قراءت فاتحه فارغ شد، سنت است بگوید: آمین. و این آمین گفتن بعد از قراءت فاتحه چه در نماز و چه بیرون از نماز سنت است، در آمین چهار لغت است: آمین. آمین. آمین به اماله‌ی میم. آمین به تشدید میم، و بهتر همان آمین است. و آمین گفتن بعد از پایان فاتحه برای امام و منفرد و ماموم مستحب است، و مستحب است که آمین گفتن ماموم همراه آمین گفتن امام باشد، و این تنها محلی است که امام و ماموم باهم آمین می‌گویند و در غیر آن همیشه باید اقوال و افعال ماموم بعد از امام باشد.

(فصل) سنت است برای هرکسی که قرآن می‌خواند وقتی به آیه‌ی رحمت رسید، مثل: ﴿رَحْمَتُ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [الأعراف: ۵۶]. بگوید: «اللَّهُمَّ اسْأَلْكَ رَحْمَتَكَ». و هرگاه به آیه‌ی عذاب رسید، مثل: ﴿إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا﴾ [النساء: ۱۰۲]. بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ». و وقتی که خواند: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ﴾ [التین: ۸]. بگوید: «بَلَىٰ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ». و وقتی که خواند: ﴿أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَن يُجِئِيَ الْمَوْتَىٰ﴾ [القیامة: ۴۰]. بگوید: «بَلَىٰ أَشْهَدُ». و وقتی که خواند: ﴿فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ﴾ بگوید: «أَمَنَّا بِاللَّهِ». و وقتی که خواند: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنِ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾ [الملک: ۳۰]. بگوید: «اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ». و وقتی که خواند: ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَىٰ﴾ [الأعلى: ۱]. بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَىٰ». و بر این قیاس.

«باب أذکار الركوع»

بابی است در بیان أذکار رکوع

احادیث صحیح بسیاری به ثبوت رسیده‌اند که رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم برای رفتن رکوع می‌فرمود: الله اکبر و آن را تا رسیدن به رکوع طول می‌داد، این تکبیر رکوع و دیگر تکبیرهای نماز همه سنت هستند، اگر ترک نمود مرتکب مکروه تنزیهی شده است، نه نمازش باطل می‌شود و نه سجود سهو می‌خواهد. فقط تکبیره الإحرام فرض است و بدون آن نماز منعقد نمی‌گردد، و از امام احمد رحمته الله روایتی است که تکبیرات نماز همه واجب هستند.

(فصل) وقتی که به حد رکوع رسید، سنت است که بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ». سه بار. اما خود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بعضی اوقات در نماز شب به اندازه‌ی خواندن سوره‌ی بقره و آل عمران و نساء «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ». را تکرار می‌فرموده‌اند، چنانکه در صحیح مسلم به روایت حذیفه بن الیمان رضی الله عنه و نیز در سنن ابوداود و غیره آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«إِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، ثَلَاثًا فَقَدْ تَمَّ رُكُوعُهُ». «وقتی یکی از شما در رکوع سه بار گفت: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ رکوعش کامل شده است».

«وُثِبَتْ فِي الصَّحِيحِينَ عَنْ عَائِشَةَ رضی الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم كَانَ يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در رکوع و سجودش می‌فرمود: خدایا تنزیه می‌گویم و به حمد تو مشغولم، خدایا ای پروردگار ما بیامرزمرا».

«وُثِبَتْ فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ رضی الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم كَانَ إِذَا رَكَعَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَمَخِي وَعَظْمِي وَعَصَنِي». «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم موقعی که به رکوع می‌رفت می‌فرمود: «خدایا برای تو رکوع نمودم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، به خشوع و طاعت تو آمد شنوایی ام و بینایی ام و مغزم و استخوانم و اعصابم».

وجاء في كتب السنن: «خَشَعَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَمَخِي وَعَظْمِي وَمَا اسْتَفَلَّتْ بِهِ قَدَمِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در رکوع می‌فرمود: «خدایا برای تو رکوع کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، به فروتنی و طاعت آمد شنوایی ام و بینایی ام و مغزم و استخوانم و آنچه پایم آن را حمل می‌کند به طاعت آمد برای خدایی که پروردگار جهانیان است».

«وَرَوَيْنَا عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: قُتِمْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم لَيْلَةً، فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ، لَا يَمُرُّ بِآيَةٍ رَحْمَةٍ إِلَّا وَقَفَ وَسَأَلَ، وَلَا يَمُرُّ بِآيَةٍ عَذَابٍ إِلَّا وَقَفَ وَتَعَوَّدَ، قَالَ: ثُمَّ رَكَعَ بِقَدْرِ قِيَامِهِ، يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ: سُبْحَانَ ذِي الْجَبُرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكَبرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ! ثُمَّ قَالَ فِي سُجُودِهِ مِثْلَ ذَلِكَ». هذا صحيح، رواه أبو داود والنسائي في سننهما والترمذي في كتاب الشرائع بأسانيد صحيحة. «عوف بن مالك گفت: شبی با رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم به نماز ایستادم، آنگاه سوره ی بقره را خواند، به هر آیهی رحمتی که می رسید می ایستاد و طلب رحمت می نمود و به هر آیهی عذابی که می رسید می ایستاد و پناه می برد بر خدا از عذاب او. آنگاه به رکوع رفت و آن را طولانی کرد به قدر قیام که سوره ی بقره در آن خوانده بود و در رکوع می فرمود: «منزه و پاک است خدایی که اجبار همه ی کاینات در دست اوست». مُلک و ملکوت برای اوست، پادشاهی جهان و فرمانروایی معنوی بر همه ی جهانیان و کبریا و بزرگی همه برای اوست، سپس در سجودش نیز همانند آن را می خواند».

«وُثِّبَتْ فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَائِشَةَ رضی اللہ عنہا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم كَانَ يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ».

«رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم در رکوع و سجود می فرمود: «پروردگار فرشتگان و جبرئیل بسیار پاک و منزه و مقدس است». سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ بضم اول، و بفتح اول سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ هردو آمده است و مشهورتر به ضم اول است.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضی اللہ عنہما قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم: فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعِظَّمُوا فِيهِ الرَّبَّ». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: اما رکوع: در آن تعظیم پروردگار به جا آورید». بنابراین، هر لفظی که تعظیم پروردگار در آن باشد کافی است، و بهتر است جمع نمودن میان این اذکار، اگر جمع نمی نماید هر وقتی قسمتی از این اذکار را در رکوع بخواند، و اگر بخواهد کمترین حد کمال را به جا آورد سه بار «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» کافی است، و این اذکار رکوع همه سنت است و واجب نیست، اگر تسبیح رکوع را به جا نیاورد، نماز صحیح است و سجود سهو نمی خواهد. و امام احمد و جماعتی گفته اند: تسبیح رکوع واجب است. بنابراین، رعایت اقوال علما و ترک نکردن تسبیح بهتر است.

(فصل) مکروه است قراءت قرآن در رکوع و سجود، و بعضی از علمای مذهب ما گفته اند: قراءت قرآن در رکوع و سجود مبطل نماز است.

«رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ رضی اللہ عنہ قَالَ: نَهَانِي رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم أَنْ أَقْرَأَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا». «علی رضی اللہ عنہ فرمود: «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم مرا منع فرمود از خواندن قرآن در رکوع و سجود».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضًا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: أَلَا وَإِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا». «رسول الله ﷺ فرمود: «آگاه باشید که منع شده ام از خواندن قرآن در رکوع و سجود».

«باب ما يقوله في رفع رأسه من الركوع وفي اعتداله» بابی است در بیان آنچه در حال سر بالا آوردن از رکوع و در حال اعتدال می گوید

سنت این است که موقع بالا آوردن سر از رکوع بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». «خدا ستایش کسی که او را ستایش گفت شنید». اگر بگوید: «مَنْ حَمِدَ اللَّهَ سَمِعَ اللَّهُ لَهُ». «کسی که ستایش خدا را به جا آورد، خدا می شنود ستایش او را». هم جایز است. چنانکه امام شافعی در کتاب گرانقدر «أم» تصریح به جواز آن نموده است، وقتی که به اعتدال آمد و راست ایستاد، می گوید: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ». «ای پروردگار ما و برای تو است ستایش».

«رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ». و «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ». بدون واو و با واو هر دو روایت شده است و هر دو خوب است، موقع سر بالا آوردن از رکوع می گوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». وقتی که راست ایستاد، می گوید: «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، مِلءَ السَّمَاوَاتِ، وَمِلءَ الْأَرْضِ، وَمِلءَ مَا بَيْنَهُمَا وَمِلءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ، أَهْلَ الثَّنَاءِ وَالْمَجْدِ، أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ، وَكُنَّا لَكَ عَبْدًا، لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». «ای پروردگار ما برای تو ستایش، ستایش بسیار، ستایش پاک، ستایش پربرکت، ستایشی به پری آسمان ها و پری زمین ها و پر میان آن دو و پری آنچه بخواهی بعد از آنها. ای شایسته ی سپاس و عظمت. شایسته تر از گفتار بندگان، و ما همه بنده ی تو هستیم، نیست منع کننده ای از آنچه تو عطا فرمایی، و نیست دهنده ای از آنچه تو منع فرمایی. و بی نیاز، توانگر را به جای تو سود نمی دهد».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ الزُّرَقِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كُنَّا يَوْمًا نُصَلِّي وَرَاءَ النَّبِيِّ ﷺ فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرَّكْعَةِ قَالَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ. قَالَ رَجُلٌ وَرَاءَهُ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ مِنَ الْمُتَكَلِّمِ! قَالَ أَنَا. قَالَ رَأَيْتُ بِضْعَةَ وَثَلَاثِينَ

مَلَكًا يَبْتَدِرُونَهَا، أَيُّهُمْ يَكْتُبُهَا أَوَّلُ». «رفاعه عليه السلام گفت: روزی پشت سر رسول الله صلی الله علیه و آله نماز می خواندم وقتی که رسول الله صلی الله علیه و آله سر از رکوع بالا آورد فرمود: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ». مردی که پشت سر رسول الله صلی الله علیه و آله بود، گفت: «حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ». وقتی که رسول الله صلی الله علیه و آله سلام نماز گفت: فرمود: «چه کسی این کلمات را گفت؟» آن مرد گفت: من گفتم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «سی و چند ملائکه را دیدم که شتاب می کردند به سوی آن تا ببینند کدام یک زودتر آن را می نویسد».

(فصل) بدان که مستحب است جمع نمودن بین این اذکار اعتدال که یاد شد، اگر بخواهد اکتفا نماید به بعضی از آن اذکار، پس اکتفا کند به «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ مِلْءَ السَّمَاوَاتِ، وَمِلْءَ الْأَرْضِ، وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ». اگر می خواهد بیش از حد مختصر نماید، اکتفا کند به «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» که از این مختصرتر نیست، همه‌ی این اذکار برای امام و مأموم و منفرد مستحب است، جز این که امام همه‌ی آنها را جمع نمی کند، مگر در صورتی که بداند همه‌ی مأمومین به طولانی شدن نماز راضی هستند، و قراءت قرآن در اعتدال مکروه است، همانگونه که قراءت قرآن در رکوع و سجود مکروه است. والله أعلم.

«باب أذکار السجود»

بابی است در بیان اذکار سجود

وقتی که از اذکار اعتدال فارغ شد، الله اکبر می گوید برای رفتن به سجود، و این الله اکبر را می کشد تا پیشانیش را برای سجود بر زمین نهد، و گفتیم که این تکبیر رفتن به سجود مثل همه‌ی تکبیرهای نماز سنت است، اگر نگوید نمازش باطل نمی شود و سجود سهو نمی خواهد، وقتی که به سجود رفت اذکار سجود را به جا می آورد، و اذکار سجود بسیار است، از آن جمله است:

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبَخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ عَائِشَةَ رضی الله عنها قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله يُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». «عائشه رضی الله عنها می گوید که رسول الله صلی الله علیه و آله در رکوع و سجود نماز بسیار می فرمود: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». تنزیه تو می گویم خدایا، ای پروردگار ما و به ستایش تو مشغولم، خدایا بیامرزمرا».

و پیشتر در باب رکوع یاد کردیم که رسول الله صلی الله علیه و آله در رکوع و سجودش می فرمود: «سُبُوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ». رواه مسلم.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضاً عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا سَجَدَ قَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». «رسول الله ﷺ وقتی که به سجود می‌رفت می‌فرمود: «خدایا برای تو سجود کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، روی من سجود کرد برای خدایی که او را آفرید و صورت‌بندی اش فرمود و شکافت شنوایی اش و بینایی اش را. پربرکت است خیر خدایی که بهترین آفرینندگان است».

در فصل رکوع حدیثی آوردیم از اصحاب السنن به روایت از عوف بن مالک رضی الله عنه که رسول الله ﷺ در رکوع طولانی خود می‌فرمود: «سُبْحَانَ ذِي الْجَبُرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ». و در کتاب‌های سنن آورده اند که رسول الله ﷺ موقعی که سجود می‌کرد می‌فرمود: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى». سه بار. و در روایت ابن حبان: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ». سه بار. و در صحیح مسلم به روایت از عایشه که شبی به جستجوی رسول الله ﷺ برخاستم، دیدم در مسجد در حال سجود است و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخِطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ». «خدایا پناه می‌برم به خشنودی‌ات از خشم و به عافیت از عقوبت، و پناه می‌برم به تو از عذاب تو، نمی‌توانم ثنای تو را بشمارم، تو آنچنان هستی که خودت ثنای خودت فرمودی».

و در صحیح مسلم به روایت از ابن عباس رضی الله عنه: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعُظِّمُوا فِيهِ الرَّبَّ ﷻ وَأَمَّا السُّجُودُ فَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ فَقَمِنٌ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ». «رسول الله ﷺ فرمود: اما رکوع شما تعظیم خدا را در آن به جا آورید، و اما سجود کوشش کنید در دعا کردن که شایسته است که دعایان در سجود مستجاب شود». بنابراین، در سجود بسیار دعا کنید.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ». «رسول الله ﷺ فرمود: نزدیکترین حالت بنده به پروردگار موقعی است که در سجود است. بنابراین، در سجود بسیار دعا کنید».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَنَّ أَبِي هُرَيْرَةَ أَيْضاً أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ فِي سَجُودِهِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ دَفْعَهُ وَجَلَّهُ وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلَانِيَتَهُ وَسِرَّهُ». «رسول الله ﷺ در سجودش می‌فرمود:

«خدایا بیامرز گناهانم همه‌اش، اندک و بسیار آن و اول و آخر آن و آشکار و نهانی آن» کسی که می‌تواند همه‌ی این اذکار را در سجود بخواند و کسی که نمی‌تواند آنها را در اوقات متعدد بخواند. والله أعلم».

(فصل) علما اختلاف دارند که طول دادن به قیام نماز بهتر است یا بسیاری رکوع و سجود بهتر است. امام شافعی فرموده است که طول دادن به قیام بهتر است، برای این که در قیام نماز، خواندن قرآن است و در رکوع و سجود، تسبیح و تهلیل است و قراءت قرآن از تسبیح و تهلیل بهتر است و دلیل‌شان حدیث صحیح مسلم است که رسول الله ﷺ فرمود: «أَفْضَلُ الصَّلَاةِ طُولُ الْقُنُوتِ». یعنی «بهترین رکنی که در نماز طول داده می‌شود، قیام در نماز است». و معنی طول القنوت: طول القیام است، و بعضی از علما گفته‌اند: بسیاری سجود و رکوع بهتر است، برای این که رسول الله ﷺ فرمود: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ». «نزدیکترین حالت بنده به پروردگارش موقعی است که سر به سجود نهاده است». و امام اسحاق بن راهویه فرمود: در شب طولانی بودن قیام بهتر است و در روز بسیاری رکوع و سجود بهتر است، برای این که نمازهایی که رسول الله ﷺ در شب می‌خواند، روایات دال بر طولانی بودن قیام آن آمده است، و نمازهایی که در روز خوانده اند ذکری از طولانی بودن آن نیامده است.

(فصل) وقتی که به سجود تلاوت می‌رود، بگوید آنچه را که در سجود نماز یاد شد، و مستحب است که در سجود تلاوت بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا وَأَعْظُمْ لِي بِهَا أَجْرًا وَضَعْ عَنِّي بِهَا وَزْرًا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَهَا مِنْ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ». «خدایا این سجود تلاوت را برایم نزد خودت ذخیره‌ای قرار ده و با آن ثوابی برایم بزرگ گردان و با آن از من بینداز گناهی و این سجود را از من قبول فرما، چنانکه از بنده‌ات داود علیه السلام پذیرفتی». و مستحب است در سجود تلاوت بگوئیم: ﴿سُبْحَنَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا﴾ [الإسراء: ۱۰۸]. «منزه است پروردگار ما و به حقیقت وعده‌ی پروردگار ما انجام گرفته است».

«وَرَوَيْنَا فِي السَّنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِي وَالنَّسَائِي عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الْقُرْآنِ: سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ بِحَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ. قَالَ التِّرْمِذِي حَدِيثٌ صَحِيحٌ زَادَ الْحَاكِمُ: فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ! قَالَ هَذِهِ الزِّيَادَةُ صَحِيحَةٌ عَلَى شَرِّطِ الشَّيْخَيْنِ وَأَمَّا قَوْلُهُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا إِلَى آخِرِهِ». فرواه الترمذی مرفوعاً من رواية ابن عباس رضی الله عنهما بإسناد حسن. وقال الحاكم: حديث صحيح.

«باب ما يقول في رفع رأسه من السجود وفي الجلوس بين

السجدين»

بابی است در بیان آنچه وقتی که سر از سجود اول برداشت و

آنچه در نشستن میان دو سجود می‌گوید

سنت این است که سر را که از سجود اول بلند کرد، بگوید: «الله اکبر» و تکبیر را بکشد تا این که راست بنشیند و میان دو سجود بگوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي». چنانکه در حدیث حذیفه به روایت ابی داود و ترمذی و نسائی و بیهقی و غیره در آن حدیث طولانی آمده است: «وكان يقول بين السجدين: رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي». و در روایت بیهقی از ابن عباس رضی الله عنهما: «وكان إذا رفع رأسه من السجدة قال: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَأَجْبُرْنِي وَارْقَعْنِي وَارْزُقْنِي وَأَهْدِنِي!». و فی روایت ابی داود و عافینی: «وإسناده حسن. والله أعلم».

(فصل) وقتی که سجود دومی نمود در آن همان بگوید که در سجود اولی گفتیم، وقتی که سر از سجود دوم بالا آورد تا به رکعت دوم آید پیش از بلندشدن یک نشستن کوتاهی به عنوان جلسه‌ی استراحت داشته باشد که در آن از حرکت آرام گیرد و سپس بلند بشود برای رکعت دوم، و در این هنگام الله اکبرگفتن را بکشد تا این که راست بایستد. یک تکبیر از سر برآوردن از سجود تا راست ایستادن کفایت می‌کند. و جلسة الاستراحة (نشستن برای استراحت) سنت است و در صحیح بخاری به ثبوت رسیده و آن بعد از هر رکعتی است که از آن برای رکعت بعدی بلند می‌شود، مثل بعد از رکعت اولی و بعد از رکعت سومی، اما بعد از رکعت دومی و بعد از رکعت چهارمی که برای تشهد می‌نشیند، و بعد از سجود تلاوت در نماز، جلسه‌ی استراحت نیست.

«باب أذکار الركعة الثانية»

بابی است در بیان اذکار رکعت دوم

رکعت دومی مانند رکعت اولی است، در گفتن اذکاری که در رکعت اولی یاد شد و نیز در خواندن فاتحه و در خواندن سوره‌ی بعد از فاتحه، جز این که در این چند چیز رکعت دومی با رکعت اولی فرقی دارد: در رکعت اولی تکبیر الاحرام است که فرض می‌باشد، و در رکعت دومی تکبیر القیام

است که از رکعت اولی برمی خیزد و به رکعت دومی می آید، و این تکبیر سنت است. دوم این که در رکعت اولی بعد از تکبیرة الاحرام دعای افتتاح می خواند و در رکعت دوم دعای افتتاح نیست. سوم این که در رکعت اولی أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بدون اختلاف نظر سنت است و در رکعت دومی در أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن اختلاف نظر است، و لیکن بنابر قول معتمد گفتن أعوذ بالله من الشیطان الرجیم در رکعت دومی نیز است. چهارم این که قراءت سوره در رکعت دومی کمتر از قراءت در رکعت اولی است که در رکعت اولی سوره طولانی تر از سوره در رکعت دومی است.

«باب القنوت فی الصبح»

بابی است در بیان خواندن قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح

بدان که قنوت در نماز صبح سنت است به دلیل حدیث صحیح در خصوص قنوت در نماز صبح. «روی الحاکم أبو عبد الله فی کتاب الأربعین عن أنس رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ لَمْ يَزَلْ يَقْنُتُ فِي الصُّبْحِ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا». قال الحاکم: حدیث صحیح.

«أنس رضی الله عنه که خدمتکار رسول الله ﷺ بود روایت می کند که همیشه رسول الله ﷺ در نماز صبح قنوت می خواند تا از دنیا رحلت فرمود». حاکم می گوید: حدیث صحیح است و امام نووی که اکبر حفاظ عصر خود است می گوید: حدیث صحیح است. و علمای مذهب شافعی که نود در صد علمای حدیث از ایشان است آن را قبول کرده اند، اکنون در زمان ما بعضی از روی بی دانی آن را قبول نمی کنند.

حاصل این که در مذهب شافعی قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح در همه ایام سال است، و در نیمه دوم ماه رمضان در نماز وتر از شب شانزدهم به بعد است، چنانکه حدیث صحیح آن در طبرانی آمده است، باید دانست که دو مذهب از چهار مذهب اهل سنت قنوت را در نماز صبح در همه ایام سال دانسته اند، امام مالک قنوت را در رکعت دوم نماز صبح قبل از رکوع می داند و امام شافعی بعد از رکوع. و دو مذهب دیگر قنوت را در همه ایام سال در نماز وتر دانسته اند: امام ابوحنیفه در رکعت سوم وتر قبل از رکوع و امام احمد بعد از رکوع. قنوت در نزد امام شافعی و امام احمد به آواز بلند خوانده می شود، و نزد امام مالک و امام ابوحنیفه آهسته خوانده می شود، قنوت نزد امام شافعی و امام احمد عبارت است از:

«اللَّهُمَّ أَهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ، وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ». تا اینجا دست و باقی ثناء است و عبارت است از:

«فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ، إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ». و به روایتی در ادامه‌ی آن می‌گوید: «فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا قَضَيْتَ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَنْعَمْتَ بِهِ وَأَوْلَيْتَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ وَنُتُوبُ إِلَيْكَ، وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ».

قنوت نزد امام ابوحنیفه و امام مالک عبارت است از: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَنَسْتَهِدُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُتُوبُ إِلَيْكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْحَمْدَ كُلَّهُ نَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتَرَكُ مَنْ يَفْجُرُكَ اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْفِدُ نَرْجُو رَحْمَتَكَ وَنَخْشَى عَذَابَكَ إِنَّ عَذَابَكَ الْجِدِّ بِالْكَفَّارِ مُلْحِقٌ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ».

تفسیر قنوت شافعی و نابله: «اللَّهُمَّ أَهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ». خدایا مرا به مطلب برسان در جمله کسانی که آنان را به مطلب رساندی، مطلب مؤمن رضای خدا و پیروی از رسول خدا و عافیت خیر در دنیا و آخرت است و غیره. «وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ». و مرا عافیت و تندرستی و دوری از ناملایمات عطا فرما در جمله کسانی که ایشان را عافیت دادی و از ناملایمات نگه داشتی. ناملایمات: بیماری خطرناک. از دست دادن عزیزان، شتمات دشمنان، شرمساری در روی مردمان و غیره. «وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ». و کارهایم را به خودت واگذار در جمله کسانی که کارشان را به خودت واگذاشتی، مثل پیغمبران و صدیقان و صالحان، تا بتوانند وظیفه‌ی خود را انجام دهند و از شر دشمنان نگه داشته شوند و پیروزی بر دشمنان و عاقبت خیر همیشه همراهشان باشد. «وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ». و برکت قرار بده در آنچه به من عطا فرمایی. برکت در رزق: یافتن آن از راه حلال. محفوظ ماندن از زوال روزی برای بهره‌مندی از آن در دنیا و آخرت، توشه گرفتن از آن برای آخرت و استفاده از آن برای به دست آوردن رضای خداوند. «وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ». و مرا نگه دار از شر آنچه قضا و قدرت بر آن می‌رود، تا همیشه قضا و قدرم به خیرم باشند.

در این پنج جمله همه‌ی اسباب سعادت دنیا و آخرت نهفته است: وقتی که انسان به مطالب خود رسید و ایمان صحیح یافت و اعمال صالحات نصیبش شد و عاقبت به خیر همراهش بود و از

تندرستی بهره‌مند بود و از ناملایمات در حفظ و پناه خدا بود و کارهایش را همه ذات پاک حق تعالی متولی آن بود و برکت داشت آنچه خدا به او عطا فرموده است، برکت در جسم، برکت در روح، برکت در اهل، برکت در فرزندان، برکت در رزق، برکت در خویشاوندان؛ و خدا او را از شر قضا و قدر ننگه داشت، چه سعادت‌ی است که نیافته و چه خوشی است که از دست داده است! همه‌ی سعادت‌ها را باهم یافته است، این بود تفسیر قسمت دعا از قنوت و اکنون تفسیر قسمت ثناء از قنوت.

«فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَىٰ عَلَيْكَ». به حقیقت تو فرمان می‌رانی بر همه، و نیست کسی که فرمان خود را بر تو اجرا نماید، هستی‌ها هر چه هست همه مخلوق و مملوک و مقهور تو هستند، فرمان تو بر همه مساوی و جاری است.

«إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ». به حقیقت خواری نخواهد دید، کسی که تو او را به دوستی گرفتی، کسی که خدا دوست اوست کجا و ذلت و خواری کجا!

«وَلَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ». و عزت و سرافرازی نخواهد دید، کسی که تو او را دشمن گرفتی، کسی که خدا دشمن اوست کجا و عزت و سربلندی کجا!

«تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ». پر شد برکت‌هایت ای پروردگار ما و برتر آمدی از هر عیب و نقصی، اگر دیده‌ای حقیقت‌بین باشد، سراسر وجود را پر از برکت‌های خدا بیند، خدایی که جهان را به همه انواع نعمت‌ها آراست، آنگاه آدمی را آفرید تا از آن نعمت‌ها استفاده کند و شکر مُنْعِم بگوید. به قول سعدی که روحش شاد باد:

این همه نقش عجب بر در دیوار وجود | هرکه شکر نکند نقش بود بر دیوار

«فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا قَضَيْتَ». بنابراین، ستایش‌ها و سپاس‌ها همه برای توست در برابر آنچه قضا فرمودی، قضایت همه به خیر بندگان است.

«وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَىٰ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ وَأَوْلَيْتَ». «و شکرها و سپاس‌ها همه برای توست در برابر آنچه انعام فرمودی و ارزانی داشتی».

«نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ وَنَتُوبُ إِلَيْكَ». برای ما بندگان و قصور در شکر بر نعمت‌هایت راهی دیگر نیست، مگر طلب آمرزش و توفیق توبه و رو به درگاهت آوردن.

«وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ». ایمان می‌آوریم به تو که بدی می‌کنیم و خوبی می‌بینیم و ناشکری می‌کنیم و احسان می‌بینیم، ما توکل بر تو می‌کنیم که همه انعام تو را می‌بینیم.

«وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ». خدایا درود بی شمار و سلام شایسته‌ی بنده‌ی برگزیده و مختارت، بر آفتاب هدایت جهان و جهانیان محمد مصطفی و آل اطهار و وصحب اخیار و تابعان نور محمدی مستمر و روزافزون بگردان.

تفسیر قنوت حنفیه و مالکیه: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ». خدایا ما همیشه از تو کمک می‌خواهیم و بر مدد تو اعتماد داریم، اگر کمک تو شامل حال مان شود چه کار خیری است که نتوانیم و اگر مدد تو نباشد چه کاری است که بتوانیم از عهده‌ی آن برآیم؟

«وَنَسْتَهِدِيكَ». و از تو خواهان گرفتن راه راست هستیم، اگر هدایت تو باشد به راه راست می‌رسیم و از استقامت بر آن بهره‌مند می‌گردیم و از انحراف از آن نگه داشته می‌شویم، ما همه بندگانیم و بنده‌ای که مملوک و مقهور فرمان تو است، اگر معونت و هدایت تو نباشد هیچگاه نه راه راست می‌یابد و نه به مطلب می‌رسد.

«وَنَسْتَغْفِرُكَ». و از تو طلب آمرزش داریم، ما بندگان از فرق سر تا کف پایمان همه قصور است و تقصیر، و این آمرزش توسست که تقصیرات ما را می‌پوشاند و اگر آمرزش حاصل شد تاج افتخار و عبودیت بر تارک ما می‌درخشد و اگر آمرزش تو نباشد ما غریق گناهان نه روی خواهش برایمان می‌ماند و نه زبان اعتذار.

«وَنُتَوُّبُ إِلَيْكَ». و توبه می‌نماییم از همه‌ی خطاهایمان و رو به درگاه تو می‌نهیم که تو اب رحیم تویی، توفیق توبه می‌دهی و قبول توبه می‌فرمایی.

«وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ». و ایمان آوردیم که خالق ما و رازق ما و حافظ ما و مددکار ما فقط تو هستی و بس، ایمان ما را وادار می‌کند تا در همه کار بر تو توکل نماییم و از توکل بر تو و گرفتن راه پیغمبرت به حصول رضایت شاد شویم و از رو آوردن به درگاهت سعادت دو جهان را دریابیم.

«وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ». ثنای تو می‌خوانیم و خیر و خوشی‌ها را همه از تو می‌دانیم.

«نَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ». ما همه سپاس تو می‌گوییم که غرقه در انعام تو هستیم، و هیچگاه کفران نعمت‌هایت را ننماییم که وظیفه‌ی هر مؤمن شکر و سپاس تو است، همانگونه که کفر ملازم کفران نعمت و ناشکری از همه‌ی نعمت‌های خداست.

«وَنَخْلَعُ وَنَتَرَكُ مَنْ يَفْجُرُكَ». و ما خلع ید می‌نماییم و کنار می‌گذاریم هرکسی را که دانستیم خود را به کفر و معاصی آلوده ساخته است.

«اللَّهُمَّ يَاكَ نَعْبُدُ». خدایا تو را بندگی می‌کنیم، نه غیر تو را. هیچ افتخاری برای ما از این بالاتر نیست که خدا او را به بندگی قبول فرماید، اگر خدا بنده‌ای را به بندگی قبول فرمود نماز و طاعتش می‌پذیرد، گناهانش را می‌آمرزد و اسباب سعادتش را فراهم می‌سازد و تاج عبودیت را بر فرق او می‌نهد.

«وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ». و برای تو نماز می‌خوانیم و برای تو پیشانی خود را در برابر عظمتت بر خاک می‌مالیم، کجا ممکن است بنده‌ای بداند که بنده‌ی خداست، زندگیش و مرگش در دست خداست و روزی و سرنوشتش در دست خداست و سعادت و شقاوتش در ید قدرت خداست، نفع و ضررش همه در تدبیر خداست، و آنگاه عبادت غیر خدای یکتا را نماید. خدا، یعنی مالک همه، مقتدر بر همه، معبود بحق برای همه. و غیر خدا، یعنی محتاج سراندر پا و بینوای در هر جا و فانی سرا پا زوال و بی‌پناه.

«وَأِلَيْكَ نَسْعَى وَنَخْشَى». و ما همه به سوی تو در کوششیم که ما را به درگاهت برسانی و از شر دیو لعین و هرکسی که بخواهد ما را از درگاهت دور سازد، برهانی. و در این راه می‌شتابیم برای این که عمر زودگذر است و تا قبل از این که عمر از دست برسد به تو رسیده باشیم.

«تَرْجُو رَحْمَتَكَ». ما همه امیدوار رحمت هستیم، همین امید رحمت می‌باشد که ما را شاد و مسرور و مطمئن ساخته است، اگر امید رحمت نداشتیم، هیچ نداشتیم؛ همین رحمت ما را امیدوار کرده و بر پای خود استوار کرده است، از جهتی امید رحمت و از جهت دیگر بیم عذابت ما را بین خوف و رجا قرار داده است.

«وَنَخْشَى عَذَابَكَ». تا همیشه از ترس عذابت هر غروری از سر به در کنیم و هر هوای خطاکاری را دور بگردانیم و هر روشی که پای ابلیس لعین در آن باشد کنار بگذاریم.

«إِنَّ عَذَابَكَ الْجِدَّ بِالْكَفَّارِ مُلْحَقٌ». حقا که عذاب واقعی و جدی تو به کافران رسیده است، از کفر در عذابند و نمی‌دانند، از راندگی از رحمت خدا سرگردانند و نمی‌دانند، و از عاقبت به شر خود هراسانند و نمی‌دانند، نه یقین ایمان دارند تا خوشی اعتماد و یقین بیابند و نه از فضل و رحمت حق باخبرند تا سر را در برابر عظمتش بر خاک بمالند، ابلیس آنان را با خود برده و ناامید کرده است، و زشتکاری کفر، دل و دیده‌شان را کور کرده و بدبخت کرده است، فقیر و حقیر و ذلیل و خوار و گرفتارند و شعور آن ندارند.

«وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ وَصَحْبِهِ الْأَخْيَارِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ عَلَى الْهُدَى بِحَقِّ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا!». اگر ادامه‌ی قنوت عمر علیه السلام را بر آن بیفزاید هم خوب

است: اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْكَفَرَةَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ وَيُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ وَيُقَاتِلُونَ أَوْلِيَاءَكَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَاجْعَلْ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَالْحِكْمَةَ وَتَبَتُّهُمْ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَأَوْزِعْهُمْ أَنْ يُؤْفُوا بِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ وَأَنْصُرْهُمْ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ إِلَهَ الْحَقِّ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ».

(فصل) بالابردن دو دست در دعا مستحب است، و در قولی بعد از فراغ از دعا دست به روی کشیدن مستحب است، و اتفاق علمای مذهب شافعی بر این است که دست کشیدن بر غیر روی مکروه است، و در هنگام دعا اگر منفرد است به لفظ مفرد بخواند: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي...».

و اگر امام باشد به صیغی جمع بخواند: «اللَّهُمَّ اهْدِنَا...» و اگر منفرد است دعا را آهسته بخواند و اگر امام است دعا را به آواز بلند بخواند، و مأموم تابع امام می شود، اگر امام قنوت را بلند خواند و مأموم می شنید در قسمت دعا آمین بگوید و در قسمت ثنا مأموم هم بخواند. و حدیث صحیح در چگونگی قنوت رسول الله ﷺ بر کسانی که قاریان را در بئر معونه کشتند، ظاهر آن بلندخواندن قنوت در همه ی نمازها را می رساند. و در صحیح بخاری در باب تفسیر آیه ﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ﴾ [أل عمران: ۱۲۸]. از ابوهریره روایت شده که پیامبر ﷺ در نفرین بر مردمی که قاریان را در بئر معونه کشتند به جهر قنوت می خواند تا این که خداوند آن آیه را نازل فرمود: «هیچ یک از این کارها در اختیار تو نیست...».

«باب التشهد فی الصلاة»

بابی است در بیان تشهد در نماز

بدان که نماز اگر دورکعتی باشد، مثل نماز فرض صبح بیش از یک تشهد نخواهد داشت، اگر بیش از دو رکعت باشد، مثل نماز مغرب و عشاء دو تشهد دارد، و گاه است که نسبت به مأموم چهار تشهد صورت می یابد، مثل مسبوق در نماز مغرب که در اعتدال رکعت دوم به امام رسیده باشد، تشهد اول امام برای او حساب نمی شود و تشهد اخیر امام برای او حساب نمی شود، دو تشهد خوانده و یک رکعت دارد، بعد از سلام امام در هر رکعتی برای یک تشهد می نشیند که سرانجام می شود چهار تشهد، اگر بیش از چهار رکعت بخواند، مثلاً یکصد رکعت بخواند، اختیار بر آن است که در آن رکعات دو تشهد بخواند، او به حسب نیتش نماز بخواند وقتی که دو رکعت باقی است برای

تشهد اول بنشینند و بعد از دو رکعت باقی برای تشهد دوم بنشینند، گروهی از علمای مذهب شافعی فرموده اند یک نماز بیش از دو تشهد ندارد.

اما قول معتمد این است که می تواند بعد از هردو رکعت به تشهد بنشینند، اما بعد از هریک رکعت جایز نیست به تشهد بنشینند. والله أعلم.

و بدان که تشهد آخری نزد امام شافعی و امام احمد و بیشتر علما واجب است، و نزد امام ابوحنیفه رحمته الله سنت است، و نزد امام احمد رحمته الله واجب است، اگر تشهد اول را ترک کرد به عمد یا به سهو نزد امام شافعی نماز او صحیح است و آخر نماز سجود سهو می نماید. والله أعلم.

(فصل) و اما لفظ تشهد به سه لفظ به ثبوت رسیده است، نخست تشهد به روایت ابن مسعود رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله : «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ!». رواه البخاری و مسلم.

دوم تشهد به روایت ابن عباس رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله : «التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». رواه مسلم فی صحیحہ. و این تشهد را امام شافعی اختیار فرموده است، برای این که ابن عباس رضی الله عنه از اهل بیت هستند و امام شافعی هم از اهل بیت است و نیز به سبب لفظ المبارکات.

سوم تشهد به روایت ابوموسی اشعری رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله : «التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». رواه مسلم فی صحیحہ.

و بدان که تشهد به هر لفظی که باشد جایز است و سبب اختیار در لفظ آن است که به الفاظ متعدد آمده است. و ابن سَرِیج از علمای شافعی فرموده است: اگر اختصار بر این لفظ نماید: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ، سَلَامٌ وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». کفایت می کند، و معلوم است که اگر بر یکی از سه نوع عمل نماید و تغییر ندهد بهتر است، برای این که اختلاف در وجوب همه ی کلمات تشهد است، و اختیار بر این است که یکی از آن سه را بخواند، و بدان که ترتیب در تشهد مستحب است و واجب نیست.

بنابراین، اگر بعضی از الفاظ آن را تقدیم و تاخیر کند مانعی ندارد، و بعضی ترتیب آن را واجب دانسته اند، و بدان که تشهد را باید آهسته خواند، چنانکه در روایت ابوداود و ترمذی و بیهقی از ابن مسعود رضی الله عنه آمده است: «من السنة أن يخفى التشهد». رواه الترمذی وقال حدیث حسن. وقال الحاکم صحیح. و گفتن صحابه: من السنة، در حکم قال رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد.

«باب الصلاة على النبي صلی الله علیه و آله بعد التشهد»

بابی است در بیان درود فرستادن بر رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر

بدان که صلوات فرستادن بر رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر نزد امام شافعی رحمته الله واجب است، و اگر صلوات بر رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر ترک نماید نمازش صحیح نمی شود، اما در تشهد صلوات بر آل واجب نیست، و در تشهد اخیر صلوات بر آل سنت است، و همانگونه که تشهد اول سنت است، صلوات بر رسول الله صلی الله علیه و آله نیز در تشهد اول سنت است. و جای تعجب اینجاست که صلوات بر آل را واجب ندانسته اند، در صورتی که تمام صیغه های وارد در همه ی احادیث مربوط به صلوات بر رسول الله صلی الله علیه و آله همراه با صلوات بر آل است، شاید از آن روی باشد که در آیه ی:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶]. یاد از آل نشده است و در صلوات فرستادن بر رسول الله صلی الله علیه و آله نیز اگر بگوید: «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ يَا صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ يَا صَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ» هرکدام که بگوید کفایت می کند. و در مذهب وجهی هست که باید بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، و غیر آن کفایت نمی کند، و بهتر آن است که در صلوات بر رسول الله بعد از تشهد اخیر این لفظ را اختیار نماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

این حدیث در بخاری و مسلم از کعب بن عجرة و قسمتی از آن از غیر کعب بن عجرة رضی الله عنه روایت شده است، و دعا بعد از تشهد اخیر مستحب است، اما بعد از تشهد اول دعا مستحب نیست، و

علمای شافعی فرموده اند: دعا بعد از تشهد اول مکروه است، برای این که بنای تشهد اول بر تخفیف است. واللہ أعلم.

«باب الدعاء بعد التشهد الأخير»

بابی است در بیان مستحب بودن دعا بعد از تشهد آخر

بدان که دعا بعد از تشهد اخیر مشروع است، بدون اختلاف.

«روينا في صحيح البخاري ومسلم عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه: أن النبي ﷺ علّمهم التشهد ثم قال في آخره: ثُمَّ يُخَيِّرُ مِنَ الدُّعَاءِ! وفي رواية البخاري: أَعْجَبَهُ إِلَيْهِ فَيَدْعُو! وفي رواية لمسلم: ثُمَّ لِيَتَخَيَّرَ مِنَ الْمَسْأَلَةِ مَا شَاءَ».

رسول الله ﷺ تشهد را به صحابه آموخت، و در آخر حدیث آمده که نمازگزار بعد از تشهد و صلوات بر رسول و آل اطهار دعاهایی را اختیار می نماید، هر دعایی که دوست دارد و می تواند از خودش دعاهایی بخواند و لیکن دعاهاى وارد از رسول الله ﷺ بهتر است، و در همین جا بعد از تشهد دعاهاى بسیاری وارد شده از آن جمله است:

«ما روينا في صحيح البخاري: «عن أبي هريرة رضي الله عنه قال، قال رسول الله ﷺ: إِذَا فَرَغَ أَحَدُكُمْ مِنَ التَّشْهِيدِ الْآخِرِ، فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ: مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ». «وقتی که یکی از شما از تشهد آخری نماز فارغ شد، پناه ببرد از چهار چیز: از عذاب دوزخ، از عذاب قبر، از فتنه‌ی مرگ و زندگی، و از شر مسیح دجال».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ: عَنْ عَائِشَةَ رضي الله عنها أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَدْعُو فِي الصَّلَاةِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا، وَفِتْنَةِ الْمَمَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثِمِ وَالْمَغْرَمِ». «رسول الله ﷺ در آخر نماز دعا می فرمود: «خدایا پناه می برم به تو از عذاب قبر و پناه می برم به تو از فتنه‌ی مسیح دجال و پناه می برم به تو از فتنه‌ی زندگی و مرگ، خدایا پناه می برم به تو از گنهکاری و بدهکاری».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يَكُونُ مِنْ آخِرِ مَا يَقُولُ بَيْنَ التَّشْهِيدِ وَالتَّسْلِيمِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا

أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». «علی‌علیه‌السلام فرمود که رسول الله ﷺ وقتی که به نماز می‌ایستاد در تشهد آخر نماز میان تشهد و سلام نماز می‌فرمود: خدایا پیامر مرا آنچه آن را به جلو انداختم و آنچه آن را به دنبال انداختم و آنچه نهانی نمودم و آنچه آشکار نمودم و آنچه در آن اسراف بر خود نمودم و آنچه تو داناتری به آن از من. تو هستی که به جلو می‌اندازی و تو هستی که به دنبال می‌اندازی، نیست معبودی به حق در سراسر وجود مگر تو». کلمه‌ی: «مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ» هر گناهی که آن را مقدم داشتیم و هر گناهی که آن را به دنبال انداختیم، رسول الله ﷺ این را که می‌فرماید برای تعلیم است و گرنه خودش گناهی ندارد، اگر خطایی هم بود خدا همه‌ی آن را بخشیده است، و مقصود رسول الله ﷺ تعلیم امت است تا اینچنین دعا کنند، و در حقیقت گناه بر دو قسم است: گناهی که انجام می‌گیرد و اثر آن از بین می‌رود، این گناه را به جلو انداخته، یعنی در حیات خود انجام داده است. و گناهی است که اثر آن بعد از حیات شخص می‌ماند. فرض بفرمایید کسی یک سیلی به دیگری زد و معذرت خواست و او را بخشید، این گناهی است که گذشته است. اما کسی گرفتن ده یک مال مردم را مرسوم می‌کند این همیشه اثرش می‌ماند؛ خود شخص می‌میرد، اما گناهش باقی است، زیرا به آن عمل می‌شود، و مصیبت همیشه در این نوع گناه است که از بین نمی‌رود. «أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ» ای خدا کسی را که بخواهی او را مقدم می‌سازی که از مردم در علم و تقوی جلو بیفتد، و کسی را به دنبال می‌اندازی که علم و تقوی نصیبش نشده و همیشه عقب افتاده است، عطا همه از خداست، دانا به مصالح خلق فقط خداست، آنچه انجام می‌دهد همه حکمت است، پاک و منزله‌ خدایی که منع و عطایش هردو به حکمت است و هردو به مصلحت خلق است.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: عَلَّمَنِي دَعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي صَلَاتِي، قَالَ: قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ». «ابوبکر صدیق عرض کرد که یا رسول الله! دعایی به من بیاموز که در نماز به آن دعا نمایم. فرمود: «بگو خدایا به خود ستم کردم بسیار، و نمی‌امرزد گناهان مرا مگر تو. پس پیامر گناهانم به آمرزشی از نزد خودت و مرا مورد رحمت قرار بده. حقا که تو آمرزگار بسیار مهربانی». روایت شده: ظُلْمًا كَثِيرًا و روایت شده ظُلْمًا كَبِيرًا.

نوی فرمود هردو باهم چنین بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا كَبِيرًا». «خدایا ستم به خودم نمودم ستم بسیار و ستم بزرگ» و از جمله دعاهاى مستحب در همه جا این دعاست: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى، وَالْعِافَةَ وَالْغِنَى». «خدایا از تو می‌خواهم عفو و گذشت که از سر تقصیرم بگذری و از تو می‌خواهم عافیت و دوری از ناملایمات. خدایا از تو می‌خواهم رسیدن به راه راست و پرهیزگاری و پاکدامنی و توانگری». و بیشتر دعای رسول الله ﷺ این دعا بود: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». «خدایا به ما بده در دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگه دار ما را از عذاب دوزخ». والله أعلم.

«باب السلام للتحلل من الصلاة»

بابی است در بیان سلام نماز گرفتن برای بیرون آمدن از نماز

بدان که سلام نماز گرفتن برای بیرون آمدن از نماز یکی از فرض‌های نماز و رکنی از ارکان نماز است که نماز بدون آن صحیح نمی‌شود، و فرض بودن سلام نماز در سه مذهب مالک و شافعی و احمد است. و حدیث‌های صحیح مشهور به آن تصریح دارد، و جمهور علمای سلف و خلف همه بر فرض بودن سلام نماز نظر دارند. و بدان که اکمل در سلام نماز این است که رو به دست راست بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ». و رو به دست چپ بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ».

و در سنن ابی داود آمده: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». و امام الحرمین و زاهر السرخسی و رویانی آن را یاد کرده اند. امام نوی فرمود که کلمه‌ی «وبرکاته» خلاف مشهور از سلام دادن حضرت رسول در نماز است و گفتنش مستحب نیست.

اگر کسی آن را در سلام نماز جنازه بگوید تا به حدیث در بعضی موارد عمل کرده باشد دور از صواب نیست، والله اعلم. و واجب همان سلام اولی است و سلام دومی سنت است، اگر آن را نگوید ضرری به نمازش نمی‌رساند.

این دو سلام نماز در هر نمازی است: نماز فرض باشد یا سنت یا نماز جنازه، فرق نمی‌کند. منفرد باشد یا امام باشد یا ماموم، فرقی نمی‌کند. جماعت اندک باشد یا بسیار، فرق نمی‌کند.

و واجب در سلام: گرفتن السَّلَامُ عَلَيْكُمْ می‌باشد، و اگر بگوید: عَلَيْكُمْ السَّلَامُ نیز کفایت می‌کند. اما اگر بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ یا سَلَامِي عَلَيْكَ یا سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ یا سَلَامِي عَلَيْكُمْ،

هیچکدام کفایت نمی‌کند. و اگر به عمد بگوید نمازش باطل می‌شود، و موقعی که امام سلام نماز گفت، ماموم اختیار دارد به دنبال سلام امام سلام بگوید یا مشغول دعا بشود، بعد سلام بگوید، مانعی ندارد. والله أعلم.

«باب ما یقوله الرجل إذا کلمه إنسانٌ وهو فی الصلاة»

بابی است در بیان آنچه شخص می‌گوید وقتی که در حال نماز است و دیگری با او سخن می‌گوید

«رَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ: عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ نَابَهُ شَيْءٌ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ! وَفِي رَوَايَةٍ فِي الصَّحِيحِ: إِذَا نَابَكُمْ أَمْرٌ، فَلْيَسْبِغِ الرَّجُلُ، وَلْيَصْفَحِ النِّسَاءَ». «رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فرمود: کسی که چیزی به او رسید در حالی که در نماز بود بگوید: سبحان الله». و در روایتی در صحیح بخاری: «وقتی که چیزی به شما رسید و شما در نماز هستید، مردان سبحان الله بگویند و زنان کف دست راست پشت دست چپ بزنند». سبحان الله گفتن برای مردان است و کف دست راست بر پشت دست چپ زدن برای زنان است. اگر مردی مشغول نماز است و در زدند می‌گوید سبحان الله تا از اهل خانه کسی برود و ببیند چه کسی در می‌زند. اگر زنی در نماز است و سفره خوراک نهاده و گریه آمده است از سفره بخورد، کف دست راست بر پشت دست چپ می‌زند تا کسی بیاید و نگذارد گریه سفره را آلوده کند. اگر کسی وعده دارد بیاید نامه بگیرد و صاحب نامه در حال نماز خواندن بود و او صدا زد که نامه بیا. می‌گوید: سبحان الله تا شخصی که برای نامه آمده بداند که او مشغول نماز است و صبر کند.

«باب الأذکار بعد الصلاة»

بابی است در بیان اذکاری که بعد از نماز خوانده می‌شود

اجماع علما بر آن است که بعد از نماز اذکاری است که از حضرت رسول الله ﷺ وارد شده و باید خوانده شود، و در این خصوص حدیث‌های صحیح و بسیار آمده است که در باره‌ی انواع متعدد از اذکار بعد از نماز است.

در اینجا ما قسمتی از آنها را می‌آوریم. از مهمترین آنها:

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي إِمَامَةَ عليه السلام قَالَ: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: جَوْفُ اللَّيْلِ الْآخِرُ وَدُبُرُ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ». قال الترمذي: حديث حسن. «به رسول الله ﷺ گفته شد: کدام دعا زودتر به اجابت می‌رسد؟ فرمود: «دعا در دل نیمه‌ی دوم شب و دعا بعد از نمازهای فرض شبانه روزی».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنه قَالَ: كُنْتُ أُعْرِفُ انْقِصَاءَ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالتَّكْبِيرِ». «ابن عباس فرمود: من می‌دانستم که رسول الله ﷺ از نماز فرض فارغ شده به بلندشدن آواز جماعت به الله اکبرگفتن». و در روایت مسلم: «کُنَّا نَعْرِفُ».

«وفي رواية في صحيحيهما عن ابن عباس رضي الله عنه: أَنَّ رَفَعَ الصَّوْتِ بِالذِّكْرِ حِينَ يَنْصَرِفُ النَّاسُ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ!». «ابن عباس رضي الله عنه فرمود: «بلندکردن آواز به اذکار بعد از نماز موقعی که جماعت از نماز فرض فارغ می‌شدند در عهد رسول الله ﷺ بود».

«وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ كُنْتُ أَعْلَمُ إِذَا انْصَرَفُوا بِذَلِكَ إِذَا سَمِعْتُهُ». «من می‌دانستم فارغ‌شدن از نماز به بلندشدن آواز جماعت به اذکار نماز». ابن عباس می‌گوید: در عهد رسول الله ﷺ همین که از نماز فرض فارغ می‌شدند آواز جماعت به اذکار بعد از نماز بلند می‌شد. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» را به آواز بلند می‌گفتند. تکبیر و تسبیح به آواز بلند می‌گفتند، اما امروز عده‌ای بلندکردن آواز را به اذکار بعد از نماز بدعت می‌دانند.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ ثَوْبَانَ رضي الله عنه قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ! قِيلَ لِلْأَوْزَاعِيِّ وَهُوَ أَحَدُ رَوَاةِ الْحَدِيثِ: كَيْفَ الْاسْتِغْفَارُ؟ قَالَ تَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ». «ثوبان می‌گوید: عادت رسول الله ﷺ بود که سلام نماز که می‌گفت سه بار استغفر الله می‌گفت و می‌فرمود: «خدایا تو هستی که نام مقدست السلام است و همه سلامتی‌ها از فضل توست، پر شد برکتی ای صاحب شکوه و بزرگواری». از اوزاعی که از راویان حدیث است سؤال شد که استغفار چگونه است؟ گفت: می‌گویی: استغفر الله استغفر الله. وقتی که می‌گوید رسول الله ﷺ بعد از نماز می‌فرمود دلیل این است که بلند می‌فرمود طوری که جماعت می‌شنیدند».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبَخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ الْمَغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». «رسول الله ﷺ وقتی که از نماز فارغ می شد و سلام نماز می گفت، می فرمود: «نیست معبودی به حق در سراسر وجود، مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی ندارد، برای اوست مالکیت همه و پادشاهی بر همه، و برای اوست حمد و ستایش ها و او بر همه چیز تواناست، خدایا اگر تو چیزی عطا فرمایی نیست کسی که جلو عطایت را بگیرد، و اگر تو عطا نفرمایی نیست کسی که از او عطایی صادر شود و سودی نمی دهد توانگر را به جای تو توانگری».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْمُسْلِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزَّبِيرِ رضي الله عنه أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ ذُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ حِي يُسَلِّمُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ لَهُ التَّعَمُّةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ! قَالَ ابْنُ الزَّبِيرِ: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُهَلِّلُ بِهِنَّ ذُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ». «عبدالله بن زبیر گفته است که پیامبر ﷺ وقتی که سلام نماز می گفت بعد از هر نماز فرض می گفت: نیست معبودی به حق در سراسر وجود، مگر خدای یکتا که شریکی ندارد. برای او است دارندگی همه ی مخلوقات و پادشاهی بر آنها، و برای اوست حمد و ستایش ها و او بر همه چیز تواناست. نه چاره ای هست برای دوری از گناه و نه توانی هست برای پایداری بر طاعت، مگر به کمک خدا. نیست معبودی به حق مگر الله، و ما بندگی نمی کنیم مگر او را، برای اوست نعمت ها و برای اوست فضل و برتری و برای اوست مدح و ثناء خوب. نیست معبودی به حق مگر خدای یکتا، ما عبادت خالص را برای او انجام می دهیم. و اگرچه کافران آن را دوست ندارند». و ابن الزبیر گفت: رسول الله ﷺ همین کلمات را بعد از هر نماز فرض می فرمود.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبَخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ فُقَرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالُوا: ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَالتَّعِيمِ الْمُقِيمِ يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ وَلَهُمْ فَضْلٌ مِنْ أَمْوَالِهِمْ يَجُجُونَ بِهَا وَيَعْتَمِرُونَ وَيُجَاهِدُونَ وَيَتَصَدَّقُونَ. فَقَالَ: أَلَا أَعْلَمُكُمْ شَيْئًا تُذَرِّكُونَ بِهِ مَنْ سَبَقَكُمْ وَتَسْبِقُونَ بِهِ مَنْ بَعْدَكُمْ وَلَا يَكُونُ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْكُمْ إِلَّا مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ:

تُسَبِّحُونَ وَتُحَمِّدُونَ وَتُكَبِّرُونَ خَلْفَ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ! قَالَ أَبُو صَالِحٍ الرَّازِيُّ: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ لَمَّا سُئِلَ عَنْ كَيْفِيَّةِ ذِكْرِهِ؟ يَقُولُ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ حَتَّى يَكُونَ مِنْهُمْ ثَلَاثُ وَثَلَاثُونَ. الدُّثُورُ جَمْعُ دَثْرٍ وَهُوَ السَّمَالُ الْكَثِيرُ». «فقراى مهاجرين به خدمت رسول الله ﷺ آمدند و گفتند: صاحبان مال و ثروت درجه‌های بلند مرتبه و خوشی جاویدان بهشت برای خود بردند. ایشان نماز می‌خوانند چنانکه ما نماز می‌خوانیم و روزه می‌گیرند چنانکه ما روزه می‌گیریم و زیادتى مال دارند و به وسیله‌ی آن حج و عمره می‌کنند و جهاد می‌کنند و صدقه می‌دهند، در حالی که ما توانایی حج و عمره و جهاد و صدقه نداریم. رسول الله ﷺ فرمود: آیا شما را نیاموزم چیزی را که به وسیله‌ی آن به هرکسی که از شما جلو افتاده است برسید، و از کسانی که بعد از شما می‌آیند جلو بیفتید و کسی که برتر از شما نشود مگر هرکسی که مانند شما همان چیز را انجام دهد؟ گفتند: بله یا رسول الله، فرمود: بعد از هر نماز فرض سی و سه بار سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر می‌گویید.

ابوصالح رازی گفت که ابوهریره در جواب کسی که از چگونگی ذکر سی و سه بار پرسید، گفت می‌گوید: سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر تا به سی و سه بار برسد». و دنباله‌ی این حدیث آمده که پس از مدتی فقراى مهاجرين به خدمت رسول الله ﷺ آمدند و گفتند: توانگران مهاجرين همین را هم آموخته‌اند. فرمود: آن فضل خداست، به هرکه خواهد می‌دهد. و حدیث می‌رساند که فقرا و اغنیا چگونه مسابقه در طاعت داشته‌اند و نمی‌خواسته‌اند هیچ طاعتی از دست‌شان برود یا دیگری بر آنان سبقت جوید.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَحَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ فَتِلْكَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ وَقَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که بعد از نماز فرض سی و سه بار سبحان الله گفت و سی و سه بار الحمد لله گفت و سی و سه بار الله اکبر گفت و صدمین بار گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». گناهانش آمرزیده می‌شود اگرچه مثل کف دریا باشد».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ فِي أَوَائِلِ كِتَابِ الْجِهَادِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَتَعَوَّدُ دُبُرَ الصَّلَاةِ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ

أَرَدَ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ». «رسول الله ﷺ بعد از نماز فرض به این کلمه ها پناه می برد به خدا: خدایا به تو پناه می برم از ترسوی و به تو پناه می برم از این که به اردل العمر برسم و پناه می برم به تو از فتنه دنیا و پناه می برم به تو از عذاب قبر».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رضی الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: خَصَلَتَانِ أَوْ خَلَّتَانِ لَا يُحَافِظُ عَلَيْهِمَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ هُمَا يَسِيرٌ وَمَنْ يَعْمَلْ بِهِمَا قَلِيلٌ يُسَبِّحْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ عَشْرًا وَيَحْمَدُ عَشْرًا وَيُكَبِّرُ عَشْرًا فَذَلِكَ خَمْسُونَ وَمِائَةً بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ وَخَمْسُمِائَةٍ فِي الْمِيزَانِ وَيُكَبِّرُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ وَيَحْمَدُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَيُسَبِّحُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ فَذَلِكَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ بِالْمِيزَانِ. قَالَ: فَلَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَعْقِدُهَا بِيَدِهِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ هُمَا يَسِيرٌ وَمَنْ يَعْمَلْ بِهِمَا قَلِيلٌ؟ قَالَ: يَأْتِي اللَّهُ أَحَدَكُمْ - يَعْنِي الشَّيْطَانُ - فِي مَنَامِهِ فَيَتَوَمَّعُ قَبْلَ أَنْ يَقُولَهُ وَيَأْتِيهِ فِي صَلَاتِهِ فَيَذْكُرُهُ حَاجَةً قَبْلَ أَنْ يَقُولَهَا». إسناده صحيح إلا أن فيه عطاء بن السائب وفيه اختلاف بسبب

اختلاطه وقد أشار أيوب السخيتاني إلى صحة حديثه هذا. «رسول الله ﷺ فرمود: دو خصلت یا دو خلت هستند که هر بندهی مؤمنی بر آن دو خصلت محافظت نماید به بهشت داخل می شود. آن دو آسانند و کسانی که به آن دو عمل کنند، اندکند: بعد از هر نماز فرض ده بار می گوید: سبحان الله و ده بار می گوید: الحمد لله و ده بار می گوید: الله اکبر و این می شود یکصد و پنجاه بار به زبان و هزار و پانصد بار به میزان. و وقتی که به بستر خواب رفت، سی و چهار بار الله اکبر می گوید و سی و سه بار الحمد لله می گوید و سی و سه بار سبحان الله می گوید و این می شود یکصد بار به زبان و یک هزار بار به میزان». عبدالله بن عمر می گوید: من دیدم که رسول الله ﷺ به دست خود آنها را حساب می فرمود. یاران گفتند: یا رسول الله! چگونه آسان است و مردمی که به آن عمل می کنند اندک هستند؟ فرمود: «شیطان می آید نزد او را به خواب می اندازد قبل از این که آنها را بگوید، و شیطان در نمازش کاری به یاد او می آورد قبل از این که آنها را بگوید».

«رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رضی الله عنه قَالَ: أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقْرَأَ بِالْمُعَوِّذَاتِ دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ». «رسول الله ﷺ به عقبه بن عامر امر فرمود که سوره های قل هو الله أحد و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس بعد از هر نماز فرض بخواند».

«وَرَوَيْنَا بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ مُعَاذٍ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَخَذَ بِيَدِهِ وَقَالَ: يَا مُعَاذُ وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكَ فَقَالَ أُوصِيكَ يَا مُعَاذُ لَا تَدَعَنَّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ تَقُولُ

اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ». «رسول الله ﷺ دست معاذ را گرفت و فرمود: ای معاذ! قسم به خدا که من تو را دوست می‌دارم، سپس فرمود: تو را سفارش می‌دهم به این که بعد از هر نماز فرض بگویی: خدایا مرا مدد کن بر یادکردن و سپاسگزاری و خوب انجام دادن عبادت».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَضَى صَلَاتَهُ مَسَحَ جَبْهَتَهُ بِيَدِهِ اليمينية ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنَّا الْهَمَّ وَالْحَزْنَ». «رسول الله ﷺ وقتی که سلام نماز می‌گفت می‌فرمود: «گواهی می‌دهم آن که نیست معبودی مگر الله، بخشاینده‌ی مهربان، خدایا دور کن از من غم و ناراحتی».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ، لَا أُدْرِي قَبْلَ أَنْ يَسْلَمَ أَوْ بَعْدَ أَنْ يَسْلَمَ، يَقُولُ: سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». «رسول الله ﷺ وقتی که از نماز فارغ می‌شد، نمی‌دانم قبل از این که سلام نماز می‌گفت یا بعد از سلام، می‌فرمود: «منزه است پروردگارت، پروردگار عزت، از آنچه کافران در وصف او می‌گویند و سلام خدا باد بر پیغمبران و حمد و ستایش‌ها برای خدایی که پروردگار جهانیان است».

«وَرَوَيْنَا عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقُولُ إِذَا انْصَرَفَ مِنَ الصَّلَاةِ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِي آخِرَهُ وَخَيْرَ عَمَلِي خَوَاتِمَهُ وَخَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ لِقَائِكَ». «رسول الله ﷺ موقعی که از نماز فارغ می‌شد می‌فرمود: «خدایا بهترین ایام عمرم را روزهای آخر عمرم قرار ده، و بهترین کارهایم خاتمه‌ی کارهایم بگردان، و بهترین روزهایم را روزی قرار ده که در آن روز به شرف دیدارت می‌رسم».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيُبْدَأْ بِتَحْمِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ يَدْعُو بِمَا شَاءَ». «رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که یکی از شما نماز خواند و خواست دعا بکند اول حمد و ثنای خدا را به جا آورد و بعد از آن درود و سلام بر رسول الله ﷺ بفرستد و پس از آن دعایی که می‌خواهد بنماید».

در این باب آداب دعا از حمد و ثنای پروردگار و درود و سلام بر رسول و آل اصحاب را به جا می‌آورد، در آغاز دعا و پایان دعا و سپس دعا می‌کند و گفتن سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ تا آخر دعا را پایان می‌دهد و از دعاهایی که یاد دارد، هر وقتی به قسمتی از آنها دعا می‌نماید. و شروط دعا از قبیل حضور دل و اخلاص در دعا و لقمه‌ی حلال و اوقات اجابت و استغفار رعایت می‌نماید. والله سبحانه وتعالى أعلم. و صلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم.

«باب الحث على ذكر الله تعالى بعد صلاة الصبح»

بابی است در باره‌ی تشویق به ذکر خداوند متعال پس از نماز

صبح

بدان که شریف‌ترین اوقات ذکر در روز، ذکرى است که بعد از نماز صبح می‌گویند.

في كتاب الترمذي وغيره «عن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: مَنْ صَلَّى الْفَجْرَ فِي جَمَاعَةٍ، ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ تَعَالَى، حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ، كَانَتْ كَأَجْرِ حَاجَّةٍ وَعُمْرَةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ». قال الترمذي حديث حسن. «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که نماز صبح با جماعت خواند و بعد از نماز صبح در مسجد در جای خود نشست و مشغول یاد خدا شد تا آفتاب طلوع نمود و شانزده دقیقه گذشت و دو رکعت سنت اشراق خواند، مثل این است که حج و عمره‌ی کامل کامل ادا کرده باشد».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التَّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ قَالَ فِي ذُبُرِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَهُوَ ثَانٍ رَجُلِيهِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، عَشْرَ مَرَّاتٍ، كُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَمُحِي عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ، وَكَانَ يَوْمَهُ ذَلِكَ كُلَّهُ فِي جِرْزٍ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَحَرَسَ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَلَمْ يَنْبَغِ لِدَنْبٍ أَنْ يُذْرِكُهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِلَّا الشَّرْكَ بِاللَّهِ». قال الترمذي: هذا حديث حسن وفي بعض النسخ: صحيح. «رسول الله ﷺ فرمود: «هرکسی که بگوید بعد از نماز در حالی که دو پای خود را تا کرده (یعنی به همان حال قبلی در نماز نشسته و حالت خود را تغییر نداده) قبل از این که سخن بگوید، ده بار لا اله الا الله وحده لا شريك له را تا آخر بگوید: نیست معبودی به حق مگر الله که یکتاست، هیچ شریکی برای او نیست، برای او است دارندگی همه چیز و پادشاهی بر همه چیز، همه‌ی حمد و ستایش‌ها برای اوست، زنده می‌سازد و می‌میراند و او بر همه چیز تواناست. نوشته می‌شود برای او ده حسنه و محو می‌شود از او ده سیئه (ده گناه) و بالا برده می‌شود برای او ده درجه، و او در آن روز از هر مکروهی در پناه حق تعالی است، و نگه داشته می‌شود از شیطان و شایسته نیست که هیچ گناهی به او برسد مگر شرک به خدای تعالی».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ مُسْلِمَ بْنِ الْحَارِثِ التَّمِيمِيِّ الصَّحَابِيِّ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ أَسْرَأَ إِلَيْهِ فَقَالَ: إِذَا انْصَرَفْتَ مِنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ فَقُلِ اللَّهُمَّ أَجْرِي مِنَ النَّارِ. سَبْعَ مَرَّاتٍ

فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ ثُمَّ مِتَّ فِي لَيْلَتِكَ كُتِبَ لَكَ جِوَارٌ مِنْهَا وَإِذَا صَلَّيْتَ الصُّبْحَ فَقُلْ كَذَلِكَ فَإِنَّكَ إِنْ مِتَّ فِي يَوْمِكَ كُتِبَ لَكَ جِوَارٌ مِنْهَا». «رسول الله ﷺ آهسته به مسلم بن الحارث التميمي الصحابی فرمود: «وقتی که از نماز مغرب فارغ شدی بگو: خدایا مرا از آتش دوزخ پناه ده. هفت بار این را بگو: اللَّهُمَّ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ که اگر این را گفتی و آن شب مردی این دعایت باعث این است که خدا تو را پناه دهد از آتش. و وقتی که نماز صبح خواندی هم هفت بار بگو: اللَّهُمَّ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ که اگر آن روز مردی این دعا باعث پناه تو از آتش دوزخ است».

«وَرَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الْإِمَامِ أَحْمَدَ وَسُنَنِ ابْنِ مَاجَه وَكِتَابِ ابْنِ السَّيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَرِزْقًا طَيِّبًا». «رسول الله ﷺ بعد از این که از نماز صبح فارغ می شد می فرمود: «خدایا از تو می خواهم علم سودمند و عمل مقبول در درگاهت و روزی حلال».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ صَهيب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَحْرُكُ شَفْتَيْهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ بَشْيَاءَ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا هَذَا الَّذِي تَقُولُ؟ قَالَ: اللَّهُمَّ بِكَ أَحَاوِلُ، وَبِكَ أَصَاوِلُ، وَبِكَ أُقَاتِلُ». «صهیب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید: رسول الله ﷺ بعد از نماز صبح لبهای خود را تکان می داد، گفتم: یا رسول الله این که می خوانی کدام سخن است؟ فرمود: «خدایا به وسیلهی تو چاره اندیشی می کنم و به وسیلهی تو حمله ور می شوم و به وسیلهی تو می جنگم». یعنی در کارهایم از تو مدد می گیرم».

«وَرَوَيْنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْبَغَوِيِّ فِي شَرْحِ السَّنَةِ قَالَ: قَالَ عُلُقَمَةُ بْنُ قَيْسٍ: بَلَّغْنَا أَنَّ الْأَرْضَ تَعُجُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ نَوْمَةِ الْعَالَمِ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ». «و ابو محمد بغوی در کتاب شرح السنة آورده است که علقمه بن قیس از کبار تابعین فرمود: به ما رسیده است که زمین از خواب عالم بعد از نماز صبح به فریاد می آید و فریادرسی می خواهد».

«باب ما يقال عند الصباح وعند المساء»

بابی است در بیان اذکاری که در بامدادان و شامگاهان گفته

می‌شوند

بدان که این باب بابی است خیلی وسیع تا جایی که در این کتاب بابی وسیع‌تر از آن نیست، و به یاری خدای متعال در این کتاب جمله‌هایی مختصر از آن می‌آورم، کسی که توفیق بیابد و به آن عمل کند، این توفیق عمل نعمت و فضلی است از خدا بر او و خوشا به حال او. و کسی که به همه‌ی آنها نرسد از قسمت‌های مختصر آن آنچه بخواهد بردارد و اگرچه فقط یک ذکر باشد. و اصل در این باب از قرآن عزیز فرموده‌ی الله سبحانه و تعالی است:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾ [طه: ۱۳۰]. «و تسبیح ذات پاک پروردگار و حمد و ستایش او را به جا آور. قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب» بعد از نماز صبح و از نماز عصر. و فرموده‌ی خدای سبحانه و تعالی است:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾ [المؤمن: ۵۵]. «و تسبیح ذات پاک پروردگار همراه حمد و ستایش او به جا آور، بامدادان و بعد از ظهر تا مغرب». و فرموده‌ی پروردگار سبحانه و تعالی است:

﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ [الأعراف: ۲۰۵]. «و پروردگار را در دلت یاد کن از روی راز و نیاز با پروردگار و از روی ترس از عقاب او بدون آواز بلند، بامدادان و پسین‌ها» یعنی پروردگار را در دل یاد کن تا از ترس او و دیدن تقصیرت به راز و نیاز و خواهش رحمت و مغفرتش بپردازی، و هنگامی که بخواهی یاد پروردگار را به زبان آوری به آواز متوسط باشد که به آواز بلند نرسد، و این ذکر خفیه و کمتر از جهر را در بامداد و پسین انجام بده، و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۖ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ [النور: ۳۶-۳۷]. «در خانه‌هایی که خدا اجازه داده تا برافراشته و نام خدا در آن یاد شود، در آن خانه‌ها مردانی در هر بامداد و پسین به یاد خدا مشغولند که نه تجارت و نه فروش هیچکدام ایشان را از یاد خدا و عبادت او باز نمی‌دارد!». و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

﴿إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾ [ص: ۱۸]. [ص: ۱۸] «ما کوه‌ها

را به فرمان آورديم تا همراه داود به تسبیح خدا پردازند، شامگاهان و بامدادان»!

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبَخَارِيِّ عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «سَيِّدُ الْاسْتِغْفَارِ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أُبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأُبُوءُ بِذَنْبِي، فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ!». إِذَا قَالَ حِينَ يُمَسِّي فَمَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ أَوْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِذَا قَالَ حِينَ يُصْبِحُ فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ مِثْلُهُ» معنى أُبُوءُ: أَقَرُّ وَأَعْتَرِفُ. «رسول الله ﷺ فرمود: «سید الاستغفار این است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي...» خدایا تو پروردگار منی، نیست معبودی به حق مگر تو، مرا آفریدی و من بنده‌ی تو هستم و بر پیمان و نوبت تو هستم تا آن جا که بتوانم. اعتراف می‌کنم به نعمت‌های تو بر من و اعتراف می‌کنم به گناهانم. پس بیامرز برای این که نمی‌تواند بیامرزد گناهان را مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر آنچه از گناهان کردم. هرگاه این را گفت به شب و در آن شب مرد او داخل بهشت می‌شود، یا او از اهل بهشت است، و وقتی که این را بامدادان گفت و آن روز مرد داخل بهشت می‌شود».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِّي سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ مِائَةً مَرَّةً. لَمْ يَأْتِ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَفْضَلِ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا أَحَدٌ قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ! وفي رواية أبي داود: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»! «کسی که بامدادان و شامگاهان صدبار بگوید: سبحان الله وبحمده یا صد بار بگوید: سبحان العظيم وبحمده. روز قیامت کسی نمی‌آید که بهتر از او آورده باشد مگر کسی که مانند او گفته یا بیش از او این کلمه را گفته باشد». سبحان الله وبحمده: تنزیه خدای بزرگ می‌گویم و به حمد و ستایش او مشغولم، و سبحان الله العظيم وبحمده: تنزیه خدای بزرگ می‌گویم و به حمد و ستایش او مشغولم، چقدر انسان دچار غفلت می‌شود که کلمه‌ای به این آسانی و با آن همه اجر و ثواب از دست می‌دهد و وقت خود را به غفلت و بی‌خبری ضایع می‌گرداند».

«وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهَا بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خُبَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ قَالَ خَرَجْنَا فِي لَيْلَةٍ مَطَرٍ وَظُلْمَةٍ شَدِيدَةٍ نَطْلُبُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لِيُصَلِّيَ لَنَا فَأَدْرَكْنَاهُ فَقَالَ: قُلْ، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: قُلْ. فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: قُلْ. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَقُولُ؟ قَالَ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْمُعَوَّذَتَيْنِ حِينَ تُمَسِّي وَحِينَ تُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ». قال الترمذي: حديث حسن صحيح. «عبدالله بن خبيب رضي الله عنه

گفت که ما در شب بارانی و سخت تاریک بیرون آمدم به خاطر یافتن رسول خدا ﷺ تا نماز با ما بخواند، سپس او را یافتیم به من فرمود: بگو من چیزی نگفتم بار دوم گفت: بگو. چیزی نگفتم، بار سوم که گفت: بگو، گفتم: یا رسول الله چه بگویم؟ فرمود: «بگو: قل هو الله أحد و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس. در بامداد و شامگاهان از هر کدام سه بار بگو که کفایت می کند تو را از هر چیز. یعنی برای حفظ و نگهداری ات همین سه سوره که هر کدام سه بار در بامداد و شامگاه بخوانی کفایت می کند».

«وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَابْنِ مَاجَهٍ وَغَيْرِهَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحَةِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ: اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا وَبِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ! وَإِذَا أَمْسَى قَالَ: اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ». قال الترمذي: حديث حسن. «رسول الله ﷺ وقتی که بامداد می شد می فرمود: «خدایا به کمک تو به بامداد رسیدیم و به کمک تو به شامگاه رسیدیم، و به کمک تو زنده می مانیم و به کمک تو می میریم و به سوی توست بازگشت ما». و موقعی که شام می شد می فرمود: خدایا به کمک تو به شامگاه رسیدیم و به کمک تو زنده می مانیم و به کمک تو می میریم و به سوی توست بازگشت ما».

هر مؤمن می داند که هرچه هست از خداست، بامداد می شود، از این که به بامداد رسیده خوش وقت است و شب می شود و از این که به شب رسیده و آسوده می شود خوش وقت است. مؤمن از حیات و زندگی نهایت استفاده می نماید، و می داند زندگی دنیا پایانی دارد که مرگ نام دارد و آن به وقت خودش آسوده شدن از تکالیف زندگی است، این است که مومن همیشه به یاد خداست و در ستایش و سپاسگزاری خداست و هر خیری را از او می داند.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا كَانَ فِي سَفَرٍ وَأَسْحَرَ يَقُولُ: سَمِعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ اللَّهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا رَبَّنَا صَاحِبِنَا وَأَفْضَلُ عَلَيْنَا عَايِدًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ». «رسول الله ﷺ هرگاه در سفر بود و وقت سحر داخل می شد می فرمود: «بشنود هرکسی که می شنود و مشاهده کند هرکسی که حاضر است حمد و ستایش ما مقابل نعمت ها و احسان های خدا. پروردگارا همراه ما باش و از فضل خود بسیار بر ما انعام فرمود و ماه پناه می بریم به خدا از آتش دوزخ».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا أَمْسَى قَالَ: أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمُلْكُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَسُوءِ الْكِبَرِ رَبِّ أَعُوذُ

بِكَ مِنْ عَذَابٍ فِي النَّارِ وَعَذَابٍ فِي الْقَبْرِ! وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ ذَلِكَ أَيْضًا أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ...». «رسول الله ﷺ وقتی که شب می‌شد می‌فرمود: «ما به شب داخل شدیم و همه مملوک خدا هستیم و همه‌ی کاینات به شب داخل شدند و همه مملوک خدا هستند، و حمد و ستایش‌ها برای خداست، نیست معبودی بحق مگر الله یکتایی که هیچ شریکی ندارد، برای خداست همه‌ی کاینات و برای اوست ستایش همه او و بر همه چیز تواناست. پروردگارا! از تو می‌خواهم خیر و خوشی امشب، هر خیری که امشب باشد و هر خیری که بعد از امشب باشد خیر هردو را از تو می‌خواهم، و پناه می‌برم به تو از هر شری که امشب پدید آید و از هر شری که بعد از امشب پدید آید. ای پروردگارم! پناه می‌برم به تو از سستی و کهنسالی بد (از این که در کهنسالی دچار بیماری بد شود یا دچار معصیت و بدکاری یا دچار پشامدهای بد شود). پناه می‌برم به تو از عذابی که در دوزخ فراهم آید و از عذابی که در قبر پیش آید». و وقتی که صبح می‌شد به جای اَمْسِينَا می‌فرمود: أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ تَا آخِر».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَقِيتُ مِنْ عَقَرٍ لَدَعْتَنِي الْبَارِحَةَ قَالَ أَمَا لَوْ قُلْتَ حِينَ أَمْسَيْتَ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ لَمْ يَضُرْك! ذكره مُسْلِمٌ متصلاً بحديث لحولة بنت حكيم ل هكذا. ورويناه في كتاب ابن السني وقال فيه: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، ثلاثاً لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ». «مردی خدمت رسول الله ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله دیشب از عقربی که مرا گزید چه دردی کشیدم! فرمود: «آگاه باش که اگر اول شب گفته بودی: پناه می‌برم به خدا به کلمات الله التامات (آیه‌های قرآن) از شر آنچه خدا آن را آفرید، زبانی به تو نمی‌رسید». مسلم دنباله‌ی حدیث خولة بنت حکیم و متصل به حدیث او چنین روایت کرد و ابن السنی آن را این چنین روایت کرد که رسول الله ﷺ به او فرمود: «اگر سه بار گفته بودی: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ. هیچ چیز زبانی به تو نمی‌رسانید».

«وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ الصَّدِيقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مُرْنِي بِكَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ إِذَا أَصْبَحْتُ وَإِذَا أَمْسَيْتُ. قَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَبَشْرِكِهِ، قَالَ: فَلَهَا إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ». قال الترمذي: حديث حسن صحيح. «ابوبکر صدیق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت یا رسول الله به من دستور ده به چند کلمه که در آغاز روز و آغاز شب آن را بگویم. فرمود: «بگو: ای شکافنده‌ی

آسمان‌ها و زمین! ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین! ای دانا به نهان و آشکار! پروردگار همه چیز و مالک و دارنده‌ی همه چیز، گواهی می‌دهم آن که نیست معبودی به حق مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر شیطان و وسوسه‌های شرک‌آمیز او، و یا از دام شیطان. فرمود: این را بگو وقتی به بامداد رسیدی و وقتی که به شامگاه رسیدی و وقتی که بر بستر خواب پهلوی نهادی». کلمه‌ی شرک: به معنی شرک‌آوری شیطان و وسوسه‌های شرک‌آمیز او. و شرک: به معنی دام و بندهای او که مردم را به دام می‌اندازد و شکارشان می‌کند.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ فِي صَبَاحِ كُلِّ يَوْمٍ وَمَسَاءٍ كُلِّ لَيْلَةٍ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَيَضُرُّهُ شَيْءٌ. قَالَ التِّرْمِذِيُّ: هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ هَذَا لَفْظُ التِّرْمِذِيِّ. وَفِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ: «لَمْ تُصِبْهُ فَجَاءَةٌ بَلَاءٌ». «رسول الله ﷺ فرمود: هر بنده‌ای که اول هر بامداد و اول هر شب بگوید: به نام الله که با نام او هیچ چیز در زمین و هیچ چیز در آسمان زیانی نمی‌رساند، و این را سه بار بگوید هیچ چیز زیان به او نمی‌رساند، این لفظ ترمذی است و در روایت ابی داود: کسی که این کلمات را بامداد و شامگاه بگوید بلای ناگهانی به او نمی‌رسد».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ ثَوْبَانَ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَالَ حِينَ يُمَسِّي رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُرْضِيَهُ». فِي إِسْنَادِهِ سَعْدُ بْنُ الْمَرْزَبَانِ وَهُوَ ضَعِيفٌ بِاتِّفَاقِ الْحَفَازِ. وَقَدْ قَالَ التِّرْمِذِيُّ: هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ غَرِيبٌ. «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که گفت در اول شب: خشنود شدم به خدای یکتا در پروردگاری و به اسلام به عنوان دین و به محمد ﷺ به عنوان پیامبر، حق است بر خدای متعال که او را راضی نماید». وقتی که در اسناد حدیث آن مرد ضعیف است مقتضایش این بود که این حدیث ضعیف باشد، اما ترمذی که حکم به صحت حدیث نموده معلوم است که از طریق دیگر حدیث را صحیح دانسته است.

وقد رواه أبو داود والنسائي بأسانيد جيدة: «عن رجل خدّم النَّبِيَّ ﷺ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ بلفظه، فثبت أصل الحديث ولله الحمد. وقد رواه الحاكم أبو عبد الله في المستدرک على الصحيحين وقال صحيح الإسناد وقد وقع في رواية أبي داود وغيره: وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا. وفي رواية الترمذی: وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا. فيستحب أن يجمع الإنسان بينهما فيقول: رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَرَسُولًا».

«وما روينا بالأسانيد الصحيحة في سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ وَابْنِ مَاجَهَ عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ يَدْعُ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ حِينَ يُمَسِّي وَحِينَ يُصْبِحُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ، وَأَهْلِي وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي، وَآمِنْ رَوْعَاتِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْي وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي، وَعَنْ شِمَالِي،

وَمِنْ فَوْقِي، وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أَغْتَالَ مِنْ تَحْتِي!». قَالَ وَكَيْعٌ: يَعْنِي الْحَسَفَ». قَالَ الْحَاكِمُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادُ. «ابن عمر رضي الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله هیچگاه این دعاها را در بامدادان و شامگاهان ترک نمی نمود و می فرمود: خدایا از تو می خواهم عافیت و تندرستی و دوری از ناملایمات در دنیا و آخرت، خدایا از تو می خواهم گذشت و عافیت در دینم و دنیايم و در خانواده و بستگانم و در اموالم. خدایا بپوشان عورت هایم را و مرا ایمن بگردان از ترس هایم. خدایا مرا نگه دار از جلوم و از پشت سرم و از دست راستم و از دست چپم و از بالای سرم و پناه می برم به عظمت و بزرگی و بزرگواریت از این که از زیر پایم خسف شوم و به ته زمین فرو روم». (عورت: محلی از بدن که پیداشدنش ناراحت کننده است) و روعات: جمع روعة به معنی ترس است، انسان ترس بسیار دارد از خشم خدا، از دیدن عقوبت و غیره. و این دعا از رسول الله صلی الله علیه و آله درسی است برای امتش.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِي وَغَيْرِهِمَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَضْجَعِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ الثَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْتَمَّ اللَّهُمَّ لَا يُهْزَمُ جُنْدُكَ وَلَا يُخْلَفُ وَعَدُكَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجُدِّ مِنْكَ الْجُدُّ سُبْحَانَكَ وَيَحْمَدُكَ». «رسول الله صلی الله علیه و آله موقعی که به بستر خواب می رفت می فرمود: خدایا پناه می برم به ذات بزرگواریت و به کلمات و آیات قرآن از شر هرچیز که پیشانیست در دست توست، یعنی پناه می برم به تو از شر آنچه در قبضه ی قدرت توست که همه ی کاینات باشد، یعنی من از شر همه ی مخلوقات به تو پناه می برم. خدایا تو از بدهکاری و گنهکاری نجات می دهی، خدایا لشکریانت شکست ناپذیرند و وعده ی تو خلاف ناپذیر است و ثروت، ثروتمند را به جای تو فایده نمی رساند، تنزیه می گویم و به ستایش مشغولم».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَهَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي عَيَّاشٍ (بِالشَّيْنِ الْمَعْجَمَةِ) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ كَانَ لَهُ عِدْلٌ رَقَبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَكُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَحُطَّ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَرُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ وَكَانَ فِي حِرْزٍ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُمِيسَ وَإِنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ». «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که گفت موقعی که بامداد دمید: نیست معبودی به حق مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی برای او نیست، برای اوست دارندگی همه ی کاینات و برای اوست ستایش ها و او بر همه چیز تواناست، برای اوست برابر گردنی از فرزندان اسماعیل علیه السلام و نوشته می شود برای او ده حسنه و انداخته می شود از او ده بدی و بالا برده می شود

برای او ده درجه و او در نگهداری خداست و او را از شیطان نگه می‌دارد تا شب برسد، و اگر شامگاهان این را بگوید برای اوست همانند آن تا صبح بر او بدمد».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ - بِإِسْنَادٍ لَمْ يَضَعْفُهُ - عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ رضی اللہ عنہ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم قَالَ: إِذَا أَصْبَحَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ فَتَحَهُ وَنَصْرَهُ وَنُورَهُ وَبَرَكَتَهُ وَهُدَاهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ ثُمَّ إِذَا أَمْسَى فَلْيَقُلْ مِثْلَ ذَلِكَ». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: وقتی که یکی از شما داخل به بامداد شد بگوید: بامداد بر ما دمید و همه‌ی کاینات اقرار نمودند به پروردگاری خدایی که پروردگار جهانیان است. خدایا از تو می‌خواهم خوبی امروز، گشایش آن و پیروزی در آن و روشنایی آن و برکت آن و هدایت آن (برای رسیدن به راه راست در آن) و وقتی که شامگاهان شد هم مثل آن بگوید: اَمْسَيْنَا أَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... به شب داخل شدیم و دارندگی همه‌ی کاینات برای خدایی است که پروردگار جهان است. خدایا از تو می‌خواهم خوبی امشب، گشایش آن و پیروزی در آن و روشنایی آن و برکت آن و هدایت در آن.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي أَسْمَعُكَ تَدْعُو كُلَّ عَدَاةٍ: اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ! تَعِيدَهَا حِينَ تَصْبِحُ ثَلَاثًا، وَثَلَاثًا حِينَ تَمْسِي، فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم يَدْعُو بِهِنَّ، فَأَنَا أَحَبُّ أَنْ أَسْتَقِ بِسُنَّتِهِ». «از عبدالرحمن پسر ابی بکر صدیق رضی اللہ عنہ روایت است که به پدرش گفت: ای پدرم! من می‌شنوم از تو که در هر بامداد این دعا را می‌خوانی: «خدایا مرا عافیت ده در بدنم، خدایا مرا عافیت بده در شوایی ام، خدایا مرا عافیت ده در بینایی ام، خدایا پناه می‌برم به تو از کفر و فقر، خدایا پناه می‌برم به تو از عذاب قبر، نیست معبودی بحق مگر تو». و هر روز در وقت بامداد آن را سه بار تکرار می‌کنی، و سه بار هم شامگاهان تکرار می‌کنی. ابوبکر گفت: از رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که به این کلمات دعا می‌فرمود و من دوست می‌دارم که راه او را بگیرم».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ: ﴿قَسْبَحَنَّا اللَّهَ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾ ۱۷ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ۱۸ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

وَكَذَلِكَ نُخْرِجُونَ ﴿١٦﴾ [الرّوم: ۱۷-۱۹]. أَذْرَكَ مَا فَاتَهُ فِي يَوْمِهِ ذَلِكَ وَمَنْ قَالَهُنَّ حِينَ يُمْسِي أَذْرَكَ

مَا فَاتَهُ فِي لَيْلَتِهِ». بخاری این حدیث را ضعیف دانسته و در دو کتاب (التاریخ و الضعفا) ضعف آن را بیان داشت. «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که در بامداد هر روز بگوید: «تسبیح و تنزیه خدا می گویم موقعی که وارد به شب می شوید و موقعی که وارد به روز می شوید، و ستایش برای اوست در آسمان ها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می رسید، زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بیرون می آورد و زمین را بعد از مرگش زنده می سازد؛ و بدینگونه از گورها بیرون آورده می شوید، هرچه در آن روز از دست داده به دست می آورد و هرکس آن را به هنگام شب بگوید، آنچه در آن شب از دست داده به دست می آورد».

این چه قدرتی است که شب تاریک را می برد و صبح دلنواز را به جای آن می نشاند و روز پریها را می برد و شب آرام و دلنشین را به جای آن می نشاند، این خدای متعال است که حمد و تسبیح او در آسمان ها و زمین برای اوست و پسین و ظهر، همه ی کائنات به حمد و تسبیح او مشغولند، حمد و ستایش خدای متعال در بامداد و شامگاهان و در وقت ظهر و پسین می رساند که حمد او همیشه برقرار است، به اذان بنگرید که در تمام ساعات شبانه روز ندای: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ را در سراسر جهان بسط می دهد، برای این که اذان در جایی در وقت ظهر است و در جایی دیگر وقت صبح و در جایی دیگر عصر است و در جایی دیگر مغرب است، پس حمد او، تسبیح او و شهادت به دین مبین او در تمام ساعات شبانه روز در سراسر جهان طنین انداز است تا اگر کسی دلش مرده باشد این اذان محمدی دلش را زنده گرداند، و اگر کسی دل زنده را به غفلت از حمد و تسبیح پروردگار آشیانه ی بوم کفر کرد، زندگی خود را به باد داده و تاریکی کفر را برای خود خریده است. چه دلیل از این بهتر که پروردگار مهربان از زمین مرده با یک باران رحمت، زمینی زنده و پر از جوش و خروش به بار می آورد، و از تنی زنده و آلوده به کفر جسمی بی جان به وجود می آورد، بزرگی به خودش سزاوار است، از زمین مرده زمین زنده به وجود می آورد، و از پدری مرده به کفر، فرزندی زنده به ایمان را به میدان می آورد، و از پدری زنده به ایمان، پسر مرده به کفر را به اجتماع می سپارد تا بدانند که دل ها مقهور فرمان اوست، نه تابع قانون وراثت. او زمین مرده را زنده می سازد بعد از مردنش و آنچنان هم شما بشر به یک باران رحمتی که آب حیات نام دارد از قبر بیرون آورده می شوید تا هرکدام به سوی هدف خود روانه شوید.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بَعْضَ بَنَاتِ النَّبِيِّ ﷺ وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُنَّ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يُعَلِّمُهَا فَيَقُولُ: قُولِي حِينَ تُصْبِحِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ

لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهُنَّ حِينَ يُصْبِحُ حَفِظَ حَتَّى يُمَسِيَ وَمَنْ قَالَهُنَّ حِينَ يُمَسِي حَفِظَ حَتَّى يُصْبِحَ». «رسول الله ﷺ به بعضی از دختران خود می‌آموخت و می‌فرمود: هر بامداد بگو: تنزیه خدا می‌گویم و به ستایش او مشغولم، هیچ قدرتی نیست که به کار آید مگر به کمک خدای متعال، آنچه خدا بخواهد می‌شود، و آنچه نخواهد نمی‌شود. یقین دارم که خدا بر همه چیز تواناست و علمش به همه چیز احاطه فرموده است، نه چیزی هست که از قدرت او خارج باشد و نه چیزی هست که از علم او خارج باشد، کسی که این کلمات را بامداد گفت تا غروب آن روز در حفظ خداست، و کسی که این کلمات را به شب گفت تا صبح در حفظ خداست».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ يُقَالُ لَهُ أَبُو أُمَامَةَ فَقَالَ: يَا أَبَا أُمَامَةَ مَا لِي أَرَاكَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ فِي غَيْرِ وَقْتِ الصَّلَاةِ! قَالَ هُمُومٌ لَزِمْتَنِي وَدُيُونٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ أَفَلَا أَعَلَّمُكَ كَلَامًا إِذَا أَنْتَ قُلْتَهُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَمَّكَ وَقَضَى عَنْكَ دَيْنَكَ! قُلْتُ: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: قُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ! قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَمِّي وَقَضَى عَنِّي دَيْنِي». «رسول الله ﷺ روزی داخل مسجد شد و دید مردی از انصار که ابو امامه نام دارد، در مسجد نشسته است. فرمود: «ای ابا امامه چرا در غیر وقت نماز در مسجد نشسته‌ای؟» ابو امامه گفت: اندوه‌ها و بدهکاری‌هایی ملازم من شده اند یا رسول الله، فرمود: «آیا نیاموزم تو را کلماتی که هرگاه آنها را بگویی خدا اندوهت را از میان بردارد و بدهکاری‌هایت را بپردازد». گفتم: بله یا رسول الله، آن کلمات را به من بیاموز. فرمود: «وقتی که به بامداد رسیدی و وقتی که به شامگاهان رسیدی بگو: خدایا پناه می‌برم به تو از غم و اندوه و پناه می‌برم به تو از ناتوانی و سستی و پناه می‌برم به تو از ترسویی و بخیلی و پناه می‌برم به تو از چیره‌شدن بدهکاری و خوارشدن مردان». ابو امامه گفت: آن کلمات را گفتم و خدا اندوه مرا برد و دیونم را ادا فرمود».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنَنِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِزَى قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: أَصْبَحْنَا عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ، وَكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ، وَدِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَمِلَّةِ أَبِينَا إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ! قُلْتُ كَذَا وَقَعَ فِي كِتَابِهِ. وَدِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ! وَهُوَ غَيْرُ مُتَّبَعٍ، وَلَعَلَّهُ ﷺ قَالَ ذَلِكَ جَهْرًا لِيَسْمَعَهُ غَيْرُهُ فَيَتَعَلَّمُهُ. وَاللَّهُ أَعْلَمُ». «رسول الله ﷺ صبح که می‌شد می‌فرمود: «صبح واکردیم بر فطرت اسلام و کلمه‌ی اخلاص و دین پیغمبرمان

محمد ﷺ و ملت ابراهیم مستقیم بر شریعت و مسلمان و من از مشرکان نیستم. امام نووی فرمود که رسول الله ﷺ تابع کسی نیست. بنابراین گفتن: دین نبینا شاید بلند فرموده به قصد این که مسلمانان آن را بشنوند و یاد بگیرند».

فطرت به معنی طبیعت و سرشت، برای این که دین اسلام دین سرشت است که هرکسی بر همین سرشت آفریده شده است، و لیکن پدران و مادران، فرزندان شان را بر دین خودشان می پروراند. قبلاً شرح دادیم که دین از جهت این که مردم در آن یکسانند شریعت نامیده می شود، و از جهت این که رسول الله ﷺ آن را املاً می فرمایند ملت نامیده می شود و از جهت این که پیروی از آن می شود دین نامیده می شود. و حنیفاً به معنی مستقیماً بر راه راست است. و حنیفاً: مائلاً عن کلّ دین إلى دین الإسلام. و کلمة الإخلاص: لا إله إلا الله می باشد. بنابراین، ما مسلمانان بر سرشت اسلام و بر کلمه‌ی اخلاص و دین محمد و ملت ابراهیم هستیم.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أُوَيْسٍ رحمته الله قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ عز وجل وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْعَظَمَةُ لِلَّهِ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا سَكَنَ فِيهَا لِلَّهِ تَعَالَى اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ هَذَا النَّهَارِ صَلَاحاً وَأَوْسَطَهُ نَجَاحاً وَآخِرَهُ فَلَاحاً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». «رسول الله ﷺ وقتی که صبح می شد می فرمود: صبح واکردیم و همه‌ی کاینات برای خدای عزوجل است، و ستایش‌ها همه برای خداست و کبریا و عظمت برای خدای یکتاست و عالم خلق از امور مادی و عالم امر از امور معنوی. بدن انسان مخلوق خدا و از عالم خلق است، و روح انسان از مخلوقات خداست و از عالم امر است، و شب و روز و آنچه در شب و روز آرام می گیرند همه برای خدای متعال هستند. خلقت همه از اوست و نگهداری همه از اوست و تصرف در همه برای اوست، او آفریدگار همه است و طاعت همه برای اوست. خدایا اول امروز صلاح و شایستگی قرار ده تا در آغاز روز به کارهای شایسته پردازیم، و میان روز کامیابی قرار ده تا در کارهای خیر کامیاب شویم و آخر روز رستگاری قرار ده تا در انجام هرکار رستگار شویم ای مهربان‌ترین مهربانان».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِّي بِإِسْنَادٍ فِيهِ ضَعْفٌ عَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَقَرَأَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْحُشْرِ: وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ، حَتَّى يُمِسي، وَإِنْ مَاتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَاتَ شَهِيداً، وَمَنْ قَالَهَا حِينَ يُمِسي كَانَ بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که وقتی که صبح شد سه بار گفت: پناه می برم به خدای شنوای دانا از

شیطان نفرین شده و سه آیه از سوره‌ی حشر خواند (ظاهراً سه آیه‌ی آخر سوره‌ی حشر) خدا موکل می‌فرماید هفتاد هزار فرشته تا بر او درود فرستند تا به شب برسد، و اگر آن روز بمیرد به شرف شهادت می‌رسد، و کسی که آن را بگوید وقتی که به شب داخل می‌شود هم به همان منزلت است.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: وَجَّهَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي سَرِيَّةٍ فَأَمَرَنَا أَنْ نَقْرَأَ إِذَا أُمْسَيْنَا وَأُصْبَحْنَا: ﴿أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّ مَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾ [المؤمنون: ۱۱۵]. فَقَرَأْنَا وَغَنَمْنَا وَسَلِّمْنَا». «محمد بن ابراهیم از پدرش ابراهیم عليه السلام روایت نمود که پدرش گفت که رسول الله ﷺ ما را در سریه‌ای فرستاد و به ما امر فرمود که این آیه‌ی ۱۱۵ از سوره‌ی مؤمنون: ﴿أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّ مَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۵]. را در صبح و شام بخوانیم، و ما آن را خواندیم و غنیمت از دشمن به دست آوردیم و به سلامت برگشتیم».

تفسیر آیه: «آیا گمان کرده اید شما را آفریدیم به بازی و به سوی ما باز نمی‌گردید» ﴿فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ﴾ [المؤمنون: ۱۱۶]. «برتر آمد خدای یکتایی که فرمانروای برحق است، نیست معبودی بحق مگر او که صاحب عرش بزرگوار است» یعنی خدا شما را به بازی نیافرید و او بالاتر و برتر از آن است که به بازی بیافریند، شما را آفرید تا مطیع فرمانش باشید و به سوی او بازگردید تا جزای اعمالتان را دریابید.

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَنَسٍ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَدْعُو بِهَذِهِ الدَّعْوَةِ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى: اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ مِنْ فَجَاءَةِ الْخَيْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فَجَاءَةِ الشَّرِّ». «رسول الله ﷺ بامداد و شامگاهان این دعا را می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم ناگهان آمدن خیر و پناه می‌برم به تو از ناگهان آمدن شرها».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَنَسٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِفَاطِمَةَ رضی الله عنها: مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَسْمَعِي مَا أَوْصِيكَ بِهِ، أَنْ تَقُولِي إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتِ: يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ». «رسول الله ﷺ به فاطمه، سیده نساء العالمین، سیده نساء هذه الأمة، سیده نساء أهل الجنة سلام الله علیها فرمود: کدام چیز مانعت می‌شود از این که بشنوی آنچه را که تو را سفارش به آن می‌نمایم که در هر بامداد و شامگاه بگویی: ای همیشه زنده، همیشه ایستاده به تدبیر خلاق، طلب فریادرسی می‌کنم از تو، پس کارهایم همه را به صلاح آور و کارهایم همه به عهده‌ی خودت است و یک چشم به هم‌زدن مرا به خودم واگذار نفرما».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنه أَنَّ رَجُلًا شَكِيَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ تُصِيبُهُ الْآفَاتُ فَقَالَ لَهُ الرَّسُولُ ﷺ: قُلْ إِذَا أَصَبَحْتَ: بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي وَأَهْلِي، فَإِنَّهُ لَا يَذْهَبُ لَكَ شَيْءٌ! فَقَالَهُنَّ الرَّجُلُ فَذَهَبَتْ عَنْهُ الْآفَاتُ». «مردی شکایت حال خود نمود نزد رسول الله ﷺ و گفت: یا رسول الله! انواع آفت به من می‌رسد: چیزی می‌خرم ضرر می‌کنم و چیزی می‌خواهم از آن استفاده کنم از دستم بیرون می‌رود. رسول الله ﷺ به او فرمود: «صبح هرروز بگو: به نام خدا نگهداری خود و اهل و بستگانم قرار می‌دهم تا برکت نام خدا بر همه‌مان باشد و به سبب این دعا چیزی از دست تو نمی‌رود». آن مرد این را گفت و آفت از او دور شد.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ ابْنِ مَاجَه وَكِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رضي الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا طَيِّبًا، وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا». «رسول الله ﷺ بامداد هرروز می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم علمی که سودمند باشد و روزی که حلال باشد و عملی که مقبول درگاهت باشد».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسِتْرٍ فَأَتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَعَافِيَتَكَ وَسِتْرَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُتِمَّ عَلَيْهِ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که بامداد و شامگاه سه بار بگوید: خدایا من صبح واکرده‌ام بر نعمت و عافیت و سترت، پس نعمت و عافیت و سترت را در دنیا و آخرت بر من کامل بگردان، خداوند حق او می‌داند که این نعمت‌ها را بر او تکمیل کند».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَبْنِ السُّنِّي عَنْ زُبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَا مِنْ صَبَاحٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا وَمُنَادٍ يُنَادِي سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ! وَفِي رَوَايَةِ ابْنِ السُّنِّي: إِلَّا صَارِحٌ يَصْرُحُ: أَيُّهَا الْخَلَائِقُ، سَبِّحُوا الْمَلِكِ الْقُدُّوسَ». «رسول الله ﷺ فرمود: هر بامدادی که مردم صبح وامی‌کنند، ندا زنده‌ای ندا می‌زند، یعنی به آواز بلند می‌گوید که مردم بشنوند: پاک و منزّه است فرمانروای بسیار پاک». و در روایت ابن السنی فریادزنی فریاد می‌کشد: «ای خلائق تسبیح خدا که الملک القدوس است بگویند». الملک: از نام‌های پاک پروردگار است. القدوس: از نام‌های پاک پروردگار متعال است. الملک: به معنی شاه و دارنده و مالک و فرمانروا است. القدوس: بسیار پاک. دعوت به تسبیح و تقدیس خدا کاری است که هرروز فرشته‌ای انجام می‌دهد،

و یقیناً که خلائق همه این ندا را اجابت می‌کنند، لیکن از بنی آدم چه اندازه اجابت می‌کنند خدا می‌داند! مقصود این است که ای خلائق همه امورتان در دست خداست، روی به او آورید، او را تسبیح و تنزیه گوید که غیر از او همه اموات هستند و کاری نمی‌توانند بکنند.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ بَرِيدَةَ رضی اللہ عنہا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى: رَبِّيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَيْهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ثُمَّ مَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که در وقت صبح و شام بگوید: پروردگارم خدای یکتاست، بر او توکل نمودم، نیست معبودی بحق مگر او، بر او توکل نمودم و کارهایم به او واگذاشتم و او صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به حق مگر خدا که بسیار بلندمرتبه و بسیار بزرگوار است، فهم کسی به علو و عظمت او نمی‌رسد، آنچه خدا خواست شد و آنچه نخواست نشد، یقین می‌دانم که خدا بر همه چیز تواناست و علم او به همه چیز احاطه نموده و هیچ چیز از علم او بیرون نیست؛ کسی که این را گفت و مرد به بهشت داخل شده است».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ أَنَسٍ رضی اللہ عنہ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَيْعَجَزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ كَأَبِي ضَمْضَمٍ؟! قَالُوا: وَمَنْ أَبُو ضَمْضَمٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ وَهَبْتُ نَفْسِي وَعِرْضِي لَكَ فَلَا يَشْتُمُ مَنْ شَتَمَهُ وَلَا يَظْلِمُ مَنْ ظَلَمَهُ وَلَا يَضْرِبُ مَنْ ضَرَبَهُ». «رسول الله ﷺ به یاران فرمود: آیا هریک از شما نمی‌تواند مثل ابی ضمضم باشد؟ گفتند: ابوضمضم چه کسی است یا رسول الله؟ فرمود: «ابوضمضم کسی است که صبح که می‌شد رو به خدا می‌کرد و می‌گفت: خدایا من به حقیقت خودم و شرفم را به تو بخشیده‌ام، پس دشنام نمی‌داد به کسی که او را دشنام داده بود و ستم نمی‌کرد به کسی که به او ستم کرده بود و نمی‌زد کسی را که به او زده بود».

«وَرَوَيْنَا عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رضی اللہ عنہ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ وَقَالَ: مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِّي: حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ سَبْعَ مَرَّاتٍ كَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که هر روز در وقت صبح و شام هفت بار بگوید: کفایت من است الله، آن خدایی که نیست معبودی به حق مگر او. بر او توکل نمودم و او صاحب عرش عظیم است، کسی که هر صبح و شام هفت بار این را بگوید، خدا امر دنیا و آخرتش را کفایت می‌کند». یعنی حوائج او را برآورده می‌سازد تا خاطر او آسوده شود. و باید دانست که گفتن این کلمات باید با عقیده‌ی قلبی موافقت داشته باشد، و با یقین به این که خدا کفایت‌کننده‌ی

هرکسی است که بر او توکل کند و با اعتماد بر خدا باشد. نظام اسباب و مسببات را فراموش نکند تا هم کوشش خود به کار گرفته و هم از خدا در موفقیت خود مدد گرفته باشد.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السَّيِّ عَنْ طَلْقِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الدَّرْدَاءِ عليه السلام فَقَالَ: يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ قَدْ احْتَرَقَ بَيْتُكَ؟ قَالَ: مَا احْتَرَقَ، لَمْ يَكُنْ اللَّهُ عز وجل لِيَفْعَلَ ذَلِكَ لِكَلِمَاتٍ سَمِعْتُهُنَّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم مَنْ قَالَهَا أَوَّلَ نَهَارِهِ لَمْ تُصِبْهُ مُصِيبَةٌ حَتَّى يُمَسِيَ، وَمَنْ قَالَهَا آخِرَ النَّهَارِ لَمْ تُصِبْهُ مُصِيبَةٌ حَتَّى يُصْبِحَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». «مردی نزد ابی الدرداء آمد و گفت: خانه‌ات آتش گرفت، ابوالدرداء گفت: خانه‌ام آتش نگرفت و خدای عزوجل خانه‌ام را نمی‌سوزاند، به برکت کلماتی که از رسول الله صلى الله عليه وسلم شنیدم که فرمود: «هرکس در آغاز روز این کلمات را بگوید تا آخر روز مصیبتی به او نخواهد رسید و هرکس در آخر روز، یعنی اول شب این کلمات را بگوید تا صبح مصیبتی به او نمی‌رسد، آن کلمات عبارت است از: خدایا تو پروردگارم هستی، نیست معبودی به حق مگر تو. بر تو توکل نمودم، تو صاحب عرش عظیم هستی، آنچه خدا بخواهد می‌شود و آنچه خدا نخواهد نمی‌شود، نیست چاره‌ای برای دوری از گناه، و نیست نیرویی برای پایداری بر طاعت مگر به کمک خدای بسیار بلندمرتبه و بسیار بزرگوار. می‌دانم که خدا یقیناً بر همه چیز تواناست و یقیناً علم خداوندی به همه چیز احاطه کرده است، و هیچ چیز بیرون از علم او نیست. خدایا به تو پناه می‌برم از شر خودم و از شر هر حیوانی که پیشانیش در ید قدرت توست، یقیناً پروردگارم به راه راست است.»

«وَرَوَاهُ مِنْ طَرِيقٍ آخَرَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم وَلَمْ يَقُلْ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ وَفِيهِ أَنَّهُ تَكَرَّرَ مَجِيءُ الرَّجُلِ إِلَى أَبِي الدَّرْدَاءِ يَقُولُ: أَدْرَكَ دَارَكَ فَقَدْ احْتَرَقَتْ، وَهُوَ يَقُولُ مَا احْتَرَقَتْ؛ لِأَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم يَقُولُ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - وَذَكَرَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - لَمْ يُصِبْهُ فِي نَفْسِهِ، وَلَا أَهْلِهِ، وَلَا مَالِهِ شَيْءٌ يَكْرَهُهُ وَقَدْ قُلْتَهَا الْيَوْمَ ثُمَّ قَالَ: انْهَضُوا بَنَاءَ فَقَامَ وَقَامُوا مَعَهُ فَانْتَهَوْا إِلَى دَارِهِ، وَقَدْ احْتَرَقَ مَا حَوْلَهَا، وَلَمْ يُصِبْهَا شَيْءٌ». «و ابن السنی از طریق دیگر روایت کرده است از بعضی از یاران رسول الله صلى الله عليه وسلم و از ابی الدرداء روایت نکرده است، و در آن آمده است که آن مردی که خبر می‌آورد، می‌رفت و می‌آمد و می‌گفت: برس به خانه‌ات که

سوخت و او می‌گفت: نسوخته است برای این که از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: هرکسی که بامداد این کلمات را بگوید تا آخر روز هیچ مصیبتی به او و اهل و مالش نمی‌رسد، و اگر اول شب این کلمات را بگوید تا صبح مصیبتی به او نمی‌رسد، و من این کلمات را امروز گفته‌ام. پس از آن گفت: بیایید بریم ببینیم. او برخاست و جماعت همراه او برخاستند، وقتی که به خانه‌ی او رسیدند دیدند خانه‌ی اطراف خانه‌اش سوخته و به خانه‌اش هیچ زیانی نرسیده است».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ   قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  : مَنْ قَرَأَ خَتَمَ الْمُؤْمِنِ إِلَى إِلَهِهِ الْمَصِيرُ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ، حِينَ يُصْبِحُ، حَفِظَ بِهِمَا حَتَّى يُمَسِّيَ، وَمَنْ قَرَأَهُمَا حِينَ يُمَسِّيَ، حَفِظَ بِهِمَا حَتَّى يُصْبِحَ». «رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که سوره‌ی ختم المؤمن را که سوره غافر نیز نامیده می‌شود تا إلیه المصیر بخواند و آیه‌ی الکرسی بخواند به برکت این دو نگهداری می‌شود، اگر این دو را صبح خوانده تا اول شب حفظ می‌شود، و اگر اول شب این دو را خوانده تا صبح حفظ می‌شود». آن آیات عبارتند از:

بسم الله الرحمن الرحيم: ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ   غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ   لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهُ الْمَصِيرِ  ﴾ [المؤمن: ۲-۳].
آیه‌ی الکرسی: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ   يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ   وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ   وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ   وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا   وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ  ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

اینها احادیثی است راجع به اذکار شبانه روز که خواستیم آنها را ذکر کنیم و برای کسی که خدا او را موفق کند، کفایت می‌کند. از خداوند بزرگ توفیق عمل به این احادیث و همه‌ی راه‌های خیر را می‌خواهیم.

«باب ما يقال في صبيحة يوم الجمعة»

بابی است در بیان آنچه در صبح روز جمعه گفته می‌شود

بدان که هرچه از اذکار غیر روز جمعه است در روز جمعه نیز گفته می‌شود، و بیش از هرروز دیگر مستحب است بسیاری یاد خدا در روز جمعه و بسیاری درودفرستادن بر رسول الله ﷺ.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ قَالَ صَبِيحَةَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ قَبْلَ صَلَاةِ الْعَدَاةِ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که قبل از نماز فرض صبح روز جمعه سه بار بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

گناهش آمرزیده می‌شود و اگرچه مثل کف دریا باشد». و باید دانست که دین و حق الناس از آن مستثنی است. ترجمه: آمرزش می‌خواهم از خدایی که نیست معبودی به حق مگر او که زنده‌ی همیشگی است و قیوم و ایستاده به تدبیر کاینات است و توبه و رجوع می‌کنم به درگاه او. و مستحب است بسیار دعاکردن در روز جمعه از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب، به امید این که دعایش در ساعت اجابت دعا واقع شود، و وقت اجابت دعا در قول معتمد میان نشستن امام میان دو خطبه است تا این که سلام نماز جمعه را بدهد. و اقوال بسیاری در باره‌ی آن هست و امام علامه ابن حجر عسقلانی در فتح الباری، شرح بخاری چهل قول در این خصوص آورده است که قول معتمد اینجا آوردیم و قول دومی نزدیک به صواب است و آن قبل از غروب آفتاب روز جمعه است.

«باب ما يقول إذا طلعت الشمس»

بابی است در بیان آنچه موقع طلوع آفتاب می‌گوید

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَلَّلَنَا الْيَوْمَ عَافِيَتَهُ، وَجَاءَنَا بِالشَّمْسِ مِنْ مَطْلَعِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُ لَكَ بِمَا شَهِدْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ، وَشَهِدْتُ بِهِ مَلَائِكَتُكَ وَحَمَلَةُ عَرْشِكَ وَجَمِيعُ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَائِمًا بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، شَهَادَتِي مَعَ شَهَادَةِ مَلَائِكَتِكَ وَأُولِي الْعِلْمِ وَمَنْ لَمْ يَشْهَدْ بِمِثْلِ مَا شَهِدْتُ، فَاتَّكَبَ شَهَادَتِي مَكَانَ شَهَادَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ، أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا دَعْوَتَنَا، وَأَنْ تُعْطِيَنَا رَغْبَتَنَا، وَأَنْ تُزِيدَنَا فَوْقَ رَغْبَتِنَا، وَأَنْ تُغْنِيَنَا عَمَّنْ أَعْنَيْتَهُ عَنَّا مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلَبِي. «رسول الله ﷺ موقعی که آفتاب طلوع می‌کرد می‌فرمود: «همه‌ی ستایش برای خدایی است که امروز ما را به عافیتش پوشید و آفتاب را از محل بیرون‌آمدنش آورد، (یعنی از جهت مغرب که علامت قیامت است آفتاب را بیرون نیورد) خدایا من در این بامداد گواهی می‌دهم برایت به آن گواهی که برای خودت گواهی دادی، و فرشتگانت و بردارندگان عرش عظمت و همه‌ی مخلوقات به آن گواهی دادند که تو خدای یکتایی، نیست معبودی به حق مگر تو که برپادارنده‌ی عدل هستی، نیست معبودی به حق مگر تو که پر عزت و پر حکمت هستی. خدایا بنویس گواهی ام را بعد از گواهی فرشتگانت و دانشمندان. خدایا تو سلام هستی و سلامتی از هر عیب و نقص از توست، و سلامتی همه به سوی تو باز می‌گردد، از تو می‌خواهم ای صاحب شکوه و بزرگواری که دعای‌مان را به اجابت برسانی و آنچه از تو می‌خواهیم به ما عطا فرمایی، و از هرکسی که از ما بی‌نیاز است ما را از او بی‌نیاز گردانی تا هر کسی از خلق تو که از ما بی‌نیاز باشد ما هم از او بی‌نیاز باشیم. خدایا دین مرا که وسیله‌ی نگهداری‌ام از آتش است از هر چه مایه‌ی خشم تو می‌شود نگهدار و دنیای مرا که زندگی‌ام در آن است به صلاح آور، و آخرتم را که در آن بازگشتم به سوی توست شایسته گردان.»

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ رضي الله عنه - مَوْقُوفًا عَلَيْهِ - أَنَّهُ جَعَلَ مَنْ يَرْقُبُ لَهُ طُلُوعَ الشَّمْسِ فَلَمَّا أَخْبَرَهُ بِطُلُوعِهَا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لَنَا هَذَا الْيَوْمَ وَأَقَالَنَا فِيهِ عَثَرَاتِنَا.»

«و در کتاب ابن السنی روایت داریم از عبدالله بن مسعود رضي الله عنه از گفته خودش که او به کسی می‌گفت تا بیرون‌آمدن آفتاب را منتظر شود و هر وقت طلوع نمود به او خبر بدهد، وقتی که او را از طلوع آفتاب خبر داد گفت: همه‌ی ستایش برای خدایی است که امروز را در اختیار ما نهاد و امروز از لغزش‌های ما درگذشت.»

«باب ما يقول إذا استقلت الشمس»

بابی است در بیان آنچه که وقت بالآآمدن آفتاب می‌گوید

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَسَةَ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَا تَسْتَقِلُّ الشَّمْسُ فَيَبْقَى شَيْءٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا سَبَّحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا مَا كَانَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَأَعْتَاءِ

بَنِي آدَمَ! فَسَأَلْتُ عَنْ أَعْتَاءِ بَنِي آدَمَ فَقَالَ: شِرَارُ الْخَلْقِ». «رسول الله ﷺ فرمود: «موقعی که آفتاب بالا می‌آید همه‌ی مخلوقات خدا به تسبیح و تنزیه خدای عزوجل می‌پردازند، مگر شیطان و پست فطرتان از آدمی‌زادگان که تسبیح خدای متعال نمی‌گویند». در باره‌ی پست فطرتان بنی آدم پرسیدم، فرمود: «بدان مردم»».

«باب ما يقولُ زوال الشمس إلى العصر»

بابی است در بیان آنچه که بعد از زوال آفتاب تا عصر می‌گوید

پیش از این یاد شد که چه بگوید وقتی که لباس می‌پوشید و وقتی که داخل به مستراح می‌شود و وقتی که از آن بیرون می‌آید و وقتی که وضو می‌گیرد و وقتی که به مسجد می‌روید و وقتی که به در مسجد می‌رسد و وقتی که داخل مسجد است و وقتی که اذان می‌شنود و وقتی که اقامه‌ی نماز می‌شنود و وقتی که برمی‌خیزد برای نماز. و آنچه در نماز می‌گوید از اول نماز تا آخر آن، و آنچه بعد از نماز می‌گوید، اینها همه در باب‌های خود یاد شد و همه‌ی آنها در نمازها مشترکند. و مستحب است بسیار یادکردن اذکار و عبادات دیگر بعد از زوال آفتاب، به دلیل آنچه روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن السائب رضی الله عنه که رسول الله ﷺ بعد از زوال آفتاب قبل از نماز ظهر چهار رکعت سنت زوال می‌خواند و می‌فرمود: اکنون ساعتی است که درهای آسمان گشوده می‌شود و دوست می‌دارم که در این ساعت عمل صالحی برایم به آسمان برود. ترمذی گفت: حدیث حسن است، و مستحب است بسیاری یاد خدا بعد از نماز فرض ظهر و اذکار و سنن و تعقیبات آن، نظر به عموم فرموده‌ی پروردگار متعال:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾ [المؤمن: ۵۵]. «و تسبیح‌گوی همراه با ستایش پروردگارت قبل از ظهر و بعد از ظهر». اهل لغت گفته‌اند: عَشِيٌّ: از زوال آفتاب تا غروب آفتاب است. و امام ابومنصور ازهری فرموده است: عَشِيٌّ نزد عرب میان زوال آفتاب تا غروب آفتاب است.

«باب ما يقول بعد العصر إلى غروب الشمس»

بابی است در بیان آنچه بعد از عصر تا غروب آفتاب می‌گوید

پیش از این یاد شد آنچه گفته می‌شود بعد از فرض ظهر و بعد از فرض عصر. همچنین موکداً مستحب است بسیاری یاد خدا در وقت عصر، برای این که نماز فرض عصر به گفته‌ی گروهی از علمای سلف و خلف هان «الصلاة الوسطى» است. و همچنین مستحب است

زیاد اهمیت دادن به اذکار صبح، برای این که صحیح ترین گفتار در باره‌ی «الصلاة الوسطی» در مورد نماز صبح و عصر است. و مستحب است بسیار یاد خدا کردن بعد از عصر و به ویژه در آخر روز. خدای متعال فرمود:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾ [طه: ۱۳۰]. «تسبیح همراه با ستایش پروردگارت بگوی قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب».

وقال الله تعالى: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِثَّةِ وَالْإِبْكَرِ﴾ [المؤمن: ۵۵]. «و تسبیح پروردگارت همراه با ستایش او بگو از صبح تا قبل از ظهر و از بعد از ظهر تا غروب آفتاب».

وقال الله تعالى: ﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ [الأعراف: ۲۰۵]. [الأعراف: ۲۰۵] «و به یاد بیاور و همیشه یاد کن در دل خود از روی خشوع و حضور قلب و از روی ترس از عظمت خدا ﷻ بدون آواز بلند در بامدادان و پسین».

وقال الله تعالى: ﴿يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٦﴾ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ﴾ [النور: ۳۶-۳۷]. «تسبیح گوی ذات پاک پروردگاران در وقت صبح و پسین مردانی که ایشان را مشغول نمی سازد از یاد خدا نه تجارت و نه خرید و فروش». پیش از این یاد شد که آصال جمع اصیل است و اصیل میان عصر و مغرب را می گویند.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السِّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَأَنْ أَجْلِسَ مَعَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ اللَّهَ ﷻ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ إِلَى أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَعْتِقَ ثَمَانِيَّةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ». «رسول الله ﷺ فرمود: بنشینم با مردانی که یاد خدای عزوجل می کنند از بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب، محبوب تر است نزد من از آزاد کردن هشت برده که از فرزندان اسماعیل ﷻ باشند». و فرمود از اولاد اسماعیل برای این که از ایشان باشد قیمتش بیشتر و گرامی تر و کمیاب تر است، و کلمه‌ی قوم به معنی مردان است:

﴿لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ﴾ [الحجرات: ۱۱]. «نباید ریشخند کنند مردانی از مردان دیگر، ممکن است ریشخندشدگان بهتر از ریشخندکنندگان باشند، و نباید ریشخند کنند زنانی از زنان دیگر، ممکن است ریشخندشدگان بهتر باشند از ریشخندکنندگان» که در اینجا قوم در مقابل نساء آورده است.

«باب ما يقول إذا سمع أذان المغرب»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید، موقعی که اذان مغرب را می‌شنود

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ لَقَالَتْ عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقُولَ عِنْدَ أَذَانِ الْمَغْرِبِ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا إِقْبَالُ لَيْلِكَ وَإِدْبَارُ نَهَارِكَ وَأَصْوَاتُ دُعَاتِكَ فَأَغْفِرْ لِي.»

«از ام سلمه رضی اللہ عنہا روایت داریم که گفت: رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم به من آموخت که موقعی که اذان مغرب شنیدم بگویم: «خدایا اکنون موقع روآوردن شب و پشت‌دادن روز و شنیدن آواز کسانی است که اذان می‌گویند و مردم را به سوی نماز و عبادت دعوت می‌کنند، مرا ببخشای.»

«باب ما يقول بعد الصلاة المغرب»

بابی است در بیان آنچه بعد از نماز مغرب می‌گوید

قبلاً یاد کردیم که بعد از هر نماز فرض اذکاری که یاد شد بگویند، و مستحب است که بعد از فراغت از نماز فرض مغرب و خواندن دو رکعت سنت بعدیهی مغرب افزون بر آنچه گذشت، بگویند آنچه از رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم وارد شده است.

«يَقُولُ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ سُنَّةَ الْمَغْرِبِ مَا رَوَيْنَاهُ فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رضی اللہ عنہا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ يَدْخُلُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُولُ فِيمَا يَدْعُو: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ! ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.» «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم بعد از این که از نماز فرض مغرب فارغ می‌شد به خانه‌ی ام سلمه رضی اللہ عنہا می‌آید و در ضمن دعایش می‌فرمود: «یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.» «ای زیر و بالاکننده‌ی دل‌ها، پایدار بدار دل‌های ما را بر دین خودت که دین اسلام است.» تغییر و از حالی به حالی شدن دل‌ها معلوم است. از این رو مسلمان از خدا می‌خواهد دلش را از انحراف و تغییر حفظ فرماید و بر دین اسلام پایدار بدارد.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عِمَارَةَ بْنِ شَيْبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. عَشْرَ

مَرَاتٍ عَلَى إِثْرِ الْمَغْرِبِ بَعَثَ اللَّهُ لَهُ مَسْلَحَةً يَحْفَظُونَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُصْبِحَ وَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ مُوجِبَاتٍ وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ مُؤَبِّقَاتٍ وَكَانَتْ لَهُ بِعَدْلِ عَشْرِ رِقَابٍ مُؤْمِنَاتٍ». «رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که بعد از نماز مغرب ده بار لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ را تا آخر بگوید، یعنی نیست معبودی به حق مگر خدای یکتا که هیچ شریکی برای او نیست، پادشاهی و فرمانروایی و ستایش ها همه برای اوست، او زنده می گرداند و مرگ می دهد، زندگی و مرگ همه در دست اوست، و او بر همه چیز تواناست، خدای متعال نگهبانانی برای او می فرستد تا او را تا صبح از شر شیطان نگه دارند، و خدا می نویسد برای او ده حسنه‌ی ثابت کننده بهشت برای او، و از بین می برد ده گناه هلاک کننده از او. و همین ده بار گفتن لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تا آخر برابر است با ثواب ده برده که آزاد نماید».

ترمذی فرمود که عماره بن شیب از رسول الله ﷺ شنیده است. امام نووی فرمود: نسائی این حدیث را از دو طریق روایت نموده: یک روایت الترمذی از عماره بن شیب از رسول الله ﷺ و روایت دیگری از عماره از مردی از انصار مدینه. ابوالقاسم ابن عساکر فرمود: روایت دومی درست است و حدیث ثابت است. نووی فرمود: مَسْلَحَةٌ به معنی حَرَس و نگهبانان است.

«باب ما يقرؤه في صلاة الوتر وما يقوله بعدها»

بابی است در بیان آنچه در نماز وتر می خواند و آنچه بعد از نماز

وتر می گوید

سنت است برای کسی که نماز وتر را سه رکعت می خواند این که در رکعت اولی بعد از فاتحه سوره ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ بخواند و در رکعت دومی بعد از فاتحه سوره ﴿قُلْ يَٰأَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ بخواند و در رکعت سومی سوره های ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ بخواند. اگر در رکعت اولی سوره ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ و ﴿قُلْ يَٰأَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را باهم بخواند. و اگر در رکعت دومی سوره ﴿قُلْ يَٰأَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را فراموش کرد در رکعت ﴿قُلْ يَٰأَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را باهم بخواند.

«وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ وَغَيْرِهِمَا عَنْ أَبِي بَنْ كَعْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا سَلَّمَ مِنَ الْوُتْرِ قَالَ: سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ! وَفِي رَوَايَةِ النَّسَائِيِّ وَابْنِ السُّنِّي: سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ». ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

«رسول الله ﷺ موقعی که از نماز وتر سلام می داد سه بار می فرمود: «سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ». یعنی پاک و منزّه است خدایی که فرمانروای همه است، کسی نمی تواند از فرمان او سرپیچی نماید، او قدوس است، بسیار مقدس و مورد تعظیم است، همه ی کاینات به قدس و پاکی و عظمتش اعتراف دارند».

«وَرَوَيْنَاهُ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ عَلِيٍّ ؓ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقُولُ فِي آخِرِ وَتْرِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ! قال الترمذي حديث حسن». «از علی ؓ روایت داریم که رسول الله ﷺ در آخر نماز وترش می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ» تا آخر. یعنی خدایا پناه می برم به رضای تو از خشم گرفتنت و پناه می برم به عافیت دادنت از عقوبت دادنت و پناه می برم از عذاب تو به خودت. نمی توانم ثنا و احسان و خوبی تو را بشمارم، و تو آنچنان هستی که خودت ثنای خودت گفتی». یعنی در همه حال پناه می برم تا رضایت خودت را شامل حالم بگردانی، و از خشم و غضب تو دور بداری، و پناه می برم به عافیت دادنت و دور نگه داشتنت تا مرا از عقوبت و کیفر دادنت معاف و دور نگه داری. و به خودت پناه می برم از عذابت، برای این که کسی نیست که ما را از عذابت نگه بدارد بجز خودت. چگونه ما بندگان می توانیم که ثنای شایسته ی عظمت را برشماریم؟ ما بندگان ناتوان کجا و شناخت عظمت و ثنای شایسته ی عظمت کجا! شایسته ی بزرگی ات ثنایی است که خودت برای خودت فرمودی، یعنی شایسته ی بندگان پناه آوردن به خدا و اظهار عجز از ثنای شایسته ی خدا و خواهش قبول شکر و ثناست.

به قول سعدی علیه الرحمة:

یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد	فضل خدای را که تواند شمار کرد
ما را بحسن عاقبت امیدوار کرد	بخشندگی و سابقه لطف و رحمتش

«باب ما يقول إذا أراد النوم واضطجع على فراشه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که قصد خوابیدن نمود و به پهلوی بر بسترش دراز کشید

قال الله تعالى:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسْلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾﴾ [آل عمران: ۱۹۰-۱۹۴].

«حقا که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و به دنبال هم آمدن شب و روز نشانه‌هایی است از عظمت قدرت الله ﷻ برای صاحبان خردها، خردمندان می‌دانند که چه قدرتی است که شب و روز را به وجود می‌آورد، اگر تمام مردم روی زمین جمع شوند تا اکنون که بامداد است به وقت ظهر تبدیل کنند نمی‌توانند که معلوم، بلکه یک دقیقه نمی‌توانند در گردش آفتاب تقدیم و تأخیر به وجود آورند، و این خردمنداند که آن را می‌دانند. آن مردمی که همیشه خدا را یاد می‌کنند، همیشه زبان‌شان تر است از یاد خدا در حالی که ایستاده‌اند و در حالی که نشسته‌اند و در حالی که به پهلوی افتاده‌اند و همیشه یاد خدا آرام دل‌هایشان است و یاد خدا اطمینان خاطرهایشان و یاد خدا بقای حیات‌شان است».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ مَنْ رَوَاةٍ حَدِيثُهُ أَبِي ذَرٍّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَوَىٰ إِلَىٰ فِرَاشِهِ قَالَ: بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَأَمُوتُ». «رسول الله ﷺ موقعی که بر بستر خواب پهلوی می‌نهاد می‌فرمود: «خدایا به نام تو زنده می‌مانم و به نام تو می‌میرم». یعنی حیات من از برکت یاد نام توست و وفات من بر یاد نام توست».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ مِنْ رَوَاةٍ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضي الله عنه. وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَهُ وَلِفَاطِمَةَ رضي الله عنها: إِذَا أَوَيْتُمَا إِلَىٰ فِرَاشِكُمَا، أَوْ

أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمَا، فَكَبَّرَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَسَبَّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَاحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ!.

وَفِي رَوَايَةٍ: التَّسْبِيحُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ!.

وَفِي رَوَايَةٍ: التَّكْبِيرُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ!.

قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: «فَمَا تَرَكْتُهُ مُنْذُ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قِيلَ لَهُ: وَلَا لَيْلَةَ صَفِينٍ؟ قَالَ: وَلَا لَيْلَةَ صَفِينٍ». «رسول الله ﷺ به علی و فاطمة الزهراء علیهما السلام فرمود: «موقعی که به بستر خواب‌تان آمدید یا موقعی که بر بستر خواب بر پهلوی خوابیدید، سی و سه بار بگوئید: الله اکبر و سی و سه بار بگوئید: سبحان الله و سی و سه بار بگوئید: الحمد لله». و در روایتی سی و چهار بگوئید: «الله اکبر و سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله». و در روایتی: «سی و سه بار الله اکبر بگوئید و سی و چهار بار سبحان الله بگوئید و سی و سه بار الحمد لله بگوئید» تا صد بار تکمیل شود. و خوب است که بعضی اوقات الله اکبر سی و چهار بار بگوئید و باقی سی و سه بار و بعضی اوقات سبحان الله سی و چهار بار بگوئید و باقی سی و سه بار. علی عليه السلام فرمود: از روزی که از رسول الله ﷺ شنیدم که قبل از خواب این کلمات را بگوئید هیچ وقت نه در حضر و نه در سفر آن را ترک نکردم، به ایشان گفته شد که در شب صفین هم آن را ترک نمودی؟ فرمود: در شب صفین هم آن را ترک ننمودم»، صفین نام محلی است در شام که در آنجا جنگ سختی میان علی و معاویه پیش آمد و اگر نه چاره‌جویی اطرافیان معاویه بود، شکست‌شان حتمی بود.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ فَلْيَنْفُضْ فِرَاشَهُ بِدَاخِلَةِ إِزَارِهِ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلَفَهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ: بِاسْمِكَ رَبِّي وَصَعْتُ جَنِّي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكَتْ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا، وَإِنْ أَرْسَلَتْهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحِينَ!.

وَفِي رَوَايَةٍ: يَنْفُضُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». «رسول الله ﷺ فرمود: «هر وقتی یکی از شما به بستر خوابش آمد آن را تکان بدهد به کنار لنگ پایش، برای این که نمی‌داند در حال غیبتش از فراش چه چیز بر آن آمده است - در آن ایام موقع خواب چراغ نمی‌گذاشته‌اند، و اگر عقربی یا حشره‌ای بر فراش می‌آمده نمی‌دانسته‌اند. به همین علت رسول الله ﷺ این دستور را فرمود تا دچار گزیدن عقرب و یا غیره نشوند - پس از آن می‌گوید: به نام تو ای پروردگارم پهلویم را بر بستر نهادم و به نام تو پهلویم را از بستر خواب برمی‌دارم. اگر در خواب جانم را گرفتی آن را مورد رحمت قرار بده، و اگر جانم را از مردن نجات دادی، آن را نگه دار آنچنانکه جان بندگان صالح و شایسته‌کارت را نگه می‌داری». و در روایتی دیگر: فراش خواب را سه بار تکان بدهد».

«وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنْ عَائِشَةَ رضي الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ نَفَثَ فِي يَدَيْهِ، وَقَرَأَ بِالْمُعَوَّذَاتِ، وَمَسَحَ بِهِمَا جَسَدَهُ. وَفِي الصَّحِيحَيْنِ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ جَمَعَ كَفَّيْهِ ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا فَقَرَأَ فِيهِمَا ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ﴿قُلْ

أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ ثُمَّ يَمْسَحُ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ وَمَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. قَالَ أَهْلُ اللُّغَةِ: النَّفْثُ: نَفْثٌ لَطِيفٌ بِلَا رِيْقٍ». «رسول الله ﷺ هَرَشَبَ مَوْعِي كَهْ بِهِ بَسْتَرِ خَوَابِ مِى آمَدِ دُو كَفِ دَسْتِ خُودِ رَا بَاهِمِ جَمْعِ مِى كَرْدِ وَ دَرِ كَفِ دُو دَسْتِشْ بَا نَفْسِ مِى دَمِيدِ بَدُونِ آن كَهْ آبِ دَهْنِ بَا آن هَمْرَاهِ بَاشَدِ، سِپَسِ سُوْرَهى ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ سُوْرَهى ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ وَ سُوْرَهى ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ رَا دَرِ آن دُو مِى خَوَانْدِ، وَ سِپَسِ هَمِينِ دُو كَفِ دَسْتِ رَا بِهْ سَرِ وَ صُورَتِ وَ جَلُو بَدَنَشِ مِثْلِ سِينَهْ وَ شَكَمِ وَ بِهْ هَرَجَا كَهْ دَسْتِشْ مِى رَسِيدِ مِى كَشِيدِ وَ اَيْنِ كَارِ رَا سَهْ بَارِ اَنْجَامِ مِى دَادِ. زَبَانِ شَنَاسَانِ گَفْتَهْ اَنْدِ: النَّفْثُ: يَعْنِى دَمِيدِنِ بِهْ آرَامِى وَ بَدُونِ آبِ دِهَانِ».

«وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ الْأَنْصَارِيِّ، عُقْبَةَ بْنِ عَمْرٍو ؓ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْآيَتَانِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ مَنْ قَرَأَهُمَا فِي لَيْلَةٍ كَفَّتَاهُ. اِخْتَلَفَ الْعُلَمَاءُ فِي مَعْنَى كَفَّتَاهُ، فَقِيلَ مِنْ الْآفَاتِ فِي لَيْلَتِهِ وَقِيلَ كَفَّتَاهُ مِنْ قِيَامِ لَيْلَتِهِ. قُلْتُ: وَيَجُوزُ أَنْ يُرَادَ الْأَمْرَانِ». «رسول الله ﷺ فرمود: «كسى كه دو آيهى آخر سورهى البقره: ﴿عَآمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ عَآمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَكِيَّتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ط وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾ [البقره: ۲۸۵ -

۲۸۶]. رَا دَرِ شُبِّى بَخَوَانْدِ وَ اَوْ رَا بَرَاى دَفْعِ آفَاتِ وَ گَزَارْدِنِ نَمَازِ تَهْجِدِ كَفَايَتِ كَنْدِ». رسول الله ﷺ اِيْمَانِ آوَرْدِ بِهْ اَنْچَه نَازِلِ شَدَهْ بِهْ سَوِىِ اَوْ اَزِ جَانِبِ پُرُوْرْدِ گَارَشِ، وَ مُؤْمِنَانِ هَمِ اِيْمَانِ آوَرْدِنْدِ بِهْ اَنْچَه بِرِ رَسُولِ اللهِ ﷺ نَازِلِ شَدَهْ اَسْتِ، هَرْ كَدَامِ اَزِ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ مُؤْمِنَانِ اِيْمَانِ آوَرْدِ بِهْ خُدا وَ بِهْ فَرَشْتِگَانِ خُدا وَ بِهْ كِتَابِ هَاىِ خُدا وَ بِهْ پِيْغَمْبَرَانِ خُدا وَ گَفْتَنْدِ: مَا جَدَايِى نَمِى اَنْدَا زِيْمِ مِيَانِ پِيْغَمْبَرَانِ خُدا (كَهْ بَگوِيْمِ اَيْنِ پِيْغَمْبَرِ رَا قَبُولِ دَارِيْمِ وَ اَنْ پِيْغَمْبَرِ رَا قَبُولِ نَدَارِيْمِ، چنانكه يهوديان گفـتنـد: عيسى رَا قَبُولِ نَدَارِيْمِ وَ موسى رَا قَبُولِ دَارِيْمِ، وَ چنانكه نصارى گفـتنـد: عيسى رَا قَبُولِ دَارِيْمِ، مُحَمَّدٌ ﷺ رَا قَبُولِ نَدَارِيْمِ. اَمْتِ مُحَمَّدٌ ﷺ هَمَهى پِيْغَمْبَرَانِ رَا قَبُولِ دَارِنْدِ) وَ هَرْ كَدَامِ اَزِ پِيْغَمْبَرَانِ وَ مُؤْمِنَانِ گَفْتَنْدِ: شَنِيدِيْمِ فَرْمَانِ خُدا وَ اطَاعَتِ نَمُودِيْمِ اَوْ رَا. بِيَاْمَرْزِ مَا رَا اِى پُرُوْرْدِ گَارِ مَا وَ بَا زِگَشْتِ مَا بِهْ سَوِىِ تُوَسْتِ، خُداىِ عَزَّ وَ جَلَّ تَكْلِيْفِ نَمِى فَرْمَايَدِ كَسِى رَا مَگَرِ بِهْ قَدَرِ طَاقَتِ وَ

توانایش، برای هرکس می باشد ثواب نیکوکاریش و عقاب بدکردارش. پروردگار ما! ما را مواخذه مفرما اگر فراموش کردیم و یا خطا نمودیم، ای پروردگار ما! بار سنگینی که حمل آن نتوانیم، بر دوش ما مَنه. چنانکه بر یهود قرار دادی تا اگر جایی از لباسش پلید شود آن را بچیند. ای پروردگار ما! آنچه توانایش نداریم ما را به آن مکلف منما و عفو فرما گناهان ما را و بیامرز ما را، و ما را به رحمت شاد کن که تو دوست و یاری دهنده مایی و ما را بر گروه کافران پیروز فرما».

«وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وَضُوءَكَ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ، وَقُلِ اللَّهُمَّ أَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَهْبَةً وَرَغْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنَاجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ. فَإِنْ مِتُّ مِتَّ عَلَى الْفِطْرَةِ، فَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تَقُولُ». هذا لفظ إْحْدِي رَوَايَاتِ الْبُخَارِيِّ. وباقي رواياته ورواياتِ مُسْلِمٍ مُقَابَرَةٌ هَا. «رسول الله ﷺ به براء بن عازب رضی اللہ عنہ فرمود: «وقتی که خواستی به بستر خواب بروی وضو بگیر مانند وضویی که برای نماز می گیری، پس از آن بر پهلوئی راست بخواب و بگو: خدایا تسلیم نمودم خودم را به تو، و واگذار نمودم کارهایم به تو و پناه دادم کمرم را به تو، از روی شوق و رغبت به سوی تو و از جهت ترس از تو. یقین دارم که نه پناهگاهی هست مگر نزد تو و نه گریزگاهی هست مگر به سوی تو. پناه من خودت هستی و نجات من در دست توست، ایمان آوردم به کتابی که نازل فرمودی و به پیغمبرت که او را فرستادی - ایمان به قرآن و به خاتم الانبیا ﷺ استوار است - اگر آن شب مردی بر دین اسلام مرده ای و این کلمات را آخرین گفتارت قرار بده». امام نووی رحمته اللہ علیہ فرمود: این یکی از روایت های بخاری است، و باقی روایات بخاری و مسلم به این روایت نزدیکند».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی اللہ عنہ قَالَ: وَكَلَّنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِحِفْظِ زَكَاةِ رَمَضَانَ، فَأَتَانِي آتٍ، فَجَعَلَ يَحْثُو مِنَ الطَّعَامِ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ. وَقَالَ إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ لَنْ يَزَالَ مَعَكَ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ، وَلَا يَقْرُبُكَ شَيْطَانٌ حَتَّى تُصْبِحَ. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: صَدَقَ وَهُوَ كَذُوبٌ، ذَاكَ شَيْطَانٌ». أَخْرَجَهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فَقَالَ: وَقَالَ عُثْمَانُ بْنُ الْهَيْثَمِ: حَدَّثَنَا عَوْفٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَهَذَا مُتَّصِلٌ فَإِنَّ عُثْمَانَ بْنَ الْهَيْثَمِ أَحَدَ شُيُوخِ الْبُخَارِيِّ الَّذِينَ رَوَى عَنْهُمْ فِي صَحِيحِهِ، وَأَمَّا قَوْلُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيدِيِّ فِي الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّحِيحَيْنِ: أَنَّ الْبُخَارِيَّ أَخْرَجَهُ تَعْلِيقًا، فَغَيْرُ مَقْبُولٍ، فَإِنَّ الْمَذْهَبَ الصَّحِيحَ

المختار عند العلماء والذي عليه المحققون أنّ قول البخاري وغيره: وقال فلان! محمول على سماعه منه واتصاله إذا لم يكن مدلساً وكان قد لقيه، وهذا من ذلك. وإنما المعلق ما أسقط البخاري منه شيخه أو أكثر بأن يقول في مثل هذا الحديث: وقال عوف. أو قال محمد بن سيرين، أو قال أبوهريرة والله أعلم. «در صحيح بخاری به روایت از ابوهریره رضی الله عنه می آورد که ابوهریره گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا وکیل نمود به حفظ زکات فطر، شبی دیدم مردی آمده و با دو کف دست خود از زکات فطر می گیرد، به او گفتم: تو را به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله می برم، گفت: امشب مرا میر که فقیرم و بیشتر نمی آیم، شب بعد باز آمد و خواستم مانعش بشوم، گفت: مردی فقیر و عیال بار هستم او را رها کردم. شب سوم که آمد و خواستم مانعش شوم، گفت: مرا رها کن که من تو را مطلبی می آموزم، گفت: شب موقع خواب که به بستر خواب می روی آیه الكرسي بخوان که از اول شب تا آخر شب از طرف خدا نگهداری می یابی که تو را نگهداری می کند تا صبح، و آن شب شیطان تا صبح به تو نزدیک نمی شود. وقتی که این واقعه را خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله عرض نمودم، فرمود: «این کسی که سه شب است که می آید تا از زکات فطر بگیرد این شیطان است و او دروغگو است، اما آنچه راجع به آیه الكرسي به تو گفته راست گفته است».

امام نووی فرمود که این حدیث صحیح بخاری حدیثی است مرفوع و متصل، برای این که امام بخاری همه ی رجال سند از جمله شیخ عثمان بن الهیثم و عوف و ابن سیرین و ابوهریره همه را ذکر نموده است، و چنین حدیث صحیح و متصل و مرفوع را نمی توان از تعلقات برشمرد، و معلق حدیثی است که امام بخاری یکی از شیوخش یا بیشتر از اسناد حدیث حذف می کرد، مثلاً می گفت: قال عوف که ابن سیرین و ابوهریره را نمی آورد، یا این که می گفت قال محمد بن سیرین که عوف را از اسناد می انداخت یا می فرمود: قال ابوهریره که عوف و ابن سیرین را نمی آورد، والله اعلم.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ حَفْصَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رضی الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرُقُدَ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ! ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ مِنْ رِوَايَةِ حَذِيفَةَ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَقَالَ: حَدِيثٌ صَحِيحٌ حَسَنٌ. وَرَوَاهُ أَيْضًا فِي رِوَايَةِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ وَلَمْ يَذْكُرْ فِيهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». «رسول الله صلی الله علیه و آله هروقت قصد خوابیدن می نمود دست راستش را زیر رخسارش می نهاد و می فرمود: «خدایا مرا ننگه دار از عذابت در روزی که بندگان را زنده می فرمایی» که مقصود روز قیامت است، و قصد تعلیم امت است که روز قیامت را از یاد نبرند. در سنن ابی داود آمده که رسول الله صلی الله علیه و آله «اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ». را

سه بار می‌فرمود. و در روایت ترمذی از حذیفه و براء بن عازب کلمه‌ی سه بار نیاورده اند. بنابراین، سه بار گفتن جانب احتیاط دارد و یک بار گفتن کافی است».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ وَسُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَابْنِ مَاجَهَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَرَبَّ الْأَرْضِ وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى مُنَزَّلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ!.

وفي رواية أبي داود: اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَأَغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ». «رسول الله ﷺ موقعی که به بستر خواب می‌آمد می‌فرمود: «خدایا! ای پروردگار آسمان‌ها و ای پروردگار زمین و ای صاحب عرش عظیم. ای پروردگار ما و پروردگار همه چیز! (همه چیز پرورده‌ی نعمت‌های اوست) ای شکافنده‌ی دانه‌ها و هسته‌ها برای سبزشدن آنها. ای فرودآورنده‌ی تورات بر موسی و انجیل بر عیسی و قرآن بر محمد مصطفی ﷺ پناه می‌برم به تو از شر هر صاحب شری که پیشانی او در دست توست (کاینات همه مقهور فرمان اوست و همه پیشانی خود را تسلیم فرمان او نموده‌اند) ای خدا تو اول هستی، همیشه بوده‌ای و هستی و خواهی بود، پیش از تو هیچ نبوده است، هرچه هست همه به ید قدرت تو به وجود آمده‌اند، و تو هستی آخر وقتی که همه می‌میرند و تو حی لا یموت باقی هستی و فنا به درگاهت راه ندارد، تو ظاهر هستی و در همه چیز آشکار هستی، برای این که هستی همه چیز از توست، هیچگاه بالا دست تو کسی نخواهد بود، و تو هستی پنهان. بنابراین، غیر تو هیچ نیست، وجود همه‌ی کاینات از توست، ظهور همه از توست، خفای همه به فرمان توست، نه پیش از تو کسی بوده و نه بعد از تو کسی می‌ماند، همه می‌میرند و میراث بر همه خودت هستی، همه مقهور فرمان تو هستند و نیست بالا دست تو چیزی، از همه چیز ظاهرتر و آشکارتری، برای این که هرچه هست معرفت هستی توست، از همه نهان‌تری، زیرا که دید کسی به تو نخواهد رسید. ای آن که بود و نبود همه در دست توست، و ای آن که رسیدن به فریاد همه وصف توست، بار سنگین بدهی از دوش ما بردار، و ذلت حاجت به مثل خودمان از گردن ما بستان، تا آنچه داریم از تو بدانیم و آنچه بخواهیم از تو بخواهیم و از عنایت تاج عبودیت تنها برای خودت نصیب ما باشد». و در روایت ابی داود: «اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَأَغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ». به یاء مفرد است، و لیکن روایت جمع از صحاح خمسۀ است، و آن روایت بسی قوی‌تر است و می‌شود گفت: گاهی این دعا را به لفظ مفرد، چنانکه روایت ابو داود است و گاهی به صیغه‌ی جمع، چنانکه روایت جماعت است، دعا نماید.

«وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَضَجِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ الثَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْتَمَّ اللَّهُمَّ لَا يَهْرُمُ جُنْدُكَ وَلَا يُخْلَفُ وَعْدُكَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ». «رسول الله ﷺ موقعی که پهلوی می نهاد برای خوابیدن می فرمود: «خدایا پناه می برم به ذات بزرگواریت و کلمات کلامت که همه دارای کمال و تمام هستند از شر هرچه تو پیشانی من را به ید قدرت در دست گرفته ای، پناه می برم از همه ی آنها به تو، از این رو که به یقین پیشانی همه در ید قدرت توست و همه مقهور فرمان تو هستند. خدایا تو هستی که رفع بدهکاری و گنهکاری می فرمایی. غنا می دهی و فقر را برمی داری و طاعت می دهد و عصیان را برمی داری. خدایا هیچگاه لشکریانت شکست نمی خورند و هیچگاه وعده ی تو خلاف نمی شود و هیچگاه ثروت صاحب ثروت را به جای تو نفع نمی رساند. تسبیح و تنزیه تو می گویم که سبوح و قدوس صفت توست، و به ستایش تو مشغول می شویم که ستایش ها همه برای توست».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ وَسُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكَفَانَا وَأَوَانَا فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُثَوًى». قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ. «رسول الله ﷺ وقتی که به بستر خواب می رفت می فرمود: «حمد و ستایش برای خدای یکتایی است که خوراک به ما داد و سیراب کرد ما را و کفایت ما را از خوراک و آب و لباس فراهم فرمود و جایگاه به ما عطا نمود، چه بسیار کسانی که نه کفایت خوراک و آب و لباس دارند و نه جایگاه و منزلی که از آفتاب و باد و باران خود را در آن حفظ کنند».

«وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الْحَسَنِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي الْأَزْهَرِيِّ وَيُقَالُ أَبُو زُهَيْرٍ الْأَنْمَارِيُّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَخَذَ مَضَجَهُ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ وَصَعْتُ جَنِّي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَأَخْسِئْ شَيْطَانِي وَفُكِّ رِهَانِي وَاجْعَلْنِي فِي النَّدَى الْأَعْلَى». «رسول الله ﷺ موقعی که آرامگاه خود را در شب فراهم می کرد، به بستر خواب می رفت تا در آنجا آرام گیرد، می فرمود: به نام خدا پهلویم را بر زمین نهادم، خدایا بیمارز گناه را و خوار کن شیطانم را، از آنجا که بر هرکس شیطانی برای وسوسه ی او گماشته شده، برای تعلیم امت فرمود: شیطان گماشته بر من را خوار کن تا هیچ اذیتی نتواند انجام دهد و باز کن گروگان مرا، هرکسی در گرو کردار خود است، تا در گرو هیچ عملی نباشم و آزادانه به طاعت بپردازم، و بگردان مرا در ملاً اعلی، یعنی مرا در گروه فرشتگان قرار ده تا دور و بر من همه فرشتگان و دعوت کنندگان به سوی طاعت حق تعالی باشند».

امام ابوسلیمان خطابی فرمود: نَدَى: گروهی هستند که در یک مجلس جمع شده باشند، و نادى هم به همین معنی است و جمع آن اُنْدِيَه است. و مقصود رسول الله ﷺ از نَدَى اَعْلَى: المَلَأَ الأَعْلَى یعنی گروه ملائکه است.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ أَقْرَأَ ﴿قُلْ يَتَّيِّهَا الْكَافِرُونَ﴾ ثُمَّ نَمَّ عَلَى خَاتِمَتِهَا فَأَتَاهَا بَرَاءَةٌ مِنَ الشَّرِكِ! وَفِي مُسْنَدِ أَبِي يَعْلَى الْمُوصِلِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ بَعَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: أَلَا أَدْلُكُمْ عَلَى كَلِمَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنَ الْإِشْرَاقِ بِاللَّهِ ﷻ تَقْرَوْنَ: ﴿قُلْ يَتَّيِّهَا الْكَافِرُونَ﴾ عِنْدَ مَنَامِكُمْ». «رسول الله ﷺ به نوفل اشجعی فرمود: «سورهی ﴿قُلْ يَتَّيِّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را بخوان و در آخر آن به خواب برو، برای این که پایان این سوره براءت از شرک است». و در روایت ابن عباس فرمود: «شما را راهنمایی می‌نمایم بر کلمه‌ای که شما را از شرک آوردن به خدای عزوجل نجات می‌دهد، برای این منظور موقع خواب سورهی ﴿قُلْ يَتَّيِّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را بخوانید».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقْرَأُ الْمُسَبِّحَاتِ قَبْلَ أَنْ يَرْقُدَ». قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ﷺ پیش از این که بخوابد سوره‌هایی که اول آن سَبَّحَ لِلَّهِ یا يُسَبِّحُ لِلَّهِ می‌باشد، مثل سورهی حشر و صف و تغابن و جمعه و اَعْلَى می‌خواند والله أعلم.

«وَرَوَيْنَا عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَا يَنَامُ حَتَّى يَقْرَأَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَالزُّمَرِ». قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

«رسول الله ﷺ نمی‌خوابید تا این که سورهی بنی اسرائیل و سورهی زمر را می‌خواند».

«وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانِي وَآوَانِي وَأَطْعَمَنِي وَسَقَانِي وَالَّذِي مَنَّ عَلَيَّ فَأَفْضَلَ وَالَّذِي أَعْطَانِي فَأَجْزَلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ اللَّهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ وَإِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ». «رسول الله ﷺ موقعی که پهلورا بر بستر خواب می‌نهاد می‌فرمود: «حمد و ستایش‌ها همه برای خدای یکتایی است که کفایت مرا فراهم فرمود و جایگاه به من عطا نمود و خوراک مرا رسانید و سیراب نمود، خدایی که منت گذاشت و زیاده بر حاجت ارزانی داشت خدایی که به من عطا فرمود و بسیار نمود، حمد و ستایش‌ها همه برای خدای یکتاست در همه حال. خدایا! پروردگار همه چیز و مالک و دارنده‌ای همه، و معبود به حق همه چیز، پناه می‌برم به تو از دوزخ».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ وَرَقِ الشَّجَرِ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَإِنْ كَانَتْ عَدَدَ أَيَّامِ الدُّنْيَا». «رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که موقع رفتن به بستر خوابش سه بار بگوید: از خدا آمرزش می‌خواهم، آن خدایی که نیست معبودی به حق مگر او، خدای همیشه زنده و تدبیرکننده‌ی خلائق، و توبه و رجوع می‌کنم به درگاه او، خدا می‌آمرزد گناهانش را و اگر چه باشد مثل کف دریا، و اگر باشد به شماری ستارگان، و اگر چه باشد به شماری شن عالج، و اگر چه باشد به شماری روزهای دنیا».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَغَيْرِهِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَسْلَمَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِدُعْتِ اللَّيْلَةِ فَلَمْ أُنَمْ حَتَّى أَصْبَحْتُ. قَالَ: مَاذَا؟ قَالَ: عَفْرُبٌ. قَالَ: أَمَا إِنَّكَ لَوْ قُلْتَ حِينَ أُمْسَيْتَ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الثَّمَامَاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ لَمْ تُضْرَكْ شَيْءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى». «مردی از قبیلہی اسلم گفت: خدمت رسول الله صلى الله عليه وآله نشسته بودم که مردی از یاران رسول الله صلى الله عليه وآله آمد و گفت: ای رسول خدا! دیشب گزیده شدم و از درد آن تا صبح خواب به چشمم نیامد. فرمود: «چه چیز تو را گزید؟» گفت: کژدم. فرمود: «آگاه باش که اگر در اول شب گفته بودی: پناه می‌برم به کلمات خدا که تمام و کمال را دارند از شر آنچه را که خدا آفرید، اگر این را گفته بودی به خواست خدای متعال هیچ چیز زیانی به تو نمی‌رسانید».

همچنین این حدیث را قبلاً در سنن ابوداود و غیره از روایت ابی هریره رضي الله عنه در باب آنچه گفته می‌شود در صبح و شام یاد کردیم.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنَنِ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله أَوْصَى رَجُلًا إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ أَنْ يَقْرَأَ سُورَةَ الْحَشْرِ وَقَالَ: إِنْ مِتَّ مِتَّ شَهِيداً، أَوْ قَالَ: مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ». «در کتاب ابن سنی از انس رضي الله عنه روایت نمودیم که پیامبر صلى الله عليه وآله مردی را سفارش کرد تا موقعی که برای خوابیدن پهلوی بر بستر می‌نهد سوره‌ی حشر را بخواند و فرمود: با خواندن سوره‌ی حشر اگر در آن شب مردی به شهادت از دنیا رفته‌ای یا از اهل بهشت هستی».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْمُسْلِمِ عَنْ ابْنِ عُمَرَ رضي الله عنه أَنَّهُ أَمَرَ بِإِلَّا إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ أَنْ يَقُولَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ خَلَقْتَ نَفْسِي وَأَنْتَ تَوَقَّاهَا لَكَ مَمَاتُهَا وَمَحْيَاهَا إِنْ أَحْيَيْتَهَا فَاحْفَظْهَا وَإِنْ

أَمَّتَهَا فَاعْفِرْ لَهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ! قَالَ ابْنُ عُمَرَ رضي الله عنه: سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.
 «در صحیح مسلم از ابن عمر رضي الله عنه روایت نمودیم که پیامبر ﷺ بلال را امر کرد تا موقعی که به بستر خواب رفت بگوید: «خدایا تو جان مرا آفریدی و تو آن را وفات می دهی، زندگی و مرگش برای توست، اگر تو او را زنده نمودی او را نگه بدار و اگر او را مرگ دادی او را بیا مرز. خدایا از تو عافیت می خواهم». ابن عمر گفت: این را از رسول الله ﷺ شنیدم».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِمَا بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ حَدِيثُ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه الَّذِي قَدَّمَ نَاهُ فِي بَابٍ مَا يَقُولُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ فِي قِصَّةِ أَبِي بَكْرٍ الصَّدِّيقِ رضي الله عنه: اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَهٖ، قُلْهَا إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ وَإِذَا اضْطَجَعْتَ». «و روایت نمودیم در سنن ابی داود و ترمذی و غیر این دو به اسناد صحیح حدیث ابی هریره رضي الله عنه را که پیش از این یاد کردیم در داستان ابی بکر صدیق رضي الله عنه: خدایا شکافندهی آسمان ها و زمین، دانا به آنچه در عالم غیب است و دیده نمی شود و آنچه در عالم شهادت و دیدنی است، پروردگار هرچیز و مالک آن، گواهی می دهیم بر این که نیست معبودی بحق مگر تو، پناه می برم به تو از شر خودم و از شر شیطان و دام او و شر شرک آوری و وسوسه ی او که رسول الله ﷺ به او فرمود که آن را وقتی به صبح داخل می شود و وقتی که به شب داخل می شود و وقتی که به پهلوی می افتد برای خوابیدن، بخوان».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِيِّ عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ فَيَقْرَأُ سُورَةَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ إِلَّا وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ مَلَكَ لَا يَدْعُ شَيْئًا يَقْرُبُهُ يُؤْذِيهِ حَتَّى يَهْبَ مَتَى هَبَّ! إِسْنَادُهُ ضَعِيفٌ وَمَعْنَى هَبَّ: ائْتَبَهُ وَقَامَ». «رسول الله ﷺ فرمود: هر مسلمانی که موقعی که به بستر خواب می رود و سوره ای از کتاب خدای تعالی را می خواند خدای عزوجل فرشته ای بر او موکل می کند تا نگذارد چیزی به او نزدیک شود و او را بیازارد تا این که از خواب بیدار شود و از بستر خواب بلند شود، اسناد این حدیث ضعیف است، و معنی هَبَّ: به خود آمد و بیدار شد و از بستر خواب برخاست».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ جَابِرٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ ابْتَدَرَهُ مَلَكٌ وَشَيْطَانٌ، فَقَالَ الْمَلَكُ: اللَّهُمَّ اخْتِمِ بِحَجَرٍ، فَقَالَ الشَّيْطَانُ: اخْتِمِ بِشَرٍّ، فَإِنْ ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى ثُمَّ نَامَ بَاتَ الْمَلَكُ يَكْلُوهُ». «رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که شخص به

بستر خواب می‌رود، فرشته‌ای و شیطانی می‌شتابند تا زودتر به او برسند، فرشته وقتی که به او رسید به او می‌گوید: پایان کارت به خیر کن، و شیطان می‌گوید: پایان کارت به شر کن، اگر نام خدای متعال بر زبان جاری کرد و آنگاه خوابید فرشته از او نگهداری می‌نماید».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا اضْطَجَعَ لِلنَّوْمِ: اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنِي فَأَغْفِرْ لِي ذَنْبِي». «رسول الله ﷺ وقتی بر پهلو می‌خوابید برای خوابیدن می‌فرمود: «خدایا به نام تو پهلو می‌خود را بر زمین نهادم، پس بیا مرز گناهانم را».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ طَاهِرًا وَذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يُدْرِكَهُ التُّعَاسُ لَمْ يَتَقَلَّبْ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ». «ابو امامه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «کسی که به بستر خواب پاک و با وضو رفت و یاد خدای عزوجل نمود تا این که چرت‌زدن به او رسید، هر ساعتی از شب که به خود آمد و از خدا خیری از خیرهای دنیا و آخرت خواست خدا آن را به او می‌دهد».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: اللَّهُمَّ أَمْتِعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي وَأَنْصُرْنِي عَلَى عَدُوِّي وَأَرِنِي ثَأْرِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَمِنْ الْجُوعِ فَإِنَّهُ يَنْتَسِ الضَّجِيعُ». قال العلماء: معنى اجعلهما الوارث مني: أى أبقهما صحيحين سليمين إلى أن أموت وقيل المراد بقاؤهما وقوتها عند الكبر وضعف الأعضاء وباقي الحواس: أى اجعلهما وارثي قوة باقى الأعضاء والباقيين بعدها وقيل المراد بالسمع: وعى ما يسمع والعمل به وبالبصر: الاعتبار بما يرى وروى واجعله الوارث مني! فَرَدَّ الهاء إلى الإِمْتاع وَحَدَّهُ. «رسول الله ﷺ وقتی که به بستر خواب می‌رفت می‌فرمود: «خدایا خوشی از شنوایی و بینایی ام نصیبم گردان و چشم و گوش مرا به صحت و سلامت نگه دار تا روزی که از دنیا رهسپار آخرت می‌شوم و در پیری و ضعف اعضا، شنوایی و بینایی ام را به قوت خود باقی گذار و مرا توفیق ده که فرمان تو را به سمع قبول بپذیرم و از آنچه می‌بینم به چشم اعتذار اندرز گیرم و مرا بر دشمنانم نصرت ده و پیروز گردان و به من نشان ده دشمنانم چگونه به قصاص خود می‌رسند. خدایا پناه می‌برم به تو از چیرگی و فشار بدهکاری و از گرسنگی که بدهکاری همبستر بدی است و انسان نمی‌تواند با گرسنگی شدید بسازد». دانشمندان گفته‌اند که معنی: وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي: و چشم و گوش مرا میراث برم قرار ده، یعنی هر دو را صحیح و سلامت بدار تا لحظه‌ی مرگ که در تمام زندگی

چشم و گوشم سالم باشند، و گفته شده به معنی شنوایی و بینایی مرا حفظ فرما تا در وقت ضعف پیری و ناتوانی اعضا، چشم و گوشم به قوت خود باقی باشند. و گفته شده: به معنی شنوایی فرمان خدا و اطاعت او و اندرزگرفتن از مشاهدات است. و روایت شده به صیغه‌ی افراد: **وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنِّي**، یعنی خوشی از چشم و گوش میراث برم بگردان.

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَائِشَةَ رضی الله عنها أَيْضاً قَالَتْ: مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُنْذَ صُحْبَتِهِ يَنَامُ حَتَّى يَفَارِقَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَعَوَّذَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْكَسَلِ وَالسَّامَةِ وَالْبُخْلِ وَسُوءِ الْكِبَرِ وَسُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنَ الشَّيْطَانِ وَبِشْرِكِهِ». «و از عائشه رضی الله عنها روایت داریم که فرمود: «از روزی که همنشین پیغمبر ﷺ بودم تا روزی که از جهان رحلت فرمود نمی‌خوابید تا این که از این چند چیز پناه برد. از ترسویی و سستی و نومیدی و بخل و بدی پیری و بدی منظر اهل و مال - بدی پیری به صورت تندجویی و بداخلاقی و بدی منظر اهل و مال به این که زن و فرزند و بستگان دچار بیچارگی و بداخلاقی شوند و مال از بین برود و به آن نیازمند شد - و از عذاب قبر و از شیطان لعین و دام و وسوسه‌ی شر او».

«وَرَوَيْنَا عَنْ عَائِشَةَ رضی الله عنها أَنَّهَا كَانَتْ إِذَا أَرَادَتْ التَّوَمَّ تَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رُؤْيَا صَالِحَةً، صَادِقَةً غَيْرَ كَاذِبَةٍ، نَافِعَةً غَيْرَ ضَارَّةٍ. وَكَانَتْ إِذَا قَالَتْ هَذَا عَرَفُوا أَنَّهَا غَيْرُ مُتَكَلِّمَةٍ بِشَيْءٍ حَتَّى تُصْبِحَ أَوْ تَسْتَيْقِظَ مِنَ اللَّيْلِ». «و روایت از عائشه رضی الله عنها داریم که ایشان موقعی که قصد خوابیدن می‌نمود می‌فرمود: «خدایا از تو می‌خواهم خواب دیدنی که شایسته و راست باشد و سودمند باشد و زیان‌آور نباشد. و وقتی که این را می‌گفت می‌دانستند که سخنی نمی‌گوید تا این که صبح شود یا در آن شب از خواب بیدار شود».

«وَرَوَى الْإِمَامُ الْحَافِظُ أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ رضی الله عنه قَالَ: مَا كُنْتُ أَرَى أَحَدًا يَعْقِلُ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يَقْرَأَ الْآيَاتِ الثَّلَاثَ الْأَوَّخَرَ مِنْ سُورَةِ الْبَقَرَةِ». إِسْنَادُهُ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ. «امام حافظ ابوبکر بن ابی داود به اسناد خود از علی رضی الله عنه روایت نمود که علی رضی الله عنه فرمود: «نمی‌دیدم کسی که عاقل باشد و بخوابد قبل از این که سه آیه‌ی آخر سوره‌ی البقره را بخواند». آیات: ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶.

«وَرَوَى أَيْضاً عَنْ عَلِيٍّ: مَا أَرَى أَحَدًا يَعْقِلُ بَلُغَةَ الْإِسْلَامِ يَنَامُ حَتَّى يَقْرَأَ آيَةَ الْكَرْسِيِّ». «و امام حافظ باز هم از علی رضی الله عنه روایت نمود که ایشان فرموده‌اند: «نمی‌بینم کسی را که عقل داشته باشد و داخل در اسلام شده باشد و شب بخوابد قبل از این که آیه‌ی الکرسی را بخواند». آیه‌ی الکرسی: آیه‌ی ۲۵۵ سوره‌ی البقره.

«وَعَنْ إِبْرَاهِيمَ التَّخَعِي قَالَ: كَانُوا يُعَلِّمُونَهُمْ إِذَا أَوْوَا إِلَى فِرَاشِهِمْ أَنْ يَقْرَأُوا الْمُعَوِّذَتَيْنِ. وَفِي رَوَايَةٍ: كَانُوا يَسْتَجِبُونَ أَنْ يَقْرَأُوا هَؤُلَاءِ السُّورِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ. إِسْنَادُهُ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ مُسْلِمٍ.»

و از ابراهیم نخعی رحمه الله روایت است که فرمود: علما به فرزندان و بستگان شان می آموختند که وقتی که به بستر خواب می آیند سورهی ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را بخواند و سپس بخوابند. و در روایتی دیگر: علما مستحب می دانستند که این سه سوره را در هر شب سه بار بخوانند، قبل از این که بخوابند، سورهی قل هو الله احد و سورهی ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و سورهی ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾. اسناد آن صحیح است و بر شرط مسلم است، و کلمه‌ی بر شرط مسلم است، یعنی راوی این اثر کسانی هستند که مسلم در صحیح خود از ایشان روایت نمود. و بدان که آثار و احادیث در این باب بسیارند و در آنچه یاد کردیم کفایت است برای کسی که موفق به عمل به آن شود. و ما زیاده بر آن را حذف کردیم و نیاوردیم از ترس این که طالب این اذکار از بسیاری آن خسته و ملول شود. پس بهتر آن است که انسان همه‌ی این اذکار را بخواند، اگر خواندن همه‌ی آنها برایش ممکن نبود، به مهم‌ترین آنها که می‌تواند اکتفا کند.

«باب کراهة النوم من غیر ذکر الله تعالی»

بابی است در بیان کراهیت خوابیدن بدون ذکر خداوند متعال

«رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ قَعَدَ مَقْعَدًا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تَرَةً وَمَنْ اضْطَجَعَ مَضْجَعًا لَا يَذْكُرُ اللَّهَ فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تَرَةً. قُلْتُ: التَّرَةُ: مَعْنَاهُ نَقْصٌ وَقِيلَ تَبِعَةٌ.» (رسول الله ﷺ فرمود: هر کس در جایی نشست و در آنجا خدا را یاد نکرد، این غفلت از یاد خدا برای او نقصی نوشته می‌شود و یا مسؤولیتی، و هر کس که به پهلو خوابید در جایی و در آنجا نام خدا را یاد نکرد نوشته می‌شود بر او نقصی و یا مسؤولیتی.)

«باب ما يقول إذا استيقظ في الليل وأراد النوم بعده»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب بیدار شد و خواست بعد از آن بخوابد

إِعْلَمَنَّ أَنَّ الْمُسْتَيْقِظَ بِاللَّيْلِ عَلَى ضَرَبَيْنِ: أَحَدُهُمَا مَنْ لَا يَنَامُ بَعْدَهُ وَقَدْ قَدَّمَ فِي أَوَّلِ الْكِتَابِ أَذْكَارَهُ. وَالثَّانِي مَنْ يَرِيدُ النَّوْمَ بَعْدَهُ، فَهَذَا يَسْتَحَبُّ لَهُ أَنْ يَذْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى إِلَى أَنْ يَغْلِبَهُ النَّوْمُ وَجَاءَ فِيهِ أَذْكَارٌ كَثِيرَةٌ، فَمِنْ ذَلِكَ مَا تَقَدَّمَ فِي الضَّرْبِ الْأَوَّلِ. وَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَيْنَاهُ فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رضي الله عنه عَنْ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم قَالَ: مَنْ تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ، فَقَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي أَوْ دَعَا اسْتَجِيبَ لَهُ فَإِنْ تَوَضَّأْتُ فَبَلِّغْ صَلَاتَهُ».

بدان که کسی که بیدار می‌شود در شب بر دو قسم است: یکی از آن دو کسی است که وقتی که بیدار شد نمی‌خوابد و در اول کتاب اذکار او را یاد کردیم. دوم کسی که بعد از بیدار شدن قصد خوابیدن دارد و این شخص برایش مستحب است که خدا را یاد کند تا این که خواب بر او چیره شود و بخوابد، و در این خصوص اذکار بسیاری وارد شده است، از آن جمله است آنچه در بخش یکم گذشت، و از آن جمله است آنچه روایت آن در صحیح بخاری داریم از عبادۀ بن الصامت رضي الله عنه از رسول الله صلى الله عليه وسلم که فرمود: «کسی که بیدار شد از خواب در شب و گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. و بعد از آن گفت: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي. خدایا بیاמרز مرا یا دعا کرد دعایش به اجابت می‌رسد، و اگر وضو گرفت و نماز خواند نمازش قبول می‌شود». امام نووی رحمته الله در اذکار فرموده که در نسخه‌های معتمد به همان صورت است که یاد شد، و در بعضی نسخه‌ها بعضی کلمات افتاده است که ما از روی نسخه‌های مورد اعتماد آوردیم. والله أعلم.

و روایت داریم در سنن أبی داود به اسنادی که نگفت ضعیف است از عایشه رضي الله عنها که رسول الله صلى الله عليه وسلم هر وقت در شب بیدار می‌شد می‌فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لَدُنِّي، وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ زِدْنِي عِلْمًا، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَهَبْ لِي مِنْ

لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ». «نیست معبودی به حق مگر تو، خدایا تسبیح و تنزیه تو می‌گویم، از تو طلب آمرزش می‌کنم برای گناهانم و از تو طلب رحمت می‌کنم. خدایا بیفزای علم مرا و منحرف مساز دل مرا، بعد از این که مرا به راه راست رساندی و از نزد خودت رحمتی به من ببخش، یقیناً تو بسیار بخشاینده هستی».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ السُّنَنِ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ - تَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ - إِذَا تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ». «رسول الله ﷺ وقتی که بیدار می‌شد در شب می‌فرمود: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ، رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ». «نیست معبودی به حق مگر الله که یکتای قهار است، پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، آن خدای پر عزت آمرزگار».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِذَا رَدَّ اللَّهُ ﷻ إِلَى الْعَبْدِ الْمُسْلِمِ نَفْسَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَاسْتَغْفَرَهُ وَدَعَاهُ تَقَبَّلَ مِنْهُ».

«ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید که شنید از رسول الله ﷺ که می‌فرمود: «وقتی که خدای ﷻ روح بنده‌ی مسلمان را برگردانید و او را از خواب بیدار کرد اگر بنده در آن موقع تسبیح خدا بگزارد و بگوید: سبحان الله و استغفار نماید و بگوید: استغفر الله و دعا نماید. خدای می‌پذیرد از او تسبیح و استغفار و به اجابت می‌رساند دعای او را».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ مَاجَهَ وَابْنِ السُّنَنِ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ عَنْ فِرَاشِهِ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ فَلْيَنْفُضْهُ بِصِنْفَةٍ إِزَارِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلَفَهُ عَلَيْهِ بَعْدَهُ فَإِذَا اضْطَجَعَ فَلْيَقُلْ بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ فَإِنْ أُمْسَكَتَ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا وَإِنْ أُرْسَلَتْهَا فَأَحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ». قال الترمذي: حديث حسن. قال أهل اللغة: صِنْفَةُ الإزار: جانبه الذي لا هَدَبَ

فِيهِ وَقِيلَ جَانِبُهُ: أَيُّ جَانِبِ كَانِ. «رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه یکی از شما از بستر خوابش برخاست و بعد به سوی آن برگشت به سمت حاشیه‌ی لنگ خود، فراش را سه بار تکان دهد تا اگر حشره‌ی موذی بر فراش او رفته باشد معلوم شود و نتواند او را بگزد، برای این که از وقتی که از بستر خواب برخاسته تا وقتی که برگشته، نمی‌داند چه چیز بر فراش او رفته است. و موقعی که به پهلو خوابید بر بستر خود بگوید: «بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ فَإِنْ أُمْسَكَتَ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا وَإِنْ أُرْسَلَتْهَا فَأَحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ». به نام تو ای خدا، پهلویم را بر بستر خواب نهادم و به نام

تو پهلویم را از بستر خواب برمی دارم، اگر روح مرا نزد خودت نگه داشتی او را مورد رحمت قرار ده و اگر روح مرا به جسمم بازگرداندی او را نگه دار، چنانکه بندگان شایسته‌ات را نگه می داری». صَنِفَةُ الْإِرَارِ: حاشیه‌ی ازار یا جامه یا لنگ پا.

«وَرَوَيْنَا فِي مُوطَّأِ الْإِمَامِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي بَابِ الدُّعَاءِ آخِرِ كِتَابِ الصَّلَاةِ عَنْ مَالِكٍ أَنَّهُ بَلَغَهُ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّهُ كَانَ يَقُومُ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَيَقُولُ: نَامَتِ الْعُيُونُ وَغَارَتِ النَّجُومُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ». قلت: معنى غَارَتْ: غَرَبَتْ. «و روایت داریم در کتاب موطای امام مالک رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در باب دعا، آخر کتاب الصلوة از مالک که گفت: به من رسیده از ابی الدرداء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ که در دل شب از خواب برمی خاست و می گفت: «نَامَتِ الْعُيُونُ وَغَارَتِ النَّجُومُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ». چشم‌ها به خواب رفتند و ستاره‌ها غروب کردند و تو همیشه زنده و همیشه عالم را تدبیر می کنی».

«باب ما يقول إذا قلق في فراشه فلم ينام»

بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که در بستر خوابش نا آرام شد و به خواب نرفت

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: شَكَّوْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَرْقَا أَصَابَنِي فَقَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ غَارَتِ النَّجُومُ وَهَدَأَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ حَيُّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَهْدِئْ لَيْلِي وَأْنِمْ عَيْنِي! فَعَلْتُهَا فَأَذْهَبَ اللَّهُ ﷻ عَنِّي مَا كُنْتُ أَجِدُ». «زید بن ثابت رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت که شکایت کردم نزد رسول الله صلی الله علیه و آله از بی خوابی که به من دست داده بود فرمود: «بگو: غَارَتِ النَّجُومُ: ستاره‌ها غروب نمودند وَهَدَأَتِ الْعُيُونُ: و چشم‌ها آرام گرفتند وَأَنْتَ حَيُّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ: و تو ای خدا همیشه زنده هستی و همیشه تدبیرکننده‌ی عالم هستی، هیچگاه چرت‌زدن و به خواب رفتن دست نمی دهد تو را، یا حیی یا قیوم أَهْدِئْ لَيْلِي وَأْنِمْ عَيْنِي: ای همیشه زنده، همیشه تدبیرکننده‌ی عالم شب مرا آرام بگردان و به خواب ببر چشمم را». فَأَذْهَبَ اللَّهُ ﷻ عَنِّي مَا كُنْتُ أَجِدُ: خدای ﷻ از من دور کرد بی خوابی و نا آرامی را که به آن دچار بودم.

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَبَّانٍ بَفَتْحِ الْحَاءِ وَبِالْبَاءِ الْمَوْحَدَةِ أَنَّ خَالَدَ بْنَ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَصَابَهُ أَرْقٌ فَشَكَّى ذَلِكَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَعَوَّذَ عِنْدَ مَنْ آمَنَ بِهِ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ

غَضَبِهِ، وَشَرَّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونَ. هذا حديثٌ مُرْسَلٌ. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى تَابِعِيٌّ. قَالَ أَهْلُ اللُّغَةِ: الْأَرْقُ هُوَ السَّهَرُ». «خالد بن الوليد رضي الله عنه دچار بی خوابی شد و شکایت آن را نزد رسول الله صلی الله علیه و آله برد. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بگو: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونَ». پناه می‌برم به کلمات تامات خدا، به قرآن، از خشم خدا و از شر بندگان خدا و از شر وسوسه‌های شیطان‌ها، و از این که همیشه شیطان‌ها بر سر او حاضر باشند و به وسوسه‌های خود او را بیازارند». این حدیث مرسل است برای این که صحابی از سند افتاده است، و محمد بن یحیی که تابعی است از او روایت شده. وَأَرْقٌ: یعنی بی خوابی.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ وَضَعَفَهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْ بُرَيْدَةَ رضي الله عنه قَالَ: شَكَاهُ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ رضي الله عنه إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَتَانُمُ اللَّيْلُ مِنَ الْأَرْقِ فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظَلَّتْ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ وَمَا أَقَلَّتْ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ كُنْ لِي جَارًا مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ جَمِيعًا أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَوْ يَبْغِيَ عَلَيَّ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ». «خالد بن الوليد رضي الله عنه از بی خوابی که به او دست داده بود شکایتش را به رسول الله صلی الله علیه و آله برد. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «وقتی که به بستر خواب رفتی بگو: خدایا ای پروردگار آسمان‌ها و آنچه آسمان‌ها بر آن سایه افکنده‌اند، و ای پروردگار زمین و آنچه بر آن جای گرفت و ای پروردگار شیطان‌ها و آنچه از دست آنها به گمراهی افتاد، پناه من باش از شر خلق همه‌شان باهم از این که زیاده‌روی کند بر من یکی از آنان و از این که تعدی کند بر من یکی از آنان. عزتمند شد کسی که پناه به تو آورد و شکوه‌مند شد ثنای بر تو و نیست معبودی به حق غیر از تو».

«باب ما يقول إذا كان يفرع في منامه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب می‌ترسد

«وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنَنِ وَغَيْرِهَا عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ يُعَلِّمُهُمْ مِنَ الْفَرْعِ كَلِمَاتٍ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونَ! قَالَ: وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو يُعَلِّمُهُمْ مَنْ عَقَلَ مِنْ بَنِيهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقِلْ كَتَبَهُ فَعَلَّقَهُ عَلَيْهِ». قال الترمذي: حديث

حسن. «رسول الله ﷺ برای نجات‌شان از ترس در خواب چند کلمه به ایشان می‌آموخت که آن را بگویند: «پناه می‌برم به کلمات خدا آن کلماتی که تمام و کامل است و نقصی در آن نیست، از ترس از خدا و از شر بندگان خدا، و از شر وسوسه‌ی شیطان‌ها و آن که حاضر شوند. عبدالله بن عمرو بن العاص هرکدام از پسرانش که عقل داشت و بزرگ بود، این کلمات را به او می‌آموخت تا آن را بخواند و هرکدام از پسرانش که کوچک بود و عقلش نمی‌رسید، این کلمات را می‌نوشت و بر او آویزان می‌کرد».

«وَفِي رَوَايَةٍ إِنْ السُّنِّي: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَشَكَأَ أَنَّهُ يَفْرَعُ فِي مَنَامِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونِ! فَقَالَهَا فَذَهَبَ عَنْهُ». «مردی به خدمت رسول الله ﷺ آمد و از بی‌خوابی شکایت نمود. رسول الله ﷺ به او فرمود: «هروقت که به بستر خوابت رفتی بگو: پناه می‌برم به کلمات کامل خدا، از خشم خدا، و از شر بندگان خدا، و از وسوسه‌های شیطان‌ها و از این که بر سر او حاضر شوند». آن مرد این کلمات را گفت، و از شر بی‌خوابی و ناراحتی نجات یافت.

«باب ما يقول إذا رأى في منامه ما يحب أو يكره منه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب دید آنچه را که دوست می‌دارد یا دید آنچه را که دوست نمی‌دارد

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يُحِبُّهَا فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ اللَّهِ، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيْهَا، وَلْيُحَدِّثْ بِهَا. وَفِي رَوَايَةٍ: فَلَا يُحَدِّثُ بِهِ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ، وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ، فَإِنَّهَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا، وَلَا يَذْكُرْهَا لِأَحَدٍ، فَإِنَّهَا لَا يَصُرُّهُ». «وقتی که یکی از شما خواب دید که آن را دوست می‌دارد در حقیقت آن خوابی است که از خدای متعال است و ستایش خدا بر آن بگوید و آن را بازگو کند. و در روایتی دیگر آن را به کسی نگوید مگر به کسی که او را دوست می‌دارد، و اگر خوابی غیر از آن دید که ناپسند می‌دانست، پس آن از شیطان است و به خدا از شر آن پناه ببرد و آن را برای کسی نگوید که آنگاه به او زیانی نمی‌رساند».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ الرُّؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلْيَبْصُقْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا وَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ثَلَاثًا وَلْيَتَحَوَّلْ عَنْ جَنْبِهِ

الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ». «رسول الله ﷺ فرمود: هرگاه یکی از شما خوابی دید که از آن خوشش نمی آید سه بار آب دهن را از دست چپ بیندازد و سه بار بگوید: أعوذ بالله من الشيطان الرجيم و از پهلوی که بر آن خوابیده بر پهلوی دیگر بخوابد».

«وَرِي الترمذي مَنْ رَوَايَةِ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مَرْفُوعاً: إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ الرُّؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلَا تُحَدِّثْ لَهَا أَحَدًا وَلْيَقُمْ فَلْيُصَلِّ». «رسول الله ﷺ فرمود: هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را خوشایند نمی داند آن را به کسی نگوید و بلند شود و دو رکعت نماز بخواند».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ وَقَالَ فِيهِ: إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلْيَتَّقِ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ لِيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَسَيِّئَاتِ الْأَحْلَامِ فَإِنَّهَا لَا تَكُونُ شَيْئاً». «رسول الله ﷺ فرمود: هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را دوست نمی داشت سه بار آب دهن را از دست چپ در دستمال بیندازد و بگوید: خدایا به تو پناه می برم از کار شیطان و خواب های بد که آنگاه چیزی نمی باشد و ضرری نمی رساند».

«باب ما يقول إذا قصت عليه رؤيا»

بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که دیگری خواب خود را

برای او حکایت نمود

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: لِمَنْ قَالَ لَهُ رَأَيْتُ رُؤْيَا، قَالَ: خَيْرًا رَأَيْتُ وَخَيْرًا يَكُونُ! وَفِي رَوَايَةٍ: خَيْرًا تَلَقَّاهُ وَشَرًّا تَوَقَّاهُ خَيْرًا لَنَا وَشَرًّا عَلَى أَعْدَائِنَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». «رسول الله ﷺ به کسی که به ایشان گفت خوابی دیده ام فرمود: «خیر دیده ای و خیر می شود. و در روایتی دیگر فرمود: «به خیر می رسی و از شر نگه داشته می شوی، خیر است برای ما و شر است بر دشمنان، و ستایش برای خداوند پروردگار جهانیان است».

«باب الحثّ على الدعا والاستغفار في النصف الثاني من كل ليلة»

بابی است در بیان تشویق و ترغیب به دعا و استغفار در نیمه‌ی

دوم هر شب

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: يَنْزِلُ رَبُّنَا كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ، فَيَقُولُ: مَنْ يَدْعُونِي؛ فَأَسْتَجِيبَ لَهُ، مَنْ يَسْأَلُنِي؛ فَأُعْطِيهِ، مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي؛ فَأَغْفِرَ لَهُ! وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ: يَنْزِلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ حِينَ يَمْضِي ثُلُثُ اللَّيْلِ الْأَوَّلِ فَيَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ أَنَا الْمَلِكُ مَنْ ذَا الَّذِي يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ؟ مَنْ ذَا الَّذِي يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيهِ؟ مَنْ ذَا الَّذِي يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ فَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يُضِيَءَ الْفَجْرُ! وَفِي رِوَايَةٍ: إِذَا مَضَى شَطْرُ اللَّيْلِ أَوْ ثُلَاثَاهُ.»

«وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَسَةَ رضي الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الرَّبُّ مِنَ الْعَبْدِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْآخِرِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَذْكُرُ اللَّهَ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ، فَكُنْ». قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ. «رسول الله ﷺ فرمود: پروردگارمان هر شب به آسمان دنیا می‌آید موقعی که دو سوم آخر شب باقی است و آنگاه می‌فرماید: چه کسی مرا می‌خواند تا اجابتش کنم، چه کسی از من می‌خواهد تا به او بدهم، چه کسی از من آمرزش می‌خواهد تا او را بیامرزم». و در روایت مسلم: خداوند پاک و بلندمرتبه هرشب به آسمان دنیا می‌آید موقعی که دو سوم اول شب گذشته است و آنگاه می‌فرماید: من فرمانروایم، من فرمانروایم، چه کسی مرا می‌خواند تا اجابتش کنم، چه کسی از من می‌خواهد تا به او عطا کنم، چه کسی از من آمرزش می‌خواهد تا او را بیامرزم، همواره چنین است تا این که فجر روشن شود». و در روایتی دیگر: هرگاه یک دوم شب گذشت یا دو سوم آن. در سنن أبوداود و ترمذی از عمرو بن عبسه رضي الله عنه روایت داریم که او از پیامبر ﷺ شنیده است که می‌فرماید: «نزدیکترین زمان پروردگار به بنده در دل آخر شب است، پس اگر توانستی از کسانی باشی که خداوند بلندمرتبه را در آن لحظه یاد می‌کنند، پس از آنان باش.»

«باب الدعا فی جمیع ساعات اللیل کل لیلۃ رجاء أن یمصادف الإجابة»

بابی است در بیان این که هر شب تمام لحظه‌های آن موقع دعاست، به امید این که با لحظه‌های اجابت دعا مصادف شود

خدای متعال در ماه رمضان شیئی را لیلۃ القدر ساخت و معین نفرمود تا در همه‌ی شب‌های رمضان کوشش در طاعت بشود تا مصادف با لیلۃ القدر شود. در روز جمعه لحظه‌ای را برای اجابت دعا قرار داد و معین نفرمود تا در همه‌ی لحظات در طاعت و دعا کوشش بشود تا مصادف با آن ساعت گردد، و در همه‌ی شب‌ها لحظه‌ای برای اجابت دعا قرار داد و معین نفرمود تا در همه‌ی لحظات شب‌ها در طاعت و دعا کوشش بشود تا مصادف با آن لحظه گردد.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رضی اللہ عنہ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صلی اللہ علیہ وسلم يَقُولُ: إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً لَا يُؤَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ خَيْرًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ وَذَلِكَ كُلُّ لَيْلَةٍ». «جابر بن عبدالله انصاری رضی اللہ عنہ می‌گوید: از رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می‌فرمود: محققاً در شب لحظه‌ای است که هر بنده‌ی مسلمان در آن لحظه از خدا خیری از خیرهای دنیا و آخرت بخواهد، خدا به او آن خیر را می‌دهد و این لحظه در همه‌ی شب‌هاست».

«باب أسماء الله الحُسنى»

بابی است در بیان نام‌های نیک خدا

در کتابی که به نام: «المقصد الأسنى فی شرح أسماء الله الحسنى» نوشته‌ام همه‌ی این نام‌ها مشروحاً نوشته‌ام به آن مراجعه فرمایید.

قال الله تعالى:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰].

«برای خدای سبحانه و تعالی بهترین نام‌هاست، شما از خدا بخواهید آنچه را که می‌خواهید به حسب همین نام‌ها تا خدا به شما بدهد آنچه را که از او می‌خواهید».

«وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی اللہ عنہ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا، مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ، إِنَّهُ وَثَرٌ يُحِبُّ الْوَثْرَ! مَنْ أَحْصَاهَا: مَنْ حَفَظَهَا. وَقِيلَ مَنْ عَرَفَ مَعَانِيَهَا وَأَمَّنَ بِهَا وَقِيلَ: مَنْ أَطَاقَهَا جُسِّنَ الرَّعَايَةِ لَهَا وَتَخَلَّقَ بِمَا يُمَكِّنُهُ مِنَ الْعَمَلِ بِمَعَانِيهَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «محقق این است که خدای متعال نود و نه اسم دارد، یکی کمتر از صدتا. کسی که این نامهای مقدس را از بر نماید به بهشت داخل می شود، او تاک است و تاک را دوست می دارد». در معنی مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ: امام بخاری و بیشتر علما گفته اند که معنی مَنْ أَحْصَاهَا: مَنْ حَفَظَهَا: کسی که این نامها را از بر نمود. و روایتی که در صحیح است مَنْ حَفَظَهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ مؤید این تفسیر است.

این نود و نه اسم از این قرار است:

«هو الله الذي لا إله إلا هو، الرحمن، الرحيم، الملك، القدوس، السلام، المؤمن، المهيمن، العزيز، الجبار، المتكبر، الخالق، الباري، المصور، الغفار، القهار، الوهاب، الرزاق، الفتاح، العليم، القابض، الباسط، الخافض، الرافع، المعز، المذل، السميع، البصير، الحكيم، العدل، اللطيف، الخبير، الحليم، العظيم، الغفور، الشكور، العلي، الكبير، الحفيظ، المقيت، الحسيب، الجليل، الكريم، الرقيب، المجيب، الواسع، الحكيم، الودود، المجيد، الباعث، الشهيد، الحق، الوكيل، القوي، المتين، الولي، الحميد، المحصي، المبدئ، المعيد، المحيي، المميت، الحي، القيوم، الواجد، الماجد، الواحد، الصمد، القادر، المقتدر، المقدم، المؤخر، الأول، الآخر، الظاهر، الباطن، الولي، المتعالی، البر، التواب، المنتقم، العفو، الرؤوف، مالك الملك، ذو الجلال والإكرام، المقسط، الجامع، الغني، المغني، المانع، الضار، النافع، النور، الهادي، البديع، الباقي، الوارث، الرشيد، الصبور».

هذا حديث البخاري ومسلم إلى قوله يُحِبُّ الْوَثْرَ! وما بعده حديث حسن رواه الترمذي وغيره. قوله الْمُغِيثُ! رَوَى بَدَلُهُ الْمُقَيِّتُ! رَوَى الْقَرِيبُ! بَدَلُ الرَّقِيبِ! وَرَوَى الْمُبِينُ! بَدَلُ الْمُتَيْنِ! وَالْمَشْهُورُ الْمُتَيْنُ.

و در کتاب المقصد الأسنى في شرح أسماء الحسنی شرح همه را نوشته ام کسی که بخواهد به آن مراجعه نماید.

و معنی «إِنَّهُ وَتَرَّ: إِنَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا نَظِيرَ». و معنی يُحِبُّ الْوَتَرَ: تَفْضِيلُ الْوَتَرِ فِي الْأَعْمَالِ وَكَثِيرٍ مِنَ الطَّاعَاتِ. کلمه‌ی وتر به کسر واو و به فتح واو: تاک است، نه شریکی دارد و نه نظیری و وتر را دوست دارد، مثل قراردادن نمازها به پنج نماز: نماز مغرب سه رکعت. تعداد آسمان‌ها هفت تاست، روزهای هفته هفت تا. لیلۃ القدر شب بیست و یکم یا بیست و هفت و غیر این‌ها.

«کتاب تلاوة القرآن» کتابی است در بیان تلاوت قرآن

بدان که تلاوت قرآن بهترین اذکار است، و مطلوب این است که قراءت قرآن همراه با تدبیر معانی آن باشد، و برای قراءت قرآن آداب و مقاصدی است. امام نووی در این باره کتابی به نام «التبیان فی آداب حَمَلَةِ الْقُرْآن» تألیف نموده است و می‌فرماید که در کتاب اذکار مختصری از آن کتاب می‌آورد تا کسی که قصد اطلاع بیشتر دارد به کتاب تبیان مراجعه نماید. و معلوم است که امام نووی نوشته‌هایش همه از روی تحقیق است، این است که هرچه مرقوم می‌فرماید همه خلاصه و مغز مقاصد و مطالب مورد لزوم است.

(فصل) شایسته این است که بر تلاوت قرآن محافظت و مواظبت بشود، در شب و روز و در سفر و حضر. سلف صالح این امت علیهم‌السلام در مدت زمانی که ختم قرآن در آن می‌شود عادت‌های مختلف داشتند، گروهی از ایشان هردو ماه یک ختم قرآن می‌خواندند. و گروهی دیگر هر ماهی یک ختم می‌نمودند. و گروهی هرروز یک ختم قرآن می‌نمودند. و جماعتی دیگر هر هشت روز یک ختم داشتند، و افرادی دیگر در هر هفت روز ختم قرآن می‌نمودند. و این ختم در هفت روز روش بیشتر سلف بود. و مردمی دیگر در هر شش روز ختمی داشتند و مردمی در هر چهار روز ختمی و بسیاری در هر سه روز ختمی داشتند و بسیاری در هر روز و شبی ختمی داشتند و جماعتی در هر روز و شبی دو ختم قرآن می‌نمودند و کسانی در هر روز و شبی سه ختم قرآن داشتند. و بعضی از ایشان در یک روز و شب هشت ختم قرآن می‌نمودند، چهار ختم در روز و چهار ختم در شب. و از این جمله است ابن الکاتب صوفی و این بیشترین مقداری است که با ما رسیده است. و سید جلیل احمد دورقی به اسناد خود از منصور بن زاذان بن عباد تابعی رضی‌الله‌عنه روایت نمود که او میان ظهر و عصر یک ختم می‌نمود، و میان مغرب و عشاء نیز یک ختم می‌نمود، و در ماه رمضان میان

مغرب و عشاء دو ختم قرآن می نمود. و در آن ایام نماز عشاء را به تأخیر می خواندند تا یک ربع شب بگذرد. و ابن ابی داود به اسناد خود از مجاهد رضی الله عنه روایت نمود که مجاهد در ماه رمضان میان مغرب و عشاء یک ختم قرآن می نمود. اما مردمی که قرآن را در یک رکعت ختم می کردند، بی شمارند. از آن جمله است عثمان بن عفان خلیفه سوم و تمیم داری و سعید بن جبیر. و در حقیقت به حسب اشخاص اختلاف پیدا می کند. بنابراین، کسی که از خواندن به تأنی و آهستگی فهم کامل برایش دست می دهد مقداری از قرآن بخواند که به خوبی آنچه را که می خواند فهم کند. و همچنان کسانی که مشغول نشر علم هستند و کسانی که داوری میان مردم و فصل دعاوی دارند و کسانی که مهمات دین و مصالح عامه‌ی مسلمین به عهده دارند، باید اکتفاء کنند به مقداری از قراءت قرآن که برایشان میسر می شود و به وظیفه‌شان خلل نمی‌رساند. اما کسی که از این جمله نیست و کاری از مهمات دین و مصالح مسلمین به عهده ندارد باید کوشش کند که هرچه بیشتر قراءت قرآن داشته باشد، به شرط این که کاری نکند که از شتاب در قراءت به قول عوام و زاور بخواند و نه فهمی از معنی و نه نصیبی از تقوی بیابد که چنین قراءتی مکروه می شود، برای این که مخارج حروف حفظ نمی‌کند و از استفاده‌ی معنوی محروم می‌ماند. و جماعتی از علما ختم قرآن در یک روز و شب را مکروه دانسته اند و حدیث زیر دلالت بر صحت نظر ایشان می‌دهد:

«مَا رَوَيْنَاهُ بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَغَيْرِهِمْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَاصِيِّ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَفْقَهُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ». «قرآن را فهم نکرده است کسی که قرآن را ختم نموده در کمتر از سه روز».

اما وقت ابتدای قراءت قرآن و وقت ختم آن به اختیار خواننده‌ی قرآن است، اگر از جمله کسانی است که قرآن را در یک هفته ختم می‌کند، عثمان رضی الله عنه شب جمعه آغاز قراءت قرآن می‌نمود و در شب پنجشنبه قرآن را ختم می‌نمود. و امام ابو حامد غزالی در کتاب إحياء علوم الدین آورده است که أفضل این است که یک ختم به شب بنماید و یک ختم به روز، ختم روز در روز دوشنبه در دو رکعت نماز فرض صبح قرار بدهد و ختم شب در شب جمعه در دو رکعت نماز فرض مغرب قرار بدهد تا دو ختم را در آغاز و آخر شب و آخر شب و اول روز قرار دهد. و ابن ابی داود از عمرو بن مرة تابعی جلیل رضی الله عنه روایت نموده است که گفت: «كَانُوا يُحِبُّونَ أَنْ يُخْتَمَ الْقُرْآنُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ أَوْ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ». «سلف دوست می‌داشتند که ختم قرآن در اول روز یا اول شب باشد». و ابن ابی داود از طلحه بن مصرف تابعی جلیل روایت نمود که طلحه گفت: کسی که قرآن را ختم کرد در هر ساعتی از

«وَرَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الْإِمَامِ الْمَجْمَعِ عَلَى حِفْظِهِ وَجَلَالَتِهِ وَإِتْقَانِهِ وَبِرَاعَتِهِ أَبِي مُحَمَّدٍ الدَّارِمِيِّ رحمته الله عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ رضي الله عنه قَالَ: إِذَا وَافَقَ خَتَمَ الْقُرْآنَ أَوَّلَ اللَّيْلِ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يَصْبِحَ وَإِنْ وَافَقَ خَتَمَ الْقُرْآنَ آخِرَ اللَّيْلِ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يَمْسَى. قَالَ الدَّارِمِيُّ: هَذَا حَسَنٌ عَنْ سَعْدٍ. يَعْنِي سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَاصٍ فَرَمَدَ: إِنْ خَتَمَ قُرْآنَ مُوَافَقٍ بُوْدَ بِأَوَّلِ شَبِّ مَلَائِكَةٍ بِرَأْسِ دُرُودٍ مِيْ فَرَسْتَنْدُ تَأَوَّلَ رُوزِ، وَ إِنْ خَتَمَ قُرْآنَ مُوَافَقٍ بُوْدَ بِآخِرِ شَبِّ مَلَائِكَةٍ بِرَأْسِ دُرُودٍ مِيْ فَرَسْتَنْدُ تَأَوَّلَ شَبِّ بَعْدُ. دَارِمِيْ كَفَتْ: إِيْنِ كُفْتَارُ أَزْ سَعْدٍ خُوبِ اسْتُ.

بدان که بهترین قرائت قرآن قرائتی است که در نماز باشد و مذهب امام شافعی و افرادی دیگر از علما رحمهم الله تعالی این است که قیام نماز را طولانی کردن به قرائت قرآن بهتر است از طولانی کردن سجود و غیر آن. و اما قرائت قرآن در غیر نماز، پس بهترین آن قرائت قرآن در شب است و نیمه‌ی آخری شب برای قرائت قرآن بهتر است از نیمه‌ی اول شب. و محبوب است قرائت قرآن میان مغرب و عشاء. و اما خواندن قرآن در روز، پس بهترین وقت آن بعد از نماز صبح است، و هیچ وقت قرائت قرآن مکروه نیست، حتی در اوقات مکروه بودن نماز نیز قرائت قرآن کراهتی ندارد. و اما آنچه ابن دبی داود رحمته روایات نموده است از معاذ بن رفاعه رحمته که مشایخ قرائت قرآن بعد از عصر را مکروه می دانسته اند و می گفته اند: قرائت بعد از عصر قرائت یهود است، گفتاری است غیر مقبول و بی پایه که اصلی ندارد، و از بین روزها روزهای جمعه و دوشنبه و پنجشنبه و روز عرفه از اوقات برگزیده محسوب می شود، و روزهای ده گانه‌ای اول ذیحجه و ده روز اخیر ماه مبارک رمضان از اوقات برگزیده برای قرائت قرآن است، و از بین ماهها ماه مبارک رمضان ماه برگزیده برای قرائت قرآن است.

پیش از این گفتیم کسی که به تنهایی قرآن را می‌خواند بهتر است که ختم او در نماز باشد. اما کسی که ختم قرآن را در غیر نماز می‌نماید و جماعتی که جمع می‌شوند برای ختم قرآن، مستحب است که ختم کردن‌شان در اول روز یا اول شب باشد، چنانکه پیش از این گذشت. و مستحب است که روز ختم قرآن روزه باشد، مگر در صورتی که روز ختم قرآن شرعاً روزه رفتن در آن ممنوع باشد،

مثل روز عید و ایام التشریق. و به ثبوت رسیده است از طلحه بن مصرف و المسیب بن رافع و حبیب بن ابی ثابت که هرسه از تابعین و از اهل کوفه بوده اند رحمهم الله اجمعین که روزی که می خواستند در آن روز ختم قرآن نمایند آن روز را روزه می گرفتند. و مستحب است حاضرشدن در مجلس ختم قرآن برای کسی که قرآن می خواند و برای کسی که قراءت قرآن نمی تواند: «فقد رَوَيْنَا فِي الصَّحِيحِينَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ الْحَيَّضَ بِالْخُرُوجِ يَوْمَ الْعِيدِ فَيَشْهَدَنَّ الْخَيْرَ وَدَعْوَةَ الْمُسْلِمِينَ» «رسول الله ﷺ دستور فرمود به بیرون رفتن زنان قاعده از خانه و رفتن به مصلی برای مشاهده ی نماز عید و شنیدن دعای خیر مسلمانان، با این که زنان قاعده نماز نمی خوانند، اما در محل نماز و دعای مسلمین شرکت می کنند تا برکت آن به ایشان هم برسد».

«وَرَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ كَانَ يَجْعَلُ رَجُلًا يَرِاقِبُ رَجُلًا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْتِمَ أَعْلَمَ ابْنَ عَبَّاسٍ ﷺ فَيَشْهَدُ ذَلِكَ». «عبدالله بن عباس ﷺ وقتی می دانست که کسی نزدیک به ختم کردن قرآن است، شخصی را می گماشت تا او را زیر نظر بگیرد تا هروقت دید نزدیک به ختم قرآن رسیده است ابن عباس را خبر کند و در مجلس ختم قرآن و دعای آن شرکت می کرد».

«وَرَوَى ابْنُ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادَيْنِ صَحِيحَيْنِ عَنْ قَتَادَةَ التَّابِعِيِّ الْجَلِيلِ الْإِمَامِ صَاحِبِ أَنْسَ ﷺ كَانَ أَنْسُ بْنُ مَالِكٍ ﷺ إِذَا خَتَمَ الْقُرْآنَ جَمَعَ أَهْلَهُ وَدَعَا». «انس بن مالک ﷺ وقتی که قرآن را ختم می کرد اهل و بستگان خود را جمع می کرد و دعا می نمود برای سلامتی و سعادت خود و بستگان و عموم مسلمانان».

«وَرَوَى بِإِسْنَادٍ صَحِيحَةٍ عَنْ الْحَكَمِ بْنِ عُثَيِّبَةَ التَّابِعِيِّ الْجَلِيلِ الْإِمَامِ قَالَ أُرْسِلُ إِلَيَّ مِنْ مَجَاهِدٍ وَعَبْدَةَ بْنِ أَبِي لُبَابَةَ فَقَالَا: إِنَّا أُرْسِلُنَا إِلَيْكَ لِأَنَّا أَرَدْنَا أَنْ نَخْتِمَ الْقُرْآنَ وَالدَّعَاءُ يَسْتَجَابُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ». «حکم بن عتیبه تابعی جلیل می گوید که مجاهد و عبده بن ابی لبابه کسی را فرستادند نزد من تا پیش ایشان بروم، وقتی که رفتم نزد ایشان فرمودند ما تو را دعوت کردیم که نزد ما بیایی برای این که می خواهیم ختم قرآن نماییم و دعا موقع ختم قرآن مستجاب است»، یعنی تا از این ختم و دعا نصیبی ببری.

«وَفِي بَعْضِ رَوَايَاتِ الصَّحِيحَةِ: وَأَنَّهُ كَانَ يَقَالُ: إِنَّ الرِّحْمَةَ تَنْزِلُ عِنْدَ خَاتِمَةِ الْقُرْآنِ» رحمت نازل می شود موقع ختم قرآن.

«وَرَوَى بِإِسْنَادِهِ الصَّحِيحُ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ: كَانُوا يَجْتَمِعُونَ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ يَقُولُونَ تَنْزِلُ الرِّحْمَةُ» «سلف موقع ختم قرآن اجتماع می نمودند و می گفتند موقع ختم قرآن رحمت خدا نازل می شود».

(فصل) و دعا نزد ختم قرآن مستحب است، استحباب متأكد و شدید، به دلیل آنچه یاد کردیم از احادیث و آثار.

«وَرَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ حَمِيدِ الْأَعْرَجِ رحمته الله قَالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ عَادَ آمَنَ عَلَى دَعَائِهِ أَرْبَعَةَ الْأَلْفِ مَلَكٌ» «کسی که قرآن خواند و بعد از خواندن قرآن دعا کرد چهار هزار فرشته بر دعای او آمین می‌گویند». و شایسته است که در دعا پافشاری نماید و به آن ادامه دهد و دعایی که می‌کند راجع به کارهای مهم و با کلمه‌های پرمغز باشد. و بیشتر آن در امور آخرت و امور مسلمین و صلاح رهبران مسلمین و ولات امورشان و توفیق مسلمین در طاعت خدا و نگهداری‌شان از نافرمانی خدا و در باره‌ی همدستی‌شان در نکوکاری و تقوی و ایستادن به اجرای حق و وحدت کلمه و پیروزی‌شان بر دشمنان دین و همه‌ی مخالفین باشد. امام نووی در کتاب «آداب القراء» دعا‌های مختصر و جامع مقاصد خیر آورده است تا کسی که بخواهد از آن کتاب بگیرد. و مستحب است وقتی که ختمی را به آخر رسانید شروع به قراءت قرآن برای ختم دیگر نماید. سلف صالح همین روش را دوست می‌داشته اند که ختم قرآن متصل به هم باشد. و دلیل‌شان حدیث انس رضی الله عنه است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحُلُّ وَالرَّحْلَةُ، فَيُلِّ وَمَا هُمَا؟ قَالَ افْتِتَاحُ الْقُرْآنِ وَخَتْمُهُ». «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین اعمال ختم قرآن و شروع مجدد برای قراءت قرآن و ختم دیگر است».

(فصل) راجع به کسی که به خواب رفت و حزب قراءت و کار همیشگی خود را در قراءت و ذکر در شب از دست داد:

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ نَامَ عَنْ حَزْبِهِ أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ فِيمَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَصَلَاةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ». «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به خواب رفت از حزب یا از بعضی از آن در شب و آن را میان نماز صبح و نماز ظهر خواند ثواب آن برای او نوشته می‌شود، چنانکه آن را در شب خوانده باشد».

(فصل) در امر به تعهد قرآن و ادای قراءت آن و پرهیزکردن از این که به سبب نخواندن قرآن آنچه از حفظ دارد و می‌داند فراموش کند.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضی الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَفَلُّتًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقْلِيهَا». «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «این قرآن را مورد تعاهد و مواظبت بر قراءت آن قرار دهید، قسم به خدایی که جان محمد در دست اوست، قرآن فراموش کردن و از دست‌دادن آن آسان است، و حفظ آن از فراموشی سخت‌تر است از حفظ

شتر در پای بندش». کسانی که قرآن حفظ کرده و از بر دارند می‌دانند که اگر مدت اندکی بگذرد و تلاوت نکنند به حفظ‌شان لطمه می‌خورد. بنابراین، مداومت بر قراءت قرآن ضرورت دارد.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحَيْهِمَا عَنْ ابْنِ عُمَرَ رضی اللہ عنہ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّمَا مَثَلُ صَاحِبِ الْقُرْآنِ كَمَثَلِ صَاحِبِ الْإِبِلِ الْمُعَقَّلَةِ إِنْ عَاهَدَ عَلَيْهَا أَمْسَكَهَا وَإِنْ أَطْلَقَهَا ذَهَبَتْ». «رسول الله ﷺ فرمود: مثال کسی که قرآن از بر دارد، مثال شترهایی است که پای‌بند بر پاهای آنهاست، اگر صاحبان شترها مواظبت بر آنها کردند و در عقال و پای‌بند نگاه‌شان داشتند، شترهای خود را حفظ می‌کنند و چنانچه شتران را بدون پای‌بند به حال خود رها کردند از دست می‌روند». همچنان حافظان قرآن، اگر همیشه قرآن بخوانند حفظ قرآن در ذهن‌شان می‌ماند، اگر از خواندن قرآن غفلت کردند قرآن از ذهن‌شان بیرن می‌رود.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عُرِضَتْ عَلَيَّ أَجُورُ أُمَّتِي حَتَّى الْقَدَاهُ يُخْرِجُهَا الرَّجُلُ مِنَ الْمَسْجِدِ وَعُرِضَتْ عَلَيَّ ذُنُوبُ أُمَّتِي فَلَمْ أَرْ ذَنْبًا أَعْظَمَ مِنْ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ آيَةٍ أُوتِيَهَا رَجُلٌ ثُمَّ نَسِيَهَا! تَكَلَّمَ التِّرْمِذِيُّ فِيهِ». «رسول الله ﷺ فرمود: نشان من داده شد ثواب‌هایی که به امتم می‌رسد، حتی خار و خاشاکی که شخص از مسجد بیرون می‌برد تا به کسی آزاری نرسد و نشان من داده شد گناهان امتم، ندیدم گناهی بزرگتر از گناه کسی که سوره‌ای از قرآن به او داده شده و فراموش کرد».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَمُسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ عِبَادَةَ رضی اللہ عنہ عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْذَمًا». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که قرآن آموخت پس از آن قرآن خواندن را فراموش کرد، روز قیامت که خدا را ملاقات می‌کند، به صورت شخص مجذوم است که شکل او را قبیح نموده است».

(فصل) در بیان مسایل و آداب‌ی که شایسته‌ی قاری قرآن است به آنها توجه کند.

و این مسایل و آداب خیلی بسیار است، و در این جا قسمتی از آنها را یاد می‌نماییم و دلایل آنها را نمی‌آوریم، برای این که مشهور است و نیازی به آوردن دلایل آنها نیست، و آوردن آن دلایل باعث طولانی شدن و ملال و خستگی است. نخستین چیزی که قاری قرآن به آن امر می‌شود اخلاص و یکرنگی است که قاری باید قصدش از قراءت قرآن به دست‌آوردن رضای خدا باشد و هیچ قصد دیگری نداشته باشد. بنابراین، قاری باید ادب در برابر قرآن داشته باشد و با حضور قلب بخواند و به دل آورد که قصدش مناجات با پروردگار است، و قرآن که می‌خواند طوری بخواند که گویا خدا را می‌بیند، اگر او خدا را نبیند بداند که خدا او را می‌بیند.

(فصل) و شایسته است برای کسی که می‌خواهد قرآن را بخواند این که دهان و دندان را تمیز نگه دارد، و مسواک بهتر است از چوب اراک و خوشبو باشد، و مسواک زدن به چیزهای دیگری که دهان و دندان را پاکیزه کند نیز جایز است، و شستن دهان و دندان به انگشت در آن سه قول است: مشهورترین اقوال به انگشت اگرچه خشن باشد کفایت نمی‌کند. قول دوم کفایت می‌کند. قول سوم چیز دیگر نیست انگشت خشن و زبر کفایت می‌کند، و اگر وسیله‌ی دیگری هست انگشت کفایت نمی‌کند، و مسواک زدن به پهنای دندان و ابتداء از طرف راست دهان باشد، و با مسواک زدن نیت نماید که ادای سنت می‌نماید. بعضی از علما گفته‌اند: موقع مسواک زدن بگوید: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و مسواک می‌زند به ظاهر دندان‌ها و باطن دندان‌ها و بر زبان و سقف حلق به نرمی، اگر دهان به خون پلید شد قراءت قرآن در این حالت مکروه است، اما آیا حرام است با دهان نجس قرآن خواند یا نه؟ قول اصح این است که مکروه است و حرام نیست و این کراهت تحریمی است، اجتناب آن اولی می‌باشد، و این مبحث توضیحی دارد که در فصل‌های اول این کتاب یاد شد و نیاز به تکرار آن نیست. والله أعلم.

(فصل) شایسته است که قاری قرآن را به تدبر و فهم کردن و حضور قلب و خشوع بخواند که مقصود از قراءت همین است و انشراح صدر به آن حاصل می‌شود و دل به آن روشن می‌گردد. و دلایل خواندن با تدبر و فهم و با حال خشوع بیشتر از آن است که به شمار آید و مشهورتر از آن است که یاد شود. و گروهی از سلف در خواندن یک آیه شب را به صبح می‌آوردند. و گروهی موقع شنیدن آیه‌ای طوری در آنان تأثیر کرد که فریاد برآوردند و مردند. و گروهی از تأثیر آیاتی جان سپردند، برای این که با حضور قلب و فهم و خشوع می‌خواندند. و مستحب است گریستن موقع تلاوت قرآن و اگر نتواند بگرید، خود را گریان نشان دهد. برای این که گریستن موقع تلاوت قرآن شعار عباد الله الصالحین است. چنانکه خدای متعال فرمود:

﴿وَيَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ [الإسراء: ۱۰۹]. «و می‌افتند بر روی برای سجود در حالی که گریانند و گریستن بر خشوع‌شان می‌افزاید». امام نووی رحمته الله در کتاب «التبيان في آداب حملة القرآن» بسیاری از آثار صالحان را یاد نموده است.

«قال السيد الجليل صاحب الكرامات والمعارف والمواهب، إبراهيم الخواص رحمته الله: دواء القلب خمسة أشياء: قراءة القرآن بالتدبر. خلاء البطن وقيام الليل والتضرع عند السحر ومجالسة الصالحين». «آقای با شکوه و بزرگوار، صاحب کرامات و مراتب خداشناسی و مواهب الهی،

ابراهیم خواص رحمۃ اللہ علیہ فرمود: دوی دل در پنج چیز است: خواندن قرآن از روی فهم و تدبر و خالی بودن شکم و شبخیزی و نماز تهجد خواندن و تضرع و گریه و زاری در وقت سحر و همنشینی با صالحان».

قرآن وقتی سودمند است که قاری بداند کلام کیست و مقصود او چیست. و آن کسی که قرآن کلام اوست آفریدگار همه و دانا به نهان و آشکار همه و مالک زندگی و مرگ همه و سرنوشت همه در دست اوست. این قرآن که پیام سعادت دو جهان است بر بنده و پیغمبر خاتمش نازل فرمود تا روح پیروان قرآن را به تلاوت آن شاد فرماید و دل‌های قرآن‌خوانان را به نور قرآن روشن گرداند و سراپای وجودشان به محبت خدا و رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم منور گرداند. برای چنین فهمی شکم خالی لازم است تا بتواند ساعت‌ها در قیام و قعود و رکوع و سجود روان خود را بر استقامت استوار سازد. به قول سعدی:

اندرون از طعام خالی دار	تا در آن نور معرفت بینی
تو کجا نور معرفت توانی دید	که پری از طعام تا بینی

و توانایی بر گرسنگی و شکم خالی کسانی دارند که سحرگاه در نماز تهجد به راز و نیاز با پروردگار مشغولند.

شب مردان خدا روز جهان افروز است صالحان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

و به دست آوردن چنین نعمت‌هایی از همنشینی با صالحان به دست می‌آید.

(فصل) خواندن قرآن از رو بهتر از خواندن از حفظ است: برای این که دست‌ها قرآن را حمل می‌نماید و چشم‌ها حروف قرآن را می‌بیند علمای ما چنین فرموده اند، و لیکن باید دانست که اگر با از برخواندن دل در آن بیشتر حاضر می‌شود و فهم و تدبر قراءت بیشتر به دست می‌آید از برخواندن بهتر است، اما اگر از برخواندن و از روخواندن یکسان باشند، از روخواندن بهتر است، و هرچه بیشتر اعضای بدن در طاعت به کار آید، بهتر است. وقتی که انسان به نماز می‌ایستد پاها در طاعت هستند، برای این که بدن را حمل کرده اند. دست‌ها در طاعت هستند، برای این که برای تکبیرة الإحرام بالا رفته اند و یا بر سینه برهم نهاده شده اند. چشم‌ها در طاعت هستند که به سجده‌گاه می‌نگرند. دل در طاعت است که آماده خشوع شده است. اگر نیت را به زبان بیاورد، زبان به گفتن و گوش به شنیدن در طاعت حاضر می‌شوند. بعضی از روی بی‌دانشی می‌گویند: نیت نمی‌خواهد. اولاً حدیث متفق علی صحته و قریب به تواتر: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ». است که می‌رساند هیچ عملی بدون نیت صحیح نیست. دیگر این که موقع نیت دل حاضر می‌شود و استحضار عظمت

خدای تعالی به بار می آورد. و نیت است که عمل را خالص می سازد. و نیت است که مراتب عبادت را از هم جدا می سازد و نیت فرض و نیت سنت و نیت ادا و نیت قضا و نیت منفرد و نیت با جماعت همه به نیت حاصل می شود. اما تکبیرگفتن بدون نیت نه اخلاصی به همراه می آورد نه استحضر عظم خدا فراهم می شود، نه شرمساری از تقصیر در طاعت به یاد می آید. بیچاره مردمی که به سبب بی سوادی از بسیاری از مزایا محروم می گردند.

(فصل) روایات بسیاری آمده است در فضیلت بلندکردن آواز به قراءت قرآن. و روایات بسیاری آمده است به فضیلت آهسته کردن آواز به قراءت قرآن. علما گفته اند راه جمع میان این دو گفتار این است که آهسته خواندن دورتر است از ریا. بنابراین کسی که از ریا می ترسد، آهسته خواندن برای او بهتر است. و کسی که نمی ترسد و می داند که در عملش ریا داخل نمی شود به آواز بلند خواندن برای او بهتر است، به شرط این که بلندخواندنش مایه تشویش نمازگزاری نشود و شخصی را که به خواب است ناآرام نکند. کودکی که در گهواره است بیدار نسازد. بیماری که استراحت نموده راحتش را از بین نبرد. اگر هیچ یک از این مسایل نیست با آواز بلند خواندن قرآن بهتر است، برای این که دیگری می شنود و از قراءت او استفاده می کند. دل قاری را بیدار می سازد و فکرش را جمع می کند. خواب از چشم بیرون می کند و نشاط را می افزاید و دیگری که غافل است به قراءت تشویق می نماید، و هرگاه یکی از این مقاصد باشد خواندن قرآن با آواز بلند بهتر است. و مقصود از آواز بلند آواز به حسب عرف است نه این که مانند مؤذن صدا را بلند کند.

(فصل) و مستحب است قرآن را با آواز خوش خواندن و آواز را به قراءت قرآن زیبانمودن به شرط این که به صورت نغمه خوانی نباشد و زیاد و کم کردن حرفی به بار نیاورد. اما قراءت قرآن به صورت آوازخوانی و کشیدن زیاد حرف و تمطیط و تردید بسیار و به حد افراط حرام است، و در صورتی که به حد افراط نباشد حرام نیست. آواز خوش نعمتی بزرگ است، روح را تغذیه می نماید و شوق عمل به قرآن را در دل ها زنده می گرداند. اما آواز ناخوش به قول سعدی رحمه الله:

گر تو قرآن بدین نمط خوانی | ببری رونق مسلمانی

(فصل) و مستحب است برای قاری قرآن که ارتباط آیات قرآن را از هم قطع نکند، ابتدا قراءت به آیه ای نماید که در آغاز مقصد قرار دارد و پایان قراءت و محل وقف قراءت را در محلی از آیات قرار دهد که با آیات بعدی مرتبط نباشد، و هیچ وقت خود را مقید به اول جزء یا اول حزب ننماید، برای این که چه بسیار آیه ای اول جزء مربوط به آیه های قبلی است، و ابتدا با آن مطالب آیات را از هم قطع می نماید، و قرآن را به سی جزء تقسیم کرده اند تا کسی که می خواهد ماهی یک ختم نماید

هر روز یک جزء بخواند، اما آیه‌های قبل از آن که مربوط به آن است ترک ننماید، و قرآن را به شصت حزب تقسیم کرده اند تا کسی که می‌خواهد در دو ماه یک ختم قرآن نماید هر روز یک حزب بخواند، اما آیه‌های قبلی که مربوط به اول حزب است فراموش نکند، و قرآن را به هفت منزل تقسیم کرده اند تا کسی که می‌خواهد قرآن را در یک هفته ختم نماید هر روز یک منزل بخواند. و هر جزء به چندین رکوع قسمت کرده اند تا در نماز تراویح در هر رکعتی یک رکوع بخواند، و بازهم باید ارتباط آیات را فراموش نکند. و تقسیم به رکوع برای حفظ قرآن است که اگر کسی هر روز یک رکوع حفظ نماید در دو سال قرآن را حفظ می‌کند.

الحاصل، همیشه رعایت معانی آیات و ارتباط جمله‌ها را حفظ نماید و غره نشود که مردم چه می‌کنند. به قول فضیل بن عیاض رحمته: «أَسْلُكُ طَرِيقَ الْهُدَى وَلَا يَضُرُّكَ قَلَّةُ السَّالِكِينَ. وَلَا تَسْلُكُ طَرِيقَ الْغَوَاءِ وَلَا يَغُرُّكَ كَثْرَةُ الْمَالِكِينَ» «راه راست بگیر و زیانی نمی‌بینی از اندکی راست و روان و پرهیز از راه گمراهی و تو را نفریبد بسیاری هلاک‌شوندگان». روی این اصل علما گفته اند: خواندن یک سوره‌ی کامل بهتر است از برابر آن خواندن از سوره‌ی بزرگتر، برای این که ارتباط آیات به همدیگر بر بسیاری از مردم پنهان می‌ماند.

(فصل) از جمله بدعت‌های زشت است عمل بعضی از ائمه‌ی مساجد که در نماز تراویح سوره‌ی انعام را به تمامی در رکعت آخری می‌خوانده اند، به این ادعا که سوره‌ی انعام از اول تا به آخر همراه هم نازل شده است، و در این عمل چند منکر است: یکی عقیده به سنت بودن آن. دوم تطویل رکعت دوم بر رکعت اولی. سوم طولانی‌کردن آن رکعت بر نمازگزاران. چهارم به سرعت خواندن و حق آیات را به جای‌نیاوردن که هرکدام بدعتی است.

(فصل) درست است گفتن سوره‌ی بقره. سوره‌ی آل عمران. سوره‌ی نساء. سوره‌ی عنکبوت و همچنین باقی سوره‌ها و همین معتمد است، و بعضی از سلف می‌گفته‌اند: «السُّورَةُ الَّتِي تُذَكَّرُ فِيهَا الْبَقَرَةُ. السُّورَةُ الَّتِي تُذَكَّرُ فِيهَا النِّسَاءُ» و این قول غیر معتمد است، برای این که قول اولی قول جماهیر علمای مسلمین است از سَلَف و خَلَف. احادیثی که در این خصوص از رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است بیش از آن است که شمرده شود، و همچنین درست است گفتن این که این قراءت ابی عمرو است. این قراءت ابن کثیر است. این قراءت عاصم است، چنانکه عمل سلف و خلق بر آن است بدون انکار آن. و از ابراهیم نخعی رحمته آمده است: «کانوا یکرهون سنة فلان وقراءة فلان». اما مورد اعماد نیست، و صحیح همان گفتار جمهور علما بر جواز آن است.

(فصل) بدان که همه‌ی آداب قراءت و قاری را نمی‌توان در کمتر از چندین جلد آورد، و لیکن قصد ما اشاره بر بعضی از مقاصد پراهمیت آنهاست که در این فصل‌ها مختصر بیان نمودیم. و در فصل‌هایی که در اول کتاب گذشت از آداب ذاکر و قاری و در اذکار نماز جمله‌هایی از آداب متعلق به قراءت قرآن یاد شد، و برای اطلاع بیشتر ارجاع نمودیم به کتاب «التبیان فی آداب حلمة القرآن» کسی که معلوماتی بیشتر در این زمینه بخواهد به آن کتاب مراجعه نماید. و بالله توفیق وهو حسبی ونعم الوکیل: توفیق از خداست و او ست که کفایت‌کننده من است و خدای عزوجل چه خوب کفایت‌کننده و نگهدارنده است.

(فصل) مکروه است که بگوید: نَسِيتُ آيَةَ كَذَا: فراموش کردم فلان آیه را، بلکه بگوید: «أُنْسِيتُ آيَةَ كَذَا. أَوْ كُنْتُ أَسْقَطْتُ آيَةَ كَذَا». به فراموشی افتاده بودم از فلان آیه، یا فلان آیه را انداخته بودم. «وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَقُولُ أَحَدُكُمْ نَسِيتُ آيَةَ كَذَا وَكَذَا بَلْ هُوَ أُنْسِي». «نباید یکی از شما بگوید فراموش کردم آیه‌ی فلانی را، بلکه به فراموشی انداخته شده است از فلان آیه».

و فی رواية فی الصحيحین أيضاً: «بِئْسَمَا لِأَحَدِهِمْ يَقُولُ نَسِيتُ آيَةَ كَيْتٍ وَكَيْتٍ بَلْ هُوَ نُسِيَ». «چه بد چیزی است که یکی از ایشان بگوید: فلان آیه را فراموش کردم، بلکه او به فراموشی انداخته شده است».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِهِمَا عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ فَقَالَ: رَحِمَهُ اللَّهُ لَقَدْ أَذْكَرَنِي آيَةَ كُنْتُ أَسْقَطْتُهَا! وَفِي رَوَايَةٍ فِي الصَّحِيحِ كُنْتُ أُنْسِيتُهَا». «رسول الله ﷺ شنید از مردی که قرآن می‌خواند. آنگاه فرمود: «خدا بیامرزد او را که به یاد من آورد آیه‌ای را که آن را انداخته بودم». و در روایتی در صحیح: از آن به فراموشی افتاده بودم».

(فصل) بدان که قراءت قرآن مؤکدترین اذکار است، چنانکه پیش از این گفتیم. و بنابراین، شایسته است مداومت بر قراءت تا هیچ روز و شبی بدون قراءت قرآن نگذارند، و اصل قراءت حاصل می‌شود به خواندن اندکی از آیات قرآن.

«وَقَدْ رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ قَرَأَ فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَمْسِينَ آيَةً لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِئَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِئَتَيْ آيَةٍ لَمْ يُحَاجِهِ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ قَرَأَ خَمْسِمِئَةَ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارٌ مِنَ الْأَجْرِ». «رسول الله ﷺ

فرمود: کسی که در روز و شبی پنجاه آیه از قرآن را بخواند او از غفلت زدگان نوشته نمی‌شود، و کسی که در روز و شبی یکصد آیه را بخواند او نوشته می‌شود از عبادت کاران، و کسی که دویست آیه را بخواند، قرآن در روز قیامت با او دشمنی نمی‌کند، و کسی که پانصد آیه را بخواند نوشته می‌شود برای او اجر بسیار». و در روایتی: «مَنْ قَرَأَ أَرْبَعِينَ آيَةً! بَدَلَ خَمْسِينَ». «و کسی چهل آیه را خواند به جای پنجاه آیه». و در روایتی: «عَشْرِينَ». «کسی که بیست آیه را خواند از غفلت زدگان نوشته نمی‌شود». و فی روایة: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم: مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: کسی که در روز و شبی ده آیه از قرآن را بخواند از غفلت زدگان نوشته نمی‌شود». و در این باب احادیث بسیار آمده است، مانند همین احادیثی که روایت شد. و روایت احادیث بسیار داریم در باره‌ی کسی که یک سوره را در روز و شبی خواند، از آن جمله است کسی که سوره‌ی یاسین را برای به دست آوردن رضای خدا در روز و شبی خواند گنااهش آمرزیده می‌شود، و در روایتی کسی که سوره‌ی دخان را در شبی بخواند، وقتی که صبح می‌شود گنااهش آمرزیده شده است، و در روایتی از ابن مسعود رضی اللہ عنہ است که گفت: «از رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می‌فرمود: «کسی که سوره‌ی واقعه را در هر شب بخواند دچار فقر و تنگدستی نمی‌شود».

«وَعَنْ جَابِرٍ رضی اللہ عنہ: كَانَ النَّبِيُّ صلی اللہ علیہ وسلم لَا يَنَامُ، كُلَّ لَيْلَةٍ، حَتَّى يَقْرَأَ: ﴿الْم تَنْزِيلُ﴾ و ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم هیچ شبی نمی‌خوابید تا این که اول سوره‌ی الم السجدة و سوره‌ی ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾ را بخواند».

«وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی اللہ عنہ أَنَّ النَّبِيَّ صلی اللہ علیہ وسلم قَالَ: مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ كَانَتْ لَهُ كَعْدِلِ نِصْفِ الْقُرْآنِ وَمَنْ قَرَأَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ كَانَتْ لَهُ كَعْدِلِ رُبْعِ الْقُرْآنِ وَمَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ كَانَتْ لَهُ كَعْدِلِ ثُلُثِ الْقُرْآنِ». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: کسی که سوره‌ی إذا زُلْزِلَتِ را در شبی بخواند برای او برابر قراءت نصف قرآن ثواب است، و کسی که سوره‌ی قل یا ایها الکافرون را بخواند برای او به قدر ثواب قراءت ربع قرآن ثواب نوشته می‌شود، و کسی که سوره‌ی ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را در شبی بخواند به قدر خواندن ثلث قرآن ثواب دارد». و در روایتی دیگر کسی که آیه‌ی الکرسی و سوره‌ی غافر (المؤمن) را بخواند در آن روز از هر بدی نگه داشته می‌شود، و احادیث در باره‌ی آنچه یاد کردیم بسیار است و اشاره به مقاصد آنها نمودیم. و خدای متعال داناتر است به آنچه صواب و درست است و برای اوست ستایش‌ها و به فضل او حاصل می‌شود توفیق بر طاعت و دوری از معصیت.

«کتاب حمد الله تعالى»

کتابی است در بیان ستایش خدای تعالی گفتن

قال الله تعالى: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا﴾ [الإسراء: ۱۱۱]. «و بگو (ای رسول خدا) همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که برای خود فرزندی را قرار نداد». وقال تعالى: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ [ابراهيم: ۷]. «اگر سپاس نعمت‌های پرورگارتان را به جا آوردید، زیاد می‌نمایم نعمت‌هایم را برای شما». وقال تعالى: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ﴾ [البقرة: ۱۵۲]. «مرا یاد کنید تا شما را یاد نمایم و سپاس نعمت‌هایم را به جا آورید و ناسپاسی نکنید».

و آیات قرآن که امر می‌فرماید به حمد و ستایش و شکر و سپاس خدا و بیان می‌فرماید فضل و ثواب آنها بسیار است و همه معروف و شناخته شده است.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَهٍ وَمُسْنَدِ أَبِي عَوَانَةَ الْأَسْفَرَاينِيِّ الْمَخْرَجِ عَلَى صَحِيحِ مُسْلِمٍ رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَقْطَعُ». «رسول الله ﷺ فرمود: هر کار با اهمیتی که آغاز آن حمد و ستایش خدا گفته نشود آن کار از هر خیر و برکتی بریده شده است». وفي رواية: «بِحَمْدِ اللَّهِ!». وفي رواية: بِالْحَمْدِ فَهُوَ أَقْطَعُ!». وفي رواية: كُلُّ كَلَامٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَجْذَمُ». «هر سخنی که آغاز آن به الحمد لله شروع نشود آن کار خوره‌خورده و بی‌برکت است». وفي رواية: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَهُوَ أَقْطَعُ». «هر کار مهمی که آغاز آن به بسم الله الرحمن الرحيم نباشد هیچ خیر و برکتی ندارد».

ما روایت الفاظ این احادیث که یاد شدند همه از کتاب اربعین حافظ عبدالقادر رهاوی نقل نموده‌ایم، و این روایات موصول آمده با ذکر صحابی و مرسل آمده بدون ذکر صحابی. و روایت موصول آن اسنادش خوب است، و قاعده است وقتی که حدیثی موصول و مرسل روایت شد حکم برای روایت موصول است نزد جمهور علماء برای این که موصول زیاده‌الثقه است و آن نزد جماهیر علماء مقبول است، و معنی امر ذی بال یعنی حالتی دارد که به آن اهمیت داده می‌شود. و معنی أقطع: ناقص و قلیل البركة. وأجذم: هم به همین معنی است. علما فرموده اند: مستحب است که هر طالب و هر مدرس و هر خطیب و هر مخاطب یعنی خواستگاری‌کننده‌ی زن و هر مصنف کتاب پیش از هر کار

مهمی بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين را بگویند. امام شافعی رحمته الله فرمود: دوست می‌دارم که هر شخص در جلو خطبه‌اش و هر کاری که می‌طلبد حمد خدای تعالی و ثناء بر ذات پر عظمت او و درود و سلام بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و آل و اصحابش را مقدم بدارد.

(فصل) بدان که بسم الله الرحمن الرحيم و حمد و ثنای پروردگار عظیم در ابتدای هر کار مهم مستحب است، چنانکه بیان شد و همچنان بعد از فراغت از خوراک و آشامیدن آب و بعد عطسه و موقع خواستگاری زن و موقع همبستری و موقع عقد نکاح و بعد از بیرون آمدن از مستراح در همه‌ی این احوال حمد پروردگار مستحب است، و بیان این مسایل هرکدام در باب مخصوص آن با ذکر دلایل آن و تفریع مسایل آن می‌آید إن شاء الله تعالی. و مستحب است در ابتدای کتاب‌هایی که تألیف می‌شود و در ابتدای تدریس مدرسين و ابتدای قراءت طلاب ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ و حمد و ستایش پروردگار باشد، خواه قراءت و درس تفسیر یا حدیث یا فقه باشد یا غیر این‌ها، و بهترین عبارت حمد در همه‌ی آنچه بیان شد کلمه‌ی ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ است.

(فصل) حمد خدای متعال رکن است در خطبه‌ی جمعه و غیر آن، و خطبه صحیح نمی‌شود، مگر به حمد خدای تعالی و صلوات و سلام بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و وصیت به تقوی در هردو خطبه و قراءت آیه‌ای از قرآن در یکی از دو خطبه و دعا برای مؤمنین و مؤمنات در خطبه‌ی دوم. و کسانی که می‌خواهند وعظ را به فارسی بخوانند بعد از فراغت از وعظ خطبه را مختصر و کامل به عربی نیز بخوانند، و به دنبال آن نماز جمعه شروع کنند که اکتفا به خطبه‌ی فارسی در جمعه و کسوف و خسوف و استسقاء صحیح نمی‌شود، و اقل واجب در حمد الحمد لله است و بهتر است زیادکردن ثناء. و تفصیل این مسائل در کتب فقه است، و در کتاب «لب الباب» تألیف بنده به تفصیل یاد شده است.

(فصل) مستحب است که هر دعا به حمد خدا پایان داده شود، چنانکه خدای تعالی فرمود: ﴿وَعَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ «و پایان دعای‌شان ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ است». و دلیل آغاز دعا به حمد خدای تعالی از حدیث در کتاب الصلاة می‌آید إن شاء الله تعالی. و در حدیث صحیح می‌آید به این معنی: خدا از بنده راضی می‌شود که اگر خوراک خورد حمد خدا گوید و اگر آب آشامید حمد خدا گوید. و موقعی که آغاز و پایان هرکار حمد خدای متعال بود، حمد خدا قبول می‌شود و میان دو حمد نیز إن شاء الله قبول می‌شود.

الحاصل، هر کلام از خطبه و غیر آن باید سرآغاز آن بسم الله و حمد الله و الصلاة و السلام علی

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و پایان آن نیز بسم الله و الحمد لله و صلاة و سلام بر رسول و آل و اصحابش باشد.

(فصل) مستحب است حمد خدا موقع حصول هر نعمتی و موقع دفع شدن هر نعمت و بلائی، خواه حصول نعمت و دفع بلا برای او یا دوستش یا برای مسلمین باشد.

در صحیح مسلم از ابو هریره رضی الله عنه روایت داریم که در شب اسراء و معراج دو کاسه برای رسول الله صلی الله علیه و آله آورده شد: یکی خمر داشت، یکی شیر. رسول الله صلی الله علیه و آله کاسه‌ی شیر را اختیار نمود، جبرئیل فرمود: ستایش خدای را که تو را هدایت به فطرت فرمود، اگر کاسه‌ی خمر گرفته بودی امت گمراه می‌شد.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِذَا مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ لِلْمَلَائِكَةِ: أَقْبَضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ. فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَقْبَضْتُمْ ثَمَرَةَ قَلْبِهِ؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ. فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: مَاذَا قَالَ؟ فَيَقُولُونَ: حَمْدُكَ وَاسْتَرْجَع، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَسَمُّوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ». قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ. وَالْأَحَادِيثُ فِي فَضْلِ الْحَمْدِ كَثِيرَةٌ مَشْهُورَةٌ وَقَدْ سَبَقَ فِي أَوَّلِ الْكِتَابِ جُمْلَةٌ مِنَ الْأَحَادِيثِ الصَّحِيحَةِ فِي فَضْلِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَنَحْوِ ذَلِكَ». تفسير حدیث: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «وقتی که فرزند بنده‌ای درگذشت، خدای متعال به ملائکه اش می‌فرماید: جان فرزند بنده ام را گرفتید؟ ملائکه می‌گویند: آری، جان فرزنده بنده‌ات را گرفتیم. می‌فرماید: جان جگرگوشه‌اش را ستانیدید؟ ملائکه می‌گویند: بله، جان جگرگوشه‌ی بنده‌ات را گرفتیم. پروردگار می‌فرماید: بنده ام چه گفت؟ ملائکه می‌گویند: حمد و ستایش تو گفت و گفت: إنا لله وإنا إليه راجعون. پروردگار می‌فرماید: خانه‌ای برای بنده‌ام در بهشت بسازید و آن را بیت الحمد بنامید». و در اول کتاب جمله‌ای از احادیث صحیح در فضل گفتن: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ و مانند آن آورده شد».

(فصل) متأخیرن از علمای خراسانی ما فرموده اند: اگر کسی قسم بخورد که خدا را ستایش می‌کند به باشکوه‌ترین ستایش، طریقه‌ی به جا آوردن قسمش این است که بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُؤَافِي نِعْمَهُ وَيُكَافِي مَزِيدَهُ» همه‌ی ستایش برای خدای یکتاست، ستایشی که نعمت‌های خدا را ملاقات نماید و حمد آن نعمت‌ها با آن ستایش حاصل شود، و ستایشی که شکر آنچه را که زیاد فرمود از نعمت‌ها و از احسان‌های بی‌شمار او بگذارد. بنابراین، معنی «يُؤَافِي نِعْمَهُ: يُؤَافِي نِعْمَهُ فَتَحْصُلُ مَعَهُ. و معنی يُكَافِي مَزِيدَهُ: يَقُومُ بِشُكْرِ مَا زَادَهُ مِنَ النِّعَمِ».

همین علما گفتند که اگر کسی قسم خورد: «لَيْثِيْنَنَّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَحْسَنَ الثَّنَاءِ» که بهترین ثنا و

ستایش خدای تعالی را انجام دهد، راه بیرون آمدنش از قسمش این است که بگوید: «لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ. زَادَ بَعْضُهُمْ فِي آخِرِهِ: فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى» من نمی‌توانم ثنا و ستایش تو را آن چنانکه شایسته‌ی عظمت توست به جا آورم، ثنای تو آنچنان است که خودت ثنای خود را گفתי و برای تو ستایش است تا تو راضی شوی.

و ابوسعید متولی صورت مسأله برای کسی که قسم یاد کرد که خدا را به بهترین ثنا بستاید کلمه‌ی «سُبْحَانَكَ» را در اول ثنا اضافه کرد، به این صورت که بگوید: «سُبْحَانَكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى: من تنزیه و تسبیح تو می‌گویم، نتوانم ثنای تو را آنچنانکه شایسته‌ی عظمت توست به جا آورم، ثنای تو همان است که خودت ثنای خودت فرمودی.

«کتاب الصلاة على رسول الله ﷺ»

کتابی است در بیان صلوات و سلام فرستادن بر رسول الله ﷺ

قال الله تعالى: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶]. «حقیقت این است که خدا و فرشتگانش درود می‌فرستند بر پیغمبرش، خاتم النبیین، ای مردمی که ایمان آورده اید! درود بفرستید و سلام بفرستید سلامی که شایسته‌ی او باشد». و حدیث‌هایی که در خصوص فضل صلوات بر رسول الله ﷺ است و احادیثی که امر به صلوات فرستادن بر رسول الله ﷺ می‌کند بیشتر از آن است که به شمار آید، و در این جا اشاره به چند حدیث از آنها می‌نمایم تا دلالت دهد بر خیر آن و برای برکت یافتن کتاب از صلوات و سلام فرستادن بر خاتم النبیین علیه أفضل الصلاة وأتم التسليم.

«رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رضی الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ صَلَّى عَلَى صَلَاةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا». «کسی که یک بار بر من درود بفرستد خدا ده بار بر او صلوات فرستد».

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضًا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ صَلَّى عَلَى صَلَاةٍ وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا». «کسی که درود فرستد بر من یک بار خدا درود فرستد بر او ده بار».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَوَّلُ النَّاسِ بِیَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَى صَلَاةٍ». قال التِّرْمِذِيُّ: حديث حسن. «رسول الله ﷺ فرمود: نزدیکترین مردم در روز قیامت به من کسی است که بیشتر درود فرستد بر من».

ترمذی گفته است و در این باب (فضل صلوات فرستادن بر رسول الله ﷺ) احادیثی است به روایت عبدالرحمن بن عوف و عامر بن ربیع و عمار و ابی طلحة و انس و ابی بن کعب رضی الله عنهم.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ وَابْنِ مَاجَهٍ بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحَةِ عَنْ أُوَيْسِ بْنِ أُوَيْسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَكْثَرُوا عَلَى مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ! فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ تَعْرِضُ صَلَاتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرَمْتَ، قَالَ: يَقُولُ: بَلَيْتَ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ». «رسول الله ﷺ فرمود: از بهترین روزهای شما روز جمعه است، در روز جمعه بسیار درود و صلوات بر من بفرستید که درود فرستادن تان به من می رسد گفتند: یا رسول الله! درود ما به شما می رسد در حالی که جسدت پوسیده شده است. فرمود: «خدا بر زمین حرام فرمود که اجسام انبیا را پوسیده سازد». یعنی جسد انبیا نمی پوسد و انبیا علیهم السلام در قبرهایشان زنده هستند.

«قُلْتُ: أَرَمْتَ بفتح همزة وراء وسكون ميم وفتح تاء المخففة. قال الخطَّابِيُّ: أَرَمْتَ: أَصْلُهُ أَرَمْتَ، يَكُنَى مِنْ دُو مِيمٍ حَذَفَ شِدَّةُ وَابْنُ لُغْتٍ بَعْضِي مِنْ عَرَبٍ اسْت، چنانکه گفته اند: ظَلَمْتُ: ظَلَلْتُ. و نظایر بسیار دارد. و غیر خطابی گفت: أَرَمْتُ: به فتح راء و به تشدید میم و سکون تاء، یعنی أَرَمْتُ الْعِظَامُ: استخوانها پوسیده شد، و اقوال دیگری در آن هست. والله أعلم.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ فِي آخِرِ كِتَابِ الْحَجِّ فِي بَابِ زِيَارَةِ الْقُبُولِ بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَلَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عِيدًا وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ». «قبر مرا عید مسازید، یعنی این که فقط نزد قبرم صلوات بر من فرستید، و من بر صلوات فرستید، زیرا که صلوات شما به من می رسد هر جا که باشید».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ أَيْضاً بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَيْضاً أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتَّى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ». «و باز هم در سنن ابی داود روایت داریم به اسناد صحیح از ابی هریره رضي الله عنه که رسول الله ﷺ فرمود: هر کسی که سلام بر من فرستد خداوند روحم را برمی گرداند تا جواب سلامش را بگویم».

«باب أَمْرُ مَنْ ذَكَرَ عِنْدَهُ النَّبِيُّ ﷺ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَالتَّسْلِيمِ»

بابی است در بیان این که هرکسی که نام پیغمبر ﷺ نزد او برده شد امر شده به او که صلوات و سلام بر رسول الله ﷺ بفرستد

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ». قال الترمذي: حديث حسن. «رسول الله ﷺ فرمود: به خاک مالیده شد بینی کسی که نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ يَأْسِنَادٌ جَيِّدٌ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلْيُصَلِّ عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً، صَلَّى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ عَشْرًا». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که نام من نزد او برده شد درود بر من بفرستد، برای این که هرکسی که یک بار درود بر من بفرستد خدا ده بار درود بر او می‌فرستد».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ يَأْسِنَادٌ ضَعِيفٌ عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ فَقَدْ شَقِيَ». «رسول الله ﷺ فرمود: کسی که نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد در حقیقت بدبخت شده است».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْبَخِيلُ مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ». قال الترمذي: حديث حسن صحيح. «رسول الله ﷺ فرمود: «بخیل کسی است که نام من نزد او برده شود و درود بر من نفرستد».

امام ابو عیسی ترمذی نزد این حدیث گفته است که از بعضی از اهل علم روایت می‌شود که وقتی که شخصی در مجلسی یک بار درود بر رسول الله ﷺ فرستاد تا مادامی که در آن مجلس است همان یک بار درود فرستادنش کافی است. این فرموده‌ی بعضی از اهل علم، احتمال دارد که در یک مجلس یک بار درود فرستادن کافی باشد، و نفرموده است که اگر نام رسول الله ﷺ به تکرار یاد شد بیش از یک بار نمی‌خواهد، برای این که در احادیث متعدد استحباب درود فرستادن بر رسول الله ﷺ در هر باری است که نام شریف ایشان یاد شود، و احتیاط این است که با هر بار شنیدن نام مبارک ایشان درود و سلام نثار ایشان شود. والله أعلم.

«باب صفة الصلاة على رسول الله ﷺ»

بابی است در بیان چگونگی درودفرستادن بر رسول الله ﷺ

پیش از این در کتاب «أذکار الصلاة» یاد کردیم که درود به چه لفظی باشد، و اکمل صلوات و اقل صلوات هم آوردیم.

موقعی که از رسول الله ﷺ سؤال نمودند و گفتند: یا رسول الله! خدا به ما امر فرمود تا درود بر تو بفرستیم، چگونه درود بر تو فرستیم؟ فرمود:

«قولوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». «بگویند خدایا! درود بفرست بر محمد و بر آل محمد، چنانکه درود فرستادی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم، و برکت ببنداز بر محمد و بر آل محمد، چنانکه برکت انداختی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم. در حقیقت بین همه‌ی جهانیان تو ستوده شده و به تعظیم یا شده‌ای. حمد و تعظیم تو بر زبان همه‌ی کائنات جاری است».

وقتی که از خود حضرت رسول الله ﷺ به این لفظ وارد شده است، رعایت ادب با رسول الله ﷺ و تعظیم پیروی از ایشان این است که لفظ آن زیاد و کم نشود. ببینید امام در باره‌ی کلمه‌ی «وَأَرْحَمُ مُحَمَّدًا». چه می‌فرماید:

امام نووی می‌فرماید: اما آنچه بعضی از علمای مذهب ما و ابن ابی زید مالکی گفته‌اند که زیادشدن کلمه‌ی «وَأَرْحَمُ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ» مستحب است، این بدعتی است که هیچ پایه‌ای ندارد، و امام ابوبکر ابن العربی مبالغه فرموده است در شرح ترمذی بر انکار زیادکردن آن کلمه (وَأَرْحَمُ مُحَمَّدًا) و فرموده است کسی که این زیاده را بیاورد نادان است، فرمود برای این که خود رسول الله ﷺ به ما آموخته است که درود برایشان به چه لفظی بگوییم. بنابراین، زیادکردن در آن، نسبت قصور دادن به مقام رسالت است، و استدلال بر این که جناب رسول الله ﷺ در تعلیم ما کوتاهی کرده است، با این حال هیچ شکی نیست که محافظت بر لفظ وارد از حضرت ختمی مرتبت عین صواب است و عدول از آن یا زیاد و کم کردن در آن به هیچ وجه مقرون به صواب نیست، اما با این حال بعضی از حفاظ خود رساله‌ای در انتخاب صلوات بر سید المرسلین دارند، و باید دانست که ایشان در تشهد نماز هیچ وقت بر لفظ وارد چیزی نمی‌افزایند و در آن تغییری نمی‌دهند، و گویا فکر

کرده اند که در غیر نماز می شود الفاظی را انتخاب نمود، اما طریقه‌ی ما همان است که عرض کردیم که اکمل صلوات و احب صلوات همان است که در تشهد نماز گفته می شود. والله أعلم.

(فصل) وقتی کسی درود بر رسول الله ﷺ می فرستد باید جمع نماید میان صلاة و سلام و اکثفا نکند بر صلاة تنها، مثل «صلی الله علی محمد» و نه هم بر سلام تنها، مثل علیه السلام، بلکه صلاة و سلام هر دو بیاورد، مثل: رسول الله ﷺ.

(فصل) مستحب است برای کسی که حدیث می خواند یا غیر حدیث از آنچه در معنی حدیث است، آن که هرگاه نام رسول الله ﷺ برده شد به آواز بلند صلوات و سلام برایشان بفرستد، اما در بلندکردن آواز به صلاة و سلام حد اعتدال را نگه دارد. از جمله علمایی که تصریح کرده اند بر بلندکردن آواز به صلوات و سلام: امام ابوبکر خطیب بغدادی و علمای دیگر است. امام نووی می فرماید: من این مطلب را به علوم حدیث نقل کرده ام. و علمای مذهب ما صریحاً فرموده اند که بعد از لبیک گفتن در حج و عمره آواز را برای فرستادن صلوات و سلام نیز بلند کنند، چنانکه لبیک گفتن را نیز به آواز بلند می گوید: والله أعلم.

«باب استفتاح الدعاء بالحمد لله والصلاة على النبي ﷺ»

بابی است در بیان این که آغاز دعا را به حمد و ستایش خدای متعال و درود و سلام بر پیامبر ﷺ بگشاید

«رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ: عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَجُلًا يَدْعُو فِي صَلَاتِهِ، لَمْ يُمَجِّدْ اللَّهَ تَعَالَى، وَلَمْ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَجَلْ هَذَا! ثُمَّ دَعَاهُ، فَقَالَ لَهُ أَوْ لِعَبْرَةٍ: إِذَا صَلَّي أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَمْجِيدِ رَبِّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ، ثُمَّ لِيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، ثُمَّ لِيَدْعُ بَعْدَ بَمَا شَاءَ». قال الترمذی: حدیث حسن صحیح. «رسول الله ﷺ دعای مردی را شنید که در دعا نه ثنا و ستایش پروردگارش سبحانه و تعالی را به جا آورد، و نه درود و سلام بر رسول الله ﷺ فرستاد. فرمود: این مرد شتاب کرد آنگاه او را به سوی خود خواند و به او و یا به دیگری فرمود: هرگاه یکی از شما خواست دعا بکند اول تعظیم و ثنای پروردگارش سبحانه و تعالی را به جا آورد و سپس درود و سلام بر پیغمبر بفرستد و سپس دعا کند به آنچه می خواهد خدا به او بدهد».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضي الله عنه قَالَ: إِنَّ الدَّعَاءَ مَوْقُوفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْهُ شَيْءٌ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى نَبِيِّكَ ﷺ». «عمر بن الخطاب رضي الله عنه فرمود: دعا موقوف است میان آسمان و زمین، چیزی از آن به آسمان صعود نمی‌کند تا این که درود و سلام بر پیغمبرت ﷺ بفرستد».

امام نووی رحمته الله فرمود: اجماع علما بر مستحب بودن شروع دعا به حمد و ثنای خدای متعال و درود و سلام بر پیغمبر است، و همچنان ختم دعا به حمد و ثنای خدای متعال و درود و سلام بر پیغمبر است، و احادیث و آثار در این باب بسیار و معروف است. والله أعلم.

و معلوم است که هر جا صلواتی بر رسول الله ﷺ وارد شده است صلوات بر آل اطهار نیز با آن آمده است.

«باب الصلاة على الأنبياء وآلهم تبعاً لهم صلى الله عليهم وسلم» بابی است در بیان درودفرستادن بر پیغمبران و بر آل‌شان به تبعیت از ایشان درود و سلام خدا برایشان باد

اجماع علما بر درودفرستادن بر پیغمبر ما محمد ﷺ است، و همچنین کسانی که اعتنا به سخن‌شان می‌شود اجماع نموده‌اند بر درست بودن و مستحب بودن صلوات بر همه‌ی پیغمبران و بر ملائکه به طور جداگانه و بدون تبعیت از دیگری و اما غیر انبیا جمهور علما بر آنند که صلوات به طور جداگانه بر آنان فرستاده نمی‌شود و گفته نمی‌شود: ابوبکر رضي الله عنه. و در منع صلوات به طور جداگانه بر غیر انبیا اختلاف است که آیا حرام است یا مکروه است؟ بعضی از علمای ما گفته‌اند صلوات بر غیر انبیا حرام است، و بیشتر علما بر آنند که صلوات بر غیر انبیا مکروه است، کراهت تنزیهی، برای این که صلوات بر غیر انبیا شعار اهل بدعت است و ما منع شده ایم از پیروی از شعار اهل بدعت. و مکروه عبارت از هرکاری است که منعی مقصود در آن آمده باشد، مثل مکروه بودن شستن هر عضوی از اعضای وضو بیش از سه بار. و مکروه هم بر دو قسم است: مکروه تنزیهی، مثل صلوات بر غیر انبیا و دست تکان دادن در وضو تا آب وضو از اعضا بریزد، و مکروه تحریمی که ممکن است به حرام بکشد، مثل خوردن از مال کسی که ما حرام و حلال او به قدر هم است تا به آنجا نکشد که از خوردن مال کسی که همه‌ی مالش حرام است پروا نکند. و مثل نظرکردن به بالای

زانوی مرد بیگانه تا به آنجا نکشد که از نظر به جلو و پشت او پروا نکنند. و حرام وقتی است که ضرر به دین برساند، مثل کلمه‌ی کفر یا ضرر به شرف برساند، مثل دشنام به زن و یا ضرر به عقل برساند، مثل شرب خمر یا ضرر به نسل برساند، مثل زنا و یا ضرر به مال برساند، مثل دزدی یا ضرر به نفس برساند، مثل قتل.

الحاصل: علمای ما گفته اند که صلوات در زبان سلف مخصوص شده است به انبیا صلوات الله وسلامه علیهم، چنانکه کلمه‌ی عزوجل اختصاص به خدای سبحانه و تعالی دارد، پس همانگونه که گفته نمی‌شود: محمد ﷺ، اگرچه محمد عزیز و جلیل و باشکوه است. همانگونه هم گفته نمی‌شود: ابوبکر یا علی اگرچه معنایش صحیح است. و علما اتفاق دارند که صلوات بر غیر از انبیا جایز است به تبعیت انبیا، چنانکه اللهم صل علی محمد وآله وصحبه و أزواجه وذریته و أتباعه جایز است، به دلیل حدیث‌های صحیحی که در این خصوص آمده است. و در تشهد نماز به آن مأمور شده ایم و سلف صالح در خارج از نماز هم صلوات بر آل و اصحاب و ازواج و ذریه و اتباع جایز دانسته اند. و اما معنای سلام، شیخ ابو محمد جوینی از علمای مذهب ما فرموده است که سلام در معنی صلوات است و برای غایب استعمال نمی‌شود و برای غیر انبیا گفته نمی‌شود و برای ابوبکر مثلاً گفته نمی‌شود: السلام و در این مسأله اموات و احیا فرق نمی‌کند، اما بر شخص حاضر گفته می‌شود: سلام علیک یا سلام علیکم یا السلام علیک یا السلام علیکم و این موضوعی است که اجماع علما بر آن است و در ابوابی که تعلق به این موضوع دارد آورده می‌شود، إن شاء الله تعالی.

(فصل) مستحب است تَرْضٰی و تَرْحُم بر صحابه و تابعین و کسانی که بعد از ایشان آمده اند از علما و دانشمندان و عباد و دیگر بزرگان که گفته می‌شود ﷺ یا ﷺ و مانند این. و اما قولی که بعضی از علما بر آنند که ﷺ اختصاص به صحابه دارد و برای غیر از آنان فقط گفته می‌شود ﷺ، آنچنان نیست که گفته اند و با ایشان موافقت نمی‌شود، و ﷺ و ﷺ برای غیر صحابه نیز گفته می‌شود. اگر شخص خودش و پدرش هردو صحابی باشند مثل ابن عباس، ابن جعفر، ابن الزبیر، و اسامه بن زید و مانند آنان گفته می‌شود ﷺ تا رضایت خدا شامل خودش و پدرش هردو بشود.

(فصل) و اگر گفته بشود که هر وقتی که ذکر لقمان یا مریم شد، آیا باید صلوات برایشان فرستاد، مثل انبیا یا بر آنان تَرْضٰی شود، مثل صحابه و اولیا یا این که گفته شود علیهما السلام؟ جواب این سوال این است که جماهیر علما بر آنند که این دو پیغمبر نبوده اند، و کسی که گفته است پیغمبر بوده اند شاذ است و التفاتی به گفته‌ی او نمی‌شود و به گفتارش اهمیتی داده نمی‌شود. نووی

می‌فرماید که این مطلب را در کتاب «تهذیب الأسماء واللغات» آورده‌ام. بعضی از علما در باره‌ی لقمان و مریم سخنی گفته‌اند که از آن دانسته می‌شود که گفته می‌شود: لقمان صلی الله علی الأنبياء وعلیه وسلم ویا مریم صلی الله علی الأنبياء وعلیها وسلم. برای این که مقام‌شان از مقام انبیاء کمتر است، و از مقام کسانی که در باره‌شان گفته می‌شود ﷺ بالاتر است، به سبب این که در قرآن دلیل بالابردن مقام‌شان وجود دارد. نووی می‌فرماید: آنچه من به آن عقیده دارم این است که باکی ندارد که گفتن ﷺ در باره‌ی لقمان و مریم ارجح است، برای این که کلمه‌ی ﷺ برای کسی است که پیغمبر نباشد و پیغمبر بودن لقمان و مریم به ثبوت نرسیده است. امام الحرمین نقل فرموده است که اجماع علما بر این است که مریم پیغمبر نیست و این را در کتاب ارشاد نوشته است، اگر وقتی برای لقمان یا مریم ﷺ یا علیها السلام گفته شود باکی ندارد. والله أعلم.

«کتاب الأذکار والدعوات للأُمور العارضات»

کتابی است در بیان اذکار و ادعیه‌ی مربوط به امور عارضی

بدان که هرچه در باب‌های قبلی گفتیم در هر روز و شبی تکرار می‌شود بنابراینچه یاد شد، و آنچه در این جا یاد می‌کنیم اذکار و دعواتی است که در اوقات به سبب‌های عارضی گفته می‌شوند، و روی این اصل در بین آنها ترتیب نمی‌خواهد.

«باب دعاء الإستخارة»

بابی است در بیان دعای استخاره

«رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُعَلِّمُنَا الْإِسْتِخَارَةَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا كَالسُّورَةِ مِنَ الْقُرْآنِ يَقُولُ: إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ لِيَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - أَوْ قَالَ عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاقْدُرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي

دینی وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةُ أَمْرِي - أَوْ قَالَ فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ، وَأَقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ أَرْضِنِي - قَالَ - وَيُسَمَّى حَاجَتَهُ». «رسول الله ﷺ استخاره و طلب خیراندیشی را به ما آموخت، آنچنانکه سورهی قرآن را به ما آموخت، (برای این که دین مبین اسلام از این امت می خواهد که در همه ی امور خود روی دل را خود متوجه درگاه خدا سازند و همه کارهای خود را به مدد او رو به راه نماییم) رسول الله ﷺ می فرمود: «هرگاه یکی از شما قصد کاری نمود دو رکعت نماز بخواند، غیر از نماز فرض، خواه دو رکعت به نیت نماز سنت استخاره یا هر سنتی دیگر، مثل سنت وضو، تحیت مسجد، نماز ضحی، قبله یا بعدیهی فرض باشد، دو رکعت نماز بخواند آنگاه بگوید: خدایا طلب خیریت می نمایم از تو به علمت (که تو همه چیز می دانی و خیریت حالم را در این کاری که قصد آن نموده ام و نام کار خود را ببرد) و طلب توانایی می نمایم بر آن به مدد و قدرت و تواناییات و از فضل عظیم تو می خواهم توفیق بر خیر در حاجاتم، برای این که تو می توانی و من نمی توانم و تو می دانی و من نمی دانم و تو دانایی به پنهانی ها. خدایا اگر تو می دانی که این کار - که قصد آن را دارم - بهتر است و خیریت کارم در آن است و خیر دین و زندگی و عاقبت و حال و آیندهی کارم در آن است، پس آن را برایم مقدر کن و برکت ببنداز در آن، و اگر می دانی که این کار قصد آن را دارم شر است برایم در دینم و زندگی و عاقبت کارم در حال حاضر و آینده ام پس آن را میسر مفرما و مرا از آن روگردان بساز تا دنبال کاری نروم که خیریت حالم در آن نیست. و آنجا که خیر حالم در آن است برایم مقدر فرما و مرا به آن خشنود گردان». و صلی الله وسلم علی سیدنا محمد وآله وصحبه والتابعین وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

علما فرموده اند مستحب است طلب خیراندیشی در کار خود به نماز دو رکعت و دعایی که یاد شد، و این دو رکعت نماز سنت است، و ظاهر این است که این دو رکعت حاصل می شود به دو رکعت قبله و بعدیهی فرض و به تحیت مسجد و غیر از آنها از نمازهای سنت نوافل، و دو رکعت اولی سورهی فاتحه و قل یا ایها الکافرون می خواند، و در رکعت دوم فاتحه و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ می خواند، اگر نماز برایش میسر نبود استخاره به همین دعا نماید، و مستحب است افتتاح آن دعا به حمد و ستایش خدا و صلوات و سلام بر رسول الله ﷺ. پس از آن باید دانست که استخاره مستحب است در همه ی کارها، چنانکه نص حدیث بر آن دلالت داد، و موقعی که استخاره نمود بعد از استخاره هرکاری که دلش با آن شاد شد انجام دهد. والله أعلم.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ التِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُ عَنْ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا أَرَادَ الْأَمْرَ قَالَ: اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَاخْتَرْ لِي». «رسول الله ﷺ هرگاه قصد کاری می نمودند می فرمود: «خدایا خیریت حالم و آنچه در آن خیریت احوال من است برایم میسر فرما».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَنَسُ، إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَاسْتَخِرْ رَبَّكَ فِيهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ أَنْظِرْ إِلَى الَّذِي سَبَقَ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنَّ الْخَيْرَ فِيهِ». إسناده غريب، فيه من لا أعرفهم.

«رسول الله ﷺ به انس فرمود: «ای انس وقتی که قصد کاری نمودی هفت بار از پروردگارت خیر آن را بخواه، سپس بین کدام چیز در دلت سبقت می‌گیرد، انجام‌دادن یا ندادن. هرچه دلت گواهی بر خیریت آن داد آن کار را انجام بده». نووی گفته است: حدیث ضعیف است، در روایت‌کنندگان حدیث، کسانی هستند که آنان را نمی‌شناسم. والله أعلم.

«أبواب الأذکار التي تُقال في أوقات الشدة وعلى العاهات» باب‌های در بیان اذکاری که در اوقات سختی و مصیبت گفته می‌شود

«باب دعاء الكرب والدعاء عند الأمور المهمة» بابی است در بیان دعا به هنگام اندوه و کارهای مهم

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ الْكَرْبِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ! وفي روايةٍ لِمُسْلِمٍ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ إِذَا حَزَبَهُ أَمْرٌ قَالَ ذَلِكَ». «رسول الله ﷺ هر موقع که اندوهی به او دست می‌داد یا کار مهمی پیش می‌آمد یا سختی و شدتی به او رو می‌کرد می‌فرمود: «نیست معبودی به حق مگر الله که بسیار بزرگوار و بسیار بردبار است، نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب آسمان‌ها و زمین و صاحب عرض عظیم است». و در روایت از مسلم آمده است که پیامبر ﷺ هرگاه دچار امر دشواری می‌شد آن دعا را می‌خواند.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه عَنْ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ إِذَا غَرِبَهُ أَمْرٌ قَالَ: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ». قال الحاكم: هذا حديث صحيح الإسناد. «رسول الله ﷺ هرگاه سختی و اندوهی برایش پیش می‌آمد می‌فرمود: «ای همیشه زنده، ای کسی که کاینات را تدبیر می‌کنی، به رحمتت فریادرسی می‌نمایم». یعنی تا رحمت مرا دریابد و از مشکلاتم برهانَد».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا هَمَّ الْأَمْرُ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ! وَإِذَا اجْتَهَدَ فِي الدَّعَاءِ قَالَ: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ». «رسول الله صلى الله عليه وآله عادت داشت که هرگاه چیزی او را اندوهگین می کرد سر را به سوی آسمان بالا می برد و می فرمود: منزّه و پاک است الله بسیار بزرگوار». و هرگاه کوشش در دعا می کرد می فرمود: ای همیشه زنده، ای تدبیرکننده ی کائنات».

«وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحِيَّ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ كَانَ أَكْثَرُ دُعَاءِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ! زاد مسلم في روايته وكان أنس إذا أَرَادَ أَنْ يَدْعُوَ بِدَعْوَةٍ دَعَا بِهَا فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَدْعُوَ بِدَعَاءٍ دَعَا بِهَا فِيهِ». «بیشترین دعای رسول الله صلى الله عليه وآله این بود: «خدایا بده ما را در دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگره دار ما را از عذاب دوزخ»، همین دعا با این اختصار جامع خیرات دنیا و آخرت است، کسی که در دنیا خوشی داده شد و در آخرت خوشی داده شد و از عذاب دوزخ نگره داشته شد، همه ی خیرات دنیا و آخرت را به دست آورده است. و آنس رضي الله عنه خدمتکار رسول الله صلى الله عليه وآله بود هر وقت می خواست دعا بکند همین دعا را می کرد، و اگر می خواست دعای بیشتری بنماید این دعا را در آن قرار می داد که از این دعا هیچکس بی نیاز نخواهد شد».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ النَّسَائِيِّ وَكِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه قَالَ: لَقَّنَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ وَأَمَرَنِي أَنْ نَزَلَ بِي كَرْبٌ أَوْ شِدَّةٌ أَنْ أَقُولَهَا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْكَرِيمُ الْعَظِيمُ سُبْحَانَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وكان عبد الله بن جعفر يُلَقِّنُهَا وَيَنْفُثُ بِهَا عَلَى الْمَوْعُوكِ وَالْمُغْتَرَبَةِ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي تَزْوَجُ إِلَى غَيْرِ أَقَارِبِهَا». «علی رضي الله عنه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله به من این کلمات را آموخت و به من دستور داد اگر در اندوه یا سختی قرار گرفتم این کلمات را بگویم: «نیست معبودی به حق مگر الله که بسیار بزرگوار و بردبار است، منزّه است خدای یکتایی که پر شد برکت او، پروردگار همه، صاحب عرش عظیم، همه ی ستایش ها برای الله پروردگار جهانیان است. عبدالله بن جعفر این دعا را آموخت و می خواند بر کسی که تب داشت و تعلیم می داد به هر زنی که با خانواده ی غریب ازدواج کرده بود».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي بَكْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: دَعَوَاتُ الْمَكْرُوبِ اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». «رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: دعای کسی که به سختی افتاده است این است که بگوید: خدایا امیدوار رحمت هستم، مرا به خودم واگذار مفرما یک چشم به هم زدن، و کارهایم همه برایم شایسته بفرما، نیست معبودی

به حق مگر تو». یعنی امیدوار رحمت هستم، مرا به خودت واگذار و کارهایم را رو به صلاح قرار ده، برای این که نیست معبودی به حق مگر تو. و همچنین نیست فریادرسی که مرا از غم و اندوه و سختی نجات ده، خودت مرا مورد رحمت قرار ده و کارهایم را رو به راه کن.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَه عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ رضی اللہ عنہا قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا أَعْلَمُكُمْ كَلِمَاتٍ تَقُولِينَ عَنْ عِنْدِ الْكَرْبِ أَوْ فِي الْكَرْبِ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أَشْرُكَ بِهِ شَيْئًا». «رسول الله ﷺ به اسماء بنت عمیس رضی اللہ عنہا فرمود: آیا نیاموزم تو را چند کلمه که نزد سختی یا وقتی که در سختی واق شدی آن کلمات را بگویی و از سختی رهایی یابی؟ آن کلمات از این قرار است: الله الله، پروردگار من است، هیچ چیز را شریک او نمی سازم». یعنی این که انسان در سختی است و راه چاره ای نیست مگر رو آوردن به خدای متعال. می گوید: همه چیز من الله است، الله پروردگار من است، پروردگارم خودم را می شناسم و هیچ شریکی برای او نمی سازم، او کارگشای کارهای گره شده ی من است، خدایی که پرورده ی نعمت او هستم، مرا تنها نمی گذارد و رفع سختی از من می نماید.

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَبِي قَتَادَةَ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَخَوَاتِيمَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ عِنْدَ الْكَرْبِ أَغَاثَهُ اللَّهُ ﻋَظِيمًا». «رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که موقع افتادن در سختی آیه الکرسی و سه آیه ی آخر سوره ی بقره را بخواند، خداوند عزوجل به فریادش می رسد و او را از سختی نجات می دهد». آیه الکرسی، آیه ی ۲۵۵ سوره ی بقره است، و خواتیم سوره ی بقره: آیات ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ است.

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنِّي لَأَعْلَمُ كَلِمَةً لَا يَقُولُهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا فَرَّجَ عَنْهُ: كَلِمَةُ أَخِي يُونُسَ رضی اللہ عنہ: ﴿فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۷]. «سعد بن ابی وقاص رضی اللہ عنہ گفت از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود: «من یک کلمه ای می دانم که هرکسی که در رنج و سختی افتاده است آن را بگوید فرج در کارش می آید و از سختی نجات می یابد. آن کلمه: دعای برادر من یونس رضی اللہ عنہ است که وقتی در تاریکی شب و تاریکی قعر دریا و تاریکی شکم قرار گرفته بود رو به خدا کرد و در آن تاریکی ها ندا برآورد: نیست معبودی به حق مگر تو، ای چاره ساز خلاق، تسبیح و تنزیه تو را می گویم، من از ستمگران به خود بودم که فرمان تو را خلاف نمودم و اکنون به این روز افتاده ام و راهی ندارم مگر استغاثه و چاره جویی، به فریادم برس و مرا از این مهلکه نجات بخش». در آیه ی ۸۸ سوره ی انبیاء آمده است:

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَخَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۸]. «دعایش را به

اجابت رسانیدیم و او را از غم نجات دادیم، و این چنین مؤمنان را نجات می‌دهیم».

وراه الترمذی: «عن سعد قال: قال رسول الله ﷺ: دَعَا ذِي الثَّوْنِ إِذْ دَعَا وَهُوَ فِي بَطْنِ الْحَوِثِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَإِنَّهُ لَمْ يَدْعُ بِهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ». «رسول الله ﷺ فرمود: «دعای یونس علیہ السلام موقعی که دعا کرد و او در شکم ماهی بزرگ بود، عبارت بود از: نیست معبودی به حق مگر تو، تسبیح و تنزیه تو را می‌گویم که هیچ عیب و نقصی در درگاه تو نیست، اعتراف می‌کنم که از ستمگران به خودم بودم که بدون اجازه‌ی تو از شهر بیرون آمدم، و اکنون خود را در تاریکی‌ها قرار دادم و فریادرسی ندارم به جز تو. خدا دعایش را به اجابت رسانید و او را نجات داد. رسول الله ﷺ فرمود: هر بنده‌ی مسلمانی که در چیزی از مصائب و مشکلات قرار گرفته باشد و این دعا را بخواند خدا دعایش را به اجابت می‌رساند».

«باب ما يقوله إذا راعه شيء أو فرعه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که چیزی او را ترسانیده
باشد یا دچار ناراحتی شده باشد

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا رَاعَهُ شَيْءٌ قَالَ: هُوَ اللَّهُ، اللَّهُ رَبِّي لَا شَرِيكَ لَهُ». «رسول الله ﷺ هرگاه دچار ترس از چیزی یا دچار ناراحتی می‌شد می‌فرمود: اوست خدای یکتا، خدای یکتا پروردگار من است، نیست شریکی برای او».

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُعَلِّمُهُمُ مِنَ الْفَرْعِ كَلِمَاتٍ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ! وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو يُعَلِّمُهُنَّ مَنْ عَقَلَ مِنْ بَنِيهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقِلْ كَتَبَهُ فَأَعْلَقَهُ عَلَيْهِ». قال الترمذی: حدیث حسن. «عمرو بن شعیب از پدرش شعیب می‌کند که پدرش شعیب از جد عمرو، یعنی عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله ﷺ به ایشان آموخت کلماتی که با خواندن آن کلمات خود را از ترس و فرع و ناراحتی حفظ کند، آن کلمات از این قرار است: «پناه می‌برم به کلمات الله التامه از خشم او تعالی و از شر بندگان و از شر وسوسه‌ی شیطان‌ها و از این نزد او حاضر شوند برای وسوسه و آسیب‌رسانی». عبدالله بن

عمرو بن العاص رضی اللہ عنہ هر کدام از فرزندانش که فهم می کرد آن کلمات را به او تعلیم می داد و هریک از فرزندان او که خردسال بود و فهم نمی کرد آن کلمات را می نوشت و بر او می آویخت». و این می رساند که تعویذ وقتی که از آیه های قرآن یا از حدیث رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم باشد برای کودکان مانعی ندارد.

«باب ما یقوله إذا أصابه هم أو حزن»

بابی است در بیان آنچه می گوید وقتی که به او دلتنگی یا حزن و اندوهی رسید

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: مَنْ أَصَابَهُ هَمٌّ أَوْ حَزَنٌ فَلْيَدْعُ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ يَقُولُ: أَنَا عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ فِي قَبْضَتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِي حُكْمِكَ عَدْلٌ فِي قَضَاؤِكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ نُورَ صَدْرِي وَرَبِيعَ قَلْبِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي . فقال رجل من القوم: يا رسول الله إن المغبونَ لمن غُبن هؤلاء الكلمات فقال: أَجَلْ فَقُولُوهُنَّ وَعَلِّمُوهُنَّ فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهُنَّ التَّمَّاسَ مَا فِيهِنَّ أَذْهَبَ اللَّهُ تَعَالَى حُزْنَهُ وَأَطَالَ فَرَحَهُ». «رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: «کسی که به او رسید اندوه یا دلخوری به این چند کلمه دعا نماید و بگوید: خدایا من بنده ی تو هستم، پسر بنده تو هستم، پسر کنیز تو هستم، در قبضه ی تو هستم، یعنی در اختیار تو هستم و نمی توانم از فرمان تو بیرون روم، پیشانی من در دست توست، فرمان تو بر من نافذ است، حکم تو در باره ی من عدل است، از تو می خواهم به برکت هر اسمی که برای توست که خود را به آن نامیدی یا در کتاب خود آن نام را آوردی یا به کسی از مخلوقات خود آموختی یا این که آن را به خود اختصاص دادی و در علم غیب نزد خودت می باشد. به همه ی اینها متوسلَم که قرآن را نور سینه ام قرار دهی و بهار دلم نمایی و رفتن اندوهم به آن مقرر فرمایی و رفتن هم و غم به آن فراهم فرمایی». مردی از بین جماعت گفت: مغبون و فریفته شده کسی است که از این دعا محروم شود. رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: بله، کسی که از آن محروم شود مغبون و فریفته شده است. بنابراین، این دعا را بخوانید و بگویید و آن را به بستگان خود بیاموزید که هرکسی که این دعا را بگوید و بخواهد آنچه از خیر و برکت در آن است، خدای متعال اندوه او را از بین ببرد و شادمانیش را طولانی بگرداند».

«باب ما یقوله إذا وقع فی هلكة»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در هلاکتی واقع شد

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السِّنِّي عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ، أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ قُلْتَهَا؟ قُلْتُ: بَلَى جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ: إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَصْرِفُ بِهَا مَا شَاءَ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ! قُلْتُ: الْوَرْطَةُ هِيَ الْهَلَاكُ». «علی عليه السلام فرمود که رسول الله ﷺ ای علی، آیا نمی‌دانم کلماتی که اگر تو در ورطه‌ای افتی بگویی تا از آن ورطه و هلاکت نجات یابی؟ گفتم: بله یا رسول الله! خدا مرا فدای تو گرداند! فرمود: هر وقت در هلاکت و امر پرخطری واقع شدی بگو: به نام خدای یکتای بخشایشگر بسیار مهربان و نیست چاره‌ای برای دوری از هلاکت و نه نیرویی برای پایداری بر سلامت، مگر به کمک خدای بسیار بلندمرتبه‌ی بسیار بزرگوار که خدای متعال به این کلمات آنچه بخواهد از انواع بلا رفع می‌فرماید». نووی فرمود: وَرْطَةً به معنی هلاکت است».

«باب ما یقول إذا خاف قوماً»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از گروهی بترسد

«وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضی الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا خَافَ قَوْمًا قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ». «رسول الله ﷺ وقتی که از مردمی می‌ترسید [که فتنه‌ای به پا کنند یا آسیبی به مسلمانان برسانند] می‌فرمود: «خدایا ما نیروی تو را سپر دفاع از شر آنان قرار می‌دهیم و پناه می‌بریم و به تو از شر آنان». وقتی که مؤمن به قدرت خدا متوسل شد آن را در نحر و بالای سینه‌ی مردمی شرور قرار داد و پناه به عظمت مالک الملک برد، چه ترسی برایش باقی می‌ماند. خدا همه ترس‌ها را دور می‌سازد و بالای آن دشمنان را به خودشان برمی‌گرداند. مؤمن به این تعلیم و پناهندگی به عظمت خدا هر بلایی از او رفع می‌شود، خصوصاً که از به کاربردن اسباب دفع شر دشمنان غافل نماند».

«باب ما يقول إذا خاف سلطاناً»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از سلطان یا حاکم

بترسد

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّيِّ عَنْ ابْنِ عَمْرٍو رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا خِفْتَ سُلْطَانًا أَوْ غَيْرَهُ فَقُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْحَكِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ! وَيَسْتَحِبُّ أَنْ يَقُولَ مَا قَدَّمْنَاهُ فِي الْبَابِ السَّابِقِ مِنْ حَدِيثِ أَبِي مُوسَى». «ابن عمر رضي الله عنه می‌گوید که رسول الله ﷺ فرمود: «هر وقت ترسیدی از سلطان یا از غیر او بگو: نیست معبودی به حق مگر الله بسیار بردبار بسیار بزرگوار. تسبیح خدا می‌گویم پاک و منزّه است الله که پروردگار آسمان‌های هفتگانه و صاحب عرش عظیم است، نیست معبودی به حق مگر تو. عزت یافت کسی که پناه به تو آورد و با شکوه شد ثناء و تمجید تو». و مستحب است آنچه در باب قبلی از حدیث ابوموسی آوردیم نیز بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ».

«باب ما يقول إذا نظر إلى عدوه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که نظر به دشمن نمود

انس رضي الله عنه می‌گوید: در جهادی همراه رسول الله ﷺ بودیم موقعی که به دشمن رسید و نبرد شروع شد فرمود: «يَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». «ای مالک و دارنده‌ی روز جزا تو را بندگی می‌کنم و از تو کمک می‌خواهم»، دیدم که دشمنان به زمین می‌افتند و فرشتگان آنان را از جلو و پشت سر می‌کوبیدند. و مستحب است آنچه در حدیث ابی موسی آمده است نیز بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ». رسول الله ﷺ صف مجاهدین را منظم می‌کرد و مجاهدین را به جهاد تشویق می‌کرد، وقتی که تمام احتیاط‌های جنگی را به کار می‌گرفت آن وقت دست به دعا برمی‌داشت و از خدای خود مدد می‌طلبید، این است که همیشه پیروز می‌شد.

«باب ما يقول إذا عرض له شيطان أو خافه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که شیطان متعرض او شد
یا از شیطان ترسید

قال الله تعالى: ﴿وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

[الأعراف: ۲۰۰]. خدای متعال فرمود به پیغمبرش: «اگر به تو رسید از شیطان وسوسه‌ای، پناه ببر به خدا یقیناً خداست که او شنوای داناست». و وسوسه‌ی شیطان را از تو دور خواهد نمود که دوی رفع وسوسه‌ی شیطان پناه‌بردن به خدا قرار داد، همانگونه که آغاز قراءت قرآن مستحب است گفتن: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ: پناه می‌برم به تو از شر شیطان رانده شده از درگاه خدا.

وقال تعالى: ﴿وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا

مَسْتُورًا﴾ [الإسراء: ۴۵]. و خدای متعال فرمود به پیغمبرش: «و موقعی که قرآن می‌خوانی قرار دادیم میان تو و کسانی که ایمان به آخرت ندارند، حجابی که مانع فهم آنان می‌شود». چنانکه در آیه‌ی بعدی، آیه‌ی ۴۶ سورة اسراء می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا﴾ [الإسراء: ۴۶].

«و می‌گردانیم بر دل‌های‌شان غلاف مانع از فهم قرآن و در گوش‌های‌شان سنگینی است».

پس آنان کر و کوردل هستند و محروم از فهم قرآن. بنابراین، باید پناه به خدا ببری و سپس قرآن را بخوانی تا تو را از شر شیطان حفظ فرماید، و هم از شر مشرکان.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رضي الله عنه قَالَ: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي فَسَمِعْنَاهُ يَقُولُ: أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ! ثُمَّ قَالَ: أَلْعَنُكَ بِلَعْنَةِ اللَّهِ ثَلَاثًا! وَبَسَطَ يَدَهُ كَأَنَّهُ يَتَنَاوَلُ شَيْئًا فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِعْنَاكَ تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ شَيْئًا لَمْ نَسْمَعْكَ تَقُولُهُ قَبْلَ ذَلِكَ وَرَأَيْنَاكَ بَسَطْتَ يَدَكَ. قَالَ: إِنَّ عَدُوَّ اللَّهِ إِبْلِيسَ جَاءَ بِشَهَابٍ مِنْ نَارٍ لِيَجْعَلَهُ فِي وَجْهِ، فَقُلْتُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْكَ. ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قُلْتُ أَلْعَنُكَ بِلَعْنَةِ اللَّهِ الثَّامَةِ فَلَمْ يَسْتَأْخِرْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ أَرَدْتُ أَخْذَهُ وَاللَّهِ لَوْلَا دَعْوَةُ أَخِيْنَا سُلَيْمَانَ لَأَصْبَحَ مُوثَقًا يَلْعَبُ بِهِ وَلَدَانُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ». «ابوالدرداء رضي الله عنه می‌گوید که رسول الله ﷺ به نماز ایستاد و شنیدم که می‌فرماید: پناه می‌برم به خدا از تو». پس از آن فرمود: تو را به لعنت خدا لعنت می‌کنم سه بار، پس از آن دست خود را

دراز نمود چنانکه گویا می‌خواهد چیزی بردارد. موقعی که رسول الله ﷺ از نماز فارغ شد، گفتیم: ای رسول خدا، ما شنیدیم در نماز چیزی می‌فرمایی که قبل از این چنین چیزی در نماز از تو نشنیده بودیم و دیدیم دست خود را دراز نمودی. رسول الله ﷺ فرمود: دشمن خدا که ابلیس است شعله‌ای آتش آورد که در روی من قرار دهد، سه بار گفتیم: پناه می‌برم به خدا از شر تو، سپس گفتیم: تو را لعنت می‌کنم به لعنت کامل خدا، اگر نه دعای برادرم سلیمان بود، شیطان می‌گردید بغل بسته و کودکان اهل مدینه او را بازیچه‌ی خود قرار می‌دادند». وقتی که ابلیس علیه لعنة الله این چنین متعرض خاتم الانبیاء ﷺ می‌شود، ما افراد عادی بسیار از او بهره‌زیم و همیشه پناه به خدا ببریم از شر او.

امام نووی فرمود: وقتی که شیطان متعرض انسان شد شایسته است که اذان بگوید مانند اذان نماز برای این که:

«فقد رَوَيْنَا فِي صحيح مسلم عَنْ سُهَيْلٍ قَالَ أُرْسِلَنِي أَبِي إِلَى بَنِي حَارِثَةَ وَمَعِيَ غُلَامٌ لَنَا أَوْ صَاحِبٌ لَنَا فَنَادَاهُ مُنَادٍ مِنْ حَائِطٍ بِاسْمِهِ وَأَشْرَفَ الَّذِي مَعِيَ عَلَى الْحَائِطِ فَلَمْ يَرِ شَيْئًا فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِأَبِي فَقَالَ لَوْ شَعَرْتُ أَنَّكَ تَلْقَى هَذَا لَمْ أُرْسِلْكَ وَلَكِنْ إِذَا سَمِعْتَ صَوْتًا فَنَادٍ بِالصَّلَاةِ فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا نُودِيَ بِالصَّلَاةِ وَلَّى أَدْبَرَ». «سهیل بن ابی صالح می‌گوید: پدرم مرا به سوی قبیله‌ی بنی حارثه از انصار مدینه فرستاد و کودکی از ما با من همراه بود یا دوستی از ما همراه من بود. از دیوار باغی کسی او را صدا زد و او را به نامش خواند، آن که با من همراه بود از دیوار باغ سرکشید، کسی را ندید، وقتی که به خانه برگشتم این واقعه را برای پدرم بازگو کردم. پدرم گفت: اگر می‌دانستم که چنین چیزی برایت پیش می‌آید نمی‌فرستادمت. و لیکن هروقت آوازی شنیدی که صاحب آواز معلوم نبود، اذان نماز بگو، زیرا از ابوهریره شنیدم که از پیامبر ﷺ سخن می‌گفت که ایشان فرمود: «بی‌گمان شیطان هرگاه اذان نماز بشنود پشت می‌دهد و می‌رود».

«باب ما يقول إذا غلبه أمر»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که کاری بر او چیره شد

«رَوَيْنَا فِي صحيح مسلم عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِي كُلِّ خَيْرٍ أَحْرَضَ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَاسْتَعْنِ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَذَا وَكَذَا. وَلَكِنْ قُلْ قَدَرُ اللَّهِ وَمَا

شَاءَ فَعَلَ فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحَ عَمَلَ الشَّيْطَانِ». «رسول الله ﷺ فرمود: مؤمن نیرومند و قوی بهتر است از مؤمن ناتوان و ضعیف، و در هریک از مؤمن قوی و ضعیف خیری هست. یعنی مؤمن منبع خیر است، منتهی اگر قوی باشد خیر او بیشتر است. حریص باش بر هرچه نفعی به تو می‌رساند. و کمک از خدا بخواه و اظهار عجز نکن. و اگر مکروهی به تو رسید، مگو اگر چنین کرده بودم چنین شده بود و آنچه گذشته است بر نمی‌گردد و بر آنچه از دست رفته اندوه مخور و بگو: خدا نوشته بود و به موجب نوشته و تقدیر او انجام گرفت. آنچه خدا می‌خواهد می‌کند. و مگو: «اگر»، برای این که «اگر» دری برای کار شیطان می‌گشاید». کوشش کن مؤمنی قوی باشی و خیرت به همه برسد. همیشه حریص بر کارهای سودمند باش و برای حصول کار سودمند از خدا کمک بخواه و هیچگاه اظهار عجز و ناتوانی مکن، برای این که شاعر گفت:

همت بلند دار که مردان روزگار | از همت بلند به جایی رسیده‌اند
و هیچگاه دروازه‌ای «اگر» برای خود مگشای، برای این که «اگر» دری برای وسوسه‌ی شیطان می‌گشاید و هیچ کاری هم از آن بر نمی‌آید.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَضَى بَيْنَ رَجُلَيْنِ. فَقَالَ الْمَقْضِيُّ عَلَيْهِ لَمَّا أَذْبَرَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ إِنَّ اللَّهَ يَلُومُ عَلَى الْعَجْزِ وَلَكِنْ عَلَيْكَ بِالْكَئِيسِ فَإِذَا غَلَبَكَ أَمْرٌ فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ!». كلمة الكئيس تُطْلَقُ عَلَى مَهَانٍ مِنْهَا الرِّفْقُ - فعناه والله أعلم - عليك بالعمل في رفقٍ بحيثُ تطيقُ الدوامَ عليه». «رسول الله ﷺ داوری فرمود میان دو مرد. آن کسی که حکم علیه او شده بود، موقعی که می‌رفت می‌گفت: کفایت من است خدا و چه خوب کفایت‌کننده‌ای است خدا. یعنی از وضع خود راضی نبود. رسول الله ﷺ فرمود: خدا سرزنش می‌فرماید بر اظهار ناتوانی کردن. و لیکن بر تو باد به کاربردن رفق و مهربانی در کار و مداومت بر آن تا از کار و کوشش به هر خیری که بخواهی برسی. اگر کار و کوشش کردی و از عهده برنیامدی، جا دارد که بگویی: کفایت است مرا خدا اگر این بار موفق نشدم بار دیگر به یاری خدا موفق می‌شوم، و چه عجب کفایت‌کننده‌ای است خدا». این برای کسی است که از نظامی که خدا مقرر فرمود باخبر باشد و از اسباب و مسببات استفاده کند».

«باب ما یقول إذا استصعب علیه أمر»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که کاری بر او دشوار شد

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَنَسٍ رضی اللہ عنہ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم قَالَ: اللَّهُمَّ لَا سَهْلَ إِلَّا مَا جَعَلْتَهُ سَهْلًا وَأَنْتَ تَجْعَلُ الْحَزْنَ إِذَا شِئْتَ سَهْلًا. قُلْتُ الْحَزْنُ: عَلِيْظُ الْأَرْضِ وَخَشِينَهَا. «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: خدایا آسان نیست مگر هرچه تو آن را آسان فرمایی. و تو اگر بخواهی هر دشواری را آسان می‌فرمایی». نووی رحمہ اللہ فرمود: حزن، یعنی زمین سخت و ناهموار. بنابراین، خدای متعال زمین ناهموار و سخت را نیز صاف و هموار می‌سازد، یعنی کارهای بس دشوار به خواست او آسان می‌گردد.

«باب ما یقول إذا تَعَسَّرَتْ علیه معيشتُهُ»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که زندگی بر او دشوار شد

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ ابْنِ عَمْرِو رضی اللہ عنہما عَنِ النَّبِيِّ صلی اللہ علیہ وسلم قَالَ: مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا عَسَرَ عَلَيْهِ أَمْرُ مَعِيشَتِهِ أَنْ يَقُولَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ: بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي وَمَالِي وَدِينِي اللَّهُمَّ رَضِّنِي بِقَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا قُدِّرَ لِي حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ». «رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «کدام چیز مانع یکی از شما می‌شود وقتی که امر زندگیش بر او دشوار شد آن که بگوید موقع بیرون رفتنش از خانه: به نام خدا بر خودم و مال و دینم، خدایا مرا خشنود کن به آنچه برایم تقدیر فرموده‌ای و برکت قرار ده در آنچه برایم مقدر فرموده‌ای، تا این که دوست ندارم تعجیل در آنچه برایم به تأخیر انداخته‌ای و تأخیر در آنچه برایم به تعجیل انداخته‌ای». یعنی من نام پربرکت را بر خودم و مال و دینم قرار داده‌ام و می‌خواهم طوری از سرنوشتم راضی باشم که نخواهم در آن تأخیر و تقدیمی پیش آید و می‌خواهم که خودت گره‌گشای کارهایم باشی تا گرهی در کارم نیفتد و سختی زندگی برایم پیش نیاید.

«باب ما يقول لدفع الآفات»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید برای دفع آفات و بلاها

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ ﷻ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فِي أَهْلٍ وَلَا مَالٍ أَوْ وَلَدٍ فَقَالَ: مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَيَرَى فِيهِ آفَةً دُونَ الْمَوْتِ». «رسول الله ﷺ فرمود: «خدای ﷻ هر نعمتی که بر بنده‌ای ارزانی داشت و آن بنده گفت: مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. هیچ آفتی در اهل و مال و فرزندان پیش نمی‌آید». برای این که می‌گوید: آنچه من دارم به خواست خدا به وجود آمد و به قوت و نیروی او نگه داشته شده است، نه من در به وجود آوردنش قدرتی داشته‌ام و نه در نگهداری آنها نیرویی به کار برده‌ام. آنچه به خواست خدا پیش آمده است، خدایش نگهداری می‌کند و هیچ آفتی در آن به وجود نمی‌آید».

«باب ما يقول إذا أصابته نكبة قليلة أو كثيرة»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که مصیبتی اندک یا بسیار به او برسد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَيُبَيِّرُ الصَّابِرِينَ ^(۱۵۵) الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ^(۱۵۶) أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْتَخُونَ ^(۱۵۷)﴾ [البقرة: ۱۵۵-۱۵۷].

خدای متعال فرمود: «و مژده بده شکیبایان را، آن مردمی که هر موقع مصیبتی به ایشان رسید، می‌گویند: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: ما همه مملوک خدا هستیم و ما همه به سوی او بازگشت داریم. این مردم که در مقابل مصیبت صبر و رضا دارند. اینان به راه راست هستند که از پروردگار به ایشان رسیده است و ایشان از این صبر و رضا به رحمت خدا رسیده‌اند و ایشانند که ایشان به راه راست رسیده‌اند».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَيْسَتْ رَجْعٌ أَحَدُكُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى فِي شَيْءٍ نَعْلِهِ فَإِنَّهَا مِنَ الْمَصَائِبِ». رسول الله ﷺ فرمود: «باید

هریک از شما در هر ناراحتی بگوید: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**: ما همه مملوک خدا هستیم و بازگشت ما همه به سوی خداست. وقتی که انسان می‌داند که در این دنیا باید روزی رخت سفر ببندد و روانه‌ی آخرت شود باید بداند که هرچیز دیگری هم برای مدت محدودی به وجود می‌آید و وقت آن که به سر آمد باید برود. بنابراین، اگر بند نعلین‌تان پاره شد هم بگویید: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**: برای این که بریدن بند نعلین هم از مصائب است». و آنچه انسان را ناراحت می‌کند مصیب شمرده می‌شود حتی خاموش شدن چراغ. و این سخن ارشاد نبوی است که اگر بشقابی شکست، خدمتکار را ناسزا نگوید، بلکه بگوید: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**، در برابر هر نکبتی خواه کوچک، خواه بزرگ، خواه اندک، خواه بسیار، این سخن را بر زبان آورد.

«باب ما یقول إذا کان علیہ دینٌ عجزَ عنه»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که بدهی دارد و از پرداخت آن ناتوان مانده است

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التَّرْمِذِيِّ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّ مُكَاتَّبًا جَاءَهُ فَقَالَ: إِنِّي عَجَزْتُ عَنْ كِتَابَتِي فَأَعِنِّي. قَالَ أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ عَلَّمْنِيَهُنَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَوْ كَانَ عَلَيْكَ مِثْلُ جَبَلٍ صِرَّ دَيْنًا أَدَّاهُ اللَّهُ عَنْكَ؟ قَالَ: اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَنْ سِوَاكَ». قَالَ: التَّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ. «از علی عليه السلام روایت است که برده‌ی مکاتبی نزد او آمد و گفت: من از ادای وجه کتابتم عاجز مانده‌ام، مرا کمک کن. فرمود: آیا نیاموزم تو را چند کلمه که رسول الله ﷺ آن کلمات را به من آموخت، وقتی که آن کلمات را بگویی اگر مثل کوه دین داشته باشی دینت را اداء نماید؟ بگو: اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَنْ سِوَاكَ: خدایا حلال‌ت را مورد کفایت قرار ده تا به حرام نیازم نیفتم و به فضل خود مرا بی‌نیاز فرما از هرکس دیگری». یقیناً با این گفتار برده‌ی مکاتب توانست وجه کتابت خود را بپردازد و آزاد شود.

و در باب ما یقال عند الصباح والمساء در این موضوع حدیثی بیان نمودیم در سنن أبوداؤد به روایت ابوسعید خدری در باره‌ی قصه‌ی صحابی که ابوامامه نام داشت.

«باب ما یقوله من بلی بالوحشة»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که دچار وحشت‌زدگی شد

«رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ الْوَلِيدِ رضی اللہ عنہ أَنَّهُ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَجِدُ وَحْشَةً. قَالَ: إِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ فَقُلْ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الثَّامَةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمَنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ. فَإِنَّهُ لَا تَضُرُّكَ وَلَا يَقْرَبُكَ». «ولید بن الولید رضی اللہ عنہ گفت: ای رسول خدا، من حالت وحشت‌زدگی می‌یابم، رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: موقعی که می‌آیی بر بستر خواب بگو: پناه می‌برم به کلمات الله التامات از خشم خدا و عقاب او و از شر بندگان و از وسوسه‌های شیطان‌ها و از این که شیطان‌ها نزد من حاضر شوند و دور و برم را بگیرند. وقتی که این را گفתי نه زیانی به تو می‌رسانند و نه نزدیک به تو می‌شوند».

«وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضی اللہ عنہ قَالَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم رَجُلٌ يَشْكُو إِلَيْهِ الْوَحْشَةَ فَقَالَ: أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تَقُولَ: سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ جَلَلَتْ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضُ بِالْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ! فَقَالَهَا الرَّجُلُ فَذَهَبَتْ عَنْهُ الْوَحْشَةُ». «مردی به خدمت رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم آمد و شکایت از وحشت‌زدگی نمود. رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: بسیار بگو: منزه است خدایی که شاه همه است و همه پرورده‌ی نعمت‌های او هستند. بسیار پاک و مقدس و پروردگار فرشتگان است. آسمان‌ها و زمین را پوشیدی به جبروت، از این رو که همه‌ی کائنات مجبور بر اطاعت فرمان او هستند. آن مرد این کلمات را گفت و وحشت‌زدگی از او دور شد».

«باب ما یقول مَنْ بُلِيَ بالسوسة»

بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که مبتلا به وسواس شد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ سوره اعراف آیه ۲۰۰﴾ [فصلت: ۳۶]. «و اگر تو را از طرف شیطان وسوسه‌ای دست داد، پناه ببر به خدای متعال برای این که او شنوای داناست». و بهترین چیزی که در دفع وسوسه گفته می‌شود همان چیزی است که خدای عزوجل ما را به آن ادب داد و ما را امر فرمود به گفتن آن. خداوند به ما

دستور فرمود که در ابتدای قراءت قرآن بگوئیم: أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ: پناه می‌برم به خدای متعال از شر شیطان رانده شده.

«وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِم عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَأْتِي الشَّيْطَانُ أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ: مَنْ خَلَقَ كَذَا، مَنْ خَلَقَ كَذَا، حَتَّى يَقُولَ مَنْ خَلَقَ رَبَّكَ؟ فَإِذَا بَلَغَهُ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللّٰهِ وَلْيَنْتِهِ». «رسول الله ﷺ فرمود: شیطان می‌آید نزد یکی از شما، و برای سیاه کردن دلتان می‌گوید: خدا مخلوقات را آفرید، خدا همه چیز را آفرید، پس چه کسی خدا را آفرید؟ وقتی که به این جا رسید بگوید: پناه آوردم به خدا و دنباله‌ی این سخن را قطع نماید». برای این که خدا خالق است و غیر او همه مخلوقند و محال است مخلوق خالق را بیافریند.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي زَمِيلٍ قَالَ: قُلْتُ لَابْنِ عَبَّاسٍ فَقُلْتُ مَا شَيْءٌ أَجِدُهُ فِي صَدْرِي قَالَ مَا هُوَ قُلْتُ وَاللّٰهِ مَا أَتَكَلَّمُ بِهِ. فَقَالَ لِي أَشْيَاءٌ مِنْ شَكِّ قَالَ وَصَحِكَ. قَالَ مَا نَجَا مِنْهُ أَحَدٌ أَنْزَلَ اللَّهُ ﷻ: ﴿إِن كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ﴾ [یونس: ۹۴]. الْآيَةُ. فَقَالَ لِي إِذَا وَجَدْتَ فِي نَفْسِكَ شَيْئًا فَقُلْ: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الحديد: ۳]». «ابی زمیل می‌گوید به عبدالله بن عباس گفتم این کدام چیز است که در سینه‌ام می‌یابم؟ ابن عباس گفت: آن چیست؟ گفتم: قسم به خدا که آن را به زبان نمی‌آورم. فرمود: آیا چیزی از شک است؟ خندید و فرمود کسی از آن نجات نیافت تا این که خدا این آیه را نازل فرمود: ﴿إِن كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ﴾ [یونس: ۹۴]. آنگاه به من گفت: هرگاه چیزی از این قبیل در ذهنت آمد بگو: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الحديد: ۳]. اوست خدایی که پیش از همه اوست، و اوست خدایی که بعد از همه اوست و او به همه چیز دانا است».

«وَرَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا الصَّحِيحِ فِي رِسَالَةِ الْأَسْتَاذِ أَبِي الْقَاسِمِ الْقَشِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَطَاءِ الرُّوْذِبَارِيِّ السَّيِّدِ الْجَلِيلِ رضي الله عنه قَالَ كَانَ لِي اسْتِقْصَاءٌ فِي أَمْرِ الطَّهَارَةِ وَضَاقَ فِي صَدْرِي لِكثْرَةِ مَا صَبَبْتُ مِنَ الْمَاءِ وَلَمْ يَسْكُنْ قَلْبِي، فَقُلْتُ يَا رَبِّي عَفُوكَ عَفُوكَ، فَسَمِعْتُ هَاتِفًا يَقُولُ: الْعَفْوُ فِي الْعِلْمِ فَزَالَ عَنِّي ذَلِكَ». «استاد ابوالقاسم قشیری در کتاب خود که به نام الرسالة معروف است نقل نمود از آقای بزرگوار احمد بن عطاء -صاحب کتابی که به نام حکیم ابن عطاء الله معروف است- که ابن عطاء الله فرمود: من در امر طهارت و وضو بیش از حد احتیاط داشتم، شبی دلم تنگ شد از این که این همه آب ریخته بودم برای طهارت و وضو و بازهم دلم آرام نگرفته بود، گفتم: خدایا عفو و گذشت تو می‌خواهم. آوازی شنیدم که می‌گفت:

عفو در علم است و با شنیدن این جمله آن وسواس از دلم رفت». و روی این اصل است که برگزیدگان این امت اهل تربیت، تربیت سالکان و تربیت مریدان را اختیار کرده اند که طالب راه آخرت باید بر کلمه لا إله إلا الله مداومت کند، و گفته اند: بهترین علاج برای دفع وسواس رو آوردن به یاد خدا و بسیار گفتن لا إله إلا الله است: نیست معبودی به حق مگر الله و نیست کسی که همیشه زنده و پایدار باشد مگر الله و نیست معبودی به حق مگر خدا، الله که سرنوشت همه در دست اوست. و باید همیشه او را یاد کنیم و پناه به او ببریم، و اعتماد بر او کنیم که غیر او در حقیقت امواتند و هیچ در دست شان نیست.

«وَقَالَ السَّيِّدُ الْجَلِيلُ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي الْخَوَارِثِيِّ - بَكْسَرِ رَاءَ وَبِهِ فَتَحَ رَاءَ - شَكَّوْتُ إِلَى أَبِي سُلَيْمَانَ الدَّرَازِيِّ الْوَسْوَاسَ، فَقَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَنْقَطَعَ عَنْكَ فَأَيُّ وَفَّتِ أَحْسَسْتَ بِهِ فَافْرَحَ، فَإِنَّكَ إِذَا فَرِحْتَ انْقَطَعَ عَنْكَ، لِأَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْغَضُ إِلَى الشَّيْطَانِ مِنْ سُرُورِ الْمُؤْمِنِ، وَإِنْ اغْتَمَمْتَ بِهِ زَادَكَ قَلْتُ: وَهَذَا مِمَّا يُؤَيِّدُ مَا قَالَهُ بَعْضُ الْأَئِمَّةِ؛ أَنَّ الْوَسْوَاسَ إِنَّمَا يَبْتَلِي بِهِ مَنْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ؛ فَإِنَّ اللَّصَّ لَا يَقْصُدُ بَيْتًا خَرِبًا». «آقای بزرگوار احمد بن ابی الحواری گفت: شکایت از وسواس بردم نزد ابوسلیمان دارانی. ابوسلیمان فرمود: هر وقت احساس وسواس نمودی اظهار خوشبختی کن، زیرا هرگاه خوشحال شوی از تو جدا می شود، چون هیچ چیز نزد شیطان نامطلوب تر از خوشحالی مؤمن نیست. و اگر غمگین شوی بر تو خواهد افزود. می گویم: این سخن در تأیید سخن برخی از ائمه است که گفته اند: مبتلا به وسواس نمی شود، مگر کسی که ایمانش کامل است، زیرا دزد هیچگاه برای دزدی به خانه ی مخروبه نمی رود».

«باب ما یقرأ علی المَعْتُوهِ والمَلْدُوغِ»

بابی است در بیان آنچه خوانده می شود بر دیوانه و بر گزیده شده

«رَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رضي الله عنه قَالَ: انْطَلَقَ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ فِي سَفَرَةٍ سَافَرُوهَا حَتَّى نَزَلُوا عَلَى حَيٍّ مِنْ أَحْيَاءِ الْعَرَبِ فَاسْتَضَافُوهُمْ فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمْ فَلَدَغَ سَيِّدُ ذَلِكَ الْحَيِّ، فَسَعَوْا لَهُ بِكُلِّ شَيْءٍ لَا يَنْفَعُهُ شَيْءٌ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: لَوْ أَتَيْتُمْ هَؤُلَاءِ الرَّهْطَ الَّذِينَ نَزَلُوا لَعَلَّهُمْ أَنْ يَكُونَ عِنْدَهُمْ بَعْضُ شَيْءٍ، فَأَتَوْهُمْ فَقَالُوا: يَا أَيُّهَا الرَّهْطُ إِنَّ سَيِّدَنَا لَدَغَ وَسَعَيْنَا لَهُ بِكُلِّ شَيْءٍ لَا يَنْفَعُهُ شَيْءٌ، فَهَلْ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْكُمْ مِنْ شَيْءٍ؟ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: إِنِّي وَاللَّهِ لَأَرْقِي، وَلَكِنْ وَاللَّهِ لَقَدْ اسْتَضَفْنَاكُمْ فَلَمْ تُضَيِّفُونَا، فَمَا أَنَا بِرَاقٍ لَكُمْ حَتَّى تَجْعَلُوا لَنَا جُعْلًا فَصَالِحُوهُمْ عَلَى قَطِيعٍ مِنَ الْعَنَمِ، فَاِنْطَلَقَ يَتَفَلُّ عَلَيْهِ وَيَقْرَأُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ

رَبِّ الْعَالَمِينَ، فَكَأَنَّمَا نُثِثُ مِنْ عِقَالٍ، فَأَنْطَلَقَ يَمْشِي وَمَا بِهِ قَلْبَةٌ، فَأَوْفَوْهُمْ جُعْلَهُمُ الَّذِي صَالَحُوهُمْ عَلَيْهِ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: اأَفْسِمُوا فَقَالَ الَّذِي رَقَى لَا تَفْعَلُوا حَتَّى تَأْتِيَ النَّبِيُّ ﷺ - فَذَكَرَ لَهُ الَّذِي كَانَ، فَتَنَظَّرَ مَا يَأْمُرُنَا، فَقَدِمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَذَكَرُوا لَهُ، فَقَالَ ﷺ: وَمَا يَدْرِيكَ أَنَّهَا رُقِيَّةٌ؟ ثُمَّ قَالَ قَدْ أَصَبْتُمْ أَفْسِمُوا وَاضْرِبُوا لِي مَعَكُمْ سَهْمًا. فَضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَذَا اللَّفْظَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَهُوَ أَتَمُّ الرِّوَايَاتِ. وَفِي رِوَايَةٍ: فَجَعَلَ يَقْرَأُ أُمَّ الْكِتَابِ وَيَجْمَعُ بُرَاقَهُ وَيَتَّقِلُ، فَبَرِيءَ الرَّجُلُ. وَفِي رِوَايَةٍ: فَأَمَرَ لَهُ بِثَلَاثِينَ شَاةٍ. قُلْتُ قَوْلُهُ وَمَا بِهِ قَلْبَةٌ: بَفَتْحِ الْقَافِ وَاللَّامِ وَالْبَاءِ الْمَوْحِدَةِ أَيْ وَجَعٌ». «در صحیحین بخاری و مسلم از ابی سعید خدری ؓ روایت نمودند که ابوسعید خدری ؓ فرمود: چند نفر از یاران پیغمبر ص به سفری رفتند که قبلاً به آن سفر رفته بودند تا این که منزل گرفتند شبی نزد قبیله‌ای از عرب و از آن قبیله خواستند که آنان را مهمانی و شامی بدهند، آن قبیله قبول نکردند که شامی به ایشان بدهند، دیری نگذشت که ماری رئیس آن قبیله را گزید. افراد قبیله کوشش کردند که مارگزیدگی رئیس قبیله را درمان کنند، اما سودی نبخشید. بعضی از آنان گفتند اگر می‌رفتید نزد این مردمی که نزدیک ما منزل گرفته اند شاید علاجی نزد آنان باشد، این بود که آمدند نزد این یاران پیغمبر ﷺ و گفتند: ای گروه، آقای ما (رئیس قبیله‌مان) را مار گزیده است و هر کوششی که کرده ایم برای علاجش سودی نبخشیده است، آیا نزد شما چیزی از علاج او هست؟ (آیا می‌توانید او را درمان کنید) یکی از این یاران پیغمبر ﷺ گفت: طلب مهمانی و دادن شامی از شما کردیم، شامی ندادید من رُقِیَّه و خواندن بر او برای علاجش می‌دانم. واللّه من رقیه می‌کنم و لیکن رقیه نمی‌کنم تا اول مزدی به ما بدهید. با آن قرار بستند که گله‌ای از گوسفند یعنی تعدادی در حدود سی گوسفند از آنان بگیرند آن کسی که رقیه می‌دانست شروع کرد به خواندن سوره‌ی فاتحه و کشیدن آب دهنش بر جای گزیدگی. سپس مارگزیده‌گویی از پای‌بند رهایی یافته و شروع کرد به راه رفتن بدون این که احساس دردی داشته باشد. به موجب قرار تمام تعداد گوسفند به ایشان دادند. بعضی از ایشان گفتند: گوسفند میان خودمان قسمت کنید. آن کسی که رقیه خوانده بود گفت: صبر کنید تا به خدمت رسول الله ﷺ برویم و ببینیم ایشان چه دستور می‌دهند.

به خدمت رسول الله ﷺ رسیدند و جریان واقعه را شرح دادند. رسول الله ﷺ به آن که سوره‌ی فاتحه بر بیمار خوانده بود فرمود: «از کجا دانستی که سوره‌ی فاتحه رقیه است و علاج است؟ آنگاه فرمود: کار درست کرده‌اید. گوسفندان را میان خودتان قسمت کنید و برای من هم در آن سهمی قرار بدهید». و آنگاه پیامبر ﷺ خنده نمودند.

امام نووی رحمه الله فرمود: این لفظ صحیح بخاری است و کامل‌ترین روایات این حدیث آورده است. و در روایتی در غیر بخاری: کسی که رقیه می‌خواند: فاتحه می‌خواند و آب دهنش را جمع می‌کرد و به محل

مارگزیدگی می‌مالید و آن مرد بهبود یافت. و در روایتی شیخ قبيله دستور داد سی گوسفند به ایشان بدهند. و معنی ما به قَلْبَةً: دردی ندارد».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: إِنَّ أَخِي وَجَعَ فَقَالَ: وَمَا وَجَعُ أَخِيكَ؟! قَالَ: بِهِ لَمَمٌ. قَالَ: فَابْعَثْ بِي إِلَيَّ! فَجَاءَ فَجَلَسَ بَيْنَ يَدَيْهِ. فَقَرَأَ عَلَيْهِ النَّبِيُّ ﷺ فَاتَّحَهُ الْكِتَابَ. وَأَرْبَعُ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَلَمْ. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ... إِلَى مَفْلُحُونَ. وَآيَتَيْنِ مِنْ وَسْطِ الْبَقَرَةِ: آيَةُ ١٦٣ وَ ١٦٤: وَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. وَإِنْ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَتَّى فَرَغَ مِنْ الْآيَةِ. وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ، آيَةُ ٢٥٥ مِنْ سُورَةِ الْبَقَرَةِ. وَثَلَاثُ آيَاتٍ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، آيَةُ ٢٨٤ وَ ٢٨٥ وَ ٢٨٦ الْبَقَرَةِ. وَآيَةُ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَلَمْ. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ. وَآيَةُ ١٨ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأَوَّلُوا الْعِلْمَ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. وَآيَةُ ٥٤ مِنْ سُورَةِ الْأَعْرَافِ: إِنْ رَبُّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ. وَآيَةُ مِنْ سُورَةِ الْمُؤْمِنُونَ آخِرِ السُّورَةِ: فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ. وَآيَةُ ٤ مِنْ سُورَةِ الْجِنِّ: وَإِنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبَّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا. وَعَشْرُ آيَاتٍ مِنْ سُورَةِ الصَّافَّاتِ مِنْ أَوَّلِهَا. وَثَلَاثًا مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْحَشْرِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْمَعُودَتَيْنِ.

قلت قال اهل اللغة المم طرف من الجنون يلم بالانسان ويعتريه».

«و روایت داریم در کتاب ابن سنی از عبدالرحمن ابن ابی لیلی از مردی از پدرش که گفت: مردی خدمت رسول الله ﷺ آمد و گفت: برادرم درد دارد. فرمود: دردش چیست؟ گفت: دیوانگی دارد. فرمود: او را نزد من بفرست. بیمار آمد و جلو پیغمبر نشست. رسول الله ﷺ بر او خواند سورهی فاتحه و چهار آیه از اول سورهی بقره. و دو آیه از وسط سورهی بقره: آیهی ١٦٣ و ١٦٤ سورهی بقره: ﴿وَاللَّهُمَّ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۝ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاحْتِلَافٍ أَلِيلٍ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝﴾ [البقرة: ١٦٣-١٦٤].. و آیه ٢٥٥ آیه الكرسی. و سه آیهی آخر سورهی بقره: آیهی ٢٨٤ و ٢٨٥ و ٢٨٦ الْبَقَرَةِ. و یک آیهی اول سورهی آل عمران و آیهی ١٨

سوره ای آل عمران: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ۱۸]. و آیهی ۵۴ سورهی اعراف: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [الاعراف: ۵۴].. و آیهی از سورهی مؤمنون، آخر سوره: ﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ﴾ [المؤمنون: ۱۱۶]. و آیهی ۳ سورهی جن: ﴿وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا﴾ [الجن: ۳].. و ده آیه از اول سورهی صفات. و سه آیهی آخر سورهی حشر. و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾.

امام نووی فرمود که علمای لغت گفته اند: لَمَم، نوعی جنون و دیوانگی است.

«وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ يَسْنَادٌ صَحِيحٌ عَنْ خَارِجَةَ بِنِ الصَّلْتِ عَنْ عَمِّهِ (علاقة بن صُحَار) قَالَ أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَأَسْلَمْتُ ثُمَّ رَجَعْتُ فَمَرَرْتُ عَلَى قَوْمٍ عِنْدَهُمْ رَجُلٌ مَجْنُونٌ مُوثِقٌ بِالْحَدِيدِ. فَقَالَ أَهْلُهُ: إِنَّا حَدَّثْنَا أَنَّ صَاحِبَكَ هَذَا قَدْ جَاءَ بِخَيْرٍ، فَهَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ تُدَاوِيهِ؟ فَرَفَيْتُهُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَبَرَأَ، فَأَعْطُونِي مِائَةَ شَاةٍ، فَأَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَأَخْبَرْتُهُ، فَقَالَ: هَلْ إِلَّا هَذَا؟! فِي رِوَايَةٍ: هَلْ قُلْتَ غَيْرَ هَذَا؟! قُلْتُ: لَا، قَالَ: خُذْهَا فَلَعَمْرِي لَمَنْ أَكَلَ بِرُفْيَةٍ بَاطِلٍ لَقَدْ أَكَلَتْ بِرُفْيَةٍ حَقٌّ». «علاقة بن صحار گفت: «آدم خدمت پیغمبر ﷺ و مسلمان شدم. پس از آن برگشتم به خانه و دیار خود، در راه برگشتن گذرم افتاد بر مردمی که نزدشان مردی دیوانه بود که به آهن بسته شده بود. خویشان دیوانه گفتند که به ما خبر داده اند که دوست (یعنی رسول الله ﷺ) خیر و خوشی آورده) آیا نزد تو چیزی که مایه‌ای درمان او باشد هست؟ من سورهی فاتحه بر دیوانه خواندم و بهبود یافت. و صد گوسفند به من دادند. من به خدمت پیغمبر ﷺ آمدم و او را از ماجرا باخبر ساختم. فرمود: «آیا غیر از فاتحه، خوانده‌ای بر بیمار؟» گفتم: نه. فرمود: «بگیر آنچه به تو داده اند از صد گوسفند که اگر کسی به رقیه و خواندن باطل مزد گرفته، تو بر رقیه و حق مزد گرفته‌ای».

«وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيْنِيِّ بَلْفِظٍ آخِرٍ، وَهِيَ رِوَايَةُ أُخْرَى لِأَبِي دَاوُدَ، قَالَ فِيهَا عَنْ خَارِجَةَ عَنْ عَمِّهِ قَالَ أَقْبَلْنَا مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأَتَيْنَا عَلَى حَيٍّ مِنَ الْعَرَبِ فَقَالُوا: عِنْدَكُمْ دَوَاءٌ، فَإِنَّ عِنْدَنَا مَعْتُوها فِي الْقَبُودِ، قَالَ فَجَاءُوا بِمَعْتُوهِ فِي الْقَبُودِ، فَقَرَأْتُ عَلَيْهِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً أَجْمَعُ بُزَاقٍ ثُمَّ أَتْفُلُ، فَكَأَنَّمَا نُشِطُ مِنْ عِقَالٍ،

فَأَعْطُونِي جُعْلًا، فَقُلْتُ: لَا، فَقَالُوا: سَل رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ: كُلْ فَلَعَمْرِي مَنْ أَكَلَ بِرُقِيَّةٍ بَاطِلٍ لَقَدْ أَكَلَتْ بِرُقِيَّةً حَقًّا! قلت: هذا العم اسمه علاقة بن صُحار وقيل اسمه عبد الله». «در روایت دیگر ابوداود خارجه از عمویش روایت نمود که گفت: «ما از نزد پیغمبر ﷺ برمی‌گشتیم عبورمان افتاد بر قبیله‌ای از عرب. به ما گفتند: نزد شما دوایی هست. ما دیوانه‌ای داریم که در قید است. دیوانه را آوردند. من سه روز بامداد و شام سوره‌ی فاتحه بر او می‌خواندم. آب دهنم جمع می‌کردم و بر او می‌انداختم. چنان بهبود یافت که گویی از پای‌بند رهایی یافته است. مزدی به من دادند. گفتم: نمی‌گیرم. گفتند: از پیغمبر ﷺ بپرس. از پیغمبر ﷺ پرسیدم، مزدی که در برابر خواندنم بر دیوانه به من دادند، بگیرم؟ فرمود: «بخور، یعنی بگیر از آنها و گوشتش بخور که اگر مردمی مزد رقیه‌ی باطل گرفته اند، تو گوشت مزدی خورده‌ای که به رقیه‌ای حق به دست آورده‌ای».

رقیه: دعایی که بر بیمار می‌خوانند. نووی رحمه الله فرمود: عمومی خارجه نامش علاقة بن صُحار است. «وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ﷺ أَنَّهُ قَرَأَ فِي أُذُنِ مَبْتَلِي فَأُفَاقَ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا قَرَأْتَ فِي أُذُنِهِ؟! قَالَ قَرَأْتُ: ﴿أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾ [المؤمنون: ۱۱۵]. حتی فرغ من آخر السورة (یعنی آیات ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ سورة المؤمنون) فقال: رسول الله ﷺ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا مُوقِنًا قَرَأَهَا عَلَى جَبَلٍ لَزَالَ. «ابن مسعود رحمه الله در گوش مبتلا به جنون خواند و به هوش آمد. رسول الله ﷺ به او فرمود: «چه خواندی در گوش او؟» گفت: این چند آیه از آخر سوره‌ی مؤمنون: ﴿أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۵]. تا آخر خواندم در گوش او. رسول الله ﷺ فرمود: اگر مرد مؤمنی که یقین به عظمت قرآن دارد این آیات را بر کوه می‌خواند کوه از جای خود کنده می‌شد».

«باب ما يعوذ به الصبيان وغيرهم»

بابی است در بیان تعویذی که بر کودکان و غیر از آنان خوانده می‌شود

«رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ ﷺ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَعُوذُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ: أُعِيدُكُمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ! قلت: قال العلماء: الهامة بتشديد الميم وهي كل ذات سم كالحية وغيرها والجمع الهوام.

وقد يقع الهوام علي ما يدب من الحيوان وان لم يقتل كاللحشرات ومنه حديث كعب بن عجرة رضي الله عنه أَيُؤْذِيكَ هَوَامُّ رَأْسِكَ؟! أي القمل. وأمّا العين اللامة بتشديد الميم: وهي التي تصيب ما نظرت إليه بسوء». «عبدالله بن عباس رضي الله عنه فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله تعویذ امام حسن و امام حسی علیهما السلام می فرمود به این کلمات: أُعِيدُ كَمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٍ: شما دوتا را پناه می دهیم به کلمات الله التامة از شر هر شیطانی و از شر هر خزنده ی زهر آگینی مثل مار، کژدم و از هر چشم بدی». چشم شور که به بدنظریش به هر چیزی که چشم زد او را دچار مصیبت می کند. نووی فرمود: هامة: هر حیوان زهر داری مثل مار، کژدم.

و جمع هامة: هوام است و گاه است که هوام به حشره های غیر زهری اطلاق می شود مثل شپش، چنانکه کعب بن عجرة که او را به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آوردند در حالی که شپش بر رویش می ریخت. رسول الله صلی الله علیه و آله به او فرمود: «آیا این هوام سرت تو را می آزارند؟» و آنگاه اجازه داد تا سر او را بتراشند و فدیة بدهند. و عین لامة: هر چشم بدی است که به هر چیز نظر بد افکند او را دچار مصیبت می کند چنانکه گفته اند: دچار آتش بشود و دچار چشم بد نشود. و چشم بد را چشم سیاه و چشم شور نیز می نامند. و در حدیث است: «إِنَّ الْعَيْنَ لَتَدْخُلَ الرَّجُلَ الْقَبْرَ وَالْجَمَلَ الْقَدْرَ» «چشم بد شخص چشم زده را به قبر می رساند و شتر چشم زده را به دیگ می رساند».

و این است آخر شرح قسمت اول کتاب بی نظیر «الأذکار» تألیف امام نووی رحمته الله. در شهر دبی امارات عربیة المتحدة، ساعت ۱۱:۵۰ بعد از ظهر روز شنبه چهاردهم شوال ۱۴۲۵ هجری من الله علینا بقبوله ونشره.

«وَفِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ». «دو کلمه بر زبان سبکند و در ترازوی حسنات سنگینند و نزد خدا محبوبند: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ».

وصلی الله وسلم وبارک علی عبده ورسوله سیدنا محمد وآله وصحبه والصالحین. وآخر

دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

پایان قسمت اول